

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال دوازدهم، شماره ۴۳، بهار ۱۴۰۱

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
امید پورحیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
حمید پورجلالی	دانشگاه هاوایی ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
علی رحمانی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
ذبیح اله رضایی	دانشگاه ممفیس ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید بهشتی	استاد	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
بیبا مشایخی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
سعید همایون	دانشگاه گاول سوئد	دانشیار	حسابداری
حسن یزدی فر	دانشگاه سالفورد انگلستان	استاد	حسابداری

مدیر اجرایی: اعظم پاک خصال

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

صفحه آرا: مرضیه حسن زاده علی آبادی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

این فصلنامه با همکاری انجمن حسابداری مدیریت ایران به چاپ می رسد.

خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایش، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن Zar B با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۱-۲. **صفحهٔ جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبهٔ علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شمارهٔ تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبهٔ علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحهٔ اول مقاله:** عنوان و چکیدهٔ مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوهٔ استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحهٔ دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارندهٔ موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینهٔ (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۰ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- ۱..... بررسی رابطه بین گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران و سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران.....
فرزانه یوسفی اصل، نجمه حاجیان، محبوبه صفری خالکیاسری
- ۲۷..... مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش آفرینی نقدی با تأکید بر نقش تعدیلی استراتژی کسب و کار.....
لیلا اسدی، سید علی واعظ، علیرضا جرجرزاده، احمد کعب عمیر
- ۶۹..... فراتحلیل آمار توصیفی متغیرها در مجلات حسابداری.....
علی رحمانی، فاطمه گرامی راد، مهناز محمودخانی
- نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط (SMEs)
از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی.....
محمد رضا بهمنش، محمد رضا عباس زاده، بهزاد کاردان
- ۱۲۳..... ارائه الگوی پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه در ایران: با تأکید بر گزارشگری و نظارت.....
غلامرضا کرمی، سلمان بیک بشرویه
- ۱۴۱..... بررسی سیکل تناوبی بیوریتیمیک شاخشی در کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسان.....
محمدحسین سنگانی، محمدرضا عبدلی، حسن ولیان
- ۱۷۳..... واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان.....
هانیه حکمت، وحید حیدر زاده خلیفه کندی، شکوفه علیزاده
- ۱۹۵..... تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات مالی.....
نازنین بشیری منش، زهرا حاجی زاده، سعید قبادی
- ارائه الگوی اثر درجه شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارزش‌گذاری
عرضه عمومی اولیه سهام.....
محمدرضا هوشیار، رویا دارابی، میرفیض فلاح
- ۲۲۵..... شناسایی مولفه‌های گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی در ایران.....
ساسان مهرانی، محمد مرادی، شاهپور اسماعیلی

بررسی رابطه بین گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران و سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران^۱

فرزانه یوسفی اصل^۲، نجمه حاجیان^۳، محبوبه صفری خالکیاسری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

مقاله پژوهشی

چکیده

شواهد حاکی از آن است که قضاوت‌های سرمایه‌گذاران برای تعیین ارزش سهام مبتنی بر تصورات ذهنی و اطلاعات غیرعلمی و شرایط روانی و احساسی در بورس می‌باشد. برخی از پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که مدیران نیز ممکن است؛ هنگام پیش‌بینی سود در افق زمانی نسبتاً طولانی با وجود داشتن مزیت اطلاعاتی نسبت به سایرین، در مورد عملکرد شرکت خود، تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران قرار گیرند. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی رابطه بین گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران و سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران است. به منظور دستیابی به این هدف سه فرضیه تدوین شد که جهت آزمون این فرضیه‌ها، نمونه‌ای متشکل از ۱۶۵ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ انتخاب گردید و مدل رگرسیونی چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی بکار برده شد. نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که احساسات سرمایه‌گذار رابطه منفی و معناداری با سوگیری در پیش‌بینی سود سالانه توسط مدیریت دارد؛ علاوه بر این بر طبق نتایج پژوهش، پیش‌بینی‌های سود سالانه مدیران، در دوره‌های زمانی خوش‌بینی سرمایه‌گذاران، خوش‌بینانه‌تر نیست؛ اما در دوره‌های زمانی بدبینی سرمایه‌گذاران، خوش‌بینانه است. اما بین احساسات سرمایه‌گذار و پیش‌بینی‌های مدیران در شرکت‌های دارای عدم اطمینان بالاتر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران، سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران، عدم اطمینان.

طبقه‌بندی موضوعی: G02, M41

10.22051/JERA.2021.27994.2523 :DOI

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و امور مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (yusefiasl@gmail.com).

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و امور مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، (hajiyajyan.najmeh@gmail.com).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و امور مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، (mahboubess@yahoo.com).

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

سود یکی از اقلام مهم و اصلی صورت‌های مالی است که توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را به خود جلب می‌کند؛ سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان شرکت، تحلیل‌گران، دولت و دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از سود به عنوان مبنایی جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعطای وام، سیاست پرداخت سود، ارزیابی شرکت‌ها، محاسبه مالیات و سایر تصمیمات مربوط به شرکت استفاده می‌کنند. اطلاعات ارائه شده توسط شرکت و در نتیجه سود، مبتنی بر رویدادهای گذشته شرکت است؛ اما سرمایه‌گذاران، نیازمند اطلاعاتی راجع به آینده شرکت می‌باشند. یکی از دیدگاه‌های موجود در این زمینه، ارائه اطلاعات صرفاً تاریخی و جاری توسط واحد تجاری است؛ البته به نحوی که سرمایه‌گذاران بتوانند؛ خود پیش‌بینی‌های مربوط به آینده را انجام دهند؛ دیدگاه دیگر آن است که مدیریت با در دست داشتن منابع و امکانات به انجام پیش‌بینی‌های قابل اعتناء پردازد و با انتشار عمومی این پیش‌بینی‌ها، کارایی بازارهای مالی را افزایش دهد (مشایخ و شاهرخی، ۱۳۸۶). پیش‌بینی سود توسط مدیریت می‌تواند؛ به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان جهت دستیابی به مقاصد مانند ارزیابی قدرت سودآوری واحد تجاری، پیش‌بینی سود آتی، برآورد ریسک سرمایه‌گذاری در واحد تجاری، برآورد ریسک وام‌دهی به واحد تجاری کمک نماید (محمدیان و همکاران، ۱۳۸۹). پژوهش‌های متعددی در زمین محتوای اطلاعاتی پیش‌بینی سود مدیران وجود دارد که بر مربوط بودن سود پیش‌بینی شده و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تأکید دارند. در پژوهش‌های موجود در ادبیات، عواملی که منجر به دقت پیش‌بینی سود می‌شوند؛ از تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به متغیرهای مالی و غیرمالی تقسیم‌بندی کرد. آنچه از بررسی پژوهش‌های پیشین (بیر و دای؛ ۲۰۱۲، میرکیو؛ ۲۰۰۹، چن؛ ۱۹۹۶، مشایخ و شاهرخی؛ ۱۳۸۶ و ...) بر می‌آید؛ آن است که دقت پیش‌بینی سود شرکت‌ها (معکوس خطای پیش‌بینی) متأثر از عوامل متعددی همچون، اندازه، طول عمر، دوره پیش‌بینی، اهرم مالی، دفعات تجدیدنظر، گزارش حسابرس، حضور در تالار اصلی یا فرعی و نوع صنعت، سود یا زیان ده بودن شرکت می‌باشد (ملکیان و همکاران، ۱۳۸۹). برخی از پژوهش‌ها (شعری و همکاران؛ ۱۳۹۸، هورویتز؛ ۲۰۱۷ و براون و همکاران؛ ۲۰۱۲)، نیز بر ویژگی‌های رفتاری مانند شهرت طلبی مدیران، بیش‌اعتمادی آنان و احساسات سرمایه‌گذار و ... به عنوان عوامل مؤثر بر دقت پیش‌بینی سود مدیران تأکید می‌نمایند.

گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران، میزان خوش‌بینی و بدبینی سهامداران نسبت به یک سهام می‌باشد و معمولاً به علت مشکل در ارزش‌گذاری شرکت‌ها رخ می‌دهد که منجر به تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر قضاوت‌های ذهنی می‌شود (حیدرپور و همکاران، ۱۳۹۲). شواهد پیشین نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران حساس به احساسات هستند و می‌توانند انتظارات درآمدی بیش از حد خوش‌بینانه یا بدبینانه داشته باشند (برگ من و همکاران، ۲۰۰۸). شرکت‌ها معمولاً در پایان هر سال مالی، بودجه سال آینده خود را منتشر می‌کنند. یکی از مهم‌ترین اطلاعات مندرج در بودجه شرکت‌ها، پیش‌بینی مقدار سود هر سهم آنان است. از طرفی اگرچه مدیران مزیت اطلاعاتی نسبت به افراد بیگانه در مورد شرکت‌های خود دارند؛ عملکرد آن‌ها از تعصبات رفتاری مصون نیست. بنابراین انتظار می‌رود؛ مدیران، مانند سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران به احساسات حساس باشند و پیش‌بینی‌های مدیران از سود سالانه شرکت‌های خود، تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران باشد (هورویتز، ۲۰۱۷). هریبار و مک اینیس (۲۰۱۲) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که پیش‌بینی سود تحلیل‌گران در دوره‌های با احساسات خوش‌بینانه، خوش‌بینانه‌تر است و پیش‌بینی درآمد مورد انتظار آتی شرکت‌ها احتمالاً بصورت ناخواسته تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرد. در مقایسه با تحلیل‌گران، مدیران، اطلاعات محرمانه در مورد عملکرد شرکت‌های خود دارند؛ بنابراین ممکن است؛ به هنگام پیش‌بینی سود، کمتر تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران قرار گیرند (هورویتز، ۲۰۱۷). بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چه رابطه‌ای بین گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران و سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران وجود داشته و این رابطه در شرایط عدم اطمینان چگونه است.

مبانی نظری پژوهش

به عقیده مه چن لین (۲۰۱۰) شواهد حکایت از آن دارد که سرمایه‌گذاران برای تعیین ارزش سهام از روش‌های کمی استفاده نمی‌کنند. قضاوت‌های آن‌ها مبتنی بر تصورات ذهنی و اطلاعات غیرعلمی و شرایط روانی و احساسی در بورس است. متغیرهای احساسی که بر اساس محدودیت‌های شناختی شکل می‌گیرند؛ شرایط روانی فعالان بازار بورس را مورد بررسی قرار می‌دهند (حیدرپور و همکاران، ۱۳۹۲). مالی رفتاری یکی از مطالعاتی است که در این زمینه به سرعت گسترش یافته است و به بررسی فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و عکس‌العمل آن‌ها نسبت به شرایط مختلف بازارهای مالی می‌پردازد و تأکید آن بیشتر به تأثیر احساسات،

شخصیت، فرهنگ و قضاوت‌های سرمایه‌گذاران بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری می‌باشد (شهرآبادی و یوسفی، ۱۳۸۶). ادبیات مالی رفتاری شواهدی را ارائه می‌دهد که مدیران نیز از تمایلات رفتاری مصون نیستند و عقاید شخصی و تعصباتی مانند اعتماد به نفس بیش از حد خود را به گونه‌ای نشان می‌دهند. در این ادبیات، احساسات سرمایه‌گذاران خوش‌بینی یا بدبینی نسبت به سهام به طور کلی یا انحراف اعتقادات سرمایه‌گذاران درباره عملکرد آتی شرکت از ارزش‌های بنیادی تعریف شده است. شرکت‌های تأمین سرمایه، منابع قابل توجهی را به پژوهش‌های اقتصاد کلان اختصاص می‌دهند. با دسترسی به متخصصان اقتصاد کلان، احتمالاً تحلیل‌گران، در شناسایی احساسات سرمایه‌گذاران، مزیت اطلاعاتی دارند و بنابراین در پیش‌بینی سود هدفمندتر هستند. شواهد سوگیری غیرعمدی در پیش‌بینی‌های سود تحلیل‌گران (برای مثال در پژوهش هرپار و مک اینیس، ۲۰۱۲ و ...) که ناشی از احساسات سرمایه‌گذاران است؛ نشان می‌دهد که مدیران نیز به هنگام پیش‌بینی سود سالانه در اوایل سال، می‌توانند؛ تحت تأثیر این نوع احساسات قرار گیرند. سوگیری اسنادی^۱ در دوره‌هایی که سرمایه‌گذاران خوشبین هستند؛ موجب می‌شود؛ مدیران، میزان مشارکت خود در عملکرد خوب سهام شرکت‌ها را بیش از حد ارزیابی کنند و به عملکرد آینده شرکت اطمینان بیشتری پیدا کنند. در نتیجه، ممکن است؛ مدیران با افزایش احساسات خوش‌بینانه سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی‌های خوشبینانه‌تری از سود سالانه ارائه نمایند. این نتیجه‌گیری با این دیدگاه که مدیران در امور اقتصاد کلان متخصص نیستند؛ سازگار است؛ برای مثال باتلر و همکاران (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند؛ مدیران نمی‌توانند؛ صعود و رکود بازار یا نوسانات منحنی‌های عملکرد در هنگام تصمیم‌گیری در مورد انتشار اوراق بدهی یا انتشار سرمایه جدید را با موفقیت پیش‌بینی کنند. گرینوود و شلیفر (۲۰۱۴) نیز به این نتیجه رسیدند که مدیران توانایی بیشتری از سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی آتی بازده بازار سهام ندارند (هورویتز، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش انجام‌شده توسط هورویتز (۲۰۱۷) نیز نشان می‌دهد که مدیران، هنگام پیش‌بینی سود در افق زمانی نسبتاً طولانی با وجود داشتن مزیت اطلاعاتی نسبت به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در مورد عملکرد شرکت خود، تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند (هورویتز، ۲۰۱۷). بنابراین و با توجه به مبانی نظری عنوان شده فرضیه اول پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شود:

" فرضیه اول: احساسات سرمایه‌گذار رابطه مثبت معناداری با سوگیری در پیش‌بینی سود سالانه توسط مدیریت دارد."

ارتباط بین سوگیری پیش‌بینی مدیریت و احساسات سرمایه‌گذاران را می‌توان به سوگیری غیر عمدی یا سوگیری فرصت‌طلبانه نسبت داد. اگر مدیران متمایل باشند تا به صورت فرصت‌طلبانه از احساسات سرمایه‌گذاران استفاده نموده و قیمت سهام را تحت تأثیر قرار دهند؛ می‌توانند؛ پیش‌بینی‌های خوش بینانه‌ای را برای حفظ یا افزایش قیمت سهام در طول دوره‌های خوش‌بینی سرمایه‌گذاران ارائه دهند. با این وجود، تمایلات فرصت‌طلبانه و تمایلات رفتاری می‌تواند؛ در طی دوره‌های بدبینی سرمایه‌گذاران به پیش‌بینی‌های متفاوتی منجر گردند. میان و سانکاراگروس و امی (۲۰۱۲) دریافتند؛ حساسیت قیمت سهام به اخبار منفی در دوره‌های زمانی بدبینی سرمایه‌گذاران نسبت به دوره‌های زمانی دیگر بیشتر احساس می‌شود؛ پس اگر مدیران فرصت‌طلب بدنبال تأثیرگذاری بر قیمت سهام باشند؛ پیش‌بینی‌های سودآورتری را برای رفع نگرانی سرمایه‌گذاران بدبین و افزایش قیمت سهام در دوره‌های بدبینی سرمایه‌گذاران ارائه می‌کنند. بنابراین، اگر مدیران فرصت‌طلب باشند؛ در دوره‌های بدبینی سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی‌های بدبینانه‌تری ارائه نمی‌دهند. با این حال، اگر مدیران حساس به احساسات سرمایه‌گذار بوده و قصد فرصت‌طلبی نداشته باشند؛ به عملکرد آینده شرکت‌ها اعتماد کمتری خواهند داشت و بنابراین در دوره‌های زمانی بدبینی، پیش‌بینی‌های بدبینانه‌تری ارائه می‌کنند (سکینز و سلوان، ۲۰۱۲). بنابراین فرضیه دوم پژوهش در راستای فرصت‌طلبی مدیران به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

" فرضیه دوم: پیش‌بینی‌های سود سالانه مدیران، در دوره‌های خوش‌بینی و در دوره‌های بدبینی سرمایه‌گذاران خوش‌بینانه است."

هورویتز (۲۰۱۷) معتقد است؛ بطور معمول در شرایط عدم اطمینان، پیش‌بینی درآمد توسط مدیران بسیار مشکل است. در راستای این انتظار، پژوهش‌های پیشین (کیو و ولج؛ ۲۰۰۶، بیکر و ورگلر؛ ۲۰۰۶، سبیرت و یانگ؛ ۲۰۱۲ و ...) شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد؛ تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر ارزش‌گذاری سهام در شرایط عدم اطمینان بسیار قوی‌تر است. همچنین بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین، زمانی که سرمایه‌گذاران خوشبین هستند؛ پیش‌بینی سود تحلیل‌گران در افق بلندمدت در شرایط عدم اطمینان خوش‌بینانه‌تر است (هورویتز، ۲۰۱۷). بنابراین فرضیه سوم پژوهش به شرح ذیل توسعه می‌یابد:

" فرضیه سوم: رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و پیش‌بینی‌های مدیران در شرکت‌های دارای عدم اطمینان بیشتر، بزرگ‌تر و قوی‌تر است "

در این پژوهش کوشش شد تا شواهدی در راستای رابطه بین پیش‌بینی‌های سود سالانه توسط مدیریت و احساسات سرمایه‌گذاران ارائه شود؛ و از اولین پیش‌بینی سود سالانه توسط مدیریت استفاده شد؛ چرا که مدیران در مواجهه با پیش‌بینی سودهای با افق نسبتاً طولانی در معرض عدم اطمینان بیشتر و در نتیجه تردید بیشتر سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند. بنابراین، در چنین شرایطی مدیران به احتمال زیاد تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند. هورویتز (۲۰۱۷) معتقد است؛ مدیران انگیزه‌هایی برای حفظ یا افزایش قیمت سهام با توجه به نگرانی‌های مربوط به امنیت شغلی و جبران خسارت دارند؛ بنابراین پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تر در دوران خوش‌بینی می‌تواند؛ به فرصت‌طلبی مدیریتی منجر شود. بنابراین این پژوهش به صورت جداگانه دوره‌های خوش‌بینی و بدبینی سرمایه‌گذاران را مدنظر قرار داد تا شواهد معتبرتری در خصوص رابطه بین پیش‌بینی‌های مدیریت و احساسات سرمایه‌گذاران ارائه کند.

پیشینه تجربی پژوهش

اسکو و فخاری (۱۳۹۹) به ارائه مدلی برای سنجش سوگیری پیش‌بینی سود مدیریت اقدام نمودند. در این پژوهش کوشش شد تا شاخص ترکیبی جامعی برای اندازه‌گیری سوگیری پیش‌بینی سود مدیریت ارائه شود. بنابراین با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره بهترین-بدترین شاخص‌های انفرادی متعدد موجود در ادبیات حسابداری و مالی را به روش نظرسنجی از خبرگان ترکیب شده و شاخص جامعی برای اندازه‌گیری سوگیری پیش‌بینی سود مدیریت استخراج گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص ترکیبی مذکور شامل معیارهای همچون خطای پیش‌بینی سود مدیریت دوره جاری و دوره قبل، کل ارقام تعهدی دوره جاری و دوره قبل، تغییرات پاداش مدیریت و تغییرات جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی بوده است؛ که در بین این معیارها، از نظر خبرگان، خطای پیش‌بینی سود مدیریت دوره قبل بدترین معیار و تغییرات پاداش مدیریت بهترین معیار برای سنجش سوگیری پیش‌بینی سود مدیریت است. همچنین ارزیابی شاخص ترکیبی به‌دست آمده نشان می‌دهد که قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بالاتری را نسبت به معیارهای انفرادی دارد.

شعری و همکاران (۱۳۹۸) به ارائه مدل نوین سنجش بیش‌اطمینانی مدیریت و پیش‌بینی‌های سود: روش گشتاورهای تعمیم یافته پرداختند؛ نتایج این پژوهش، حاکی از آن است که بیش-اطمینانی مدیران عامل شرکت‌ها اثر مثبت و معناداری بر خطای پیش‌بینی سود دارد؛ به نحوی که مدیران بیش‌مطمئن سود پیش‌بینی‌شده را بیشتر از سود واقعی برآورد می‌نمایند.

شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی تأثیر متغیرهای رفتاری اطمینان بیش‌ازحد مدیریت، رفتار توده‌وار و گرایش احساسی سرمایه‌گذاران بر بازده سهام پرداختند. شواهد و نتایج تجربی پژوهش نشان داد که متغیرهای رفتاری موردبررسی در پژوهش، تأثیر معکوس و معناداری بر بازده سهام شرکت‌ها دارند. به این صورت که با افزایش میزان اطمینان بیش‌ازحد مدیران، رفتار توده‌وار سرمایه‌گذاران و همچنین گرایش احساسی سرمایه‌گذاران، بازدهی سهام کاهش می‌یابد.

شکر خواه و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به دنبال پاسخ به این سؤال بودند که آیا سطح شفافیت شرکتی بر میزان خوش‌بینی و بدبینی سرمایه‌گذاران نسبت به قیمت سهام که معمولاً به علت مشکل در ارزش‌گذاری شرکت‌ها رخ می‌دهد؛ تأثیر دارد یا نه؟ یافته‌های این پژوهش اهمیت شفافیت شرکتی در کاهش تأثیر گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران بر قیمت سهام را مورد تأیید قرار می‌دهد.

غلامعلی پور و ثقفی (۱۳۹۱) به بررسی محتوای اطلاعاتی پیش‌بینی‌های سود، تکرار سوگیری در ارائه پیش‌بینی‌ها و عوامل مؤثر بر خطای پیش‌بینی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از تأثیرگذاری پیش‌بینی‌های ارائه‌شده (دارای خبر مثبت یا منفی) بر قیمت سهام می‌باشد؛ به نحوی که علاوه بر تغییرات سود پیش‌بینی شده سال آتی نسبت به آخرین پیش‌بینی سود سال جاری، دقت پیش‌بینی‌های ارائه شده برای سال جاری نیز با بازده هفت روزه حوالی زمان ارائه پیش‌بینی سال آتی رابطه دارد. سرمایه‌گذاران به پیش‌بینی‌های جدید آن گروه از شرکت‌هایی که در دو دوره اخیر، پیش‌بینی‌های آنها محقق شده است؛ واکنش بیشتری نشان می‌دهند. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ مدیرانی که در دوره جاری بازده دارایی‌های بالایی داشته‌اند؛ با فرض تکرار این عملکرد، برای دوره بعد پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه ارائه می‌کنند. در نهایت بررسی عوامل مؤثر بر خطای پیش‌بینی سال آتی نشان دهنده رابطه مثبت بین متغیرهای سطح اقلام تعهدی سرمایه در گردش و خطای آخرین پیش‌بینی سال جاری با خطای پیش‌بینی سال آتی و رابطه منفی بین درصد سرمایه‌گذاران نهادی با خطای پیش‌بینی سال آتی می‌باشد.

گنگ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سوگیری پیش‌بینی سود مدیران، کنترل‌های داخلی و خطر سقوط قیمت سهام پرداختند؛ نتایج پژوهش این پژوهش‌گران نشان داد؛ سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران رابطه مثبت و معناداری با خطر سقوط قیمت سهام دارد و این خطر عمدتاً در پیش‌بینی خوش‌بینانه وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان دادند؛ سطح بالاتر کنترل‌های داخلی می‌تواند؛ سوگیری در پیش‌بینی سود مدیران و بنابراین خطر سقوط قیمت سهام را کاهش دهد.

وو و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "سوگیری خوش‌بینانه‌ی پیش‌بینی سود توسط تحلیل‌گران" به بررسی تأثیر عوامل غیرمنطقی (احساسات سرمایه‌گذار) بر روی سوگیری در پیش‌بینی تحلیل‌گران و تأثیر عوامل منطقی (تضاد منافع) بر رابطه بین سوگیری پیش‌بینی و گرایش‌های احساسی پرداخته است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد؛ گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران تأثیر مثبت قابل توجهی بر سوگیری پیش‌بینی تحلیل‌گران دارد. این تأثیر با وجود کنترل عوامل منطقی بازمی‌ماند. علاوه بر این احساسات سرمایه‌گذار به‌ویژه تأثیر قابل توجهی بر سوگیری پیش‌بینی تحلیل‌گرانی دارد که دارای تضاد منافع هستند؛ خصوصاً کسانی که دارای روابط کمیسیونی هستند. یعنی هرچه روابط کمیسیونی قوی‌تر باشد؛ سوگیری پیش‌بینی تحلیل‌گران افزایش می‌یابد.

هورویتز (۲۰۱۷) در پژوهش خود تحت عنوان "ارتباط بین گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران و سوگیری در پیش‌بینی سود مدیریت" شواهدی ارائه می‌کند که بیان می‌دارد؛ پیش‌بینی خوش‌بینانه سود توسط مدیران با احساسات سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ در دوره‌های زمانی بدبینی سرمایه‌گذاران نسبت به دوره‌های عادی، مدیران در پیش‌بینی سود سالانه بدبین‌تر هستند؛ همچنین رابطه قوی بین پیش‌بینی سود مدیریت و احساس سرمایه‌گذاران برای شرکت‌هایی با شاخص عدم اطمینان بیشتر وجود دارد.

هریبار و مک اینیس (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین خطای پیش‌بینی سود تحلیل‌گران و احساسات سرمایه‌گذاران پرداختند؛ پژوهش‌گران در این پژوهش دریافتند که وقتی سرمایه‌گذاران خوش‌بین باشند؛ پیش‌بینی تحلیل‌گران از درآمد یکسال آینده و رشد سود بلندمدت، برای شرکت‌هایی که ابهام بالایی دارند و یا ارزش‌گذاری آنها دشوارتر است؛ نسبتاً خوش‌بینانه‌تر از سایر شرکت‌هاست.

همانطور که ملاحظه شد؛ پژوهش‌های پیشین کوشیده‌اند تا ابعاد و آثار مختلف قضاوت‌های سرمایه‌گذاران را که مبتنی بر شرایط روانی و احساسی آنهاست؛ ارزیابی کنند. همچنین در پژوهش‌های پیشین تلاش شده است؛ تا مدل‌های مختلفی برای سنجش سوگیری پیش‌بینی سود مدیران ارائه شود؛ اما بر مبنای جستجوهای پژوهشگران، رابطه بین احساسات سرمایه‌گذاران با پیش‌بینی سود مدیران، جزء حلقه‌های مفقوده‌ای است که تاکنون مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است. بنابراین، این پژوهش جزء نخستین پژوهش‌هایی است که به رابطه بین سوگیری پیش‌بینی سود مدیران و احساسات سرمایه‌گذاران می‌پردازد و احتمال غیرعمدی بودن یا فرصت‌طلبانه بودن این ارتباط را بررسی می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر فلسفه از نوع اثباتی، از منظر منطق اجرا، یک پژوهش قیاسی-استقرایی، از نظر هدف از نوع توضیحی، از منظر فرآیند اجرا (نوع داده‌ها) یک پژوهش کمی، از منظر بُعد زمانی، یک پژوهش طولی-گذشته‌نگر (پس رویدادی) و از منظر روش گردآوری داده‌ها از نوع آرشویی است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی پژوهش از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا نهم دی ماه ۱۳۹۶ که اطلاعات پیش‌بینی سود در دسترس بود؛ به مدت ۷ سال (با توجه به استفاده از اولین پیش‌بینی سهام در این پژوهش، سایر داده‌ها تا انتهای سال مدنظر قرار گرفتند) می‌باشد. بنابراین با در نظر گرفتن شرایط زیر جامعه محدود و هدفمند پژوهش به دست می‌آید که این جامعه به عنوان نمونه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱. شرکت‌های مورد نظر از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۶ عضو بورس اوراق بهادار تهران باشند.
۲. به منظور رعایت قابلیت مقایسه‌پذیری، سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.
۳. معاملات سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
۴. طی دوره مورد بررسی، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۶۵ شرکت انتخاب شدند.

مدل و متغیرهای پژوهش

به پیروی از هورویتز (۲۰۱۷) الگوی اول پژوهش برای آزمون فرضیه اول به شرح ذیل است:

$$\text{Bias}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{Sentiment}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{MB}_{i,t} + \beta_4 \text{Instown}_{i,t} + \beta_5 \text{Volatility}_{i,t} + \beta_6 \text{Lagged_loss}_{i,t} + \beta_7 \text{CAR}_{90,-2,i,t} + \beta_8 \text{Horizon}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

Bias: سوگیری در پیش‌بینی سود توسط مدیریت

Sentiment: احساسات سرمایه‌گذار

Size: اندازه شرکت

MB: نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری

Instown: مالکیت نهادی

Volatility: انحراف معیار بازده سهام.

Lagged_loss: زیان‌دهی

CAR_{-90,-2}: بازده تجمعی غیرعادی

Horizon: به موقع بودن اعلام اولین پیش‌بینی

همچنین به پیروی از هورویتز (۲۰۱۷) الگوی دوم پژوهش برای آزمون فرضیه دوم به شرح ذیل است.

$$\text{Bias}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{Highsent}_{i,t} + \beta_2 \text{Lowsent}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{MB}_{i,t} + \beta_5 \text{Instown}_{i,t} + \beta_6 \text{Volatility}_{i,t} + \beta_7 \text{Lagged_loss}_{i,t} + \beta_8 \text{CAR}_{90,-2,i,t} + \beta_9 \text{Horizon}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

Highsent: احساسات خوش‌بینانه سرمایه‌گذار

Lowsent: احساسات بدبینانه سرمایه‌گذار

سایر متغیرها بیشتر معرفی شده‌اند؛ تعریف عملیاتی متغیرها در ادامه ارائه می‌گردد.

به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش، الگوی اول پژوهش به تفکیک برای شرکت‌های با عدم اطمینان بالا و پائین اجرا خواهد شد؛ که نحوه دستیابی به نمونه شرکت‌های یاد شده در ادامه به تفصیل عنوان خواهد شد.

متغیر وابسته: سوگیری در پیش‌بینی سود توسط مدیریت

برای اندازه‌گیری متغیر وابسته پژوهش یعنی سوگیری در پیش‌بینی سود مدیریت مطابق پژوهش هورویتز (۲۰۱۷) از رابطه زیر استفاده شد.

$$\text{Bias} = (\text{Management forecast} - \text{RE}) / \text{Share price}$$

که در این رابطه :

Management forecast = اولین پیش‌بینی سود هر سهم سال t توسط مدیریت.

RE = سود واقعی هر سهم شرکت در سال t

Share price = قیمت بازار هر سهم دو روز قبل از انتشار پیش‌بینی مدیریت.

متغیرهای مستقل: احساسات سرمایه‌گذار (Sentiment)

برای اندازه‌گیری احساسات سرمایه‌گذار مطابق پژوهش هورویتز (۲۰۱۷) از رابطه زیر استفاده شد.

$$\text{Sentiment} = \frac{\sum(\text{Rit} - \text{Rr})(\text{Riv} - \text{Rv})}{[\sum(\text{Rit} - \text{Rr})^2 \sum(\text{Riv} - \text{Rr})^2]^{\frac{1}{2}}}$$

که در این رابطه:

R_{it} = رتبه بازده ماهانه سهام شرکت i در ماه t که بیانگر منافع حاصل از سرمایه‌گذاری می‌باشد.

R_{iv} = رتبه نوسان‌پذیری تاریخی شرکت i در ماه که برای محاسبه نوسان‌پذیری تاریخی از میانگین انحراف معیار بازده سهام پنج ماه قبل استفاده می‌گردد.

R_r = میانگین رتبه بازده ماهانه سهام شرکت

R_v = میانگین رتبه نوسان‌پذیری سهام شرکت

این شاخص توسط جونز (۲۰۰۵) بسط داده شده است. استدلال آن‌ها برای استفاده از شاخص مذکور این است که تغییرات رفتار سرمایه‌گذاران به عنوان نیروی غالب در بازار بلادرنگ منجر به تغییرات قیمت سهام و بازده سهام می‌شود و این شاخص توانایی انعکاس اخبار وقایعی که

بازار را متأثر می‌سازد؛ را داراست. شاخص مذکور همان ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن است. اما به دلیل اینکه عکس‌العمل و احساسات سرمایه‌گذاران در مقابل ریسک و بازده شرکت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ رتبه‌ای که شرکت‌ها از این حیث به خود می‌گیرند؛ بر عدد مطلق ریسک و بازدهی ارجحیت دارد. شاخص مذکور در بازار سرمایه توسط حیدرپور و همکاران (۱۳۹۲)، نیکومرام و سعیدی (۱۳۸۷) برای اندازه‌گیری احساس سرمایه‌گذاران بکار گرفته شده است. در مقایسه با سایر شاخص‌ها به اطلاعات جامع‌تری از بازار برای اندازه‌گیری احساسات سرمایه‌گذاران می‌توان دست یافت (شعری و همکاران، ۱۳۹۵).

لازم به ذکر است که این متغیر در فرضیه دوم به دو متغیر احساسات دوره خوش‌بینی و احساسات دوره بدبینی سرمایه‌گذار تقسیم بندی شده است؛ بنابراین در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه دوم این متغیرها به پیروی از هورویتز (۲۰۱۷) به شرح ذیل هستند:

Highsent: یک متغیر موهومی (۰ و ۱) است و برابر است؛ با یک، اگر میزان احساسات سرمایه‌گذار در پنجم بالا (پنجک پنجم) شرکت‌های گروه باشد و در غیر این صورت صفر.

Lowsent: یک متغیر موهومی (۰ و ۱) است و برابر است؛ با یک اگر میزان احساسات سرمایه‌گذار در پنجم پایین (پنجک اول) شرکت‌های گروه باشد و در غیر این صورت صفر.

در این پژوهش برای آزمون فرضیه سوم پژوهش به پیروی از هورویتز (۲۰۱۷)، ابتدا نمونه به دو گروه شرکت‌های با عدم اطمینان کم و شرکت‌های با عدم اطمینان زیاد تقسیم شد و الگوی (۱) پژوهش را یک بار برای شرکت‌های دارای عدم اطمینان پایین و یک بار برای شرکت‌های دارای عدم اطمینان بالا در پیش‌بینی مدیریت برآورد شد و سپس نتایج با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

متغیر تعدیل گر

عدم اطمینان: در این پژوهش، به منظور آزمون فرضیه سوم و تفکیک شرکت‌های دارای عدم اطمینان بالا و پایین، از شاخص‌های عدم اطمینان مورد استفاده در ادبیات پیشین و نیز هورویتز (۲۰۱۷) مشتمل بر اندازه شرکت، سن شرکت، نوسان بازده ماهانه سهام، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و سیاست تقسیم سود استفاده شد.

سن شرکت عبارت است از فاصله بین ماه‌هایی که شرکت برای اولین بار در بورس وارد شده است تا تاریخ اولین پیش‌بینی سود توسط مدیریت در هر سال. نوسان بازده ماهانه سهام عبارتست

از انحراف معیار بازده روزانه سهام در طی هر ماه. در هر سال، شرکت‌های توزیع کننده سود، شرکت‌هایی هستند که در سال قبل از اعلام پیش‌بینی سود توسط مدیریت، سود نقدی پرداخت کرده باشند و سایر شرکت‌ها به عنوان شرکت‌هایی مدنظر قرار می‌گیرند که سود پرداخت نکرده‌اند. از آنجا که به پیروی از هوویتز (۲۰۱۷) متغیر احساسات سرمایه‌گذار به صورت ماهانه محاسبه شد؛ شرکت‌ها بر مبنای اندازه، سن، نوسان بازده ماهانه سهام و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ماهانه به شرکت‌های دارای عدم اطمینان بالا و پایین تقسیم‌بندی شد.

شرکت‌هایی که ویژگی‌های سن، اندازه و نوسان بازده سهام آن‌ها پایین‌تر از میانه نمونه باشد؛ به ترتیب به عنوان شرکت‌های کوچک، جوان و پرنوسان و شرکت‌هایی که سن، اندازه و نوسان بازده سهام آن‌ها بالای میانه نمونه باشد؛ به ترتیب به عنوان شرکت‌های بزرگ، بالغ و متعادل یا پایدار طبقه‌بندی می‌شوند.

بیکر و ورگلر (۲۰۰۶)، دریافتند که اثر احساسات سرمایه‌گذاران بر ارزیابی پرتفوهایی که بر مبنای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شکل گرفته‌اند؛ یو شکل است. بنابراین، مطابق پژوهش بکر و ورگلر (۲۰۰۶) از متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام چارک گرفته شد و شرکت‌هایی که در چارک‌های بالا و پایین باشند؛ به عنوان شرکت‌های بحرانی و شرکت‌هایی که در چارک‌های میانه باشند؛ به عنوان شرکت‌های متعادل طبقه‌بندی می‌شوند. بنابراین شرکت‌های با عدم اطمینان بالا شرکت‌هایی هستند که همزمان کوچک، جوان و پرنوسان بوده و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آن‌ها در منطقه بحرانی بوده و سود تقسیم نکرده باشند. هوویتز (۲۰۱۷) معتقد است که مدیران چنین شرکت‌هایی بیشتر تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی سود سالانه هستند. به همین ترتیب شرکت‌های دارای عدم اطمینان پایین، شرکت‌های بزرگ، باتجربه (بالغ) بوده و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آن‌ها در طبقه متعادل قرار گرفته و سود سالانه پرداخت می‌کنند. انتظار می‌رود؛ مدیران این شرکت‌ها کمتر تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی سود سالانه باشند. به منظور بررسی نقش عدم اطمینان در جهت‌گیری (سوگیری)‌های مدیریت در پیش‌بینی سود بر احساسات سرمایه‌گذاران، به پیروی از هوویتز (۲۰۱۷)، مدل آزمون فرضیه اول، برای شرکت‌های با عدم اطمینان بالا و پایین به طور جداگانه تخمین زده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

به پیروی از هوویتز (۲۰۱۷) متغیرهای کنترلی ذیل در آزمون سه فرضیه به الگوی پژوهش اضافه شد.

Size: لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت.

MB: نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان سه‌ماهه قبلی.

Instown: برابر درصد سهام نگهداری شده توسط مالکان نهادی از کل سهام سرمایه است که این شرکت‌ها شامل شرکت‌های بیمه، موسسه‌های مالی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و دیگر اجزای دولت است.

Volatility: انحراف معیار بازده روزانه سهام در طی سه ماه قبل از انتشار پیش‌بینی مدیریت می‌باشد. بازده سهام بیانگر منافع حاصل از سرمایه‌گذاری می‌باشد.

Lagged_loss: یک متغیر موهومی است، که اگر شرکت در سال قبل زیان‌ده باشد؛ عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار کرد.

2- CAR₉₀: بازده تجمعی غیرعادی: که برای اندازه‌گیری بازده تجمعی غیر عادی ابتدا شرکت‌ها براساس متغیر اندازه شرکت به ده قسمت (دهک) تقسیم می‌شوند و هر دهک یک پرتفوی است. سپس بازدهی هر پرتفوی محاسبه می‌شود و بازدهی تجمعی غیرعادی شرکت برابر بود؛ با بازدهی شرکت در بازه زمانی سه ماه قبل از پیش‌بینی سود هر سهم منهای بازدهی پرتفویی که شرکت به آن تعلق دارد.

Horizon: تعداد روزهای بین روز اعلام اولین پیش‌بینی سود توسط مدیریت و پایان سالی که سود متعلق به آن است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل را برای کل مشاهده‌های این پژوهش نشان می‌دهد. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه، کمینه و بیشینه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی همچون انحراف معیار و ضریب چولگی است. همان‌طور که در نگاره (۱) مشاهده می‌شود؛ میانگین سوگیری در پیش‌بینی سود توسط مدیریت برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد که نشان می‌دهد؛ به صورت میانگین سوگیری بسیار ناچیزی در پیش‌بینی

سود مدیریت در شرکت‌های مورد بررسی وجود دارد و با توجه به اینکه میانه این متغیر نیز نزدیک به صفر است؛ به صورت توصیفی این نتیجه قابل تعمیم به تمامی شرکت‌های نمونه است؛ علاوه بر این میانگین، میانه مقدار احساسات سرمایه‌گذار به ترتیب برابر با $۰/۰۵۲$ ، $-۰/۰۷۴$ می‌باشد که نشان می‌دهد؛ در دوره مورد بررسی به طور متوسط سرمایه‌گذاران دارای احساسات منفی بوده، به نحوی که در بیش از ۵۰ درصد از شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران نسبت به عملکرد آینده شرکت بدبین هستند؛ همچنین میانگین عدم اطمینان پایین و بالا به ترتیب برابر با $۰/۱۱۱$ و $۰/۰۵۴$ بوده که نشان می‌دهد؛ در طی دوره مورد بررسی بیش از ۱۱ درصد شرکت‌ها دارای عدم اطمینان پایین و بیش از ۵ درصد آن‌ها نیز دارای عدم اطمینان بالا بوده‌اند. علاوه بر این ضریب چولگی متغیر احساسات سرمایه‌گذار مثبت و برابر با $۰/۱۴۸$ می‌باشد، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به راست داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

تکانه (۱). آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

عنوان متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی
سوگیری در پیش‌بینی سود توسط مدیریت	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۷	۰/۶۵۷	-۰/۴۹۲	۰/۱۳۷	۰/۸۹۸
احساسات سرمایه‌گذار	-۰/۰۵۲	-۰/۰۷۴	۰/۹۱۸	-۰/۹۴۴	۰/۴۱۰	۰/۱۴۸
اندازه شرکت	۲۷/۸۳۲	۲۷/۶۲۶	۳۳/۱۸۷	۲۴/۳۳	۱/۶۱۸	-۱/۱۲۳
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۲/۳۷۲	۲/۱۲۶	۶/۹۸۶	-۲/۲۷۱	۱/۴۲۳	۰/۷۹۲
مالکیت نهادی	۰/۷۳۴	۰/۷۷۷	۰/۹۸۸	۰/۱۵۰	۰/۱۸۹	-۱/۵۹۹
انحراف معیار بازده سهام	۰/۰۷۲	۰/۰۳۰	۰/۷۵۲	-۰/۶۲۴	۰/۲۲۲	۱/۱۱۴
به موقع بودن اعلام اولین پیش‌بینی	۳۱۱/۵۳	۳۶۳	۴۱۰	۱۹	۹۸/۲۶۳	-۱/۱۴۳
بازده تجمعی غیرعادی	۰/۰۲۷	۰/۳۰	۱/۱۶۷	-۴/۲۳۴	۰/۸۵۲	۰/۴۸۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۱۵۱ تکانه (۱). آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

عنوان متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی
احساسات دوره بدبینی	۰/۱۹۹	۰	۱	۰	۰/۴۰	۰/۷۳۴
احساسات دوره خوش‌بینی	۰/۲۰۱	۰	۱	۰	۰/۴۰۱	۰/۵۶۸
زیان‌دهی	۰/۱۳۵	۰	۱	۰	۰/۳۴۲	۰/۷۳۶
عدم اطمینان پایین	۰/۱۱۱	۰	۱	۰	۰/۳۱۴	۰/۴۸۰
عدم اطمینان بالا	۰/۰۵۴	۰	۱	۰	۰/۲۲۶	۰/۹۶۱

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های آمار استنباطی

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده قبل از پردازش آنها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شد. همانطور که مشاهده می‌شود؛ مقدار VIF در نگاره‌های ۲ و ۳ برای مدل‌های اول و دوم کمتر از ۵ بوده و بنابراین همخطی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

نگاره (۲): نتایج آزمون هم خطی مدل اول

نماد متغیر	عامل تورم واریانس (VIF)
SENTIMENT	۱/۰۰۹
SIZE	۱/۰۴۲
MB	۱/۱۲۰
INSTOWN	۱/۰۰۴
VOLATILITY	۱/۰۸۹
LAGGEDLOSS	۱/۰۴۸
CAR	۱/۱۶۶
HORIZON	۱/۰۰۹

نگاره (۳): نتایج آزمون هم خطی مدل دوم

نماد متغیر	عامل تورم واریانس (VIF)
LOWSENT	۱/۰۷۷
HIGHSENT	۱/۱۳۹
SIZE	۱/۰۴۴
MB	۱/۱۲۴
INSTOWN	۱/۰۰۴
VOLATILITY	۱/۰۹۳
LAGGEDLOSS	۱/۰۵۳
CAR	۱/۲۳۴
HORIZON	۱/۰۱۰

نتایج حاصله نشان از ناهمسانی واریانس بوده و روش تخمین این مدل به صورت رگرسیون مربعات تعمیم یافته به دست آمد، همچنین در ارتباط با نوع تخمین داده‌ها، با توجه به اینکه فرضیه سوم به صورت مقطعی مورد تخمین قرار گرفت؛ بنابراین آزمون اف لیمر و هاسمن انجام نگرفت؛ اما برای دو مدل اول نتایج بیانگر آن بود که داده‌ها به صورت تابلویی از نوع اثرات ثابت تخمین زده می‌شود.

تحلیل فرضیه‌های پژوهش

همانطور که در نگاره (۴) مشاهده می‌شود؛ مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح‌دهندگی مدل است؛ برای این مدل احتمال آماره کمتر از $0/01$ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خود همبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله $1/5$ و $2/5$ قرار دارد، لازم به ذکر است که این مشاهدات برای سه مدل دیگر در نگاره‌های (۵)، (۶) و (۷) نیز قابل مشاهده است.

نگاره (۴). نتایج مربوط به تخمین مدل اول پژوهش

نام متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
احساسات سرمایه‌گذار	-۰/۰۱۰	-۲/۴۰۶	۰/۰۱۶۳
اندازه شرکت	۰/۰۲۲	۵/۴۸۸	۰/۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۰۰۰۷	-۰/۴۹۷	۰/۶۱۹۱
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۷	-۰/۵۵۴	۰/۵۷۹۱
انحراف معیار بازده سهام	-۰/۰۳۲	-۳/۸۸	۰/۰۰۰۱
زیان‌دهی	۰/۱۶۶	۲۴/۶۷	۰/۰۰۰۰
بازده تجمعی غیرعادی	۰/۰۲۶	۶/۹۸۶	۰/۰۰۰۰
به موقع بودن اعلام اولین پیش‌بینی	۰/۰۰۰۰۵	۱/۹۶۱	۰/۰۵۰۱
عرض از مبدا	-۰/۶۴۷	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
آماره F	۶/۱۸	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	۲/۱۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش

هدف فرضیه اول پژوهش بررسی رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و سوگیری در پیش‌بینی سود سالانه توسط مدیریت است.

همان‌طور که در نگاره (۴) مشاهده می‌شود؛ ضریب تعیین برای مدل اول برابر با $0/43$ است که نشان می‌دهد؛ ۴۳ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. ضریب برآورد شده متغیر احساسات سرمایه‌گذار در سطح اطمینان ۹۵ درصد منفی و معنادار است و ارتباط منفی معناداری بین احساسات سرمایه‌گذار و سوگیری سود مدیران مشاهده می‌گردد؛ با توجه به نگاره (۱) که میانگین احساسات سرمایه‌گذاران منفی است؛ به نظر می‌رسد؛ در جامعه مورد بررسی و در دوره زمانی مدنظر، سرمایه‌گذاران به صورت میانگین دارای

احساسات بدبینانه هستند؛ و با افزایش احساسات سرمایه‌گذار، سوگیری کاهش پیدا کرده است. پس احساسات سرمایه‌گذار نتوانسته است؛ موجب افزایش سوگیری سود مدیران شود و فرضیه اول پژوهش رد می‌شود.

در ادامه نتایج مدل دوم بررسی می‌شود؛ براساس نتایج مندرج در نگاره (۵)، ضریب تعیین برابر با ۰/۴۳ است که نشان می‌دهد؛ ۴۳ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

نگاره (۵). نتایج مربوط به تخمین مدل دوم پژوهش

نام متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
احساسات دوره بدبینی	۰/۰۰۹	۲/۱۸۱	۰/۰۲۹۴
احساسات دوره خوش بینی	۰/۰۰۸	۱/۴۱۱	۰/۱۵۸۴
ارزش بازار سهام	۰/۰۲۱	۵/۱۲۵	۰/۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰/۰۰۱	-۰/۷۲۲	۰/۴۷۰۲
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۵	-۰/۳۸۴	۰/۷۰۰۹
انحراف معیار بازده سهام	-۰/۰۳۱	-۳/۵۵۸	۰/۰۰۰۴
زیان‌دهی	۰/۱۶۸	۲۷/۸۹	۰/۰۰۰۰
بازده تجمعی غیرعادی	۰/۰۲۷	۷/۳۵۹	۰/۰۰۰۰
به موقع بودن اعلام اولین پیش‌بینی	۰/۰۰۰۰۵	۱/۶۹۵	۰/۰۹۰۳
عرض از مبدا	-۰/۶۳۸	-۴/۹۹۵	۰/۰۰۰۰
آماره F	۶/۰۷	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	۲/۱۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نگاره (۵) مشاهده می‌شود؛ ضریب برآورد شده متغیر احساسات در دوره بدبینی سرمایه‌گذار مثبت و معنادار است که نشان می‌دهد؛ مطابق با پیش‌بینی میان و سانکارا-گروس‌وامی (۲۰۱۲)، به دلیل حساسیت قیمت سهام به اخبار منفی در دوره‌های زمانی بدبینی سرمایه‌گذاران، مدیران فرصت‌طلب بدنبال تاثیرگذاری بر قیمت سهام بوده و پیش‌بینی‌های خوشبینانه‌ای را برای رفع نگرانی سرمایه‌گذاران بدبین و افزایش قیمت سهام در دوره‌های بدبینی سرمایه‌گذاران ارائه می‌کنند. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که ضریب برآورد شده متغیر احساسات در دوره خوش‌بینی سرمایه‌گذاران مثبت اما غیرمعنادار است؛ بنابراین با توجه به نتایج پژوهش، در طی دوره خوش‌بینی مدیران به صورت فرصت‌طلبانه اقدام ننموده و برای حفظ یا

افزایش قیمت سهام، پیش‌بینی‌های خوش بینانه‌ای را ارائه ننموده‌اند؛ بنابراین مدیران صرفاً در دوره‌های بدبینی به صورت فرصت طلبانه اقدام می‌کنند و فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود. در نهایت به منظور آزمون فرضیه سوم، به پیروی از هویتز (۲۰۱۷) مدل یک (که به منظور آزمون فرضیه اول استفاده شد)؛ یکبار برای شرکت‌های دارای عدم اطمینان زیاد و یکبار برای شرکت‌های دارای عدم اطمینان پایین اجرا شده و ضرایب بدست آمده و نیز سطح معناداری آنها به منظور نتیجه‌گیری مقایسه شد. پس از تقسیم‌بندی شرکت‌ها به شرکت‌های دارای عدم اطمینان بالا و پائین بر مبنای یاد شده در قسمت‌های قبل، مشاهده گردید؛ تعداد ۶۵ سال شرکت دارای عدم اطمینان بالا و تعداد ۱۶۴ سال شرکت دارای عدم اطمینان پایین بوده است. براساس نتایج مندرج در نگاره (۶)، ضریب تعیین برابر با ۰/۱۴ است که نشان می‌دهد؛ در این مدل، ۱۴ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. همچنین ضریب تعیین در نگاره (۷) برابر با ۰/۰۹ است که نشان می‌دهد؛ ۹ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

نگاره (۶). نتایج مربوط به تخمین مدل سوم پژوهش - معیار عدم اطمینان پایین

نام متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
احساسات سرمایه‌گذار	۰/۰۳۵	۰/۵۶۳	۰/۵۸۴۵
ارزش بازار سهام	۰/۰۳۸	۱/۳۴۲	۰/۲۰۶۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۶۱	۲/۵۹۹	۰/۰۲۴۷
مالکیت نهادی	-۰/۴۱۷	-۲/۴۲۶	۰/۰۳۳۶
انحراف معیار بازده سهام	۰/۲۲۳	۲/۱۹۷	۰/۰۵۰۳
زیان‌دهی	۰/۰۰۰۷	۰/۰۱۱	۰/۹۹۰۷
بازده تجمعی غیرعادی	۰/۰۳۲	۱/۴۰۹	۰/۱۸۶۴
به موقع بودن اعلام اولین پیش‌بینی	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۶۰	۰/۹۵۳۲
عرض از مبدا	-۱/۰۲۲	-۱/۲۸۹	۰/۲۲۳۵
آماره F	۲/۸۶	معناداری آماره F	
آزمون دوربین واتسون	۱/۸۴	ضریب تعیین تعدیل شده	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نگاره (۶) و (۷) مشاهده می‌شود؛ رابطه بین سوگیری پیش‌بینی سود توسط مدیران و احساسات سرمایه‌گذار در هیچ یک از نمونه‌های دارای عدم اطمینان بالا و پایین در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود و

در جامعه مورد بررسی رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و پیش‌بینی‌های مدیران در شرکت‌های دارای عدم اطمینان، بزرگ‌تر و قوی‌تر نیست. بر طبق نتایج این فرضیه، حضور یا عدم حضور عدم اطمینان، تاثیری بر رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و پیش‌بینی‌های سود مدیران نداشته و تغییر در سطح اطمینان محیط پیرامون شرکت موجب تغییر این رابطه نمی‌گردد. این نتایج حاکی از این واقعیت است که مدیران در زمان اولین پیش‌بینی سود در شرکت‌هایی که در شرایط عدم اطمینان بالایی هستند؛ تحت تاثیر احساسات سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی‌های سود نخواهند بود.

تکانه (۷). نتایج مربوط به تخمین مدل سوم پژوهش - معیار عدم اطمینان بالا

نام متغیر	ضریب برآوردی	آماره t	سطح معناداری
احساسات سرمایه‌گذار	-۰/۰۴۳	-۱/۱۰۶	۰/۲۷۳۳
ارزش بازار سهام	۰/۰۰۶	۰/۵۵۱	۰/۵۸۳۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۶۱	۱/۵۶۵	۰/۱۲۳۲
مالکیت نهادی	۰/۰۲۴	۰/۳۱۴	۰/۷۵۴۱
انحراف معیار بازده سهام	-۰/۰۳۴	-۰/۳۵۸	۰/۷۲۱۷
زیان‌دهی	۰/۲۱۹	۲/۵۴۴	۰/۰۱۳۸
بازده تجمعی غیرعادی	۰/۰۶۱	۱/۹۷۴	۰/۰۵۳۳
به موقع بودن اعلام اولین پیش‌بینی	۰/۰۰۰۸	۰/۷۰۰	۰/۴۸۶۵
عرض از مبدا	-۰/۳۵۰	-۰/۹۵۶	۰/۳۴۳۰
آماره F	۲/۸۵	معناداری آماره F	۰/۰۲۵۳
آزمون دوربین واتسون	۱/۹۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۹

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

ادبیات مالی رفتاری شواهدی را ارائه می‌دهد که مدیران از تمایلات رفتاری مصون نیستند و عقاید شخصی و تعصباتی مانند اعتماد به نفس بیش از حد خود را به گونه‌ای نشان می‌دهند؛ از طرفی، نتایج پژوهش انجام شده توسط هورویتز (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که مدیران هنگام پیش‌بینی سود تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند. به علاوه، سوگیری پیش‌بینی سود توسط مدیران می‌تواند؛ ناشی از سوگیری غیرعمدی و تحت تاثیر احساسات باشد یا ناشی از فرصت‌طلبی مدیرانی که در مورد امنیت شغلی خود دچار نگرانی هستند. همچنین در این پژوهش، این موضوع مدنظر قرار گرفت که مدیران در مواجهه با پیش‌بینی سودهای با افق نسبتاً طولانی در معرض عدم اطمینان بالاتر و در نتیجه تردید بیشتر سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند.

در فرضیه اول پژوهش، رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و سوگیری در پیش‌بینی سود سالانه مدیران بررسی شد. بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه اول پژوهش با توجه منفی بودن ضریب متغیر احساسات سرمایه‌گذار (با توجه به اینکه انتظار بر مثبت بودن ضریب بر آوردی بود) پذیرفته نمی‌شود؛ و مشاهده شد که با افزایش احساسات سرمایه‌گذار، سوگیری پیش‌بینی‌های مدیریت کاهش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت که مدیریت در نخستین پیش‌بینی سود سالانه هر سهم گرایش احساسی سرمایه‌گذاران را مد نظر قرار نمی‌دهد؛ به عبارت دیگر هر چه انحراف باورهای سرمایه‌گذاران نسبت به عملکرد آینده شرکت بیشتر باشد؛ میزان دقت در پیش‌بینی سود افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، مدیران به دلیل داشتن اطلاعات بیشتر در مقایسه با سرمایه‌گذاران تحت تأثیر احساسات آنها قرار نمی‌گیرند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش گرینوود و شلیفر (۲۰۱۴) و برگمن و همکاران (۲۰۰۸) و نیز هورویتز (۲۰۱۷) هم‌خوانی ندارد. شاید مهم‌ترین دلایل عدم مطابقت، بر طبق نگاره آمار توصیفی، نزدیک به صفر بودن متغیر سوگیری پیش‌بینی سود مدیران در شرکت‌های مورد بررسی باشد که می‌تواند؛ ناشی از اجباری بودن پیش‌بینی سود و مدنظر قرار دادن بیشتر بودن عواقب ناشی از خوش‌بینی در پیش‌بینی سود نسبت به بدبینی توسط مدیران باشد. همچنین در این پژوهش، با وجود شرایط ناپایدار اقتصادی و سیاسی در دوره مورد بررسی، اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر احساسات سرمایه‌گذار مدنظر قرار نگرفته است؛ در حالیکه ژانگ و پی^۱ (۲۰۱۹) معتقدند؛ پس از مدنظر قرار دادن شرایط اقتصاد کلان، تأثیر احساسات در تمام افق‌های زمانی قابل توجه می‌باشد. عدم وجود منابع جایگزین در پیش‌بینی سود مانند پیش‌بینی تحلیل‌گران خبره در بازار ایران نیز می‌تواند؛ یکی دیگر از دلایل عدم مطابقت نتایج پژوهش با سایر پژوهش‌ها باشد.

در فرضیه دوم رابطه بین بدبینی و خوش‌بینی سرمایه‌گذاران و سوگیری در پیش‌بینی‌های سالانه سود توسط مدیران بررسی شد. براساس مبانی نظری انتظار می‌رفت که اگر مدیران فرصت طلب به دنبال تأثیرگذاری بر قیمت سهام باشند؛ می‌توانند؛ پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌ای را برای حفظ یا افزایش قیمت سهام در طول دوره‌های خوش‌بینی سرمایه‌گذاران ارائه دهند. علاوه بر این و مبتنی بر پژوهش میان و سانکاراگروسوامی (۲۰۱۲) انتظار می‌رفت که اگر مدیران فرصت طلب باشند؛ در دوره‌های زمانی بدبینی سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی‌های بدبینانه‌ای ارائه نمایند؛ با این حال، اگر مدیران حساس به احساسات سرمایه‌گذار بوده و درصدد فرصت‌طلبی نباشند؛ می‌توانند به عملکرد آینده شرکت‌ها کمتر اعتماد داشته

1. Zhang, & Pei.

و بنابراین در دوره‌های زمانی بدبینی سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی‌های بدبینانه‌تری ارائه کنند (هوریتز، ۲۰۱۷). بر مبنای نتایج به دست آمده؛ می‌توان گفت که در طی دوره‌های بدبینی، پیش‌بینی‌های سود سالانه مدیران مبتنی بر فرصت‌طلبی و خوش‌بینانه بوده است؛ اما در طی دوره‌های خوش‌بینی سرمایه‌گذاران، نشانی از فرصت‌طلبی مدیران با توجه به رابطه غیرمعدنادار بین احساسات سرمایه‌گذار و سوگیری پیش‌بینی ملاحظه نشد. نتایج این پژوهش بر خلاف پژوهش هوریتز (۲۰۱۷) است که نشان می‌دهد؛ پیش‌بینی سود مدیران در طی دوره‌های خوش‌بینی و بدبینی فرصت‌طلبانه نبوده و تحت تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران است. در دلایل عدم هم‌خوانی نتایج این پژوهش با پژوهش یادشده؛ می‌توان به پایین بودن میزان سوگیری در شرکت‌های نمونه در طی دوره مورد بررسی اشاره نمود؛ به علاوه، ممکن است؛ سرمایه‌گذاران در دوره خوش‌بینی کمتر به اطلاعات پیش‌بینی سود اتکا نمایند؛ در حالی که در شرایط بدبینی سرمایه‌گذاران به دنبال اطلاعات موثق و معتبر از منابع قابل اتکا بوده و بنابراین به پیش‌بینی‌های سود مدیریت به عنوان تنها منبع پیش‌بینی سود اتکا می‌نمایند.

در فرضیه سوم، رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و سوگیری پیش‌بینی‌های مدیران در شرکت‌های دارای عدم اطمینان بررسی شد. بطور معمول، در شرایط عدم اطمینان، پیش‌بینی درآمد توسط مدیران بسیار مشکل است. پژوهش‌های قبلی شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد؛ تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر ارزش‌گذاری سهام در شرایط عدم اطمینان بسیار قوی‌تر است. همچنین بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین، زمانی که احساسات سرمایه‌گذاران خوش‌بینانه است؛ پیش‌بینی سود تحلیل‌گران در افق بلندمدت در شرایط عدم اطمینان خوش‌بینانه‌تر است (هوریتز، ۲۰۱۷). بنابراین انتظار می‌رود؛ در شرکت‌هایی که در شرایط عدم اطمینان بالایی هستند؛ تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر پیش‌بینی‌های سود مدیران نیز بالاتر رود. بر مبنای نتایج به دست آمده فرضیه سوم پژوهش نیز رد می‌شود و بنابراین نتایج نشان داد که وجود یا عدم وجود عدم اطمینان در طی دوره مورد بررسی و در جامعه مدنظر تأثیری بر رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و سوگیری پیش‌بینی‌های مدیران نمی‌گذارد. لازم به ذکر است که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش هوریتز (۲۰۱۷)، میان و سانکاراوسوامی (۲۰۱۲) و سیرت و یانگ (۲۰۱۲)، کیو و ویلچ (۲۰۰۶)، بیکر و ورگلر (۲۰۰۶)، همخوانی ندارد. در عدم مطابقت نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش‌های ذکر شده می‌توان به ناچیز بودن میزان سوگیری در پیش‌بینی سود با توجه به اجباری بودن آن در جامعه مورد بررسی، و نیز عدم بررسی متغیرهای کلان اقتصادی در دوره مدنظر اشاره کرد؛ به علاوه ممکن است؛ تقسیم‌بندی شرکت‌ها به

شرکت‌های دارای عدم اطمینان بالا و پایین با توجه به روش مورد استفاده در این پژوهش در محیط بازار ایران نامناسب بوده باشد.

همانطور که پیش‌تر عنوان شد از دی ماه ۱۳۹۶، انتشار گزارش‌های پیش‌بینی سود شرکت‌ها اختیاری شد؛ بنابراین پژوهش‌گران با این محدودیت مواجه بودند که داده‌های جمع‌آوری شده حداکثر تا تاریخ یاد شده قابل دسترسی است. البته طبق مصوب جدید سازمان بورس شرکت‌های بورسی در برخی صنایع موظف به ارائه پیش‌بینی سود و مفروضات پیش‌بینی خود از تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۴۰۰ می‌باشند؛ پیشنهاد می‌شود؛ با بررسی تطبیقی بازار اوراق بهادار کشورهای متعدد، مقررات دقیقی برای انتشار پیش‌بینی سود توسط ارکان مختلف مانند مدیران و تحلیل‌گران و ... تدوین گردد تا منابع متعددی در این راستا ایجاد شده و کیفیت پیش‌بینی‌های سود افزایش یابد. به علاوه، با توجه به فرصت طلبی مدیران در طی دوره‌های بدبینی سرمایه‌گذاران، پیشنهاد می‌گردد؛ در طی دوره‌هایی که به طور متوسط احساسات بدبینانه بر بازار حاکم است؛ سرمایه‌گذاران به منظور تأیید پیش‌بینی مدیران از اطلاعات صنعت و نیز اطلاعات خاص شرکت مبتنی بر صورت‌های مالی و سایر منابع کمک گیرند.

به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد؛ جهت گسترش حوزه پژوهش، موارد ذیل را مدنظر قرار دهند:

۱. بررسی تأثیر اجباری یا داوطلبانه بودن پیش‌بینی سود مدیران بر رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و دقت پیش‌بینی سود
۲. بررسی تأثیر سوگیری در پیش‌بینی سود سالانه و گرایش احساسات سرمایه‌گذاران بر سیاست‌های تأمین مالی.
۳. بررسی تأثیر سوگیری در پیش‌بینی سود سالانه و گرایش احساسات سرمایه‌گذاران بر زمان اعلان سود.
۴. بررسی رابطه بین احساسات سرمایه‌گذار و سوگیری پیش‌بینی سود مدیران در شرکت‌های دارای عدم اطمینان بالا؛ پیشنهاد می‌شود به منظور سنجش عدم اطمینان بالا از سایر روش‌ها مانند فاصله بین دامنه پیشنهادی خرید و فروش سهام استفاده گردد.

منابع

- اسکوه، وحید؛ فخاری، حسین. (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای سنجش سوگیری پیش‌بینی سود مدیریت. فصلنامه حسابداری مالی. ۱۲ (۴۵): ۳۰-۶۲
- حیدرپور، فرزانه؛ تاری وردی، یداله؛ محرابی، مریم. (۱۳۹۲). تأثیر گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران بر بازده سهام. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. ۶ (۱۷): ۱-۱۳.
- شعری آناقیز، صابر؛ حساس یگانه، یحیی؛ سدیدی، مهدی؛ نزه‌ئی، بنیامین. (۱۳۹۵). تصمیم‌گیری احساسی سرمایه‌گذاران، حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری. فصلنامه حسابداری مالی، ۸ (۳۲): ۱۷-۱۹.
- شعری، صابری؛ اسدی، غلامحسین؛ نیک‌روش، مهدی. (۱۳۹۸). مدل نوین سنجش بیش‌اطمینانی مدیریت و پیش‌بینی‌های سود: روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) مطالعات تجربی حسابداری مالی ۱۶ (۶۲): ۱-۲۰.
- شکرخواه، جواد؛ بولو، قاسم؛ حضرتی، عاصم. (۱۳۹۶). اثر گرایش‌های احساسی سرمایه‌گذاران بر قیمت سهام با توجه به سطح شفافیت شرکتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۷ (۴): ۱-۳۱.
- شمس‌الدینی، کاظم؛ دانشی، وحید؛ سیدی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر رفتار سرمایه‌گذاران و مدیریت بر بازدهی سهام. مجله دانش حسابداری، ۹ (۲): ۱۶۳-۱۸۹.
- شهرآبادی، ابوالفضل؛ یوسفی، راحله. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر مالیه رفتاری. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۶۹ (۱۱۴): ۲۴-۳۳.
- غلامعلی‌پور، رضا؛ ثقفی، علی. (۱۳۹۱). محتوای اطلاعاتی پیش‌بینی‌های سود، تکرار سوگیری در ارائه پیش‌بینی‌ها و عوامل مؤثر بر خطای پیش‌بینی. فصلنامه بورس اوراق بهادار. ۵ (۱۸): ۱۷۳-۲۰۳.
- مشایخ، شهناز؛ شاهرخی، سمانه. (۱۳۸۶). بررسی دقت پیش‌بینی سود توسط مدیران و عوامل مؤثر بر آن. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۱۴ (۵۰): ۶۵-۸۲.
- ملکیان، اسفندیار؛ احمدپور، احمد؛ رحمانی نصرآبادی، محمد؛ دریایی، عباسعلی. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی شده توسط شرکت‌ها شواهدی از: بازار بورس و اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۱): ۲۱-۳۶.
- Baker, M, and J. Wurgler. (2006). Investor Sentiment and the Cross-Section of Stock Returns", *Journal of Finance*, 61(4), 1645-80.
- Bergman, N. K, & Roychowdhury, S. (2008). Investor sentiment and corporate disclosure. *Journal of Accounting Research*, 46(5), 1057-1083.
- Brown, N., T. Christensen, W. Elliott and R. Mergenthaler. (2012). Investor Sentiment and Pro Forma Earnings Disclosures". *Journal of Accounting Research*. 50(1), 1-40.

- Butler, A. W., J. Cornaggia, G. Grullon and J. P. Weston.(2011). Corporate Financing Decisions, Managerial Market Timing, and Real Investment. *Journal of Financial Economics*, 101(3), 666–83.
- Gholamalipour, R, Saghafi, A. (2012). Information content of earnings forecasts, repetition of bias in presenting forecasts and factors affecting forecasting error. *Quarterly Journal of the Stock Exchange*.5 (18). PP.173-203. (In Persian)
- Gong, Y., Xia, Y., Xia, X., & Wang, Y. (2021). Management Earnings Forecasts Bias, Internal Control, and Stock Price Crash Risk: New Evidence from China. *Emerging Markets Finance and Trade*, 1-13.
- Hribar, P., & McInnis, J. (2012). Investor sentiment and analysts' earnings forecast errors.” *Management Science*, 58(2), 293-307.
- Heidarpoor, F., Tariverdi, Y., and Mehrabi, M. (2014). The Impact of Investor Sentiment on the Stock Returns. *Quarterly Financial Knowledge of Security Analysis (Financial Studies)*, 6 (17), 1-13. (In Persian)
- Hurwitz, H. (2018). Investor sentiment and management earnings forecast bias. *Journal of Business Finance & Accounting*, 45(1-2), 166-183.
- Malekeyan, E, Ahmadpour, A, Rahmani NasrAbadi, M, & Daryae, AA.(2010). The effective Factors on Accuracy of Forecasted Earning Evidence from Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*. Vol.17 (61). PP.21-36. (In Persian).
- Mashayekh, Sh, & Shahrokhi, S. (2008). Review Predict of Earning Forecast by Management and Influence Factors on this Forecasts. *Accounting and Auditing Review*, 14(50), 65-82. (In Persian).
- Mian, G. and S. Sankaraguruswamy. (2012). Investor Sentiment and Stock Market Response to Earnings News. *The Accounting Review*, 87(4), 1357–84.
- Mohammadian, Z., Heidari, M., & Chalaki, P. (2010). Investigating the effect of complexity and environmental uncertainty on the accuracy of management profit forecasting with emphasis on audit quality as a mediating variable . *Financial accounting and auditing research*. 11(43) .247 275. (In Persian).
- Oskou V, Fakhari H. (2020). Providing a Model for Management Earnings Forecast Bias. *quarterly financial accounting journal*. 12 (45):30-62. (In Persian).
- Qiu, L. and I. Welch. (2006). Investor Sentiment Measures. Working paper, Brown University, *University of California, Los Angeles, and National Bureau of Economic Research*. http://papers.ssm.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=589641
- Seybert, N. and H. Yang. (2012). The Party Is Over: The Role of Earnings Guidance in Resolving Sentiment-Driven Overvaluation. *Management Science*. 58(2), 308–319.
- Shahrabadi, A, yusefi, R. (2017). Introduction to Behavioral Finance. *Stock Exchange Quarterly*.69 (114), 24-33. (In Persian)
- Sheri Anaghiz, S., Assadi, G., Nikraves, M. (2019). New Managerial Overconfidence Assessment Model and Earnings Forecasts: Generalized

- Method of Moments (GMM). *Empirical Studies in Financial Accounting*. 16 (62), 1-20. (In Persian).
- Shamseddini, kazemi, daneshi, V, seyedi. (2018). Investigating the Impact of Investor Behavior and Management on Stock Returns. *Journal of Accounting Knowledge*, 9(2), 163-189. (In Persian).
- Shekarkhah, boolo, hazrati, asem. (2017). the Effect of Investors' Emotional Trends on Stock Prices Given the Level of Corporate Transparency. *Empirical Accounting Research*, 7(2), 1-31. (In Persian).
- Sher anaghiz S, Hasas yeganeh Y, sadidi M, narrei B. (2017). Sentimental decision-making of investors, corporate governance and Investment efficiency. *Quarterly financial accounting journal*. 8 (32):1-37. (In Persian).
- Skinner, D and R. Sloan. (2012). Earnings Surprises, Growth Expectations and Stock Returns or Don't Let an Earnings Torpedo Sink Your Portfolio. *Review of Accounting Studies* 7, (3), 289–312.
- Wu, Y, Liu, T, Han, L, & Yin, L. (2018). Optimistic bias of analysts' earnings forecasts: Does investor sentiment matter in China? *Pacific-Basin Finance Journal*, 49, 147-163.
- Zhang, Y. J, & Pei, J. M. (2019). Exploring the impact of investor sentiment on stock returns of petroleum companies. *Energy Procedia*, 158, 4079-4085.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش آفرینی نقدی با تاکید بر نقش تعدیلی استراتژی کسب و کار^۱

لیلا اسدی^۲، سید علی واعظ^۳، علیرضا جرجزاده^۴، احمد کعب عمیر^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، ارزش‌گذاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن به شیوه‌ای نوین و تاثیر آن بر ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها، با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی استراتژی کسب و کار است. بدین منظور از یک شاخص ترکیبی؛ پایه‌گذاری شده بر متغیرهای حسابداری، مبتنی بر روش میانگین رتبه بندی دهکی، جهت تعیین ارزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن استفاده شده است. ارزش افزوده نقدی، مبنای جهت‌سنجش ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها می‌باشد. منطبق با چارچوب نظری مایلز و اسنو (۲۰۰۳، ۱۹۷۸)؛ استراتژی‌های تلافی، تحلیل‌گر و تهاجمی به دو حالت امتیاز و نوع استراتژی، مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه آماری شامل ۱۰۴ شرکت طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره و شیوه داده‌های ترکیبی استفاده گردیده است. نتایج نشان می‌دهد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد اقتصادی، اخلاقی و قانونی آن تاثیر مثبت و معناداری بر ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها دارد و استراتژی کسب و کار این رابطه را به طور مثبت و معنادار تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد هرچه استراتژی کسب و کار تهاجمی‌تر باشد، تاثیر قوی‌تری بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن، با ارزش آفرینی نقدی دارد.

پژوهش حاضر به دلایلی چند، به وسعت اطلاعات پژوهشی می‌افزاید. در این پژوهش به بررسی ارتباط مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن با ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها پرداخته شده است. از آنجا که گنجانیدن متغیرهای تعدیلی در رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد به تبیین این ارتباط، و افزایش قابلیت اطمینان نتایج کمک می‌کند، استراتژی‌های تجاری به عنوان یکی از این عوامل، مورد بررسی قرار گرفته است. این امر می‌تواند درک عمیق‌تری برای مدیران از اثرگذاری تعهدات اجتماعی بر ارزش آفرینی شرکت‌ها، در سایه استراتژی‌های مختلف تجاری فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: ارزش آفرینی نقدی، استراتژی کسب و کار، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت.

طبقه بندی موضوعی: G32, L1, M14

DOI: 10.22051/JERA.2020.28539.2565

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (Leila_asadi_1978@yahoo.com).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول). (Sa.vaez@scu.ac.ir).

۴. استادیار، گروه اقتصاد، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (arjorjor@iauhvaz.ac.ir).

۵. استادیار، گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (ahmad-kaabomeir@iauhvaz.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

در سال‌های اخیر، اهداف سنتی شرکت‌ها در راستای حداکثر کردن ارزش سهام به طور فزاینده‌ای به دلیل تغییر مفهوم ارزش به چالش کشیده شده و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به یک فعالیت اصلی در دنیای تجارت تبدیل شده است (یوان و همکاران، ۲۰۲۰). این مفهوم به عنوان تعهدات شرکت‌ها برای به حداکثر رساندن رفاه بلند مدت اقتصادی، اجتماعی و محیطی از طریق عملکرد شرکت، سیاست‌ها و منابع تعریف می‌شود (کراس‌پرز و همکاران، ۲۰۱۸). در حقیقت، استدلال می‌شود که رشد شرکت‌ها در محیط کسب و کار رقابتی امروز بستگی به مدیریت موثر مسئولیت‌های اجتماعی دارد که همزمان با خلق ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی، توسعه پایدار جامعه را ارتقاء می‌دهد (ابوگرو و انلسینیا، ۲۰۲۰). مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها و اجزاء تشکیل دهنده آن از یک بنگاه به بنگاه دیگر متفاوت است، چرا که انتظارات متناقضی از ماهیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در جامعه وجود دارد. این مفهوم، چند وجهی است و منعکس کننده پاسخ یک شرکت به انتظارات و خواسته‌های طیف گسترده‌ای از ذینفعان است. به اعتقاد آگونیس و گلاوز (۲۰۱۹) مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها بر ذینفعان درون و برون سازمانی و نتایجی که فراتر از نتایج مالی هستند، تمرکز می‌کند. در حقیقت، هدف مسئولیت اجتماعی شرکتی، تشویق سازمان‌ها به در نظر گرفتن منافع جامعه، با مسئولیت‌پذیری نسبت به تأثیر فعالیت‌هایشان بر مشتریان، کارکنان، سهامداران، جوامع و محیط زیست، می‌باشد (ساید و همکاران، ۲۰۱۸). به طور مشخص، ابتکارات مسئولیت‌های اجتماعی به طور فزاینده‌ای به عنوان یک عنصر کلیدی از استراتژی‌های کسب و کار، با هدف حفاظت و تحکیم جایگاه شرکت در بین ذینفعان، برای موفقیت طولانی‌مدت، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است (داماتو و فلونا، ۲۰۲۰).

هدف نهایی برپایی هر بنگاه اقتصادی حداکثر کردن ارزش ذاتی برای سهامداران در طول زمان‌های متمادی (ارزش آفرینی پایدار) است. بنابراین استراتژی‌های سازمانی، تخصیص منابع و سیستم‌های ارزیابی عملکرد باید همگی بر تحقق این امر متمرکز شود. وجود استراتژی ایجاد مزیت نسبی و ارزش آفرینی پایدار و اجرا و پیشبرد آن تأثیر عمده‌ای بر ارزش بنگاه و قیمت سهام دارد. بازار سرمایه برای آن که نسبت به توان و قابلیت مدیریت در پیشبرد استراتژی مزیت نسبی و ارزش آفرینی اطمینان یابد، ضرورت دارد ابزار و اهرم‌های سنجش عملکرد آن را در

اختیار داشته باشد. تاکنون برای ارزیابی عملکرد مدیریت و اندازه‌گیری ثروت سهامداران رویکردهای مختلفی ارائه شده که مهمترین آن رویکرد اقتصادی است. در این رویکرد از مفاهیم اقتصادی استفاده می‌شود و عملکرد واحد تجاری با تاکید بر قدرت سودآوری دارایی-های شرکت و با توجه به نرخ بازده و هزینه بکار گرفته شده شرکت، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (صالح آبادی و احمدپور، ۱۳۸۹). بر اساس این معیارها در صورتی شرکت قادر به خلق ارزش خواهد بود که بتواند تمام هزینه سرمایه خود را پوشش دهد و عملکردی فراتر از آن داشته باشد (ریچاردسون، ۲۰۰۶). از مهمترین شاخص‌های عملکردی مبتنی بر ارزش، ارزش افزوده اقتصادی و بعد نقدی آن؛ ارزش افزوده نقدی می‌باشد. ارزش افزوده نقدی مبتنی بر جریان‌ات نقدی است و بخش نقدی ثروت ایجاد شده توسط شرکت را نشان می‌دهد (سعیدا اردکانی و همکاران، ۱۳۹۲).

اهمیت مسئولیت پذیری اجتماعی محققان فراوانی را وادار به بررسی رابطه‌ی آن با عملکرد شرکت‌ها کرده است (کیم و همکاران، ۲۰۱۲). مقالات منتشر شده در این زمینه نتایج متفاوتی در بر داشته است. در اکثر مطالعات تأثیر مثبت مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد تایید شده است و تحقیقات محدودی نیز رابطه‌ی منفی یا عدم ارتباط معنادار را به اثبات رسانده‌اند (یسیر علی و همکاران، ۲۰۲۰). برخی از محققان معتقدند نادیده گرفتن متغیرهای تعدیلی در رابطه‌ی بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها، توجیهی برای نتایج متضاد تحقیقات در این زمینه است (وو، ۲۰۰۶؛ ون بردن و گاسلینگ، ۲۰۰۸). بر این اساس، محققان پیشنهاد می‌کنند ارتباط مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت به طور غیرمستقیم و با وجود متغیرهای تعدیلی مورد بررسی قرار گیرد (برانکو و رودریگز، ۲۰۰۶؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۶). یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست‌ها و عملکرد شرکت‌ها، استراتژی کسب و کار می‌باشد.

نظریه پردازان معتقدند استراتژی کسب و کار یک عنصر منحصر به فرد و اساسی از هویت یک شرکت را نشان می‌دهد و چگونگی رقابت شرکت‌ها در یک کسب و کار خاص را ارایه می‌دهد (یوان و همکاران، ۲۰۲۰). در نتیجه، ویژگی‌ها و رویکردهای یک شرکت مانند الگوهای قدرت مدیریتی، ارزش‌ها و استفاده از منابع، هماهنگ با استراتژی کسب و کار شرکت هستند (مایلز و اسنو، ۱۹۷۸، ۲۰۰۳). بر اساس چارچوب نظری مایلز و اسنو (۱۹۷۸، ۲۰۰۳) استراتژی کسب و کار به سه بخش؛ تهاجمی، تحلیل‌گر و تدافعی تقسیم می‌شود که از لحاظ نوع محصول،

سرعت تغییر بازار، ریسک‌پذیری و ترجیحات افق سرمایه‌گذاری به شدت با هم متفاوت هستند. از آن‌جا که استراتژی کسب و کار نوعی مشخص از استراتژی سطح بنگاه می‌باشد، مطالعات اخیر نشان می‌دهد عاملی تاثیرگذار بر عملکرد شرکت‌ها است (بتلی و همکاران، ۲۰۱۳؛ یوان و همکاران، ۲۰۲۰؛ مرفوع و شاکری، ۱۳۹۶). همچنین براساس تئوری استراتژی کسب و کار و دیدگاه مبتنی بر منابع؛ که قدرت رقابت‌پذیری را وجود دارایی‌های ارزشمند مشهود و نامشهود می‌داند (بارنی، ۱۹۹۱)، استدلال می‌شود ویژگی‌های مهاجمان و مدافعان می‌تواند بر میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی یک شرکت تاثیرگذار باشد. در مقایسه با مدافعان، مهاجمان تمایل بیشتری به ایفای تعهدات اجتماعی دارند زیرا به عنوان یک منبع استراتژیک می‌تواند منافع بیشتری برای آن‌ها ایجاد کند تا بستری مناسب برای فعالیت‌های آن‌ها فراهم گردد (یوان و همکاران، ۲۰۲۰). پیش‌بینی می‌شود استراتژی‌های تدافعی و تهاجمی به دلیل مشخصه‌های بارز کارایی و نوع آوری، رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش آفرینی شرکت‌ها را به طور معنادار تحت تاثیر قرار دهد.

پژوهش‌های فراوانی رابطه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این تحقیقات برای به‌کمیت درآوردن مفهوم کیفی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، از روش‌های متفاوتی استفاده شده است که بعضاً، تمایز آن‌ها را نسبت به تحقیقات مشابه نشان می‌دهد. منطبق بر تئوری‌های نظری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای ابعاد مختلفی است که هر یک از آن‌ها جنبه خاصی از این مفهوم را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین محاسبه مستقل هر یک از ابعاد می‌تواند اهمیت و جایگاه آن‌ها را برجسته نماید و با توجه به نحوه محاسبه آنها برای ادبیات موجود دانش‌افزایی به همراه داشته باشد. از این رو در این پژوهش علاوه بر محاسبه مسئولیت‌پذیری اجتماعی به طور کلی، هر یک از ابعاد آن نیز به صورت مستقل از هم، براساس متغیرهای حسابداری ارزش‌گذاری شده‌اند. همچنین بررسی نقش تعدیلی استراتژی تجاری بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است و تحقیقات قبلی نشان نداده‌اند که چگونه تفاوت در نوع استراتژی تجاری می‌تواند بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها تاثیرگذار باشد. از این رو در این پژوهش نقش تعدیلی استراتژی‌های تدافعی، تحلیل‌گر و تهاجمی مورد بررسی قرار گرفته است که منجر به دانش‌افزایی در ادبیات موجود خواهد شد. یکی از نکات قابل توجه در این پژوهش بکارگیری

استراتژی‌های تجاری به دو صورت امتیاز استراتژی و نوع استراتژی است. این در حالی است که در اکثر تحقیقات استراتژی بر اساس امتیاز مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر تلاش شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که آیا مسئولیت پذیری اجتماعی و ابعاد مختلف آن بر ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد؟ آیا استراتژی تجاری می‌تواند تأثیر معناداری بر رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها داشته باشد و این رابطه را تقویت کند؟

در ادامه ساختار مقاله به این ترتیب خواهد بود؛ ابتدا مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود؛ سپس روش شناسی پژوهش شامل متغیرها و الگوهای پژوهش ارائه می‌شود و در نهایت پس از بیان نتایج پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهادها بر گرفته از پژوهش بیان خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مسئولیت پذیری اجتماعی. در ادبیات تجاری چندین مفهوم و نظریه در مورد مسئولیت پذیری اجتماعی وجود دارد. آمارا (۱۹۹۳) تأیید کرد مفهوم مسئولیت پذیری اجتماعی بر ارزش‌های مدیریت استوار است و طیف متنوعی از تعاریف را دریافت می‌کند. به طور مشابه، مریجک (۲۰۰۳) اظهار داشت که این مفهوم شامل کلیه فعالیت‌های انجام شده توسط شرکت‌هایی است که در تلاشند تا مسائل اجتماعی و زیست محیطی را در چارچوب عملیات‌های تجاری و تعامل با ذینفعان درج کنند و در عین حال به پایداری شرکت‌ها نیز توجه دارند. کمیسیون اروپا (۲۰۱۱) پیش شرط تحقق مسئولیت‌های اجتماعی را احترام به قوانین قابل اجرا و توافق‌های جمعی بین شرکای اجتماعی دانست. برای تحقق کامل مسئولیت پذیری اجتماعی، شرکت‌ها باید فرایندی را برای ادغام مسائل اجتماعی، زیست محیطی، اخلاقی، حقوق بشر و مصرف‌کننده در فعالیت‌های تجاری و استراتژی اصلی و با همکاری نزدیک با ذینفعان خود در پیش بگیرند (نوا و فریرا، ۲۰۱۹). اگرچه تعاریف مختلفی در مورد مسئولیت پذیری اجتماعی وجود دارد، اما طبق گفته دالسرود (۲۰۰۸) آن‌ها به طور مداوم به پنج بعد اشاره دارند؛ بعد محیط زیست، بعد اجتماعی، بعد اقتصادی، بعد ذینفعان و بعد داوطلبانه. در بین تعاریف ارائه شده، مدل هرمی کارول (۱۹۹۱) معروف‌ترین و پذیرفته‌ترین مفهوم در ادبیات است. بر این اساس انتظارات جامعه از سازمان‌ها در چهار بخش؛ اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه طبقه‌بندی می‌شود.

مسئولیت‌های اقتصادی: تعهدات اقتصادی اولین و مهمترین بعد مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد. زیرا شرکت‌ها برای بقا و پایداری باید درآمد داشته باشند و سود کسب کنند (مسعود، ۲۰۱۷). به عبارت دیگر، سازمان‌های تجاری باید بتوانند موجودیت خود را حفظ کنند و تنها راه ممکن، سودآوری و توانایی ایجاد انگیزه برای سهامداران و سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری، داشتن منابع کافی برای ادامه عملیات است. همچنین، بخش دیگر از بعد اقتصادی، دفاع از ارزش سهم شرکت در بازار بورس می‌باشد. از جنبه‌های گوناگون، بعد اقتصادی زیر بنای اصلی فعالیت‌های یک سازمان است (بخردی نسب و ژولانژاد، ۱۳۹۹). جامعه سازمان‌های تجاری را مؤسساتی می‌داند که کالا و خدمات مورد نیاز را تولید و به فروش می‌رسانند. شرکت‌هایی که در حوزه اقتصادی و مالی موفق نیستند، از تجارت خارج می‌شوند و توانایی اجرای کلیه مسئولیت‌های خود را نخواهد داشت. بنابراین، مسئولیت اقتصادی یک الزام اولیه و اساسی است که باید در یک دنیای تجاری رقابتی برآورده گردد (کارول، ۲۰۱۶).

مسئولیت‌های قانونی: بر اساس این دیدگاه سازمان‌ها ملزم به رعایت قوانین و مقررات تعیین شده از سوی دولت‌ها هستند. به عبارت دیگر سازمان‌ها می‌بایست فعالیت‌های اقتصادی خود را در چارچوب قوانین و مقررات انجام دهند. رعایت هر چه بیشتر قوانین تدوین شده جهت حفظ منافع گروه‌های مختلف منطبق بر نظریه ذینفعان است. نقش دولت‌ها در این بخش نظارتی است و حافظ گروه‌هایی است که قدرت چندانی در فعالیت‌ها و سیاست‌های سازمان‌ها ندارند. وظیفه سازمان‌ها در این بخش فرمانبرداری و تمکین از قوانین و مقررات است. قوانین برای کنترل رفتار اجتماعی شرکت‌ها تحمیل می‌شوند (کریم و همکاران، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر، قوانین و مقررات منعکس‌کننده دیدگاه جامعه از رویه‌های کسب و کار منصفانه می‌باشد، که مورد تایید قانون گذار است (کارول، ۲۰۱۶).

مسئولیت‌های اخلاقی: انتظارات هنجاری و دستوری بسیاری از جوامع بر این اساس است که قوانین ضروری هستند اما کافی نیستند. مسئله تجارت اخلاقی به عنوان بخشی از استراتژی توسعه پایدار، فراتر از برابری قانونی است (مسعود، ۲۰۱۷). بر اساس مسئولیت‌های اخلاقی از شرکت‌ها انتظار می‌رود که فعالیت‌ها، هنجارها، استانداردها و شیوه‌هایی را مورد توجه قرار دهند که الزامی قانونی برای انجام آن ندارند ولی منطبق بر ارزش‌های جامعه می‌باشد (کارول، ۲۰۱۶). بر اساس این دیدگاه سازمان‌ها ملزم به برآوردن انتظارات جامعه، فراتر از نیازها و الزامات قانونی،

به شیوه‌ای منصفانه و عادلانه هستند (جونز و همکاران، ۲۰۰۹). در این بخش تعهدات شرکت، احترام به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه می‌باشد که منطبق بر دیدگاه تئوری ذینفعان است.

مسئولیت‌های بشردوستانه: مسئولیت بشردوستانه در واقع یک مسئولیت اجرایی نیست، بلکه شامل فعالیت‌های کاملاً اختیاری می‌باشد. این مفهوم در زمینه کسب و کار شرکت، به عنوان یک سنت رفتار سازمانی (یا داوطلبانه) قلمداد می‌شود که ایده بخشش به جامعه را نشان می‌دهد. بر این اساس شرکت‌ها به طور داوطلبانه به ایجاد جامعه‌ای بهتر کمک می‌کنند و جهت ارتقاء رفاه و ثروت مردم، به ایجاد اعتماد با جامعه می‌پردازند.

به طور کلی این اعتقاد وجود دارد که ابتکارات مسئولیت‌پذیری اجتماعی، باعث بهبود عملکرد شرکت‌های فعال در این زمینه خواهد شد (باتیستا و همکاران، ۲۰۱۷). مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان ابزاری قدرتمند در نظر گرفته می‌شود که با استفاده از آن می‌توان سود رقابتی پایدار و ارزش‌های ماندگار برای ذینفعان متنوع را بدست آورد. اغلب، ابتکارات مسئولیت‌های اجتماعی منابعی استراتژیک برای بنگاه‌ها ایجاد می‌کند که جایگزین شدن آن‌ها از طریق سایر فعالیت‌ها بسیار دشوار خواهد بود (پورتر و کرامر، ۲۰۱۹). بر این اساس، مسئولیت‌های اجتماعی توانایی شرکت‌ها برای دستیابی به موفقیت‌های اقتصادی در بازار را افزایش می‌دهد. تحقیقات زیادی اثبات کرده‌اند تعهدات اجتماعی می‌تواند از جهات مختلفی برای بنگاه‌های تجاری ارزش اقتصادی ایجاد کند (لو و همکاران، ۲۰۱۸؛ گول و همکاران، ۲۰۱۷؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۶). در این راستا تئوری‌های؛ نمایندگی، ذینفعان، مشروعیت و نهادی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت را تبیین می‌کنند. منطبق با تئوری نمایندگی مدیران شرکت‌ها در راستای اهداف فرصت طلبانه خود و به بهای منافع سهامداران، اقدام به انجام فعالیت‌های اجتماعی می‌کنند (برامر و پاولین، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی ابزاری برای رسیدن مدیران به اهداف فرصت طلبانه و منافع شخصی آن‌ها، بدون در نظر گرفتن منافع سهامداران، می‌باشد. به اعتقاد برگسی و همکاران (۲۰۱۴) مدیران شرکت‌ها صرفاً به منظور افزایش شهرت خود مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی می‌کنند. مطابق فرضیه مدیریت فرصت طلبانه، بنگاه‌هایی که در فعالیت‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند منابع شرکت را به نفع سهامداران خود اختصاص نمی‌دهند (رضایی، ۲۰۱۶) و به همین دلیل دچار یک نقطه ضعف

رقابتی می‌شوند. مطابق این استدلال، منافع اقتصادی مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی از هزینه‌های چنین مشارکتی فراتر نمی‌رود و بنابراین ثروت سهامداران را کاهش می‌دهد (هینز و سومپ، ۲۰۱۹). تئوری ذینفعان توسط فریمن (۱۹۸۴) مطرح گردید. این نظریه شکل جدیدی از درک و عملکرد مدیریتی ارائه کرده است؛ روشی جدید برای سازماندهی تفکر در مورد مسئولیت‌بناگاه‌ها با این پیشنهاد که نیاز سهامداران بدون برآورده کردن نیاز سایر ذینفعان برآورده نمی‌شود (فاستر و جونکر، ۲۰۰۵). بر اساس این تئوری، شرکت‌ها باید در اتخاذ سیاست‌ها و اجرای تصمیمات استراتژیک خود خواسته‌های همه ذینفعان را مد نظر قرار دهد. فریمن (۱۹۸۴) ذینفعان را به عنوان هر گروه یا فردی که می‌تواند در تحقق اهداف یک شرکت تأثیر بگذارد یا تحت تأثیر قرار گیرد، تعریف می‌کند. بنابراین، ذینفعان علاوه بر مدیران، سهامداران و طلبکاران، شامل مشتریان، تأمین کنندگان، کارمندان و عموم مردم نیز می‌شوند. این تئوری ادعا می‌کند توانایی یک شرکت در عملکرد، وابسته به گنجاندن استراتژیک منافع ذینفعان در تصمیم‌گیری‌های آن است و ثروت بلند مدت شرکت از طریق روابط پویای بلند مدت با ذینفعان سازمانی براساس همکاری و اتحاد منافع ایجاد می‌شود (فاسین، ۲۰۱۲). منابع ضروری برای عملکرد شرکت در مالکیت یا کنترل ذینفعان است. بنابراین درک انتظارات و ادراکات ذینفعان ضروری است چرا که آن‌ها می‌توانند بر عملکرد یک شرکت تأثیر بگذارند (لطیف و سجاد، ۲۰۱۸).

تئوری مشروعیت مبتنی بر قرارداد اجتماعی است که بین یک شرکت و جامعه وجود دارد (دیگان، ۲۰۰۲). مقبولیت از سوی جامعه‌ای که شرکت در آن فعالیت می‌کند، الزام‌بناگاه‌ها برای تداوم فعالیت است. اگر فعالیت‌های یک بنگاه اقتصادی مطابق با هنجارهای مورد تایید جامعه باشد، وجود خود را در جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، مشروعیت می‌بخشد و در صورتی که فعالیت‌های بنگاه اقتصادی مطابق با هنجارهای اجتماعی نباشد، بین عملکرد شرکت و انتظارات جامعه شکاف مشروعیت ایجاد خواهد شد. از این رو مدیران تلاش می‌کنند از طریق استراتژی‌های مختلفی مشروعیت خود را حفظ کنند. یکی از ابزارهای کسب مشروعیت، پایبندی به تعهدات اجتماعی است. بنگاه‌ها می‌توانند عملکرد خود را با درگیر شدن در ابتکارات اجتماعی قانونی سازند (آناس و همکاران، ۲۰۱۵). اسکات (۱۹۹۵) نهادها را به عنوان ترکیبی از ساختارها و فعالیت‌های شناختی، هنجاری و نظارتی تعریف می‌کند که ثبات و معنای

رفتارهای اجتماعی را فراهم می‌کند. این تئوری فرض می‌کند شرکت‌ها تحت تأثیر چارچوب‌های گسترده‌تری از قبیل مقررات عمومی، مقررات خصوصی و سازمان‌های غیردولتی قرار دارند که بر فعالیت‌های تجاری آن‌ها نظارت می‌کنند و از این رو، ابتکار عمل و رویه‌های تجاری شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند (هان و همکاران، ۲۰۱۰). این نظریه‌ها مستقل از یکدیگر نیستند و در نشان دادن یک رویداد خاص اجتماعی هم‌پوشانی دارند. ارتباط متقابل تئوری‌های ذینفعان و نهادی در توصیف چگونگی دستیابی به مشروعیت شرکت از دیدگاه اجتماعی ضروری است. نظریه ذینفعان نشان می‌دهد که چگونه شرکت به علایق ذینفعان داخلی و خارجی برای بقا پاسخ می‌دهد، در حالی که تئوری نهادی بر آگاهی شرکت‌ها در پذیرفتن ارزش‌های مقبول اجتماعی، هنجارها و مفاهیم تأکید می‌کند. بنابراین، تئوری‌های ذینفعان در کنار مکانیسم‌های نهادی قادر به ایجاد مبانی محکمی هستند که منافع اجتماعی را در کوتاه مدت و بلند مدت حفظ کرده و در نظر بگیرند (گنند، ۲۰۱۸).

پژوهش‌های بسیاری رابطه بین مسئولیت‌پذیری و عملکرد را بررسی نموده‌اند. دارابی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی ارتباط گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ابعاد آن را با ارزش و خطر شرکت‌ها بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ارزش و خطر شرکت‌ها رابطه معنادار وجود دارد. سپاسی و حسن زاده (۱۳۹۵) رابطه بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت بر پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد بین بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت و پایداری سود رابطه معناداری وجود دارد. ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی رابطه بین پایداری سود و سودآوری را با افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نتایج پژوهش بیانگر رابطه مثبت و معنادار پایداری سود و سودآوری شرکت‌ها با افشاء مسئولیت اجتماعی بود. اکبری و همکاران (۱۳۹۸) اثر تعدیلی نظارت خارجی بر رابطه بین ابعاد فنی و نهادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر سودآوری در شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر سودآوری شرکت به صورت مستقیم رابطه معناداری دارند. علاوه بر این تأثیر ابعاد فنی و نهادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر سودآوری شرکت با نقش تعدیلی نظارت خارجی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد نظارت خارجی رابطه مثبت

بین بعد فنی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سودآوری شرکت را تعدیل (تشدید) می‌کند؛ اما در رابطه بین بعد نهادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سودآوری شرکت، نظارت خارجی نقش تعدیلی ایفا نمی‌کند. حسنی (۱۳۹۹) رابطه مسئولیت اجتماعی را هرودی با عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داد. برای سنجش مسئولیت اجتماعی را هرودی از شاخص کارول (۱۹۷۹) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر ضریب واکنش سود، تأثیر مثبت دارد. همچنین، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تأثیر معناداری ندارد، اما بر بازده داراییها تأثیر مثبت دارد. بخردی نسب و ژولانژاد (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر ارزش نام و نشان تجاری پرداختند. روش اجرای پژوهش مبتنی بر رگرسیون چندکی و الگوی معادلات ساختاری می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و محرک اعتبار ارزش نام و نشان تجاری، عواملی مثبت و قابل توجه برای همه چندک‌ها هستند. عامل محرک توسعه برند، تأثیر مثبت و قابل توجهی را بر روی چندک‌های بالاتر عملکرد مالی شرکت می‌گذارد. یافته‌ها نشان دهنده تأثیر منفی بر عملکرد مالی شرکت در زمینه عامل محرک وفاداری به برند می‌باشد. سو و همکاران (۲۰۱۶) شرکت‌های فعال در بازارهای نوظهور را هدف قرار دادند. بر اساس نتایج شرکت‌هایی که در فعالیت‌های اجتماعی حضور داشتند، شهرت بیشتر و عملکرد بهتری از خود نشان دادند. بنابراین به نظر می‌رسد ابتکارات فعالیت‌های اجتماعی نه تنها اثر مثبتی بر عملکرد مالی دارد بلکه باعث کاهش هزینه‌های عملیاتی، افزایش کارایی مدیریت و ایجاد مدل‌های جدید کسب و کار خواهد شد. لی و همکاران (۲۰۱۸) روابط طولانی‌مدت مسئولیت‌های اجتماعی و عملکرد مالی شرکت را مورد بررسی قرار دادند. شرکت‌های درگیر در فعالیت‌های اجتماعی به طور کلی، نسبت به شرکت‌هایی که متعهد به چنین مسئولیت‌هایی نیستند، به دلیل تهاثر بین منفعت و هزینه در سطح شرکت و عدم تعادل بین عرضه و تقاضا در سطح صنعت، عملکرد مالی بهتر یا بدتری ندارند. یافته‌های این پژوهش، عدم معناداری بین مسئولیت‌های اجتماعی و عملکرد مالی را در سطح شرکت و صنعت تایید می‌کند. این بدان معنی است که مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، تأثیری بر تخریب یا بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها ندارد. گورو ویلجس و همکاران (۲۰۱۸) رابطه بین

مسئولیت پذیری اجتماعی، نوآوری و تاثیر آن بر عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان واسطه بین نوآوری و عملکرد عمل می‌کند و اگر نوع نوآوری نقش اساسی در توسعه فعالیت‌های اجتماعی داشته باشد موجب بهبود و ارتقاء عملکرد خواهد شد. شرابتی (۲۰۱۸) تاثیر اجرای ابتکارات مسئولیت اجتماعی (مسئولیت اجتماعی، مسئولیت اقتصادی و مسئولیت زیست محیطی) بر عملکرد تجاری شرکت‌های صنایع دارویی اردن را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که بین متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد و هر سه متغیر به شدت به عملکرد کسب و کار مرتبط است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سه متغیر به طور کلی بر عملکرد تجاری شرکت‌های دارویی اثرگذار است. مسئولیت زیست محیطی بیشترین تاثیر را بر عملکرد شرکت‌های صنایع داروسازی دارد، به دنبال آن مسئولیت اقتصادی و سپس مسئولیت اجتماعی رتبه‌بندی می‌شوند. از این رو مسئولیت پذیری اجتماعی باید به وضوح در استراتژی شرکت‌ها تدوین شود و عناصر آن باید همسو با برنامه‌های توسعه شرکت باشد. ابوگر و انلسینیا (۲۰۲۰) نقش تعدیلی اعتبار بر رابطه مسئولیت اجتماعی و ارزش اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج مسئولیت پذیری اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری بر ارزش اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی دارد. همچنین اعتبار بالای شرکت به طور قابل توجهی رابطه مسئولیت اجتماعی و ارزش اقتصادی شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لانگ و همکاران (۲۰۲۰) با در نظر گرفتن دیدگاه‌های سیاسی و ابزاری مسئولیت پذیری اجتماعی، به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌های چینی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که؛ مسئولیت اجتماعی تاثیر مثبتی بر عملکرد مالی می‌گذارد، مالکیت دولتی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی را تضعیف می‌کند، و رقابت صنعت رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی برای شرکت‌های دولتی و غیردولتی را تقویت می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد هر چند دیدگاه ابزاری و سیاسی مسئولیت اجتماعی در چین قابل اجرا هستند، انگیزه ایجاد منافع اقتصادی برای شرکت‌ها غالب است، و رقابت در بازار استفاده استراتژیک از مسئولیت اجتماعی را افزایش می‌دهد. سنگ و میسرا (۲۰۲۱) رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد سازمانی را با در نظر گرفتن اثربخشی شهرت شرکت به عنوان متغیر تعدیل کننده، در شرکت‌های چند ملیتی اروپایی مورد بررسی قرار دادند. داده‌های نهایی شامل ۳۴۰ پاسخ جمع آوری شده از مدیران

ارشد/مدیران شاغل در شرکت‌های چند ملیتی اروپایی است. نتایج نشان داد زمانی که مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به ذینفعان خارجی اعمال می‌شود، بر عملکرد سازمانی تاثیر می‌گذارد. علاوه بر این، این تاثیر بین شرکت‌های معتبر، شرکت‌های معروف و شرکت‌های تجاری با شهرت ضعیف متفاوت است. همچنین بر اساس نتایج، ادراکات مدیریتی نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکت به طور قابل توجهی با شهرت سازمان و عملکرد کلی سازمان مرتبط است در صورتیکه ادراکات مدیریتی مسئولیت اجتماعی شرکت نسبت به کارکنان هیچ گونه رابطه معناداری با عملکرد سازمان نداشت. یکی دیگر از نتایج مطالعه، تأثیر متقابل منفی و معنادار مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شهرت شرکت بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و عملکرد سازمانی است.

با توجه به مفهوم چند بعدی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در این پژوهش تاثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد اقتصادی، اخلاقی و قانونی آن بر ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس فرضیه‌های اول تا چهارم به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه اول: مسئولیت‌پذیری اجتماعی تاثیر معناداری بر ارزش افزوده نقدی دارد.

فرضیه دوم: بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی تاثیر معناداری بر ارزش افزوده نقدی دارد.

فرضیه سوم: بعد اخلاقی مسئولیت‌پذیری اجتماعی تاثیر معناداری بر ارزش افزوده نقدی دارد.

فرضیه چهارم: بعد قانونی مسئولیت‌پذیری اجتماعی تاثیر معناداری بر ارزش افزوده نقدی دارد.

استراتژی کسب و کار، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد

استراتژی‌های کسب و کار را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از استراتژی‌های طراحی شده برای هدایت یک شرکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری در نظر گرفت. مایلز و اسنو (۱۹۷۸، ۲۰۰۳) بر اساس نرخ رشد شرکت نسبت به محصولات و بازارهای آن، سه استراتژی؛ تهاجمی، تحلیل‌گر و تدافعی را شناسایی کرده‌اند. بر اساس این چارچوب، استراتژی تهاجمی و تدافعی در انتهای زنجیره استراتژی کسب و کار قرار دارند که به طور سیستماتیک در ابعاد مختلف متفاوت هستند. حد واسط استراتژی تدافعی و تهاجمی، استراتژی تحلیل‌گر است که ویژگی‌های هر دو نوع استراتژی را نشان می‌دهند. شرکت‌های تهاجمی همواره به دنبال بهره‌برداری و شناسایی محصولات جدید و فرصت‌های بازار از طریق فرایندهای نوآوری هستند و رقابت آن‌ها بستگی به توانایی شرکت‌ها در پیشبرد محصولات، یا توسعه بازار دارد. چنین شرکت‌هایی با استفاده از

فرصت‌های جدید موجود در بازار، محصولات خود را به طور مداوم تغییر می‌دهند. این امر مستلزم نظارت و کنترل دقیق بر محصول و بازار می‌باشد تا بتوان از فرصت‌های بازار به طور موثر استفاده کرد (چن و جرمایس، ۲۰۱۴). علاوه بر این، از آنجایی که رقابت مهاجمان به توانایی آن‌ها در پیشبرد محصولات و یا توسعه بازار بستگی دارد، افزایش اعتبار شرکت و نام تجاری در بین مصرف‌کنندگان و حفظ مداوم ظرفیت نوآوری حیاتی است. شرکت‌های تدافعی استراتژی رهبری هزینه را با تمرکز بر روی یک بازار محدود، ترکیبی پایدار از محصولات و خدمات، و با تلاش برای بهبود بهره‌وری هزینه در تولید و توزیع کالا و خدمات دنبال می‌کنند. استقبال این شرکت‌ها از هزینه‌هایی همچون هزینه تحقیق و توسعه پایین است. تمام تلاش آن‌ها سرمایه‌گذاری بر تولید مقرون به صرفه محصولات است و بر این اساس از قیمت پایین محصولات به عنوان ابزاری برای رقابت استفاده می‌کنند (مایلز و اسنو، ۱۹۷۸، ۲۰۰۳؛ هیگینز و همکاران، ۲۰۱۵). شرکت‌ها با استراتژی تحلیل‌گر با توجه به تعادل بین بهره‌وری و نوآوری، اقدامات تدافعی یا تهاجمی انجام می‌دهند. آن‌ها معمولاً تلاش می‌کنند تا ریسک کاهش سودآوری را به حداقل برسانند و در به حداکثر رساندن فرصت‌های رشد، تلاش کنند (یوان و همکاران، ۲۰۲۰). از سوی دیگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا شناخت مصرف‌کننده از محصولات افزایش یافته و زمینه وفاداری مصرف‌کنندگان را بیش از پیش فراهم آورد. برای شرکت‌هایی که بازارهای جدید را توسعه می‌دهند و به مصرف‌کنندگان جدید اهمیت می‌دهند، این امر حایز اهمیت است (لو و بتجریا، ۲۰۰۶). بعلاوه، تعهد به فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند به شرکت‌ها در جذب و حفظ کارمندان با کیفیت بالا کمک کند (رودریگوآرنس، ۲۰۰۸). این امر برای دستیابی و حفظ قابلیت‌های نوآوری سازمانی ضروری است. از آنجا که فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند به شرکت‌ها برای کشف بازارهای جدید و ایجاد محصولات جدید کمک کند، شرکت‌ها با استراتژی تهاجمی انگیزه بیشتری برای انجام آن دارند. نوآوری یک فرایند طولانی با عدم اطمینان بالا است و نتایج آن به طور معمول نیاز به زمان طولانی جهت تحقق یافتن دارد. فعالیت‌های اجتماعی یک شرکت را می‌توان به عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی کرد که به توسعه پایدار آینده یک شرکت منجر می‌شود (فلامر، ۲۰۱۵). بنابراین، از این منظر، شرکت‌ها با استراتژی تهاجمی با احتمال بیشتر به فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند و عملکرد بهتری دارند. شرکت‌ها با استراتژی تدافعی به جای

توسعه محصولات جدید، تمایل دارند به بازار محصولات موجود نفوذ کنند. هدف آنها بهبود کارایی از طریق مدیریت هزینه است. تمرکز آنها بر هزینه محصول باعث می‌شود که بر اهداف عملکرد کوتاه مدت تاکید کنند. از آنجا که شرکت‌های تدافعی می‌کوشند ثبات سازمانی و عملیاتی را حفظ کنند، خود را در معرض خطر و عدم اطمینان قرار نمی‌دهند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی یک سرمایه‌گذاری بلندمدت با ریسک بالا است، و ممکن است در کوتاه مدت منجر به سود نشود (فالک و هبلیچ، ۲۰۰۷). بنابراین، انجام فعالیت‌های اجتماعی ممکن است به شرکت‌ها با استراتژی تدافعی برای برآورده کردن اهداف کوتاه مدت و اجتناب از ریسک کمک نکند، و در نتیجه احتمال مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی نیز کم‌تر است. براساس دیدگاه مبتنی بر منابع، توان رقابتی‌پذیری شرکت‌ها بر اساس دارایی‌های مشهود و نامشهود آن‌ها است (بارنی، ۱۹۹۱). مسئولیت‌های اجتماعی با بهبود اعتبار شرکت، ارتقاء نوآوری و تقویت اعتماد مشتری به توسعه منابع نامشهود شرکت کمک می‌کند (میشرا، ۲۰۱۷؛ فلامر و کسپریک، ۲۰۱۵). از این رو شرکت‌های تهاجمی تمایل بیشتری به انجام مسئولیت‌های اجتماعی دارند زیرا به واسطه منابع ارزشمندی که برای آن‌ها ایجاد خواهد شد، قادر خواهند بود عملکرد بهتری داشته باشند.

استراتژی تدافعی همراه با کارایی است. مدیریت هزینه و کارایی شرکت‌های تدافعی موجب خواهد شد بدون متحمل شدن هزینه‌های صریح اضافی، از عملکرد اجتماعی بالاتری برخوردار شوند که این امر موجب بهبود عملکرد مالی شرکت خواهد شد. علاوه بر این، چنین شرکت‌هایی می‌توانند با طراحی مجدد فرآیندها و محصولات برای بازارهای موجود، هزینه‌ها را مدیریت کرده به اهداف اجتماعی دست یابند. همچنین شرکت‌های تدافعی می‌توانند جهت ارزش آفرینی بازارهای جدید، برنامه‌های ابتکاری اجتماعی را آغاز کنند که بر راه‌حل‌های کم‌هزینه جهت رسیدن به اهداف اجتماعی تأکید می‌کند. استراتژی تدافعی هزینه فعالیت‌های شرکت‌ها را با کاهش یا کنترل هزینه‌های صریح پروژه‌های اجتماعی تسهیل می‌کند. علاوه بر این، توانایی آن‌ها برای توسعه پروژه‌های اجتماعی کم‌هزینه، برای فرصت‌های تجاری موجود و جدید، ممکن است عملکرد شرکت را بیشتر بهبود بخشد (چن و همکاران، ۲۰۱۸). از سوی دیگر استراتژی تهاجمی با نوع آوری همراه است (وو و همکاران، ۲۰۰۷). شرکت‌ها با انجام پروژه‌های اجتماعی شهرت و اعتبار بیشتری کسب می‌کنند و از این رو می‌توانند سودآورتر

باشند و برای بازارهای موجود به دلیل سازگاری بیشتر با محیط زیست یا آگاهی اجتماعی، ارزش افزوده ایجاد کنند (بارنت و سالمون، ۲۰۱۲). در نتیجه، شرکت‌های نوآور قادر به آغاز پروژه‌های اجتماعی با راه حل‌های خلاقانه هستند (هال و روتنبرگ، ۲۰۰۸). شرکت‌هایی تهاجمی‌تر نسبت به ذینفعان خود شناخت بیشتری دارند، زیرا به منظور فتح بازارهای جدید و جذب مشتریان وفادار، باید نیازهای آنان را درک کنند. از این رو، هزینه‌های ضمنی در رابطه با برنامه‌ریزی، مدیریت و ارزیابی ابتکارات اجتماعی توسط شرکت‌های تهاجمی بیشتر کنترل می‌شود. استراتژی تهاجمی اثرات مثبتی بر ابتکارات اجتماعی شرکت‌ها با استفاده از نوآوری در راستای ارزش آفرینی برای بازارهای موجود، یا ایجاد ارزش و منافع اجتماعی برای بازارهای جدید دارد. علاوه بر این، هزینه‌های ضمنی فعالیت‌های اجتماعی به دلیل آگاهی شرکت‌ها از ذینفعانشان به خوبی مدیریت می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو پیش بینی می‌شود استراتژی‌های تدافعی و تهاجمی از طریق مدیریت کردن هزینه‌های صریح و ضمنی، رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش آفرینی شرکت‌ها را به طور مثبت و معنادار تحت تاثیر قرار دهد.

حاجیها (۱۳۹۷) رابطه نوع راهبرد تجاری و سطح افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر عملکرد را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد راهبردهای رقابتی بر عملکرد تاثیر مستقیم و معنادار دارند. همچنین تاثیر مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مستقیم و معنادار است، اما با حضور افشای بیشتر مسئولیت اجتماعی، راهبرد تمایز نسبت به کاهش هزینه، تاثیر بیشتری بر عملکرد دارد. منطبق با تحقیق بارین کروز و همکاران (۲۰۱۵) بنگاه‌ها می‌توانند با بکارگیری استراتژی تمایز جایگاه خود را در بازار ارتقاء بخشند و عملکرد مالی بهتری داشته باشند. براین اساس، تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر سودآوری بنگاه‌ها، ناشی از انتخاب نوع استراتژی توسط آن‌ها می‌باشد. یون و همکاران (۲۰۱۷) تاثیر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد شرکت را با توجه به نقش تعدیلی استراتژی‌های رهبری هزینه و تمایز سازی مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه نشان داد که عملکرد مالی شرکت‌ها از افشای مسئولیت‌های اجتماعی به طور مثبت تحت تاثیر قرار می‌گیرد. همچنین شرکت‌ها با استراتژی تمایز نسبت به شرکت‌ها با استراتژی رهبری هزینه، بیشتر از منافع اجرا و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی منتفع می‌شوند. یوان و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه بین استراتژی

کسب و کار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان می‌دهد استراتژی کسب و کار تاثیر مهمی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد و شرکت‌هایی که از یک استراتژی مبتنی بر نوآوری پیروی می‌کنند (تهاجمی) نسبت به شرکت‌هایی که در پی یک استراتژی مبتنی بر کارآیی هستند (تدافعی)، از عملکرد اجتماعی بهتری برخوردار هستند. لین و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی نقش تعدیلی هزینه‌های تحقیق و توسعه و تبلیغات بر رابطه مسئولیت اجتماعی و عملکرد مالی شرکت‌ها پرداختند. بر اساس نتایج تحقیق، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند عملکرد شرکت را با استفاده از هزینه‌های مذکور افزایش دهد، زیرا صرف هزینه‌های بیشتر در تحقیق و توسعه و همچنین تبلیغات، عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد. موری (۲۰۲۲) به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی، استراتژی‌های تجاری و عملکرد آتی شرکت‌ها پرداخته است. تمرکز بر روی این موضوع است که چگونه استراتژی‌های رشدی، تهاجمی و تدافعی بر رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند. شرکت‌های تهاجمی هزینه‌های تبلیغات، تحقیق و توسعه بالا و کارایی سرمایه پایین دارند و درآمد شرکت‌های رشدی تصاعدی است. بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس از ۲۳ کشور توسعه یافته، نشان داده است که بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی به طور مثبت با سودآوری آینده در شرکت‌های تهاجمی و رشدی مرتبط است. بر اساس تحقیقات انجام شده نوع استراتژی شرکت، میزان تاثیرپذیری عملکرد از انجام تعهدات اجتماعی را تعیین می‌کند. از این رو نقش استراتژی-های کسب و کار؛ تدافعی، تحلیل‌گر و تهاجمی، به عنوان متغیر تعدیل‌گر، بر رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن، با ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس فرضیه‌های پنجم الی هشتم به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه پنجم: استراتژی کسب و کار بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی، اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه ششم: استراتژی کسب و کار بر رابطه بین بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی، اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه هفتم: استراتژی کسب و کار بر رابطه بین بعد اخلاقی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی، اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه هشتم: استراتژی کسب و کار بر رابطه بین بعد قانونی مسئولیت پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی، اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش علی پس رویدادی و از لحاظ هدف کاربردی است. گردآوری داده‌ها بر اساس روش کتابخانه‌ای است. داده‌های پژوهش از طریق جمع‌آوری داده‌های شرکت‌های نمونه با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش‌های هفتگی و ماهنامه بورس اوراق بهادار و با استفاده از نرم افزارهای ره‌آورد نوین و تدبیرپرداز انجام شده است. از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش از نرم‌افزارهای اکسل، ایویوز و استاتا استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. نمونه‌گیری براساس حداکثر داده‌های موجود برای شرکت‌هایی است که دارای شرایط زیر باشند:

- شرکت‌ها قبل از سال ۸۹ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۹۷ در بورس حضور داشته باشند.
 - به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی ۲۹ اسفند باشد.
 - به منظور همگن بودن اطلاعات، فعالیت آن‌ها تولیدی باشد و جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، موسسات بیمه و لیزینگ نباشند.
 - معاملات سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
 - اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
- از آنجایی که برای محاسبه برخی از متغیرها به اطلاعات ۵ سال قبل مورد نیاز است، از این رو داده‌های مورد نیاز شرکت‌های نمونه باید برای دوره ۱۳ ساله (۱۳۸۵-۱۳۹۷) در دسترس باشد.

با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۰۴ شرکت تولیدی به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردید.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

مدل‌های پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. مدل (۱) تاثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و مدل (۲) تاثیر ابعاد اقتصادی، اخلاقی و قانونی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را بر ارزش افزوده نقدی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین نقش تعدیلی استراتژی کسب و کار بر این روابط در مدل‌های (۳) و (۴) آزمون شده است. لازم به ذکر است تاثیر تعدیلی استراتژی به دو حالت؛ امتیاز استراتژی و نوع استراتژی، مورد آزمون قرار گرفته است.

$$CVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$CVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_ECO_{it} + \beta_2 CSR_ETH_{it} + \beta_3 CSR_LEG_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

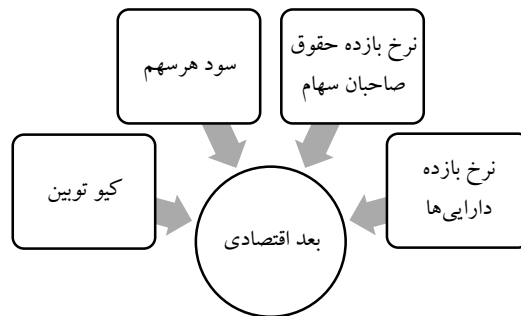
$$CVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{it} + \beta_2 STRATEGY_{it} + \beta_3 CSR_{it} * STRATEGY_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$CVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_ECO_{it} + \beta_2 CSR_ETH_{it} + \beta_3 CSR_LEG_{it} + \beta_4 STRATEGY_{it} + \beta_5 CSR_ECO_{it} * STRATEGY_{it} + \beta_6 CSR_ETH_{it} * STRATEGY_{it} + \beta_7 CSR_LEG_{it} * STRATEGY_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \beta_{10} LEV_{it} + \beta_{11} SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۴)}$$

در الگوهای پژوهش CVA: ارزش افزوده نقدی؛ CSR: مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ CSR_ECO: بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ CSR_ETH: بعد اخلاقی مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ CSR_LEG: بعد قانونی مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ SIZE: اندازه شرکت؛ AGE: سن شرکت؛ LEV: اهرم مالی؛ SG: رشد فروش؛ STRATEGY: استراتژی کسب و کار است.

متغیرهای مستقل

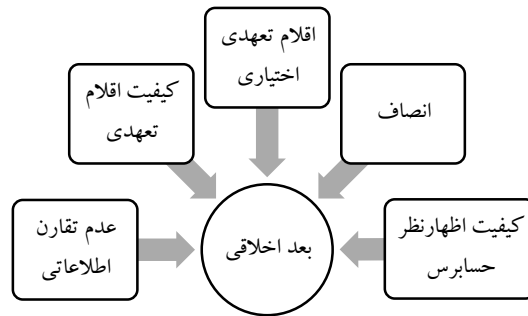
متغیرهای مستقل این پژوهش، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد اقتصادی، قانونی و اخلاقی آن است که بر اساس شاخص‌های حسابداری تعریف و محاسبه شده‌اند. با توجه به تنوع و گوناگونی معیارهای تشکیل دهنده متغیرهای مستقل، برای محاسبه امتیاز نهایی، از روش سنجش مبتنی بر میانگین رتبه دهکی معیارهای مذکور استفاده شده است. بر اساس این روش برای محاسبه امتیاز ترکیبی، ابتدا هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده بر اساس رابطه و رویه مورد نظر محاسبه می‌شود. سپس، اختلاف بین بیشترین و کم‌ترین مبلغ هر متغیر در هر دوره، به ده بخش (دهک) مساوی طبقه‌بندی می‌شود. آنگاه رتبه دهکی هر یک از شرکت‌ها، بر اساس مبلغ متغیر مورد نظر تعیین می‌شود. به طوری که شرکت‌های دارای پایین‌ترین میزان، در دهک اولیه و با بالاترین میزان، در دهک دهم طبقه‌بندی می‌شود. سرانجام، مجموع اعداد رتبه دهکی متغیرهای تشکیل دهنده، مربوط به هر شرکت، بر تعداد آن‌ها تقسیم می‌شود تا شاخصی جامع و ترکیبی، بر اساس میانگین رتبه دهکی به دست آید. مسئولیت‌پذیری اجتماعی از میانگین همه اقلام تشکیل دهنده ابعاد تشکیل شده است. شکل (۱) متغیرهای تشکیل دهنده بعد اقتصادی را نشان می‌دهد.



شکل ۱: متغیرهای تشکیل دهنده بعد اقتصادی

نرخ بازده دارایی‌ها: نرخ بازده دارایی‌ها از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها بدست می‌آید.
 نرخ بازده حقوق صاحبان سهام: نرخ بازده حقوق صاحبان سهام از نسبت سود خالص به حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید.

سود هر سهم: سود هر سهم از نسبت سود (زیان) خالص بر تعداد سهام بدست می‌آید.
 کیو تووین: شاخص کیو تووین از حاصل جمع ارزش بازار سهام عادی و ارزش دفتری سهام ممتاز و بدهی‌های بلندمدت و کوتاه مدت بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها بدست می‌آید.
 شکل ۲ متغیرهای تشکیل دهنده بعد اخلاقی را نشان می‌دهد.



شکل ۲: متغیرهای تشکیل دهنده بعد اخلاقی

انصاف: مطابق با شاخه اخلاقی نظریه ذینفعان و خطر اخلاقی عدم تقارن اطلاعاتی، استدلال می‌شود که کسب بازده غیرمتعارف در بازار سهام بیانگر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد که خطر اخلاقی به همراه دارد. بنابراین یک منهای انحراف معیار بازده غیرعادی ماهانه بیانگر انصاف می‌باشد (رضایی و غنایی نژاد، ۲۰۱۴)

$$Fairness_{i,t} = 1 - \sigma(AR_{i,t})$$

$$AR_{i,t} = R_{i,t} - E(R_{i,t})$$

$AR_{i,t}$: بازده غیرعادی ماهانه سهام شرکت i ؛ $R_{i,t}$: بازده واقعی ماهانه سهام شرکت i ؛ $E(R_{i,t})$:

بازده مورد انتظار ماهانه شرکت i .

کیفیت اظهار نظر حسابرسان: نوع گزارش حسابرسان بیانگر رعایت منافع گروه‌های ذینفع مختلف است. اگر گزارش مقبول باشد شرکت پاسخگوی انتظارات گروه‌های مختلف ذینفع بوده است و در صورت عدم اظهار نظر یا گزارش مردود، منافع گروه‌های مختلف برآورده نشده است. از آنجا که این متغیر یک متغیر کیفی است برای رتبه‌بندی دهکی آن، گزارش مقبول در بالاترین دهک قرار می‌گیرد و رتبه شرکت‌هایی که گزارش مردود یا عدم اظهار نظر حسابرسان دریافت نموده‌اند در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرند. شرکت‌هایی که گزارش مشروط دریافت نموده‌اند بر اساس تعداد بندهای گزارش مشروط رتبه‌بندی خواهند شد. از این رو هرچه تعداد بندهای گزارش کمتر باشد رتبه شرکت از نظر کیفیت اظهار نظر حسابرسان بالاتر خواهد بود.

اقدام تعهدی اختیاری: اقدام تعهدی اختیاری مبنایی برای دست‌کاری سود است. به عبارت دیگر، به معنای رعایت نکردن اصول اخلاقی است. برای محاسبه اقدام تعهدی اختیاری از الگوی کازنیک (۱۹۹۹) استفاده شده است:

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_{i,0} \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_{i,1} \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_{i,2} \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_{i,3} \left(\frac{\Delta CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t}$$

پس از برآورد الگو با استفاده از رگرسیون سری زمانی ۵ ساله برای هر سال- شرکت، ۵ مقدار باقی‌مانده (ε) در فاصله زمانی $t-4$ و t برآورد می‌شود. انحراف معیار این خطاها مبنایی برای محاسبه رتبه متغیر ارقام تعهدی اختیاری هر شرکت است. هر چه انحراف معیار مقادیر باقی‌مانده کم‌تر باشد، شرکت در رعایت اصول اخلاقی رتبه بالاتری دارد.

کیفیت ارقام تعهدی: کیفیت ارقام تعهدی بیانگر قابلیت تبدیل ارقام تعهدی به جریان‌های نقدی آینده است. اعمال رویه منصفانه در سازمان‌ها شکاف بین سود تعهدی و جریان‌های نقدی را به حداقل ممکن می‌رساند. کیفیت ارقام تعهدی با استفاده از الگوی مک نیکولز (۲۰۰۲) به شرح زیر اندازه‌گیری شده است:

$$\frac{TAC_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \beta_{0,i} + \beta_{1,i} \left(\frac{CFO_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}} \right) + \beta_{2,i} \left(\frac{CFO_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right) + \beta_{3,i} \left(\frac{CFO_{i,t+1}}{Assets_{i,t-1}} \right) + \beta_{4,i} \left(\frac{\Delta sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right) + \beta_{5,i} \left(\frac{PPE_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} \right) + v_{i,t}$$

پس از تخمین پارامترهای الگو از طریق الگوی رگرسیون سری زمانی ۵ ساله برای هر سال- شرکت، ۵ مقدار باقی‌مانده (v) در فاصله زمانی $t-4$ و t برآورد می‌شود. انحراف معیار مقادیر باقی‌مانده بیانگر کیفیت ارقام تعهدی است. هر چه انحراف معیار خطاها بزرگ‌تر باشد، کیفیت ارقام تعهدی پایین‌تر است. در نتیجه، معیار کیفیت ارقام تعهدی معکوس انحراف معیار خطاهای باقی‌مانده است تا به این ترتیب بتوان به یک معیار مستقیم از کیفیت سود دست یافت.

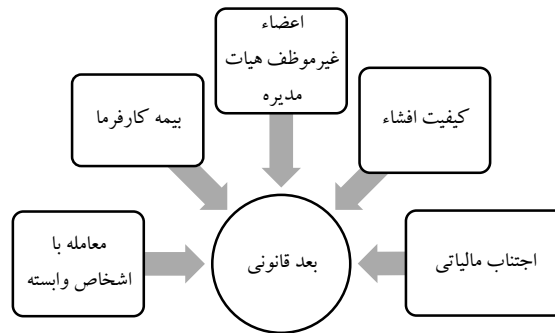
$$AQ = \frac{1}{\sigma(v_{i,t})}$$

عدم تقارن اطلاعاتی: یکی از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری، اطلاعات مناسب و مرتبط است که توسط شرکت‌ها از طریق گزارشگری مالی در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. در شرکت‌های اخلاق‌مدار تمام سعی بر آن است که اطلاعات مهم و تاثیرگذار به موقع و به طور کامل در اختیار همه گروه‌ها قرار گیرد. بر این

اساس منافع گروهی خاص بر سایر گروه‌ها ترجیح داده نمی‌شود. با پیروی از مدل کارمیر، هول و لیداکس (۲۰۱۳) دامنه‌ی قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به عنوان معیار عدم تقارن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$Asy = \frac{(AP - BP)}{(AP + BP)} * 100$$

Asy : دامنه قیمت‌های خرید و فروش سهام شرکت، AP : میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت و BP : میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت.
شکل (۳) متغیرهای تشکیل دهنده بعد قانونی را نشان می‌دهد.



شکل ۳: متغیرهای تشکیل دهنده بعد قانونی

اجتناب مالیاتی: به منظور شناسایی شرکت‌های درگیر در سطوح متفاوت اجتناب مالیاتی از معیار نقدی نرخ مؤثر مالیاتی به شرح زیر استفاده شد (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸).

$$CETR_{i,t} = \frac{Cash\ Tax\ Paid_{i,t}}{Pre\ Tax\ Income_{i,t}}$$

$Cash\ Tax\ Paid_{i,t}$: میزان مالیات نقدی پرداختی شرکت i در دوره t و
 $Pre\ Tax\ Income_{i,t}$: سود قبل از مالیات شرکت i در سال t .

به منظور کاهش خطاهای اندازه‌گیری ناشی از مطابقت نداشتن صورت و مخرج کسر از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلند مدت استفاده شد که از میانگین ۵ ساله نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بدست می‌آید. هرچه این نرخ به نرخ قانونی مالیات نزدیک‌تر باشد (۲۲/۵٪)، بیانگر این مسئله است که شرکت کمتر درگیر اجتناب

مالیاتی می‌باشد، حال آنکه هرچه نرخ موثر مالیات شرکتی با فاصله بیشتری از نرخ قانونی مالیات اندازه گیری شود، بیانگر سطح بالای اجتناب مالیاتی در آن شرکت می‌باشد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵).

$$LCETR_{i,t} = \frac{\sum_{t=1}^N \text{Cash Tax Paid}_{i,t}}{\sum_{t=1}^N \text{Pre Tax Income}_{i,t}}$$

نسبت اعضاء غیرموظف هیئت مدیره: درصد اعضاء غیرموظف در هیئت مدیره هر شرکت از تقسیم تعداد مدیران غیرموظف به کل تعداد اعضاء هیئت مدیره شرکت محاسبه می‌شود (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۱).
کیفیت افشاء: متغیر کیفیت افشاء، امتیازهای متعلق به هر شرکت است که از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار و از طریق اطلاعیه کیفیت افشاء و اطلاع رسانی مناسب استخراج می‌شود (همت‌فر، و مقدسی، ۱۳۹۲).
بیمه سهم کارفرما: برای محاسبه این شاخص از نسبت هزینه بیمه سهم کارفرما بر مجموع هزینه‌های عملیاتی و بهای تمام‌شده کالای فروش رفته استفاده می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵).
معامله با اشخاص وابسته: این معیار بر اساس تقسیم کل معاملات با اشخاص وابسته به دارایی‌های اول دوره شرکت محاسبه می‌شود (سرلک و اکبری، ۱۳۹۲).

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش ارزش افزوده نقدی است. ارزش افزوده نقدی به مازاد وجه نقدی گفته می‌شود که پس از کسر هزینه سرمایه نقدی از سود نقدی عملیاتی بدست می‌آید. به این مازاد وجه نقد برخی اوقات سود نقدی مازاد نیز اطلاق می‌گردد (معینی و همکاران، ۱۳۸۹). جهت محاسبه ارزش افزوده نقدی سود سهام پرداختی، بهره پرداختی و مالیات پرداختی از وجوه نقد حاصل از عملیات کسر می‌شود (سعیدارداکانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ معینی و همکاران، ۱۳۸۹؛ رضایی و مولودی، ۱۳۸۹؛ نوروش و حیدری، ۱۳۸۳).

هزینه سرمایه نقدی - سود نقدی عملیاتی پس از کسر مالیات = CVA

مالیات پرداختی - وجه نقد حاصل از فعالیتهای عملیاتی = سود نقدی عملیاتی پس از کسر مالیات
سود سهام پرداختی + بهره پرداختی = هزینه سرمایه نقدی

متغیر تعدیلی

در این پژوهش استراتژی کسب و کار متغیر تعدیلی است. جهت تعیین نوع استراتژی کسب و کار از روش اندازه‌گیری بتلی و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. بر این اساس معیاری ترکیبی جهت تعیین استراتژی یک شرکت ارائه شده است. این معیار مرکب از شش ویژگی شرکت است؛

- (۱) هزینه تحقیق و توسعه به کل فروش
- (۲) تعداد کل کارکنان به کل فروش
- (۳) نرخ رشد فروش
- (۴) هزینه‌های فروش، اداری و عمومی به کل فروش
- (۵) انحراف معیار تعداد کارکنان
- (۶) خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات بر کل دارایی‌ها

جهت محاسبه شاخص نهایی، ابتدا هر شش متغیر بر اساس میانگین نسبت پنج سالانه محاسبه می‌شود. سیستم امتیاز دهی بدین صورت است که ابتدا شرکت‌ها بر اساس پنج نسبت اول به ترتیب از بالا به پایین در پنج گروه تقسیم می‌شوند. بدین صورت که شرکتی که در بالاترین پنججک قرار دارد امتیاز ۵ و شرکتی که در پایین‌ترین پنججک قرار دارد امتیاز ۱ را کسب می‌کند و بقیه شرکت‌ها متناسب با پنججک مربوطه امتیاز دهی می‌شوند. برای نسبت ششم شرکتی که در بالاترین پنججک قرار می‌گیرد امتیاز ۱ و شرکتی که در پایین‌ترین پنججک قرار دارد امتیاز ۵ را کسب می‌کند. مابقی شرکت‌ها متناسب با پنججک مربوطه امتیاز دهی می‌شوند. در مرحله آخر امتیازات بدست آمده از دو مرحله فوق با یکدیگر جمع می‌شود تا امتیاز نهایی هر شرکت بدست آید. دامنه امتیازات ترکیبی (مجموع شش نسبت) هر شرکت طی یک سال بین ۶ تا ۳۰ خواهد شد. بر اساس مطالعات بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) و هیگینز و همکاران (۲۰۱۵)، شرکت‌هایی که دامنه امتیاز آنها بین ۱۲-۶ باشد به عنوان شرکت‌های تدافعی، شرکت‌هایی که دامنه امتیاز آنها بین ۲۳-۱۳ باشد به عنوان شرکت‌های تحلیل‌گر و شرکت‌هایی که مجموع امتیازشان در بازه ۳۰-۲۴ باشد به عنوان شرکت‌های تهاجمی محسوب می‌شوند. تاثیر این متغیر به دو حالت در مدل‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

بر حسب امتیاز استراتژی (حداقل ۶ و حداکثر ۳۰)

بر حسب نوع استراتژی (تدافعی، ۱=۱۲-۶؛ تحلیل‌گر، ۲=۲۳-۱۳؛ تهاجمی، ۳=۳۰-۲۴)

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: از لگاریتم طبیعی فروش شرکت برای محاسبه اندازه شرکت استفاده شده است.
 عمر شرکت: از لگاریتم طبیعی تفاوت بین سال تاسیس شرکت و سال مورد بررسی در قلمرو زمانی پژوهش بدست می‌آید.

اهرم: برای محاسبه اهرم از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده شده است.
رشد فروش: از درصد تغییر در فروش برای سال جاری نسبت به سال قبل محاسبه می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره ۱ نشان داده شده است.

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میان	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
ارزش افزوده نقدی	۹۳۶	۰/۱۲۶	۰/۰۶۲	۲/۵۱۶	-۱۸/۳۲۰	۱۸/۳۱۷
مسئولیت پذیری اجتماعی	۹۳۶	۶/۰۰۳	۶/۰۷۱	۰/۷۷۳	۳/۳۵۷	۸/۲۱۴
بعد اقتصادی	۹۳۶	۵/۱۹۹	۵	۱/۵۴۵	۱/۲۵۰	۱۰
بعد اخلاقی	۹۳۶	۶/۹۷۷	۷	۱/۱۰۴	۲	۹/۸
بعد قانونی	۹۳۶	۵/۶۷۴	۵/۸۰۰	۱/۱۳۲	۱/۸	۸/۶
امتیاز استراتژی	۹۳۶	۱۸/۰۹۸	۱۸	۳/۰۸۱	۷	۲۷
نوع استراتژی	۹۳۶	۲/۰۰۵	۲	۰/۲۸۷	۱	۳
اهرم	۹۳۶	۰/۶۰۶	۰/۶۳۳	۰/۲۰۷	۰/۰۱۳	۰/۹۹۸
اندازه	۹۳۶	۱۴/۲۳۰	۱۴/۰۱۹	۱/۴۸۷	۹/۰۶۹	۱۹/۳۶۸
رشد فروش	۹۳۶	۰/۱۸۵	۰/۱۳۷	۰/۴۲۲	-۰/۹۱۵	۳/۵۷۹
سن	۹۳۶	۳/۷۰۵	۳/۸۰۷	۰/۵۲۴	۲/۳۹۸	۵/۱۸۹
بازده دارایی‌ها	۹۳۶	۰/۰۹۶	۰/۰۸۵	۰/۱۵۳	-۰/۷۹	۰/۶۲۷
بازده حقوق صاحبان سهام	۹۳۶	۰/۲۶۳	۰/۲۶۲	۰/۴۷۸	-۲/۸۸۰	۴/۶۷۳
سود هر سهم	۹۳۶	۶۷۷/۴۷۴	۴۱۶/۵۰۰	۱۵۱۴/۱۷۷	-۱۰۴۶۵	۱۶۱۶۶
کیوتوبین	۹۳۶	۱/۷۲۶	۱/۴۳۸	۰/۹۹۱	۰/۵۳۲	۱۱/۹۳۹
انصاف	۹۳۶	۰/۶۹۷	۰/۸۹۶	۰/۷۶۲	-۹/۰۴۵	۱
اقدام تعهدی اختیاری	۹۳۶	۰/۰۷۲	۰/۰۶۰	۰/۰۵۸	۰/۰۰۵	۰/۸۱۱
کیفیت اقدام تعهدی	۹۳۶	۲۵/۵۵۸	۲۰/۹۱۱	۱۷/۰۱۵	۱/۶۲۱	۱۵۸/۵۲۰
عدم تقارن اطلاعاتی	۹۳۶	۰/۵۹۶	۰/۵۱۵	۰/۳۳۸	۰/۰۰۱	۱/۷۳۲
اجتناب مالیاتی	۹۳۶	۰/۱۴۲	۰/۱۳۰	۰/۱۱۲	۰/۰۰۰	۰/۷۹۶
اعضاء غیرموظف هیئت مدیره	۹۳۶	۰/۷۲۶	۰/۸۰۰	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۰/۸۰۰
کیفیت افشاء	۹۳۶	۱۵۳/۰۷۱	۱۵۸/۵۰۰	۸۶/۵۵۸	۱	۳۲۷
بیمه سهم کارفرما	۹۳۶	۰/۰۲۶	۰/۰۲۲	۰/۰۲۵	-۰/۰۹۴	۰/۳۷۷
معامله اشخاص وابسته	۹۳۶	۰/۸۱۶	۰/۳۶۵	۱/۵۰۰	۰/۰۰۰	۲۰/۰۶۲

نگاره ۱، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر کمینه، بیشینه، میانگین، میانه و هم‌چنین اطلاعات مربوط به شاخص پراکندگی انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. به عبارت دیگر میانگین نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به متغیرها حول این نقطه تمرکز یافته است. مقدار میانه متغیرها نشان می‌دهد که در هر مورد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از آن است. تفاوت بین کمینه و بیشینه متغیرها دامنه تغییرات، و پارامتر انحراف معیار میزان پراکندگی متغیرها را نشان می‌دهد. هرچه انحراف معیار یک متغیر کمتر باشد، از ثبات و پایداری بیشتری در طول دوره پژوهش برخوردار است. در بین متغیرهای اصلی پژوهش (متغیرهای تشکیل دهنده مدل‌ها) امتیاز استراتژی دارای بیشترین انحراف معیار (۳/۰۸۱) و اهرم مالی دارای کمترین انحراف معیار (۰/۲۰۷) می‌باشد. از این رو اهرم از ثبات و پایداری بیشتری نسبت به سایر متغیرها برخوردار است. لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تأثیر داده‌های پرت بر نتایج تحقیق، کلیه داده‌های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده‌اند. متغیر کیفیت اظهار نظر حسابرسان بر اساس نوع گزارش حسابرسان و تعداد بندهای مشروط (گزارش مشروط) رتبه بندی شده است. فراوانی نوع گزارش‌ها و تعداد بندهای گزارش مشروط در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره (۲). آمار فراوانی نوع گزارش حسابرسان و بندهای مشروط

نوع گزارش	فراوانی	فراوانی نسبی
گزارش مقبول	۴۴۹	۰/۴۸۰
تعداد بند ۱	۱۱۶	۰/۱۲۴
تعداد بند ۲	۱۰۷	۰/۱۱۴
تعداد بند ۳	۹۳	۰/۱
تعداد بند ۴	۷۰	۰/۰۷۵
تعداد بند ۵	۴۵	۰/۰۴۸
تعداد بند ۶	۲۲	۰/۰۲۳
تعداد بند ۷	۱۴	۰/۰۱۴
تعداد بند ۸	۳	۰/۰۰۳
تعداد بند ۹	۲	۰/۰۰۲
تعداد بند ۱۰	۴	۰/۰۰۴
تعداد بند ۱۳	۱	۰/۰۰۱
عدم اظهار نظر	۱۰	۰/۰۱
جمع	۹۳۶	۱/۱۰۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل‌ها، ابتدا باید با اجرای آزمون‌های چاو و هاسمن، الگوی مناسب برآورد هر مدل مشخص شود؛ نتایج این آزمون در نگاره ۳ مشاهده می‌شود. با توجه به سطح معناداری آزمون چاو برای الگوهای ۲، ۳ و ۴ بر حسب نوع استراتژی، روش داده‌های تابلویی، و با توجه به سطح معناداری آزمون هاسمن الگوی اثرات ثابت برای آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم‌چنین سطح معناداری آزمون چاو برای الگوی ۱ و ۴ بر حسب امتیاز استراتژی تایید کننده استفاده از روش داده‌های تلفیقی برای این مدل‌ها است.

نگاره ۳: نتایج آزمون‌های انتخاب الگوی مناسب برآورد مدل‌ها

آزمون هاسمن		آزمون چاو		مدل‌ها
معناداری	آماره	معناداری	آماره	
-	-	۰/۱۹۷۷	۱/۳۹	مدل (۱)
۰/۰۰۰۰	۲۰۹/۹۵	۰/۰۰۰۰	۴/۸۸	مدل (۲)
۰/۰۰۰۰	۳۴/۷۲	۰/۰۰۰۹	۳/۳۴	مدل (۳) - امتیاز استراتژی
۰/۰۰۹۵	۱۸/۶۰	۰/۰۱۲۹	۲/۴۴	مدل (۳) - نوع استراتژی
-	-	۰/۰۷۰۸	۱/۸۱	مدل (۴) - امتیاز استراتژی
۰/۰۰۰۰	۱۶/۳۲	۰/۰۰۰۰	۵/۶۶	مدل (۴) - نوع استراتژی

نگاره ۴ نتایج حاصل از تخمین مدل (۱) را نشان می‌دهد.

نگاره ۴: نتایج آزمون فرضیه اول

$CVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 SG_{it} + \varepsilon_{it}$				
آماره vif	سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	متغیر
	۰/۰۰۰	-۳/۵۷	-۴/۰۹۲	عرض از مبدا
۱/۰۲	۰/۰۰۰	۸/۴۰	۰/۸۵۲	مسئولیت پذیری اجتماعی
۱/۰۷	۰/۰۰۰	-۴/۳۱	-۱/۷۸۶	اهرم
۱/۰۷	۰/۱۱۶	۱/۵۷	۰/۰۸۶	اندازه
۱/۰۱	۰/۰۰۲	-۳/۱۷	-۰/۵۴۹	رشد فروش
۱/۰۱	۰/۱۲۳	-۱/۵۴	-۰/۲۴۲	سن
		۰/۱۰۹		ضریب تعیین تعدیل شده
		۱/۱۰۶		آماره وولدریج
		۰/۳۲۳		احتمال آماره وولدریج
		۱۰۹/۱۰		آماره F
		۰/۰۰۰		احتمال آماره F

با توجه آماره‌ی F مدل‌ها و سطح خطای آن، می‌توان ادعا کرد که در مجموع مدل ۱ پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، معنادار نبودن آماره وولدريج به این معناست که باقی‌مانده مدل با هم خود همبستگی سریالی ندارند. افزون بر این، مقادیر تورم واریانس (آماره vif) بیان می‌کند متغیرهای مستقل، مشکل هم‌خطی ندارند.

فرضیه اول به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش افزوده نقدی می‌پردازد. ضریب مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($\beta_1 = 0/852$ ، $p \leq 0/05$) است. بنابراین، ضریب مثبت نشان دهنده آن است که افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب افزایش ارزش افزوده نقدی می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نگاره ۵ نتایج حاصل از تخمین مدل ۲ را نشان می‌دهد.

نگاره ۵: نتایج آزمون فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم

$CVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_ECO_{it} + \beta_2 CSR_ETH_{it} + \beta_3 CSR_LEG_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 SG_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا	آماره vif
عرض از مبداء	-۶/۵۱۱	-۴/۷۵	۰/۰۰۰	
بعد اقتصادی	۰/۴۱۱	۷/۶۴	۰/۰۰۰	۱/۳۱
بعد اخلاقی	۰/۵۴۵	۷/۹۵	۰/۰۰۰	۱/۰۹
بعد قانونی	۰/۴۵۷	۵/۹۴	۰/۰۰۰	۱/۳۲
اهرم	-۰/۳۴۰	-۰/۷۹	۰/۴۲۸	۱/۳۴
اندازه	۰/۰۹۱	۱/۵۸	۰/۱۱۴	۱/۲۸
رشد فروش	-۰/۲۹۷	-۱/۸	۰/۰۷۲	۱/۰۵
سن	-۰/۷۷۳	-۴/۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۴
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۲۵۲	
آماره وولدريج			۱/۰۸۰	
احتمال آماره وولدريج			۰/۳۲۹	
آماره F			۴۴/۲۹	
احتمال آماره F			۰/۰۰۰	

با توجه آماره‌ی F مدل‌ها و سطح خطای آن‌ها، می‌توان ادعا کرد که در مجموع مدل ۲ پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، معنادار نبودن آماره وولدريج به این

معناست که باقی‌مانده مدل با هم خود همبستگی سریالی ندارند. افزون بر این، مقادیر تورم واریانس (آماره vif) بیان می‌کند متغیرهای مستقل، مشکل هم خطی ندارند. فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم به بررسی تأثیر ابعاد اقتصادی، اخلاقی و قانونی بر ارزش افزوده نقدی می‌پردازد. ضریب بعد اقتصادی ($\beta_1 = 0/411$ ، $p \leq 0/05$)، بعد اخلاقی ($\beta_2 = 0/545$ ، $p \leq 0/05$)، بعد قانونی ($\beta_3 = 0/457$ ، $p \leq 0/05$) است. بنابراین، ضریب مثبت متغیرها نشان دهنده آن است که افزایش ابعاد اقتصادی، اخلاقی و قانونی مسئولیت پذیری اجتماعی موجب افزایش ارزش افزوده نقدی می‌شود. در نتیجه، این فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می‌گیرند. نگاره ۶ نتایج حاصل از تخمین مدل ۳ را نشان می‌دهد.

نگاره ۶: نتایج آزمون فرضیه پنجم

تخمین بر اساس امتیاز استراتژی								
تخمین بر اساس نوع استراتژی			تخمین بر اساس امتیاز استراتژی			تخمین بر اساس امتیاز استراتژی		
متغیر	ضریب	آماره تی	سطح خطا	vif	ضریب	آماره تی	سطح خطا	متغیر
عرض از مبدا	-۳/۷۱۳	-۲/۸۴	۰/۰۰۵		-۵/۴۸۵	-۴/۲۰	۰/۰۰۰	
مسئولیت پذیری اجتماعی	۰/۳۹۷	۲/۹۸	۰/۰۰۳	۲/۰۷	۰/۲۶۹	۱/۹۸	۰/۰۴۷	۲/۳۰
استراتژی	۰/۲۱۰	۵/۰۳	۰/۰۰۰	۳/۲۷	۲/۲۵۴	۵/۷۱	۰/۰۰۰	۳/۰۴
مسئولیت پذیری اجتماعی * استراتژی	۰/۱۷۴	۲/۸۶	۰/۰۰۴	۴/۶۰	۰/۲۲۲	۳/۹۳	۰/۰۰۰	۴/۶۶
اهرم	-۲/۳۲۲	-۵/۹۹	۰/۰۰۰	۱/۱۰	-۲/۰۹۵	-۵/۶۲	۰/۰۰۰	۱/۰۹
اندازه	۰/۰۹۵	۱/۸۵	۰/۰۶۴	۱/۰۷	۰/۰۹۵	۱/۹۱	۰/۰۵۷	۱/۰۷
رشد فروش	-۰/۶۵۳	-۴/۰۳	۰/۰۰۰	۱/۰۱	-۰/۶۲۵	-۳/۹۹	۰/۰۰۰	۱/۰۱
سن	-۱/۰۷۷	-۵/۴۷	۰/۰۰۰	۱/۰۳	-۰/۸۳۴	-۴/۴۴	۰/۰۰۰	۱/۰۲
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۵۳					۰/۳۰۱		
آماره وولدریج	۰/۶۴۰					۰/۴۰۵		
احتمال آماره وولدریج	۰/۴۴۶					۰/۵۴۲		
آماره F	۴۴/۶۳					۵۶/۸۰		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰					۰/۰۰۰		

با توجه آماره‌ی F مدل‌ها و سطح خطای آن‌ها، می‌توان ادعا کرد در مجموع مدل ۳ بر اساس دو حالت، از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، معنادار نبودن آماره وولدریج به این معناست که باقی‌مانده مدل‌ها با هم خود همبستگی سریالی ندارند. افزون بر این، مقادیر تورم واریانس (آماره vif) بیان می‌کند متغیرهای مستقل، مشکل هم‌خطی ندارند.

فرضیه پنجم به بررسی تأثیر تعدیلی استراتژی کسب و کار بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی می‌پردازد. تأثیر تعدیلی استراتژی به دو حالت؛ امتیاز استراتژی (حداقل ۶ و حداکثر ۳۰) و نوع استراتژی (تدافعی، ۱-۱۲؛ ۶-۱۲؛ تحلیل گر، ۲-۲۳؛ ۱۳-۲۳؛ تهاجمی، ۳-۳۰؛ ۲۴-۳۰)، مورد بررسی قرار گرفته است. در حالت اول ضریب تأثیر استراتژی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($\beta_3 = 0/174$ ، $p \leq 0/05$) و ارزش افزوده نقدی مثبت و معنادار است و فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می‌گیرد. در حالت دوم نیز این رابطه مثبت و معنادار است؛ ($\beta_3 = 0/222$ ، $p \leq 0/05$). همچنین، نتایج نشان می‌دهد صرف نظر از شیوه محاسبه استراتژی، استراتژی تهاجمی تأثیر بیشتری بر ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی دارد.

نگاره ۷ نتایج حاصل از تخمین مدل ۴ را نشان می‌دهد.

نگاره ۷: نتایج آزمون فرضیه‌های ششم، هفتم و هشتم

$CVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CSR_ECO_{it} + \beta_2 CSR_ETH_{it} + \beta_3 CSR_LEG_{it} + \beta_4 STRATEGY_{it} + \beta_5 CSR_ECO_{it} * STRATEGY_{it} + \beta_6 CSR_ETH_{it} * STRATEGY_{it} + \beta_7 CSR_LEG_{it} * STRATEGY_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \beta_{10} LEV_{it} + \beta_{11} SG_{it} + \varepsilon_{it}$								
تخمین بر اساس نوع استراتژی				تخمین بر اساس امتیاز استراتژی				
آماره vif	سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	آماره vif	سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	متغیر
	۰/۰۰۰	-۵/۸۹	-۷/۸۴۳		۰/۰۰۰	-۵/۳۹	-۷/۰۵۰	عرض از مبدا
۲/۹۶	۰/۰۱۰	۲/۵۷	۰/۱۸۷	۱/۳۷	۰/۰۰۰	۴/۵۵	۰/۲۳۳	بعد اقتصادی
۲/۲۲	۰/۰۰۳	۳/۰۲	۰/۲۶۱	۲/۰۷	۰/۰۰۰	۴/۱۵	۰/۳۴۶	بعد اخلاقی
۲/۸۲	۰/۰۰۲	۳/۰۷	۰/۳۰۴	۲/۷۵	۰/۰۰۸	۲/۶۵	۰/۲۵۷	بعد قانونی
۲/۷۲	۰/۰۰۰	۴/۶۱	۱/۶۲۰	۲/۸۰	۰/۰۰۲	۳/۰۶	۰/۱۱۳	استراتژی
۳/۵۲	۰/۰۱۵	۲/۴۴	۰/۰۸۰۵	۱/۷۳	۰/۰۰۰	۳/۵۲	۰/۰۲۷	بعد اقتصادی * استراتژی
۳/۴۱	۰/۰۰۸	۲/۶۶	۰/۰۹۱	۳/۱۴	۰/۰۰۶	۲/۷۷	۰/۰۱۰	بعد اخلاقی* استراتژی

۴/۰۵	۰/۱۲۶	۱/۵۳	۰/۰۶۳۷	۳/۸۲	۰/۰۰۷	۲/۷۱	۰/۰۱۲	بعد قانونی* استراتژی
۱/۳۷	۰/۰۳۰	-۲/۱۸	-۰/۸۵۴	۱/۴۰	۰/۰۰۲	-۳/۱۱	-۱/۲۳۹	اهرم
۱/۲۹	۰/۰۵۰	۱/۹۶	۰/۱۰۲	۱/۳۰	۰/۰۰۵	۲/۷۸	۰/۱۴۶	اندازه
۱/۰۵	۰/۰۰۹	-۲/۶۴	-۰/۳۹۵	۱/۰۵	۰/۰۱۴	-۲/۴۶	-۰/۳۷۲	رشد فروش
۱/۰۵	۰/۰۰۰	-۵/۲۶	-۰/۹۲۲	۱/۶۳	۰/۰۰۰	-۶/۵۰	-۱/۱۶۲	سن
۰/۳۹۰			۰/۳۸۱			ضریب تعیین تعدیل شده		
۰/۱۳۵			۰/۵۸۲			آماره وولدریج		
۰/۷۲۲			۰/۴۶۷			احتمال آماره وولدریج		
۵۳/۲۸			۵۱/۴۴			آماره F		
۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			احتمال آماره F		

با توجه آماره‌ی F مدل‌ها و سطح خطای آن‌ها، می‌توان ادعا کرد در مجموع مدل (۴) بر اساس دو حالت، از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، معنادار نبودن آماره وولدریج به این معناست که باقی‌مانده مدل‌ها با هم خود همبستگی سریالی ندارند. افزون بر این، مقادیر تورم واریانس (آماره vif) بیان می‌کند متغیرهای مستقل، مشکل هم‌خطی ندارند.

فرضیه‌های ششم، هفتم و هشتم به بررسی تأثیر تعدیلی استراتژی کسب و کار بر رابطه بین ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی می‌پردازد. تأثیر تعدیلی استراتژی به دو حالت؛ امتیاز استراتژی (حداقل ۶ و حداکثر ۳۰) و نوع استراتژی (تدافعی، ۱=۱۲-۶؛ تحلیل گر، ۲=۲۳-۱۳؛ تهاجمی، ۳=۳۰-۲۴)، مورد بررسی قرار گرفته است. در حالت اول ضریب تأثیر استراتژی بر رابطه بین ابعاد اقتصادی ($\beta_5 = 0/027$ ، $p \leq 0/05$)، اخلاقی ($\beta_6 = 0/010$ ، $p \leq 0/05$)، قانونی ($\beta_7 = 0/012$ ، $p \leq 0/05$) و ارزش افزوده نقدی مثبت و معنادار است و فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می‌گیرند. در حالت دوم ضریب بعد اقتصادی ($\beta_5 = 0/0805$)، اخلاقی ($\beta_6 = 0/091$ ، $p \leq 0/05$)، قانونی ($\beta_7 = 0/0637$ ، $p \geq 0/05$) می‌باشد. در نتیجه فرضیه‌ها برای ابعاد اقتصادی و اخلاقی مورد تأیید قرار می‌گیرند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد صرف نظر از شیوه محاسبه استراتژی، استراتژی تهاجمی تأثیر بیشتری بر ارتباط بین ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش افزوده نقدی دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهشهای زیادی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند که در اکثر موارد این رابطه بدون در نظر گرفتن متغیرهای تعدیلی بررسی شده است. از این رو، هدف این پژوهش بررسی تاثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن بر ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلی استراتژی کسب و کار است.

در گروه اول فرضیه‌ها، تاثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد اقتصادی، اخلاقی و قانونی آن بر ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. بعد اقتصادی مسئولیت‌پذیری اجتماعی گویای انتظارات سنتی از بنگاه‌های اقتصادی است. افزایش در شاخص‌های سودآوری پاسخگوی ایفای مسئولیت‌های اقتصادی شرکت‌ها می‌باشد که اثری مثبت بر ارزش آفرینی خواهد داشت. عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از بی‌انصافی در شناسایی، اندازه‌گیری و یا افشای اطلاعات است. اگر مدیریت و گروه‌های خاصی از ذینفعان از اطلاعاتی خاص برخوردار باشند که در اختیار عموم قرار نگرفته باشد، موجب شکاف اطلاعاتی عمیق می‌گردد. در این شرایط کسب منفعت توسط گروه یا اشخاص خاص، با فدا شدن منافع گروه‌های دیگر همراه می‌شود. همچنین، عدم رعایت اصول اخلاقی از سوی مدیران در گزارشگری مالی منجر به انتشار اطلاعات بی‌کیفیت خواهد شد. یکی از مهمترین ارقام صورت‌های مالی سود می‌باشد که ممکن است از طریق ارقام تعهدی اختیاری مدیریت شود و یا اینکه از کیفیت لازم برخوردار نباشد. این امر موجب متضرر شدن سرمایه‌گذاران خواهد شد زیرا، چنین شرکت‌هایی از انجام تعهدات خود باز می‌مانند و فرصت سرمایه‌گذاری‌های مناسب را از دست خواهند داد. از این رو در بلند مدت اعتماد عموم جامعه را از دست خواهند داد و نمی‌توانند در راستای ایجاد ارزش گام بردارند. با توجه به جدایی مالکیت و مدیریت و عدم تقارن اطلاعاتی بین آن‌ها، شرکت‌ها ملزم به افشای اطلاعات مربوطه می‌باشند. طبق تئوری علامت دهی، افشای اطلاعات با کیفیت و کامل از سوی شرکت‌ها، نشان دهنده وضعیت و عملکرد مثبت شرکت می‌باشد. بنابراین چنین شرکت‌هایی با استقبال بازار و افزایش ارزش سهام مواجه خواهند شد. همچنین نظارت بر عملیات بنگاه‌های تجاری به واسطه قوانین وضع شده از سوی دولت‌ها و مراجع قانون‌گذار، موجب مصرف بهینه منابع شرکت در راستای تامین منافع گروه‌های ذینفع خواهد بود. از این رو تاثیر مثبت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد اقتصادی، اخلاقی و قانونی آن بر ایجاد ارزش آفرینی نقدی

شرکت‌ها در فرضیه‌های پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. نتایج بدست آمده از پژوهش در راستای نتایج دارابی و همکاران (۱۳۹۵)، سپاسی و حسن‌زاده (۱۳۹۵)، ایمانی و همکاران (۱۳۹۶)، حاجیها (۱۳۹۷)، اکبری و همکاران (۱۳۹۸)، حسینی (۱۳۹۹)، سو و همکاران (۲۰۱۶)، گورو ویلجس و همکاران (۲۰۱۸)، شراپتی (۲۰۱۸)، ابوگرو انلسینیا (۲۰۲۰)، لانگ و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد و با نتیجه پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۸) مغایر است.

در گروه دوم فرضیه‌ها، نقش تعدیلی استراتژی کسب و کار مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از تخمین الگوهای پژوهش بیانگر این است که استراتژی کسب و کار تاثیر مثبت و معناداری بر رابطه مسئولیت پذیری اجتماعی و ابعاد آن با ارزش آفرینی نقدی شرکت‌ها دارد. شرکت‌ها با استراتژی تهاجمی در تولید محصولات و یافتن بازارهای جدید رقابت می‌کنند و همیشه به دنبال نوآوری در توسعه محصول و بازار هستند. از سوی دیگر، شرکت‌ها با استراتژی تدافعی بر روی یک بازار محدود محصولات تمرکز می‌کنند و تلاش آن‌ها در جهت افزایش بهره‌وری تولید است. بنابراین بنگاه‌های تدافعی قادر به مدیریت هزینه‌های صریح، و بنگاه‌های تهاجمی موفق در مدیریت هزینه‌های ضمنی هستند. منابع و توانایی ایجاد شده توسط این شرکت‌ها مزایای برجسته‌ای برای انجام فعالیت‌های اجتماعی به وجود می‌آورد. از این رو می‌تواند رابطه مسئولیت پذیری و عملکرد شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار دهند. با توجه به بستری که مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای تحقق یافتن اهداف استراتژی تهاجمی فراهم می‌کند، این نوع استراتژی تاثیر گذاری بیشتری بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش آفرینی دارد. به عبارت دیگر هرچه استراتژی کسب و کار تهاجمی‌تر باشد تاثیر آن بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش آفرینی شرکت‌ها بیشتر است. نتایج تخمین مدل‌های (۳) و (۴) تایید کننده این امر است. نتایج بدست آمده از پژوهش در راستای نتایج حاجیها (۱۳۹۷)، بارین کروز و همکاران (۲۰۱۵)، یون و همکاران (۲۰۱۷)، لین و همکاران (۲۰۲۰) و موری (۲۰۲۲) می‌باشد.

با توجه به تاثیر مثبت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن بر ارزش آفرینی شرکت‌ها، و تاثیر مثبت استراتژی کسب و کار بر این رابطه، مدیران می‌بایست استراتژی‌ها و اهداف خود را در راستای ایفای تعهدات اجتماعی تدوین نمایند و با آگاهی از تاثیر بیشتر استراتژی تهاجمی بر رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد، با در نظر گرفتن سایر شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی، نوع استراتژی شرکت را اخذ نمایند. صنایع مختلف دارای وضعیت‌های متفاوت هستند. برخی از صنایع، بازار انحصاری محصولات را در اختیار دارند و بین شرکت‌های آن صنعت

رقابت قابل توجهی وجود ندارد. بنابراین مدیریت این گونه شرکت‌ها با هر نوع عملکردی، با هر گونه استراتژی و با هر گونه کیفیت محصول، کل سهم بازار محصول را در اختیار دارند. عملکرد آگاهانه و انتخابی مدیریت برای تدوین استراتژی‌های شرکت در صنایعی حائز اهمیت است که در بازار رقابتی فعالیت نمایند. در این بازارها گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان و مشتریان از سلیقه‌ها و خواسته‌های متفاوتی برخوردار هستند و پایداری و بقا شرکت‌ها بستگی به این دارد که بتوانند با تامین نیازها و منافع گروه‌های مختلف، مطلوب مشتریان خود باشند. برخی از مشتریان خواستار محصولات جدید و متنوع هستند و قیمت مناسب محصولات با کیفیت برای برخی دیگر، از مطلوبیت برخوردار است. از این رو تدوین استراتژی‌های تجاری برای این نوع شرکت‌ها حیاتی است و بدون یک استراتژی مدون، شرکت‌ها به موفقیت دست نمی‌یابند.

بر اساس نتایج، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در شرکت‌هایی که از استراتژی تهاجمی استفاده می‌کنند، عملکرد شرکت را بیشتر تحت تاثیر قرار می‌دهد و با تقویت استراتژی تمایز، از طریق ایجاد نام تجاری و افزایش اعتبار و شهرت یک شرکت، مزیت‌های رقابتی ایجاد می‌کند. بنابراین، ادغام اقدامات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و استراتژی‌های تجاری شرکت‌ها در شرایطی مولدتر و سازنده‌تر است که با استراتژی‌های تهاجمی و رشدی؛ با تمرکز بر محصولات و بازارهای جدید، ترکیب شود. به طور کلی، نتایج ارائه شده نشان می‌دهد که شرکت‌ها می‌توانند از طریق پایبندی به تعهدات اجتماعی مطابق با نظریه‌های مبتنی بر منابع و ذینفعان مزیت رقابتی کسب کنند و پایداری خود را تضمین نمایند، ولی انتخاب استراتژی تجاری مناسب نسبت به شرایط صنعت و شرکت توسط مدیریت، کلید موفقیت بیشتر در این مسیر است. نکته قابل توجه برای مدیران این است که مزایای پایبندی به تعهدات اجتماعی همچون کسب منافع اقتصادی، افزایش اعتبار و ایجاد تحول و نوآوری در محصولات و خدمات، فرایندی بلندمدت است و مدیران در برنامه ریزی‌های خود باید به آن توجه نمایند.

پژوهشگران آینده می‌توانند پژوهش حاضر را به تفکیک صنایع مختلف انجام داده و نتایج را با هم مقایسه کنند. هم‌چنین، می‌توان تأثیر ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش آفرینی شرکت‌ها را در مراحل مختلف چرخه عمر بررسی کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از معیارها و روش‌های دیگر، جهت سنجش و ارزیابی ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده نمود. همچنین اعمال متغیرهای تعدیلی و بررسی تأثیر آن‌ها در نتیجه بدست آمده قابل توجه می‌باشد. و در نهایت تأثیر متقابل ابعاد مختلف مسئولیت‌پذیری بر یکدیگر، می‌تواند مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

منابع

- اکبری، محسن؛ پیتته نوئی، یاسر؛ شمس قاسمی، معصومه. (۱۳۹۸). نقش تعدیلی نظارت خارجی در اثرگذاری ابعاد فنی و نهادی مسئولیت پذیری اجتماعی بر سودآوری شرکت. *چشم انداز مدیریت مالی*، ۹(۳)، ۱۰۹-۱۳۲.
- ایمانی، پدram؛ حاجیها، زهره؛ امیرحسینی، زهرا. (۱۳۹۶). آزمون تاثیر پایداری سود و سودآوری بر سطح افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۱۰(۳۳)، ۷۳-۸۸.
- بخردی نسب، وحید؛ ژولانژاد، فاطمه. (۱۳۹۹). تأثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر ارزش ویژه نام و نشان تجاری. *حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه*، ۱۰(۴)، ۲۷-۷۲.
- حاجیها، زهره. (۱۳۹۷). راهبردهای رقابتی، عملکرد شرکت و مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان راهبرد سوم. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۱۱(۳۶)، ۳۱-۴۳.
- حسینی، محسن. (۱۳۹۹). اثر مسئولیت اجتماعی راهبردی بر عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت-ها. *حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه*، ۱۰(۴)، ۱-۲۵.
- دارابی، رویا؛ وقفی، سیدحسام؛ سلمانیان، مریم. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط گزارشگری مسئولیت اجتماعی با ارزش و ریسک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۱(۲)، ۱۱۹-۲۱۳.
- دستگیر، محسن؛ آقائقی، جواد؛ رسائیان، امیر. (۱۳۹۱). تاثیر برخی از ابزارهای حاکمیت شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی پیرامون اعلام سود فصلی با استفاده از روش خودبازگشت برداری. *پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی*، ۴(۱۵)، ۶۳-۸۳.
- سیاسی، سحر؛ حسن زاده، مرتضی. (۱۳۹۵). تاثیر بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت روی پایداری سود. *دو فصلنامه حسابداری ارزشی رفتاری*، سال اول، شماره اول، صص ۱۲۳-۱۳۸.
- سرلک، نرگس؛ اکبری، مینا. (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰(۴)، ۷۷-۹۲.
- سعیداردکانی، سعید؛ حیرانی، فروغ؛ دهقان میرک آباد، محسن. (۱۳۹۲). تبیین وجه تمایز صنایع استراتژیک و غیراستراتژیک بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر ساختار سرمایه و ارزش افزوده نقدی (CVA) با رویکرد پانل دیتا. *دانش سرمایه گذاری*، ۲(۵)، ۱۴۵-۱۶۲.

صادقی تبار، صدیقه؛ دین پرور، مرتضی؛ معینی، مینا. (۱۳۸۹). ارزیابی عملکرد مدیریت با استفاده از شاخص ارزش افزوده نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)*، (۵)، ۲۰۱-۲۱۸.

صالح آبادی، علی و احمدپور، احمد. (۱۳۸۹). همبستگی بین نسبت ارزش افزوده اقتصادی (EVA) به سرمایه با نسبت ارزش افزوده بازار (MVA) به سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه اقتصادی*، (۴)، ۱۰، ۲۷۱-۲۵۵.

کرمی، شیمای رهنمای رودپشتی، فریدون؛ و زهرا دیانتهی دیلمی. (۱۳۹۵). ارزیابی اثر اجتناب مالیاتی بر آگاهی بخشی سودهای گزارش شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، (۲۸)، ۹، ۳۷-۱۵.

مرفوع، محمد؛ شاکری، رباب. (۱۳۹۷). استراتژی‌های کسب و کار و رابطه آن با عملکرد مالی شرکت‌ها. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، (۱)، ۸۳-۱۵۷.

موسوی، سیداحمد؛ رضایی، فرزین؛ شاه ویسی، فرهاد. (۱۳۹۶). تبیین ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تأثیر آن بر خصوصیات کیفی اطلاعات مالی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، (۳۳)، ۱۰، ۱۰۸-۸۹.

مولودی، سلیمان؛ رضایی، فرزین. (۱۳۸۹). رابطه ارزش افزوده نقدی، ارزش افزوده اقتصادی، جریان های نقدی آزاد و سود باقیمانده با ارزش ایجاد شده برای سهامداران. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)*، (۵)، ۳، ۱۸-۱.

نوروش، ایرج، حیدری، مهدی. (۱۳۸۳). ارزیابی عملکرد مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران با مدل CVA و بررسی رابطه آن مدل با بازده سهام. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، (۳۸)، ۱۱، ۱۴۷-۱۲۱.

همت‌فر، محمود؛ مقدسی، منصور. (۱۳۹۲). بررسی کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) بر ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، (۲)، ۲۰، ۱۴۷-۱۳۳.

Abugre, J.B., & Anlesinya, A. (2020). Corporate social responsibility strategy and economic business value of multinational companies in emerging economies: The mediating role of corporate reputation. *Business Strategy and Development*, 3(1), 4-15. <https://doi.org/10.1002/bsd2.70>

Aguinis, H., & Glavas, A. (2019). On corporate social responsibility, sensemaking, and the search for meaningfulness through work. *Journal of Management*, 45(3), 1057-1086. <https://doi.org/10.1177/0149206317691575>.

Akbari, M., Rezaei Pitenoeei, Y., & Ghasemi Shams, M. (2019). The Moderating Role of External Monitoring in Influencing the Technical and Institutional Dimensions of

- Corporate Social Responsibility on Profitability. *Journal of Financial Management Perspective*, 9(27), 109 -132.(In Persian)
- Amba-Rao, S. C. (1993). Multinational corporate social-responsibility, ethics, interactions and third-world governments—An agenda for the 1990s. *Journal of Business Ethics*, 12(7), 553–572. <https://doi.org/10.1007/BF00872380>
- Anas, A., Abdul Rashid, H.M., Annuar, H.A. (2015). The effect of award on CSR disclosures in annual reports of Malaysian PLCs. *Social Responsibility Journal*, 11(4), 831 – 852.
- Barin Cruz, L., Boehe, D. M., & Ogasavara, M. H. (2015). CSR-based differentiation strategy of export firms from developing countries: An exploratory study of the strategy tripod. *Business & Society*, 54(6), 723–762.
- Barnett, M., & Salomon, R. (2012). Does it pay to be really good? Addressing the shape of the relationship between social and financial performance. *Strategic Management Journal*, 33(11), 1304–1320
- Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17(1), 99–120.
- Batista, E.S, Reis, A., Bortolini, F., Souza, M.A, Borchardt, M., & Pereira, G.M. (2017). Adding value to Brazilian companies through corporate social responsibility. *Management of Environmental Quality: An International Journal*, 28(2), 264–281. <http://dx.doi.org/10.1108/MEQ-10-2014-0149>.
- Bekhradinasab, V., & Jolanejad, F. (2020). The Role of value Moderator of the Brand Name on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Financial Performance of firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting, Accountability and Society Interests*, 10(4), 27-72. (In Persian)
- Bentley, K. A., Omer, T. C., & Sharp, N. Y. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary Accounting Research*, 30(2), 780-817.
- Borghesi, R., Houston, J.F. and Naranjo, A. (2014). Corporate socially responsible investments: CEO altruism, reputation, and shareholder interests. *Journal of Corporate Finance*, 26, 164-181. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2014.03.008>
- Brammer, S. and Pavelin, S. (2006). Corporate reputation and social performance: the importance of fit. *Journal of Management Studies*, 43(3), 435-455.
- Branco, M.C., & Rodrigues, L.L. (2006). Corporate Social Responsibility and Resource-Based Perspectives. *Journal of Business Ethics*, 69(2), 111–132.
- Carroll, A. B. (1991). The pyramid of corporate social responsibility: toward the moral management of organizational stakeholders. *Business Horizons*, 34, 39-48.
- Carroll, A. B. (2016). Carroll's pyramid of CSR: Taking another look. *International Journal of Corporate Social Responsibility*, 1(1), 1–8. DOI 10.1186/s40991-016-0004-6.
- Chen, Y., & Jermias, J. (2014). Business strategy, executive compensation and firm performance. *Accounting & Finance*, 54(1), 113–134
- Chen, Ch.J., Guo, R.Sh., Hsiao, Y.Ch., & Chen, K.L. (2018). How business strategy in non-financial firms moderates the curvilinear effects of corporate social responsibility and irresponsibility on corporate financial performance. *Journal of Business Research*, 92, 154–167. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2018.07.030>

- Cormier, D., Houle, S., & Ledoux, M. (2013). The Incidence of Earnings Management on Information Asymmetry in an Uncertain Environment: Some Canadian Evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 22(1), 26-38.
- Currás -Pérez, R., Dolz-Dolz, C., Miquel-Romero, M.J., & Sánchez-García, I. (2018). How social, environmental, and economic CSR affects consumer-perceived value: Does perceived consumer effectiveness make a difference?. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*. 25(5), 733-747. DOI:10.1002/csr.1490.
- Dahlsrud, A. (2008) How Corporate Social Responsibility is defined: an Analysis of 37 Definitions, *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 15(1), 1–13. <https://doi.org/10.1002/csr.132>.
- D'Amato, A. & Camilla Falivena, C. (2020). Corporate social responsibility and firm value: Do firm size and age matter? Empirical evidence from European listed companies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*. 27(2), 909-924. DOI: 10.1002/csr.1855.
- Darabi, R.; Vaghfi, S. H.; and M. Salmaniyan (2016). Investigating the Relationship between Corporate Social Responsibility Reporting and Values and Risks of the Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Iranian Journal of Value & Behavioral Accounting*, 1(2), 119-213. (In Persian)
- Dastgir, M., Aghanaghi, J. & Rasaeian, A. (2012). The Effect of Some Corporate Governance Instruments on the Information Asymmetry of the Quarterly Earnings Announcement Using Self-feedback Method. *Financial Accounting and Audit Research Journal*, 4(15), 63-83. (In Persian)
- Deegan, C. (2002). The legitimising effect of social and environmental disclosures – a theoretical foundation. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 5(3), 282-311.
- Dyreg, S., Michelle Hanlon, M., & Maydew, E. (2008). Long-run Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82.
- EU Commission. (2011). A renewed EU strategy 2011-14 for corporate social responsibility. COM (2011) 681 final, Brussels.
- Falck, O., & Heblich, S. (2007). Corporate social responsibility: Doing well by doing good. *Business Horizons*, 50(3), 247–254.
- Fassin, Y. (2012). Stakeholder management, reciprocity and stakeholder responsibility. *Journal of Business Ethics*, 109(1), 83–96. DOI: 10.1007/s10551-012-1381-8
- Flammer, C. (2015). Does corporate social responsibility lead to superior financial performance? A regression discontinuity approach. *Management Science*, 61(11), 2549–2568
- Flammer, C., & Kacperczyk, A. (2015). The impact of stakeholder orientation on innovation: Evidence from a natural experiment. *Management Science*, 62(7), 1982–2001.
- Foster, D., & Jonker, J. (2005). Stakeholder relationship: the dialogue of engagement. *Corporate Governance* 5(5), 51–57.
- Freeman, R.E. (1984), *Strategic Management: A Stakeholder Approach*, Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.

- Ganda, F. (2018). The effect of carbon performance on corporate financial performance in a growing economy. *Social Responsibility Journal*, 14(4), 895-916. <https://doi.org/10.1108/SRJ-12-2016-0212>
- Ghoul, S. E., Guedhami, O., & Kim, Y. (2017). Country-level institutions, firm value, and the role of corporate social responsibility initiatives. *Journal of International Business Studies*, 48(3), 360-385. <https://doi.org/10.1057/jibs.2016.4>
- Guerrero-Villegas, J., Sierra-García, L., & Palacios-Florencio, B. (2018). The role of sustainable development and innovation on firm performance. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 25(6), 1350-1362.
- Hahn, T., Figge, F., Pinkse, J., & Preuss, L. (2010). Trade-offs in corporate sustainability: you can't have your cake and eat it. *Business Strategy and the Environment*, 19(4), 217-229.
- Hajiha, Z. (2018). Competitive strategies, firm performance and corporate social responsibility as third strategy. *Journal of Management Accounting*, 11(36), 31-43. (In Persian)
- Hasani, M. (2020). The effect of Social Responsibility on Financial Performance and Earning Response Coefficient. *Accounting, Accountability and Society Interests*, 10(4), 1-25. (In Persian)
- Hemmatfar, M., & Moghaddesi, M. (2013). Investigating the Disclosure Quality (Reliability and Timeliness) on Stock Value of the Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20(2), 133-147. (In Persian)
- Higgins, D., Omer, T. C., & Phillips, J. D. (2015). The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 674-702.
- Hinze, A. K., & Sump, K. (2019). Corporate social responsibility and financial analysts: a review of the literature. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 10(1), 126-156. <https://doi.org/10.1108/SAMPJ-05-2017-0043>.
- Hull, C., & Rothenberg, S. (2008). Firm performance: The interactions of corporate social performance with innovation and industry differentiation. *Strategic Management Journal*, 29(7), 781-789.
- Imani, P., Hajiha, Z., & Amir Hosseini, Z. (2017). The examination of effect of earnings persistence and profitability on disclosure level of Corporate Social Responsibility listed in Stock Exchange in Tehran. *Journal of Management Accounting*, 10(33), 55-66. (In Persian)
- Jones, B., Bowd, R., & Tench, R. (2009). Corporate irresponsibility and corporate social responsibility: competing realities. *Social Responsibility Journal*, 5(3), 300-310.
- Karami, Sh., Rahnamay Roodposhti, F., & Dianati Deilami, Z. (2016). Evaluating the Effect of Tax Avoidance on Earnings Informativeness of the Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting*, 9(28), 15-37. (In Persian)
- Karim, K., Hyun, S., & Tang, S. J. (2016). Do Ethical Firms Create Value?. *Social Responsibility Journal*, 12(1), 54-68.
- Kasznik, R. (1999). On the Association between Voluntary Disclosure and Earnings Management. *Journal of Accounting Research*, 37(1), 57-81.
- Kim, Y., Park, M. S., & Wier, B. (2012). Is earnings quality associated with corporate social responsibility?. *The Accounting Review*, 87(3), 761-796.

- Latif, K.H.F., & Sajjad, A. (2018). Measuring corporate social responsibility: A critical review of survey instruments. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 25(6), 1174-1197. <https://doi.org/10.1002/csr.1630>
- Lee, J., Graves, S.B., & Waddock, S. (2018). Doing good does not preclude doing well: corporate responsibility and financial performance. *Social Responsibility Journal*, 14(4), 764-781. <https://doi.org/10.1108/SRJ-03-2017-0044>.
- Lin, W.L., Law, S.H., & Azman-Saini, W.N.W. (2020). Market differentiation threshold and the relationship between corporate social responsibility and corporate financial performance. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(3), 1279-1293. DOI: 10.1002/csr.1883
- Long, W., Li, S., Wu, H., & Song, X. (2020). Corporate social responsibility and financial performance: The roles of government intervention and market competition. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(2), 525-541. DOI: 10.1002/csr.1817
- Lu, W., Ye, M., Chau, K. W., & Flanagan, R. (2018). The paradoxical nexus between corporate social responsibility and sustainable financial performance: Evidence from the international construction business. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 25(5), 844-852. <https://doi.org/10.1002/csr.1501>
- Luo, X., & Bhattacharya, C. B. (2006). Corporate social responsibility, customer satisfaction, and market value. *Journal of Marketing*, 70(4), 1-18.
- Marfou, M., & Shakeri, R. (2018). Business Strategies and Corporate Financial Performance. *Empirical Research in Accounting*, 8(29), 157-183. (In Persian)
- Marrewijk, M. V. (2003). Concepts and definitions of CSR and corporate sustainability: Between agency and communion. *Journal of Business Ethics*, 44(2-3), 95-105. <https://doi.org/10.1023/A:1023331212247>
- Masoud, N. (2017). How to Win the Battle of Ideas in Corporate Social Responsibility: The International Pyramid Model of CSR. *International Journal of Corporate Social Responsibility*, 2(4), 1-22.
- Maury, B. (2022). Strategic CSR and firm performance: The role of prospector and growth strategies. *Journal of Economics and Business*, 118, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.jeconbus.2021.106031>
- McNichols, M. (2002). Discussion of The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accruals Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77, 61-69.
- Miles, R. E., & Snow, C. C. (1978). *Organizational strategy, structure, and process*. New York: McGraw-Hill.
- Miles, R. E., & Snow, C. C. (2003). *Organizational strategy, structure, and process*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Mishra, D. R. (2017). Post-innovation CSR performance and firm value. *Journal of Business Ethics*, 140(2), 285-306.
- Moeini, M., Din Parvar, M., & Sadeghi Tabar, S. (2010). Evaluating Management Performance Using Cash Value Added Index in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting and Auditing Research (Journal of Financial Accounting and Auditing)*, 2(5), 201-218. (In Persian)

- Mousavi, S., Rezaei, F., & Shahveisi, F. (2017). Developing the corporate social responsibility Model and its impact on the Qualitative Characteristics of Financial Information. *Managerial Accounting*, 10(33), 89-108. (In Persian)
- Nave, A., & Ferreira, J. (2019). Corporate social responsibility strategies: Past research and future challenges. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 26(4), 885-901. DOI: 10.1002/csr.1729
- Noravesh, I. and M. Heidari (2004). Evaluating the Management Performance of the Companies Listed on the Tehran Stock Exchange Using the CVA Model and Investigating the Relationship Between this Model and the Return on Stock. *Accounting and Auditing Reviews*, 11(38) 121-147. (In Persian)
- Porter, M. E., & Kramer, M. R. (2019). Creating shared value. *In Managing sustainable business*, 323-346, https://doi.org/10.1007/978-94-024-1144-7_16
- Rezaei, Z. (2016). Business sustainability research: a theoretical and integrated perspective, *Journal of Accounting Literature*, Vol. 36, 48-64.
- Rezaei, F., & Ghanaeenejad, M. (2014). A Review on transparency in financial reporting and its effects on tax avoidance and firm value. *Journal of Commerce & Accounting Research*, 3, 1-22.
- Rezaei, F., & Molodi, S. (2010). The relationship between cash value added, economic value added, free cash flows and residual profit with the value created for shareholders. *Financial Knowledge Securities Analysis (Financial Studies)*, 3(5), 1-18. (In Persian)
- Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow. *Review of Accounting Studies*, 11(2), 159-189.
- Rodrigo, P., & Arenas, D. (2008). Do employees care about CSR programs? A typology of employees according to their attitudes. *Journal of Business Ethics*, 83(2), 265-283.
- Saeeda Ardakani, S., Hirani, F., & Dehghan Mirkabad, M. (2013). Explain the difference between strategic and non-strategic industries of Tehran Stock Exchange with emphasis on capital structure and cash value added (CVA) with data panel approach. *Investment Knowledge*, 2(5), 145-162. (In Persian)
- Said, R., Abd Samad, K., Mohd Sidek, N. Z., Ilias, N. F., & Omar, N. (2018). Corporate social responsibility disclosure index of Malaysian Shariah - compliant companies. *International Journal of Ethics and Systems*, 34 (1), 55-69. <https://doi.org/10.1108/IJOES-09-2016-0068>
- Saleh Abadi, A. & Ahmadvpour, A. (2010). Correlation between Ratio of Economic Value-Added (EVA) to Capital and Ratio of Market Value Added (MVA) to Capital in the Tehran Stock Exchange. *Economic Research*, 10(4) 255-271. (In Persian)
- Sarlak, N. & Akbari, M. (2013). The Relationship Between Related-Party Transactions and Profit Management. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20(4) 77-92. (In Persian)
- Scott, W. R. (1995), *Institutions and Organizations*, Sage Publications, Thousand Oaks, CA.

- Sepasi, S., & Hassanzadeh, M.(2016). The effect of economic dimension of corporate social responsibility on sustainability of earnings. *Iranian Journal of Value and Behavioral Accountings* . 1 (1),123-138. [In Persian]
- Sharabati, A.A.(2018). Effect of corporate social responsibility on Jordan pharmaceutical industry's business performance, *SOCIAL RESPONSIBILITY JOURNAL*,14(3), 566-583.
- Singh, k., & Misra, M. (2021). Linking Corporate Social Responsibility (CSR) and Organizational Performance: the moderating effect of corporate reputation. *European Research on Management and Business Economics*, 27, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.iiedeen.2020.100139>
- Su, W., Peng, M.W., Tan, W., & Cheung, Y.L.(2016). The signaling effect of corporate social responsibility in emerging economies. *Journal of Business Ethics*. 134(3), 479–491.
- Van Beurden, P., & Gössling, T. (2008). The worth of values—A literature review on the relation between corporate social and financial performance. *Journal of Business Ethics*, 82(2), 407–424. <https://doi.org/10.1007/s10551-008-9894-x>
- Wang, Q., Dou, J., & Jia, S. (2016). A meta-analytic review of corporate social responsibility and corporate financial performance: The moderating effect of contextual factors. *Business & Society*, 55(8), 1083–1121. <https://doi.org/10.1177/0007650315584317>
- Wu, M. L. (2006). Corporate social performance, corporate financial performance, and firm size: A meta-analysis. *Journal of American Academy of Business*, 8(1), 163–171.
- Wu, H., Lin, B., & Chen, C. (2007). Contingency view on technological differentiation and firm performance: Evidence in an economic downturn. *R&D Management*, 37(1), 75–88.
- Yasir Ali,H. , Danish,R.Q., & Asrar-ul-Haq,M.(2020). How corporate social responsibility boosts firm financial performance: The mediating role of corporate image and customer satisfaction. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*.27(1),166-177. DOI: 10.1002/csr.1781
- Yuan, Y., Yi Lu, L., Tian, G. & Yu, Y.(2020).Business Strategy and Corporate Social Responsibility.*Journal of Business Ethics*, 162(2), 359-377. <https://doi.org/10.1007/s10551-018-3952-9>
- Yuen, K.F., Thai, V.V., & Wong, Y.D. (2017). Corporate social responsibility and classical competitive strategies of maritime transport firms: A from a transition economy in Sub-Saharan African. *Journal of Business Research*, 61(4), 346–354.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

فرا تحلیل آمار توصیفی متغیرها در مجلات حسابداری ۱

علی رحمانی^۲، فاطمه گرامی راد^۳، مهناز محمودخانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

مقاله پژوهشی

چکیده

صحت داده‌ها، نقش مهمی در پژوهش دارد. یکی از دلایل عدم پذیرش مقالات در مجلات بین‌المللی حسابداری عدم اتکا به داده‌های داخلی به علت عدم دسترسی سردبیران و داوران به داده‌های مذکور در بانک‌های اطلاعاتی بین‌المللی است. همچنین یکی از راه‌هایی که سردبیران و داوران می‌توانند به صحت داده پی ببرند، مراجعه به آمار توصیفی متغیرهای چاپ شده قبلی در مجلات حسابداری است. از همین رو در این پژوهش، آمار توصیفی متغیرهای پر کاربرد در مجلات حسابداری مصوب وزارت علوم، مورد بررسی قرار گرفته است تا نمایی کلی از وضعیت متغیرها در مجلات حسابداری ایران ارائه دهد و به عنوان مقیاسی از حدود متغیرها در مقالات مورد استفاده پژوهشگران حسابداری، داوران و سردبیران باشد. در این پژوهش ۶۳۲ مقاله منتشر شده در شانزده نشریه مورد تأیید وزارت علوم در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد انحراف استاندارد و پراکندگی برخی از متغیرها زیاد و برخی کم است. متغیرهای نگهداشت وجه نقد، بازده حقوق صاحبان سهام؛ و نسبت دارایی نامشهود کمترین پراکندگی و متغیرهای سود هر سهم، ارزش دفتری هر سهم و لگاریتم دارایی بیشترین پراکندگی را در بین متغیرها دارد.

واژه های کلیدی: آمار توصیفی، فرا تحلیل، نسبت‌های مالی

طبقه بندی موضوعی: M41

10.22051/JERA.2021.37370.2914 :DOI ۱

۲. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (rahmani@alzahra.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (geramirad@gmail.com)

۴. دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (m.mahmoudkhani@alzahra.ac.ir)
https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

پژوهشگران در فرایند پژوهش، مجموعه داده‌ها را پس از مرحله جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل نموده و ارائه می‌کنند. هدف از ارائه تجزیه و تحلیل‌های توصیفی^۱، ارائه ویژگی‌های جامعه اصلی و نمونه پژوهش است (لارسون، ۲۰۰۶). این تجزیه و تحلیل شامل توصیف داده‌ها از نظر فراوانی، میانگین، چارک‌ها، انحراف استاندارد، دامنه بین چارک‌ها و غیره است (حسین، ۲۰۱۲).

آمار توصیفی به مجموعه روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای جمع‌آوری، خلاصه کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. در واقع این آمارها، داده‌ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می‌کنند و طرح یا الگوی کلی برای استفاده سریع‌تر و بهتر از داده‌ها به دست می‌دهد (نامور، زمانی مقدم، محمد داودی و صالحی، ۱۳۸۶). آمار توصیفی شرحی از ویژگی و میزان اعداد استفاده‌شده در تحلیل‌های آماری است. هدف اصلی ارائه این آمار توصیفی عمدتاً ارائه شرح مختصری از نمونه مورد استفاده در پژوهش است. همچنین داوران و سردبیران نشریات و خوانندگان مقالات با استفاده از آمار توصیفی به ارزیابی صحت کلی داده‌های استفاده‌شده توسط پژوهشگران در تحلیل‌های آماری پی می‌برند.

پایگاه داده مورد استفاده جزء مهمی از یک پروژه پژوهشی است (بال و فوستر، ۱۹۸۲). دیکان و زف (۲۰۱۴) اشاره می‌کنند که سردبیران نشریه‌ها باید از نویسندگان مقالات دریافتی بخواهند تا در خصوص روش‌شناسی مورد استفاده در پژوهش، از جمله جمع‌آوری داده‌ها، دقت و روش‌های تأییدکننده برای یک دوره مشخص توضیحاتی ارائه دهند؛ بنابراین از عوامل مؤثر بر پذیرش مقالات، داده‌های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل است. استفاده از داده‌های دقیق امکان چاپ مقاله را افزایش می‌دهد.

این پژوهش دارای دانش‌افزایی است. تاکنون در مقالات داخلی یا خارجی، آمار توصیفی متغیرهای مقالات چاپ‌شده در مجلات حسابداری مورد تحلیل واقع نشده است. در بسیاری از کشورهای جهان، داده‌های صورت‌های مالی شرکت‌های عضو بورس و اوراق بهادار در پایگاه‌هایی چون دیتا استریم^۲ وجود دارد در ایران علی‌رغم وجود چند شرکت پردازش اطلاعات که این کار را انجام می‌دهند، بانک اطلاعاتی جامع و معتبری برای امور پژوهشی معرفی نشده است. این نقص، بررسی صحت داده‌ها را به‌خصوص زمانی که پژوهشگران ایرانی

1. Descriptive analysis

2. Data stream

می‌خواهند اقدام به چاپ مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی کنند، با مشکلاتی مواجه ساخته است. همچنین در مواردی سردبیران و داوران نشریات خارجی به علت عدم اتکا و اعتماد به داده‌های ایرانی مقالات را رد می‌کنند. از این رو نویسندگان داخلی می‌توانند با استناد به یافته‌های این پژوهش که میانگینی از متغیرهای مورد بررسی در مقالات مختلف است، آمار توصیفی متغیر ذکر شده در مقاله خویش را با این مقاله مقایسه نمایند.

داوران مجلات داخلی هنگام بررسی و ارزیابی مقالات با مشکلاتی مواجه هستند؛ چراکه پژوهشگران در ایران عمدتاً از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده نکرده و یا به صورت دستی داده‌ها را گردآوری می‌کنند. فقدان وجود پایگاه معتبر موجب عدم اطمینان به صحت و کیفیت داده‌های مقالات گردیده است. یکی از راه‌های صحت‌سنجی آمار توصیفی مقالات این است که با مراجعه به مقالات چاپ‌شده قبلی در مجلات داخلی، محدوده‌ای از میانگین متغیرهای مورد استفاده در مقالات به دست آورد. از همین رو داوران و سردبیران داخلی می‌توانند از یافته‌های این پژوهش برای بررسی آمار توصیفی مقالات داخلی استفاده نمایند و در صورت تفاوت بالا درخواست داده از نویسندگان داشته باشند و آمار توصیفی مقالات را به طور دقیق‌تری بررسی کنند. البته لازم به ذکر است که سردبیران و داوران هنگام استفاده از یافته‌های این پژوهش بایستی به محدودیت‌های این پژوهش از نظر جامعه و نمونه آماری توجه داشته باشند و با در نظر گرفتن سایر روش‌های صحت‌سنجی از یافته‌های این پژوهش استفاده نمایند.

این پژوهش می‌تواند بینش و توصیفی از وضعیت آمار توصیفی متغیرهای پرکاربرد مجلات حسابداری ارائه دهد. همچنین نویسندگان مقالات می‌توانند با مقایسه آمار توصیفی مقالات خود با یافته‌های این مقاله، در صورت تفاوت زیاد دو متغیر، با دقت بیشتری آمار توصیفی متغیرهای خود را در مقاله به کار گیرند. به عبارتی دیگر، یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهی کم‌هزینه باشد تا کاربران مختلف بتوانند به سرعت و با کمترین زمان دیدگاهی نسبت به متغیرهای مورد بررسی مقالات داشته باشند و در صورت دیدن مغایرت و پراکندگی بالای آماری توصیفی سایر مقالات با این مقاله، صحت داده‌ها را با دقت بیشتری بررسی نمایند.

نظر به مطالب ذکر شده، هدف اصلی این پژوهش بررسی آمار توصیفی متغیرهای پرکاربرد در مجلات حسابداری است. در این پژوهش ابتدا مبانی نظری و سپس یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

تفاوت اصلی بین پژوهش‌های حسابداری و پژوهش در سایر رشته‌ها از جمله اقتصاد در این است که پژوهش در حسابداری نیازمند ترسیم حوزه نهادی^۱ است. پایگاه داده در پژوهش‌های تجربی شامل صورت‌های مالی است (بال و فوستر، ۱۹۸۲). همچنین بخش زیادی از مقالات چاپ‌شده در مجلات علمی حسابداری به ارتباط بین صورت‌های مالی و بازار سرمایه اختصاص دارد که از آن‌ها با عنوان پژوهش‌های بازار سرمایه یاد می‌شود. این حجم زیاد پژوهش‌ها، نشانه‌ای از تقاضا برای پژوهش در این حوزه است (کوتاری، ۲۰۰۱). همین امر سبب شده است تا تقاضا برای اطلاعات و افشائیات مندرج در صورت‌های مالی افزایش یابد. توسعه بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی یکی از این راه‌ها است که باعث می‌شود علاوه بر استفاده پژوهشگران از داده‌های آن، داوران و سردبیران نیز بتوانند صحت داده‌ها را مورد بررسی قرار دهند. نتایج پژوهش‌هایی مانند میک و توماس (۲۰۰۴) و لند و لانگ (۲۰۰۲) بر اهمیت نوع و قابل اعتماد بودن پایگاه‌های داده مورد استفاده برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها برای انجام پژوهش تأکید داشته است. لارا، اوسما و نوگر (۲۰۰۶) توصیه کردند که پژوهشگران باید از مجموعه داده‌هایی که تصویری دقیق‌تر از کل جامعه مورد بررسی ارائه می‌دهد استفاده کنند.

در ایران چند پایگاه داده نه‌چندان قوی وجود دارد؛ از همین رو پژوهشگران و داوران برای گردآوری و نیز بررسی صحت داده‌ها با چالش‌ها و دشواری‌هایی روبه‌رو هستند. در همین زمینه مصلی نژاد و ناظمی (۱۳۹۸) اطلاعات مالی شامل نسبت‌ها، ارقام ترازنامه و صورت سود و زیان شرکت‌ها در سامانه اطلاع‌رسانی بورس و اطلاعات مندرج در بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین را مورد مقایسه قرار دادند. شواهد پژوهش آن‌ها مبین این واقعیت بود که تفاوت معناداری در اعداد گزارش شده مندرج در بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و صورت‌های مالی شرکت‌ها وجود دارد. البته این پایگاه داده در سال‌های اخیر بهبودهایی یافته است. پایگاه مرکز مالی ایران نیز به‌تازگی شروع به فعالیت کرده است ولی نیازمند توسعه بیشتر است. برخی پژوهشگران نیز به‌طور دستی اقدام به جمع‌آوری داده می‌کنند و فایل‌هایی که به صورت پی‌دی‌اف در کدال وجود دارد را دانلود و داده‌های مورد نیاز را استخراج می‌نمایند. همین امر روشن می‌سازد که تا چه اندازه فقدان وجود پایگاه داده مؤثر، بر نتایج پژوهش‌ها اثرگذار است. پایگاه داده قوی، امکان بهبود مستمر و تکرار نتایج موجود را فراهم می‌آورد. از طرف دیگر، دستیابی خصوصی و دستی افراد

به داده‌ها، ضمن اینکه نیازمند صرف تلاش بیشتر در خصوص جمع‌آوری داده‌ها است، امکان وقوع اشتباه را نیز افزایش می‌دهد (وسارهیلی، ۱۹۸۴).

با توجه به مشکلات مطرح شده در خصوص پایگاه‌های داده در ایران، عدم نمایه‌سازی صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی در پایگاه‌های بین‌المللی و مشکلاتی که در آمار توصیفی داده‌های مقالات ایران وجود دارد، انگیزه اصلی این پژوهش ارائه یک بررسی و مقایسه از آمار توصیفی متغیرهای یکسان در مقالات منتشر شده در مجلات حسابداری ایران است. هدف از ارائه آمار توصیفی کسب درک و بینش از داده‌ها است. آمار توصیفی گام اصلی در هر پژوهش علمی برای ساده‌سازی مقادیر زیادی از داده‌ها به روشی معقول است. در واقع، هدف از آمار توصیفی ارائه توضیح و تفسیری روشن از اطلاعات جمع‌آوری شده است (فرانسز و لولیانو، ۲۰۱۸).

بال و فوستر (۱۹۸۲) پیدایش و تکوین ایده‌های پژوهش‌های تجربی را در عواملی چون اهمیت موضوع یا روش پژوهش برای اشخاص خارج از واحد تجاری مانند افراد حرفه‌ای یا متخصص در حسابداری، مدیران شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و جامعه آماری تحقیق، در دسترس بودن ساختار نظری به‌عنوان رهنمودی برای استفاده در پژوهش‌های تجربی، در دسترس بودن اطلاعات و روش‌های آماری و اقتصادسنجی برای تحلیل داده‌ها طبقه‌بندی نمودند. در این پژوهش بنا بر اهمیت موضوع و نقش داده برای نویسندگان، داوران و سردبیران، آمار توصیفی مقالات بررسی شده است. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش فراتحلیل، میانگین متغیرهای پرکاربرد در مقالات حسابداری محاسبه شده تا به عنوان یک معیار مشترک در اختیار پژوهشگران قرار گیرد. البته استفاده از یافته‌های این پژوهش با در نظر گرفتن محدودیت‌های مربوط به جامعه و نمونه آماری بایستی صورت پذیرد. از این شیوه سایر نویسندگان نیز تاکنون بهره برده‌اند. به طور نمونه محمدرضایی، تنانی و علی‌آبادی (۱۳۹۷) و فرجی، ایزد پور و جودکی چگینی (۱۳۹۷) میانگین آمار توصیفی پژوهش خود را با سایر پژوهش‌ها مقایسه نموده‌اند.

آمار توصیفی در پژوهش‌های تجربی حسابداری بسیار زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده مناسب از روش‌های آماری و به طبع آن ارائه آمار توصیفی، اهمیت فزاینده‌ای در پژوهش‌های بازار سرمایه دارد؛ چراکه در صورت استفاده از اطلاعات نادرست، کل نتایج پژوهش زیر سؤال است. در بسیاری از نشریه‌ها، کمیته آماری اختصاصی وجود دارد که روش‌های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. این اجماع وجود دارد که الگوهای مطالعه و روش‌های آماری نامناسب منجر به نتایج نادرست، تفسیر ضعیف یافته‌های مطالعه و نتیجه‌گیری اشتباه می‌شوند (آتومب،

پترزلد، مارتینسون و چیروا، ۲۰۱۴). با توجه به مطالب مطرح شده یکی از راه‌های بررسی صحت داده‌ها، مقایسه آن با پژوهش‌های دیگر است. از همین رو در این پژوهش میانگین آمار توصیفی مقالات منتشر شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی که به بررسی وضعیت آمار توصیفی مقالات پرداخته باشد، انجام نشده است. عمده پژوهش‌ها بیشتر به اهمیت ارائه آمار توصیفی و نقش آن در کیفیت مقالات می‌پردازند. از همین رو در این بخش اشاراتی به این پژوهش‌ها می‌شود.

بردبوری (۲۰۱۲) به بررسی دلایل عدم پذیرش مقالات از دید سردبیر پرداخت. در این مقاله از تحلیل محتوا برای تحلیل نظرات ۶۶ داور در ۳۳ مقاله ارسال شده به مجله حسابداری و مالی استفاده شد. در چک‌لیست پژوهش بردبوری (۲۰۱۲) تأکید شده است که پژوهشگران از مناسب بودن داده‌ها، توصیف دقیق نحوه انتخاب نمونه و ارائه جدول آمار توصیفی قبل از ارسال مقاله به مجله اطمینان حاصل نمایند.

دیکمن و زف (۲۰۱۴) برخی نواقص روش‌شناختی در مقالات پژوهش‌های تجربی حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها اشاره می‌نمایند که نویسندگان باید استفاده از آمار توصیفی و رویکردهای دیگر را به‌عنوان وسیله‌ای برای حمایت از اعتبار اهداف پژوهش خود در نظر بگیرند. دیکمن و زف (۲۰۱۴) بیان نمودند که نویسندگان باید اهمیت اقتصادی و آماری پژوهش‌های خود و محدودیت‌های آزمون فرضیه‌های معمول را که در داده‌های آن‌ها اعمال می‌شود، در نظر بگیرند و این امر باعث افزایش احتیاط هنگام اعلام نتایج آماری می‌شود. نویسندگان باید ملزم به ارائه نتایج تمام آزمون‌های انجام شده، داده‌های مورداستفاده و حذف شده و در نهایت درصد ارائه دلیل و توجیه برای هر آزمون آماری باشند. داده‌ها باید در فرم مناسب و در یک بسته‌بندی آماری استاندارد ارائه شود و شامل دستورات نرم‌افزاری مناسب باشند.

استلوی (۲۰۱۷) به دلایل رد مقالات ارسالی به مجله بررسی حسابداری اروپا بدون ارسال به داوری بر اساس مقالات سال ۲۰۱۶ این مجله پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که ارائه آماره‌های توصیفی ضعیف و روش‌شناسی نامناسب از جمله دلایل رد مقالات است.

بنی مهد و همکاران (۱۳۹۵) اشتباهات رایج در پژوهش‌های تجربی حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. اشتباهات مربوط به اندازه‌گیری متغیرها، توزیع نامناسب داده‌های یک متغیر، عدم

رعایت ساختار گردآوری یکسان برای داده‌ها و عدم توجه به علامت منفی در اندازه‌گیری برخی متغیرها از جمله اشتباهات رایج بوده است.

محمدرضایی (۱۳۹۷) به بررسی قالب مناسب برای مقالات حسابداری از نوع آرشیوی پرداخت. وی در این پژوهش اهمیت ارائه آمار توصیفی درست و نحوه بیان آن را نیز مورد بحث قرار داده و اشاره می‌کند که برای ارسال مقاله به مجلات معتبر بین‌المللی حتماً برای آماره‌های توصیفی باید تفسیر محتوایی ارائه شود و ارائه این آماره‌ها بدون تفسیر، مناسب نیست.

حسینی و محمودخانی (۱۳۹۹) به بررسی عوامل مؤثر بر خروجی پژوهش‌های حسابداری ایران در سطح مجلات بین‌المللی پرداختند. نتایج این پژوهش بیانگر این بود که از منظر اعضای هیئت علمی، تعصب داوران مجلات بین‌المللی در قبال برخی روش‌های تحقیقاتی باعث می‌شود انتشار تحقیقات مربوط به ایران در مجلات بین‌المللی که در آن داده‌های حاصل از صورت‌های مالی ایران به راحتی در پایگاه‌های بین‌المللی در دسترس نیستند، دشوار باشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود تاکنون در پژوهش‌های داخلی یا خارجی، آمار توصیفی متغیرهای مقالات چاپ‌شده در مجلات حسابداری مورد تحلیل واقع نشده است. این پژوهش به بررسی وضعیت آمار توصیفی مقالات مجلات حسابداری مصوب وزارت علوم می‌پردازد.

پرسش‌های پژوهش

نتایج این پژوهش اهمیت ارائه درست آمار توصیفی را روشن می‌سازد. از همین رو پرسش‌های اصلی این پژوهش به شرح ذیل است:

- بازه زمانی متغیرهای مورد بررسی چگونه است؟
- فراوانی متغیرها در مقالات حسابداری ایران به چه میزان است؟
- میانگین آمار توصیفی متغیرها در مقالات حسابداری ایران چیست؟
- انحراف استاندارد و پراکندگی متغیرها در مقالات حسابداری ایران چگونه است؟
- توزیع متغیرها در چارک‌های اول و سوم چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

از نظر روش‌شناسی این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و سندی و با پیمایش در متون و منابع نظری نگارش شده موجود در این زمینه گردآوری شده است. از منظر روش نیز می‌توان

بیان کرد که این پژوهش از نوع فراتحلیل^۱ است. مراحل اجرا و روش های آماری مورد استفاده در فراتحلیل به گونه ای است که آن را از سایر روش ها متمایز می سازد (شفیعی و زارع، ۱۳۹۸). در واقع فراتحلیل به فنون آماری اطلاق می شود که هدف آن یکپارچه سازی نتایج پژوهش های مستقل است. با روش فراتحلیل می توان نتایج پژوهش ها را با یکدیگر ترکیب کرد و روابط تازه ای میان پدیده های اجتماعی کشف کرد (عابدی، عربی و محمدزاده، ۱۳۸۵).

در این پژوهش فراتحلیل آمار توصیفی مقالات مورد بررسی قرار گرفته است جامعه آماری این پژوهش، مجلات علمی پژوهشی حسابداری مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ایران است. دوره زمانی این پژوهش مقالات منتشر شده مجلات حسابداری در بازه زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۷ است. مقالات مجلات بدون در نظر گرفتن موضوع پژوهش و صرفاً برحسب متغیرهای بررسی شده در پژوهش مورد نظر، انتخاب شده است. در این پژوهش متغیرهایی برای تحلیل انتخاب شده که دارای تعریف عملیاتی یکسان در مقالات باشد و امکان استنتاج متغیرها و در نتیجه قابلیت اتکای نتایج را فراهم آورد. برای انتخاب متغیرها محدودیت های زیر لحاظ شده است:

- تعریف عملیاتی متغیر بدون هیچ ابهامی در مقاله بررسی شده اشاره شده باشد و یا امکان مشخص کردن تعریف عملیاتی با توجه به موارد مندرج در متن مقاله وجود داشته باشد؛
- مقالاتی که در نمونه پژوهش، شرکت های بانکی، مالی و سرمایه گذاری را بررسی کرده بودند حذف شدند. دلیل استفاده از این شرط این است که بسیاری از مقالات مورد بررسی محدودیت عدم استفاده از شرکت های مالی و سرمایه گذاری را در نمونه مورد بررسی خود داشته اند؛ بنابراین در این پژوهش نیز در هنگام انتخاب مقالات، این عامل برای تعمیم پذیری نتایج لحاظ شد، به خصوص آن که ماهیت عملیات شرکت های مالی و سرمایه گذاری با سایر شرکت ها متفاوت است و این امر تأثیر چشم گیری بر نتایج می گذارد.

با لحاظ کردن شروط بالا ۱۶ مجله و ۶۳۲ مقاله مورد تحلیل قرار گرفت. نظر به مطالب مطروحه، ابتدا میانگین متغیرهای مورد بررسی، سال مورد مطالعه و تعریف عملیاتی متغیرها گردآوری شد و سپس متغیرهایی که تعریف عملیاتی آن ها یکسان بود برای تحلیل استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

آمار مجلات مورد بررسی

در جدول زیر مجلات مورد بررسی و تعداد متغیرهای مورد بررسی، ارائه شده است. در این پژوهش مقالات منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفتند. مجله دانش حسابداری مالی، پژوهش‌های تجربی حسابداری و بررسی‌های حسابداری و حسابرسی بیشترین و مجله حسابداری مدیریت، حسابداری ارزشی و رفتاری و حسابداری دولتی کمترین متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش را دارا بودند.

جدول ۱: تعداد متغیرها و مقالات مجلات مورد بررسی

ردیف	مجله	تعداد متغیرها
۱	دانش حسابداری مالی	۲۴۰
۲	پژوهش‌های تجربی حسابداری	۲۱۳
۳	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی	۲۰۶
۴	دانش حسابداری	۱۹۶
۵	پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی	۱۹۵
۶	فصلنامه حسابداری مالی/مبارکه	۱۵۶
۷	پژوهش‌های حسابداری مالی اصفهان	۱۴۴
۸	تحقیقات حسابداری و حسابرسی	۱۴۲
۹	دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت	۱۳۳
۱۰	دانش حسابرسی	۱۲۵
۱۱	مطالعات تجربی حسابداری	۱۱۶
۱۲	پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی	۱۰۷
۱۳	پیشرفت‌های حسابداری	۱۰۳
۱۴	حسابداری مدیریت	۷۵
۱۵	حسابداری ارزشی و رفتاری	۳۰
۱۶	حسابداری دولتی	۲۰
تعداد	۱۶	۲۲۰۱

متغیرهای مورد بررسی

در جدول ۲ متغیرهای مورد بررسی به همراه تعریف عملیاتی آن اشاره شده است.

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیرها

ردیف	متغیر	تعریف عملیاتی متغیر
۱	جریان نقد عملیاتی به کل دارایی	وجه نقد عملیاتی به دارایی‌ها
۲	گردش دارایی‌ها ^۱	فروش به کل دارایی‌ها
۳	نسبت دارایی ثابت ^۲	دارایی ثابت به کل دارایی
۴	نسبت دارایی نامشهود ^۳	دارایی نامشهود به کل دارایی
۵	نسبت جاری ^۴	دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری
۶	نسبت سودآوری ^۵	سود خالص به فروش
۷	فرصت‌های رشد ^۶	ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام
۸	ارزش بازار به دفتری دارایی	تقسیم ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی
۹	ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام	ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۱۰	رشد فروش	تغییرات فروش نسبت به سال گذشته تقسیم بر فروش سال گذشته
۱۱	رشد دارایی	جمع دارایی‌ها در پایان دوره منهای جمع دارایی‌ها در ابتدای دوره تقسیم بر جمع دارایی‌ها در ابتدای دوره
۱۲	اندازه شرکت ^۷	لگاریتم فروش سالانه شرکت
۱۳	لگاریتم دارایی	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت
۱۴	لگاریتم حقوق صاحبان سهام	لگاریتم جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۱۵	بازده دارایی ^۸	سود خالص بر کل دارایی
۱۶	بدهی بلندمدت به دارایی یا اهرم	بدهی بلندمدت به کل دارایی
۱۷	سود عملیاتی به کل دارایی‌ها یا بازده دارایی‌ها	سود عملیاتی به کل دارایی‌ها
۱۸	بازده حقوق صاحبان سهام (دفتری)	سود خالص بر حقوق صاحبان سهام
۱۹	بازده حقوق صاحبان سهام (بازار)	سود خالص بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۲۰	اهرم مالی ^۹	کل بدهی به دارایی
۲۱	بدهی به حقوق صاحبان سهام	بدهی به حقوق صاحبان سهام
۲۲	نگهداشت وجه نقد ^{۱۰}	وجه نقد به دارایی

1. Asset Turnover
2. Fixed Asset Ratio
3. Intangible asset ratio
4. Current ratio
5. Profitability ratio
6. Growth opportunities
7. firm Size
8. Return On Assets
9. Financial Leverage
10. Cash Holding

ردیف	متغیر	تعریف عملیاتی متغیر
۲۳	وجه نقد و سرمایه‌گذاری به دارایی	مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت بر جمع دارایی‌ها
۲۴	توانایی مدیریتی ^۱	مدل دمیرجیان و همکاران ۲۰۱۲
۲۵	سود هر سهم (EPS)	سود و زیان خالص بر تعداد سهام
۲۶	نسبت سود تقسیمی	سود تقسیمی هر سهم بر سود هر سهم
۲۷	نسبت سود به قیمت سهام	سود به قیمت سهام
۲۸	نسبت قیمت به سود (P/E)	قیمت سهام شرکت بر سود خالص به ازای هر سهم در پایان سال مالی
۲۹	حجم معاملات	نسبت حجم معاملات به مجموع سهام در دست سهامداران
۳۰	درصد سهام شناور آزاد	درصد سهامی که در اختیار سهامدار راهبردی نباشد
۳۱	ارزش دفتری هر سهم	حقوق صاحبان سهام تقسیم بر تعداد سهام شرکت
۳۲	مالکیت مدیریتی ^۲	درصد سهام در اختیار اعضای هیئت‌مدیره (حقیقی و حقوقی)
۳۳	مالکیت نهادی	سهام تحت تملک بانک‌ها و بیمه‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سازمان‌ها و نهادهای دولتی، بر کل تعداد سهام منتشره شرکت
۳۴	رقابت در بازار محصول	شاخص هرfindal هریشمن
۳۵	نسبت موجودی کالا	جمع موجودی کالا و حساب‌های دریافتی تقسیم بر جمع دارایی‌ها
۳۶	عدم تقارن اطلاعاتی ^۳	اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام
۳۷	نسبت کیوتوبین	جمع ارزش بازار سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها تقسیم بر جمع ارزش دفتری دارایی‌ها
۳۸	ریسک سیستماتیک (بتا)	نسبت کوواریانس بازده سهام و بازده بازار بر واریانس بازده بازار

فرا تحلیل دوره زمانی متغیرهای مورد بررسی در مجلات حسابداری

در جدول ۳ نشان داده شده است که متغیرهای مورد بررسی در بازه‌های زمانی متفاوت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای نمونه اگر سال‌های مورد بررسی نمونه یک مقاله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بوده است سعی شده در این مقاله، این سال‌ها به بازه زمانی ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ تفکیک شود. این کار برای تمام مقالات و متغیرهای آن‌ها انجام شده است و در نهایت مشخص شده است که برای هر یک از متغیرها کدام سال بیشترین تکرار و کمترین تکرار را داشته است تا به خوانندگان مقاله نگرشی از دوره زمانی متغیرها ارائه دهد. به عنوان نمونه در خصوص متغیر جریان نقد عملیاتی به کل دارایی در جدول ۳ سال ۱۳۷۰ اولین و سال ۱۳۹۶

1. Management Ability
2. Managerial Ownership
3. Information Asymmetry

آخرین سال مورد بررسی نمونه در مقالات بوده است. میانگین دوره زمان مورد بررسی این متغیر در بین مقالات مختلف که این متغیر را بررسی کرده بودند سال ۱۳۸۹ بوده است. سال ۱۳۹۱ بیشترین تکرار را در بین مقالات داشته است. بنابراین در بین کل مقالات بازه دوره زمانی این متغیر از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶ بوده است.

جدول ۳: آمار توصیفی سال‌های مورد بررسی در متغیرها

ردیف	متغیر	میانگین سال	آخرین سال	اولین سال	میان سال	بیشترین تکرار سال	فراوانی در مقالات	انحراف استاندارد سال
۱	جریان نقد عملیاتی به کل دارایی	۱۳۸۹	۱۳۹۶	۱۳۷۰	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۴۳۶	۴/۵۳۰
۲	گردش دارایی‌ها	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۸۱	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۶۴	۳/۱۱۰
۳	نسبت دارایی ثابت	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۵۹۲	۳/۳۵۲
۴	نسبت دارایی نامشهود	۱۳۸۹	۱۳۹۴	۱۳۷۹	۱۳۸۹/۵	۱۳۸۹	۱۰۲	۳/۲۰۰
۵	نسبت جاری	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۰	۱۳۸۹	۱۳۹۱	۴۷۱	۴/۴۶۶
۶	نسبت سودآوری	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۵۶	۳/۷۵۸
۷	فرصت‌های رشد	۱۳۸۹	۱۳۹۶	۱۳۷۰	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۲۱۰	۳/۶۴۶
۸	ارزش بازار به دفتری دارایی	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۰	۱۳۸۹	۱۳۸۹	۱۰۸	۳/۳۱۶
۹	ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۷	۱۳۸۹	۱۳۹۱	۵۹۳	۳/۶۶۰
۱۰	رشد فروش	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۰	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۹۵۳	۳/۵۹۹
۱۱	رشد دارایی	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۱	۱۳۸۹	۱۳۸۹	۱۷۹	۳/۲۰۷
۱۲	اندازه شرکت	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۸۱	۱۳۹۱	۱۳۹۱	۳۶۳	۲/۸۴۷
۱۳	لگاریتم دارایی	۱۳۸۹	۱۳۹۶	۱۳۷۰	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۲۳۹۶	۳/۴۶۱
۱۴	لگاریتم حقوق صاحبان سهام	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۹	۱۳۸۹	۱۳۹۱	۹۹۴	۳/۲۶۳
۱۵	بازده دارایی	۱۳۹۲	۱۳۹۴	۱۳۷۷	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۷۱۷	۵۴/۵۸۹
۱۶	بدهی بلندمدت به دارایی	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۹۰	۳۴۳	۳/۱۲۴
۱۷	سود عملیاتی به کل دارایی‌ها	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۹۰	۳۸۸	۳/۳۳۸
۱۸	بازده حقوق صاحبان سهام (دفتری)	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۲۲۷	۳/۶۲۳
۱۹	بازده حقوق صاحبان سهام (بازار)	۱۳۹۲	۱۳۹۶	۱۳۸۴	۱۳۹۲	۱۳۹۲	۶۹	۲/۳۶۷
۲۰	اهرم	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۷۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۲۷۶۶	۳/۱۱۲
۲۱	بدهی به حقوق صاحبان سهام	۱۳۸۷	۱۳۹۵	۱۳۷۰	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۲۵۸	۵/۲۱۲
۲۲	نگهداشت وجه نقد	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۸۳	۱۳۹۱	۱۳۹۱	۷۵	۲/۸۱۰

ردیف	متغیر	میانگین سال	آخرین سال	اولین سال	میان‌سال	بیشترین تکرار سال	فراوانی در مقالات	انحراف استاندارد سال
۲۳	وجه نقد و سرمایه‌گذاری به دارایی	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۹۰	۱۴۵	۳/۰۵۶
۲۴	توانایی مدیریتی	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۸۲	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۰۲	۲/۶۷۰
۲۵	سود هر سهم (EPS)	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۹۰	۳/۵۵۱
۲۶	نسبت سود تقسیمی	۱۳۹۰	۱۳۹۵	۱۳۸۱	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۶۲	۴/۰۹۰
۲۷	نسبت سود به قیمت سهام	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۹	۱۳۸۹	۱۳۹۱	۶۸	۳/۹۰۵
۲۸	نسبت قیمت به سود (P/E)	۱۳۸۸	۱۳۹۵	۱۳۸۱	۱۳۸۸	۱۳۸۸	۱۲۸	۳/۵۱۲
۲۹	حجم معاملات	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۸۴	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۶۹	۲/۹۷۲
۳۰	درصد سهام شناور آزاد	۱۳۸۹	۱۳۹۴	۱۳۸۲	۱۳۸۹	۱۳۸۹	۸۹	۲/۷۶۱
۳۱	ارزش دفتری هر سهم	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۱	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۸۱	۳/۳۵۰
۳۲	مالکیت مدیریتی	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۰	۱۳۸۹	۱۳۸۹	۱۷۸	۳/۱۷۲
۳۳	مالکیت نهادی	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۷۵۱	۳/۱۹۰
۳۴	رقابت در بازار محصول	۱۳۹۰	۱۳۹۶	۱۳۷۹	۱۳۹۰	۱۳۹۰	۳۰۹	۳/۱۳۶
۳۵	نسبت موجودی کالا	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۰	۱۳۸۹	۱۳۹۱	۱۱۱	۳/۳۶۷
۳۶	عدم تقارن اطلاعاتی	۱۳۹۱	۱۳۹۶	۱۳۸۵	۱۳۹۱	۱۳۹۱	۷۱	۲/۵۰۶
۳۷	نسبت کیوتوین	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۸۱	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۲۱۰	۳/۰۹۰
۳۸	ریسک سیستماتیک (بتا)	۱۳۸۹	۱۳۹۵	۱۳۷۷	۱۳۹۰	۱۳۹۰	۱۲۲	۳/۷۲۴

فرا تحلیل آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی در مجلات حسابداری

در جدول ۴ آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی ارائه شده است. شیوه استخراج این آمار توصیفی بدین نحو بوده است که ابتدا میانگین متغیرها از جداول آمار توصیفی مقالات استخراج شده و سپس با استفاده از میانگین‌های استخراج شده، میانگین، بیشینه، کمینه، انحراف استاندارد، میانه، چولگی، کشیدگی، مد، چارک اول و سوم به دست آمده است. همان‌طور که از جدول زیر مشخص است انحراف استاندارد یا انحراف معیار (پراکندگی) برخی از متغیرها زیاد و برخی کم است. به عبارتی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند که به‌طور میانگین داده‌های یک متغیر چه مقدار از مقدار متوسط تمام نمونه متغیر مورد بررسی در مقالات فاصله دارند. چنانچه انحراف استاندارد متغیر مورد بررسی در تمام مقالات نزدیک به صفر باشد، بدین معنی است که داده‌ها نزدیک به میانگین هستند و پراکندگی کمی دارند؛ درحالی‌که انحراف استاندارد بزرگ بیانگر پراکندگی با اهمیت داده‌ها است. متغیرهای نگهداشت وجه نقد، بازده حقوق صاحبان

سهام و نسبت دارایی نامشهود کمترین پراکندگی و متغیرهای سود هر سهم، ارزش دفتری هر سهم و لگاریتم دارایی بیشترین پراکندگی را در بین متغیرها دارد. متغیرهای اهرم مالی، لگاریتم دارایی و بازده دارایی دارای بیشترین فراوانی و متغیرهای نسبت سود به قیمت سهام، نسبت سود تقسیمی و سود هر سهم دارای کمترین فراوانی در بین متغیرهای مورد بررسی است.

جدول ۴: فراتحلیل بر روی میانگین متغیرهای مورد بررسی

ردیف	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	میانگین	تعداد	نسبت	نسبت	نسبت	نسبت	نسبت
۱	جریان نقد عملیاتی به کل دارایی	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۶	۵۳	۰/۰۱	۰/۸۳	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۱۵
۲	گردش دارایی‌ها	۰/۹۳	۰/۴۰	۰/۸۲	۰/۴۰	۱۹	۰/۰۴	۲/۳۰	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۹۳
۳	نسبت دارایی ثابت مشهود	۰/۳۰	۰/۲۳	۰/۲۶	۰/۲۳	۶۳	۰/۰۰	۲/۰۴	۰/۲۹	۰/۲۴	۰/۳۰
۴	نسبت دارایی نامشهود	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۷	۱۳	۰/۰۰	۰/۲۰	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۸
۵	نسبت جاری	۱/۴۰	۳/۲۰	۱/۳۴	۳/۲۰	۵۴	۰/۱۱	۲۴/۴۴	۱/۶۴	۱/۱۴	۱/۴۰
۶	نسبت سودآوری	۱۳/۷۶	۸/۹۲	۰/۲۵	۸/۹۲	۱۸	-۵/۲۰	۲۲/۱۹	۵/۷۰	۰/۱۵	۱۳/۷۶
۷	فرصت‌های رشد	۲/۵۹	۱/۱۶	۲/۱۴	۱/۱۶	۱۵۹	۰/۱۲	۵/۹۰	۲/۲۵	۱/۶۵	۲/۵۹
۸	ارزش بازار به دفتری دارایی	۱/۵۵	۰/۸۱	۱/۴۴	۰/۸۱	۱۴	-۱/۰۴	۲/۴۸	۱/۱۷	۰/۸۳	۱/۵۵
۹	دفتری به بازار حقوق	۰/۸۲	۰/۹۰	۰/۶۵	۰/۹۰	۶۸	۰/۲۵	۵/۹۶	۰/۹۱	۰/۵۴	۰/۸۲

ردیف	توضیح	میانگین	نسبیه	کمیته	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	پراکنش	کمیته	چارک اول	چارک سوم
	صاحبان سهام										
۱۰	رشد فروش	۰/۳۱	۱/۷۷	۰/۸۹	۱۲۰	۰/۳۶	۰/۲۱	۲/۲۲	۶/۳۲	۰/۱۸	۰/۲۶
۱۱	رشد دارایی	۰/۲۰	۰/۵۰	۰/۱۲	۲۲	۰/۰۸	۰/۱۸	۳/۱۳	۱۱/۲۲	۰/۱۶	۰/۲۰
۱۲	اندازه شرکت	۱۰/۸۳	۱۴/۷۰	۳/۰	۵۶	۳/۲۸	۱۲/۰۹	۰/۸۷	-۰/۸۹	۶/۹۷	۱۳/۳۰
۱۳	لگاریتم دارایی	۶۰/۹۴	۱۴۰/۳۲/۰	۰/۶۳	۳۱۰	۷۹۶/۳۵	۱۳/۳۱	۱۶/۹۴	۲۸۶/۹ ۸	۶/۲۰	۱۳/۸۰
۱۴	لگاریتم حقوق صاحبان سهام	۱۳/۶۷	۲۹/۰۲	۰/۱۴	۱۲۵	۷/۵۱	۱۲/۹۷	۰/۸۹	۰/۲۷	۱۱/۶ ۵	۱۳/۹۱
۱۵	بازده دارایی	۰/۱۶	۲/۳۶	-۰/۱۲	۲۲۰	۰/۱۹	۰/۱۳	۸/۲۴	۸۸/۵۴	۰/۱۱	۰/۱۶
۱۶	بدهی بلندمدت به دارایی	۰/۲۲	۰/۹۰	۰/۰۵	۴۵	۰/۲۴	۰/۱۰	۱/۵۷	۰/۹۵	۰/۰۹	۰/۲۳
۱۷	سود عملیاتی به کل دارایی‌ها	۰/۱۵	۰/۶۷	-۰/۹۹	۴۴	۰/۲۰	۰/۱۵	-۴/۲۹	۲۸۷۰	۰/۱۴	۰/۱۸
۱۸	بازده حقوق صاحبان سهام (دفتری)	۰/۲۶	۰/۸۲	-۰/۸۷	۲۸	۰/۲۷	۰/۳۴	-۲/۶۶	۱۲/۳۲	۰/۱۶	۰/۳۸
۱۹	بازده حقوق صاحبان	۰/۱۳	۰/۲۰	۰/۰۵	۱۴	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۱۲	-۱/۴۴	۰/۰۹	۰/۱۹

ردیف	تغییر	میانگین	پیشینه	کمینه	تعداد	انحراف استاندارد	میان	پولگام	کشیدگی	چارک اول	چارک سوم
	سهام (بازار)										
۲۰	اهرم مالی	۰/۶۰	۳/۰۲	۰/۰۶	۳۸۰	۰/۱۸	۰/۶۲	۶/۲۳	۱۰/۱۹ ۱	۰/۵۹	۰/۶۵
۲۱	بدی به حقوق صاحبان سهام	۱/۸۰	۲/۸۳	۰/۵۰	۲۶	۰/۷۲	۲/۰۶	-۰/۸۵	-۰/۷۶	۱/۰۱	۲/۲۷
۲۲	نگهداشت وجه نقد	۰/۰۷	۰/۱۵	۰/۰۳	۱۱	۰/۰۴	۰/۰۴	۱/۳۸	۱/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۸
۲۳	وجه نقد و سرمایه گزنا ری به دارایی	۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۰۴	۱۹	۰/۰۲	۰/۰۶	۲/۸۶	۱۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۶
۲۴	توانایی مدیریتی	۰/۳۲	۵/۸۱	-۰/۰۶	۳۶	۱/۱۶	-۰/۰۰	۴/۶۰	۳۳/۰۲	-۰/۰۰	-۰/۰۱
۲۵	سود هر سهم (EPS)	۲۵۹/۱۹	۱۹۷۸/۰۰	۰/۰۷	۱۰	۵۸۶/۸۹	۶۶۱/۶۴	۳/۱۴	۹/۹۱	۳۳/۰۵	۱۱۶/۶۵
۲۶	نسبت سود تقسیمی	۱۸/۷۵	۷۹/۷۹	۰/۳۰	۹	۳۳/۳۵	-۰/۶۳	۱/۴۸	-۰/۲۸	۰/۴۴	۵/۵۱
۲۷	نسبت سود به قیمت سهام	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۱۲	۷	۰/۰۸	-۰/۱۳	۰/۵۱	-۲/۹۵	۰/۱۲	-۰/۱۸
۲۸	نسبت قیمت به سود (P/E)	۱۲/۹۶	۷۹/۹۴	-۱/۳۲	۱۳	۳۰/۴۸	۷/۳۱	۳/۳۲	۱۱/۰۰	۶/۴۶	۱۳/۹۴
۲۹	حجم معاملات	۳/۹۵	۱۶/۰۲	۰/۰۴	۹	۶/۸۴	-۰/۴۷	۱/۶۰	-۰/۷۱	۰/۰۱	۸/۷۴

ردیف	پژوهش	پایگان	بسیجیه	کینه	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	پراکندگی	کتابخانه	چارک اول	چارک سوم
۳۰	درصد سهام شناور آزاد	۵/۶	۲۵/۲۴	۰/۱۹	۱۱	۹/۷۵	۰/۲۴	۱/۶۳	۰/۱۹	۰/۶۱	۱۱/۸۹
۳۱	ارزش دفتری هر سهم	۲۵۸۷/۷۴	۷۳۱/۳۳	۲/۶	۹	۲۳۹۳/۵	۲۱۹/۲۳	۱/۱۶	۱/۲۵	۸۷۴/۹ ۶	۲۸۲/۹
۳۲	مالکیت مدیریتی	۰/۹۳	۶/۷۰	۰/۱	۲۱	۱/۴۱	۰/۶۶	۳/۷۵	۱۴/۳۴	۰/۳۶	۰/۶۷
۳۳	مالکیت نهادی	۱۶/۱	۷۷/۴۱	۰/۵	۱۰۰	۲۵/۵	۰/۷۰	۱/۳۳	-۰/۳۳	۰/۵۱	۴۴/۵۸
۳۴	رقابت در بازار محصول	۰/۳۳	۱/۵۷	۰/۰۰	۳۸	۰/۳۳	۰/۶	۲/۴۵	۶/۷۷	۰/۵	۰/۳۷
۳۵	نسبت موجودی کالا	۰/۵	۰/۶۷	۰/۱۷	۱۵	۰/۳۳	۰/۵	-۰/۹۸	۵/۹	۰/۴۸	۰/۵۴
۳۶	عدم تقارن اطلاعاتی	۱۱/۷۳	۱۳/۵	-۰/۱۸	۱۱	۳/۱۵	۰/۴	۳/۰۰	۸/۹۹	۰/۳	۱/۳
۳۷	نسبت کیوتوین	۱/۷۸	۵/۹۵	۰/۵	۳۶	۱/۱۴	۱/۵۷	۲/۵۵	۹/۸۲	۱/۴۴	۱/۸۵
۳۸	ریسک سیستماتیک (بتا)	۰/۶۹	۱/۹۱	۰/۲۰	۱۵	۰/۴۲	۰/۶۹	۲/۳۶	۷/۱۳	۰/۴۸	۰/۷۸

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی آمار توصیفی متغیرها در مقالات حسابداری ایران بوده است. طبق یافته‌ها، مجله دانش حسابداری مالی بیشترین و مجله حسابداری دولتی کمترین متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش را پوشش داده است. یافته‌ها نشان داد انحراف استاندارد و پراکندگی برخی از متغیرها زیاد و برخی کم است. متغیرهای نگهداشت وجه نقد، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت دارایی نامشهود کمترین پراکندگی و متغیرهای سود هر سهم، ارزش

دفتری هر سهم و لگاریتم دارایی بیشترین پراکندگی را در بین متغیرها دارد. البته لازم به ذکر است که علی‌رغم اینکه تعریف عملیاتی این متغیر در تمام مقالات لگاریتم دارایی‌ها بوده است، مقیاس‌های سنجش دارایی‌ها متفاوت است. در مقالات از مقیاس‌های مختلف (مانند هزار ریال، هزار میلیون ریال) استفاده می‌کنند. از این رو پراکندگی بالای متغیر لگاریتم دارایی می‌تواند به خاطر استفاده از مقیاس‌های مختلف در مقالات باشد. از این رو هنگام استفاده از نتایج این پژوهش بایستی این موضوع را مدنظر قرار داد و نویسندگان نیز لازم است در متن مقاله مقیاس متغیرها را به طور دقیق توضیح دهند.

متغیرهای اهرم مالی، لگاریتم دارایی و بازده دارایی بیشترین فراوانی و متغیرهای نسبت سود به قیمت سهام، نسبت سود تقسیمی و سود هر سهم دارای کمترین فراوانی در بین متغیرهای موردبررسی است. در مجموع یافته‌ها حکایت از این دارد تفاوت و پراکندگی‌هایی بین آمار توصیفی متغیرها وجود دارد که این امر می‌تواند به دلیل تفاوت در زمان موردبررسی مقالات و نیز تفاوت‌های دیگری که در نمونه و جامعه آماری پژوهش‌ها بوده است باشد. البته انحراف معیار برخی متغیرها و تفاوت بیشینه و کمینه نیز ناچیز است.

علی‌رغم وجود تفاوت در میزان متغیرها، مقایسه آمار توصیفی متغیرهای یک مقاله با مقالات دیگر یک روش مطلوب برای اثبات صحت داده‌ها است. همان‌طور که سرلک و همکاران (۱۳۹۷) و محمدرضائی و همکاران (۱۳۹۷) آمار توصیفی ذکر شده در مقاله خویش را با سایر مقالات مقایسه نمودند. البته این امر هنگامی صورت می‌گیرد که سعی شود داده‌ها از حیث زمان موردبررسی مقالات، جامعه آماری و نمونه‌ها و سایر شرایط ذکر شده در مقالات با یکدیگر تطبیق داده شود.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند بینشی در مورد حدود آمار توصیفی متغیرها ارائه دهد و مورد استفاده پژوهشگران، داوران و سردبیران نشریات حسابداری وجود دارد واقع شود. به عبارتی آمار توصیفی مقالات تحت داوری یا مقالات در دست نگارش می‌تواند با آمار توصیفی این مقاله که میانگینی از آمار توصیفی مقالات چاپ‌شده قبلی است با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که در جامعه و نمونه آماری پژوهش وجود دارد به‌عنوان راه‌کاری سریع و کم‌هزینه استفاده شود.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است. مهم‌ترین محدودیت عدم درج تعریف عملیاتی متغیرها در تعدادی از مقالات است و این امر بررسی متغیر مذکور را در نمونه این پژوهش دشوار

می‌نمود. این موضوع البته مسئله‌ای است که باید مورد توجه داوران قرار گیرد و خود نیز حاکی از ضعف در چنین مقالاتی است که تعریف روشنی از نحوه اندازه‌گیری متغیرهای مورد بررسی ارائه ننموده‌اند.

تعدادی از متغیرهای این پژوهش، فراوانی کمتر و تعدادی از متغیرها فراوانی بیشتری داشتند، در نتیجه عامل تعداد نمونه مورد بررسی ممکن است بر نتایج این پژوهش اثر گذاشته باشد. همچنین بایستی تفاوت دوره زمانی مورد بررسی مقالات و این عامل که ممکن است در نمونه یک پژوهش، شرکت‌های زیان ده از جامعه آماری حذف شده باشند و نمونه پژوهش دیگر شامل شرکت‌های زیان ده باشد مورد توجه قرار گیرد. به خصوص که در برخی مقالات، متغیرها به صورت نسبت‌های مختلفی بیان شده و داده‌های پرت به رویه‌های مختلفی حذف شده باشد. حتی ممکن است میانگین آمار توصیفی مقالات در سطح شرکت‌ها و نیز صنایع تفاوت‌هایی داشته باشد. علی‌رغم این محدودیت‌ها، نظر به اینکه در این مقاله کمترین، بیشترین، میانگین، انحراف معیار و دوره زمانی متغیرهای مقالات ذکر شد، پژوهشگران می‌توانند بینشی از وضعیت آمار توصیفی مقالات داشت. با در نظر گرفتن محدودیت‌های این پژوهش، به داوران و سردبیران مجلات حسابداری پیشنهاد می‌شود هنگام استفاده از نتایج این پژوهش و در صورت مشاهده پراکندگی و تفاوت بالای بین آمار توصیفی مقالات ارسال شده به داوری با یافته‌های این مقاله، از سایر رویه‌های صحت‌سنجی داده‌ها نیز استفاده نمایند. به طور نمونه از نویسندگان درخواست داده داشته باشند تا به‌طور دقیق‌تری آماری توصیفی مقالات را بررسی نمایند. به عبارت دیگر یافته‌های این پژوهش می‌تواند در کنار سایر ابزارهای صحت‌سنجی داده‌ها استفاده شود و مانعی برای استفاده از سایر روش‌های صحت‌سنجی داده‌ها توسط داوران نیست. همان‌طور که پیش‌تر نیز تأکید شد داوران و سردبیران هنگام استفاده از نتایج این پژوهش بایستی به محدودیت‌های پژوهش توجه ویژه‌ای داشته باشند.

با توجه به جهش‌های نرخ ارز و تجدید ارزیابی‌های رخ داده در سال‌های اخیر، پژوهشگران در تحقیقات آینده می‌توانند بعد اینکه داده‌های مقالات به‌روزتر شد این پژوهش را با مقالاتی که از داده‌های سال‌های جدیدتر استفاده نموده‌اند تکرار نموده و نتایج پژوهش خود را با این مقاله مقایسه نمایند. همچنین سایر پژوهشگران می‌توانند به تحلیل سایر متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است پردازند. پیشنهاد پژوهشی دیگر این است که پژوهشگران به بررسی تفاوت‌های آمار توصیفی مقالات در بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و مرکز مالی ایران

با آمار توصیفی ذکر شده در مقالات حسابداری پردازند. همچنین پیشنهاد می شود پژوهشگران آینده تفاوت آمار توصیفی متغیرها در طی زمان و در بازه های زمانی مختلف را مورد بررسی قرار دهند تا مشخص شود که آیا در مقدار متغیرها در طی زمان تفاوت معنی دار وجود دارد یا خیر و در صورت وجود تفاوت کدام متغیرها از بیشترین و کمترین تفاوت برخوردار هستند.

منابع

- بنی مهد، بهمن؛ عربی، مهدی و حسن‌پور، شیوا. (۱۳۹۵). اشتباهات رایج در پژوهش‌های تجربی حسابداری. *دانش حسابداری مالی*، ۳(۱)، ۲۱-۴۵.
- حسینی، سید علی و محمودخانی، مهناز. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر خروجی پژوهش‌های حسابداری پژوهشگران ایرانی در سطح مجلات بین‌المللی. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۲(۱)، ۱۲۹-۱۵۶.
- سرلک، نرگس؛ فرجی، امید؛ ایزدپور، مصطفی و جودکی چگکی، زهرا. (۱۳۹۷). بیش اعتمادی مدیران و نگاهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۲)، ۱۹۹-۲۱۴.
- شفیعی، سلیمان؛ زارع، امین. (۱۳۹۸). روش‌شناسی فراتحلیل در علم اطلاعات و دانش‌شناسی: چیستی، ویژگی‌ها و چالش‌ها. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۱۱(۱)، ۵۷-۷۲.
- عابدی، احمد؛ عریضی، حمیدرضا و محمدزاده، فاطمه. (۱۳۸۵). درآمدی بر روش پژوهش فراتحلیل در تحقیقات آموزشی. *حوزه و دانشگاه*، ۱۲(۴۹)، ۱۲۱-۱۴۰.
- محمدرضائی، فخرالدین. (۱۳۹۷). قالب مناسب برای مقالات حسابداری از نوع آرشیوی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۶)، ۱۸۹-۲۰۸.
- محمدرضائی، فخرالدین؛ تنائی، محسن و علی‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). خطای حسابرسی: تأخیر در گزارش حسابرسی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۱)، ۵۱-۷۰.
- مصلی‌نژاد، آرزو و ناظمی، امین. (۱۳۹۸). بررسی صحت اطلاعات مالی مندرج در بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین. *هفدهمین همایش ملی حسابداری ایران*. قم. ایران.
- نامور، هومن؛ زمانی مقدم، افسانه؛ محمد داودی، امیرحسین و صالحی، مسلم. (۱۳۸۶). آمار توصیفی در علوم رفتاری، تهران: روان‌شناسی و هنر
- Abedi, A., Oreyzi, H., Mohammad Zadeh, F. (2006). An Introduction to the Meta Analysis Method in Educational Researches. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 12(49), 122-140. (In Persian)
- Ball, R., & Foster, G. (1982). Corporate financial reporting: A methodological review of empirical research. *Journal of accounting Research*, 4(5), 161-234.
- Banimahd, B., Arabi, M. (2016). Common Mistakes in Accounting Empirical Researches. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 3(1), 21-45. (In Persian).
- Bradbury, M. E. (2012). Why you don't get published: an editor's view. *Accounting & Finance*, 52(2), 343-358.
- Dyckman, T. R., & Zeff, S. A. (2014). Some methodological deficiencies in empirical research articles in accounting. *Accounting Horizons*, 28(3), 695-712.
- Franzese, M & Iuliano, A. (2018). Descriptive Statistics. <http://iranarze.ir/wp-content/uploads/2018/09/E9543-IranArze.pdf>
- Hosseini, S., Mahmoudkhani, M. (2020). Effective factors on the Output of Iranian Researchers' Accounting Research at the Level of International journals. *Journal of accounting advances*, 12(1), 129-156. (In Persian)

- Hussain, M. (2012). Descriptive statistics--presenting your results I. JPMA. *The Journal of the Pakistan Medical Association*, 62(7), 741.
- Kothari, S. P. (2001). Capital markets research in accounting. *Journal of accounting and economics*, 31(1-3), 105-231.
- Land, J., and M. H. Lang, 'Empirical Evidence on the Evolution of International Earnings', *the Accounting Review*, 77 (s-1), 115-133.
- Lara, J. M. G., Osma, B. G., & Noguer, B. G. D. A. (2006). Effects of database choice on international accounting research. *Abacus*, 42(3-4), 426-454.
- Larson, M. G. (2006). Descriptive statistics and graphical displays. *Circulation*, 114(1), 76-81.
- Meek, G. K., & Thomas, W. B. (2004). A review of markets-based international accounting research. *Journal of International Accounting Research*, 3(1), 21-41.
- MohammadRezaei, F. (2018). Template for archival accounting research. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(26), 189-208 (In Persian).
- Mohammadrezaei, F., Tanani, M., Aliabadi, A. (2018). Audit Failure: Audit Report Lag and Moderating Role of Family Ownership. *Accounting and Auditing Review*, 25(1), 51-70. (In Persian).
- Mosalanezhad, A & Nazemi, A. (2019). Assessing the accuracy of financial information contained in RahavardNovin database. 17th National Accounting Conference of Iran. Qom. (In Persian).
- Namvar, H., Zamani moghaddam, A., Mohammad Davoudi, A & Salehi, M. (2007). *Descriptive Statistics in Behavioral Sciences*, Tehran: Psychology and Art. (In Persian).
- Otwombe, K. N., Petzold, M., Martinson, N., & Chirwa, T. (2014). A review of the study designs and statistical methods used in the determination of predictors of all-cause mortality in HIV-infected cohorts: 2002-2011. *PloS one*, 9(2), e87356.
- Sarlak, N., Faraji, O., Ezadpour, M., Joudaki Chegeni, Z. (2018). CEO Over-confidence and Corporate Cash Holdings: Emphasizing the Moderating Role of Audit Quality. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 199-214. (In Persian).
- Stolowy, H. (2017), Letter from the Editor: Why are papers desk rejected at European Accounting Review? *European Accounting Review*, 26(3), 411- 418.
- Vasarhelyi, M.A. (1984). Database in accounting research, <http://raw.rutgers.edu/MiklosVasarhelyi/Resume%20Articles/Funded%20research/Databasesinaccountingresearch.pdf>

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط (SMEs) از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی^۱

محمد رضا بهمنش^۲، محمد رضا عباس زاده^۳، بهزاد کاردان^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

مقاله پژوهشی

چکیده

در استاندارد حسابداری شماره یک ایران بیان شده که هدف ارائه صورت‌های مالی، مقاصد عمومی است اما طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط و استانداردهای حسابداری ایران برای این واحدهای تجاری مقاصد عمومی مطرح نیست. هدف از این پژوهش، بررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه مورد بررسی است. روش پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه و پرسشنامه بوده و نیازسنجی از طریق اندازه‌گیری شکاف بین استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید محاسبه شده است. جامعه آماری شامل ۳۷۱ نفر در دو گروه اعتباردهندگان (۱۴۱ نفر) و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی (۲۳۰ نفر) در کلان‌شهر مشهد است. یافته‌های پژوهش طبق آزمون من وی تی که سطح معنی‌داری برای تفاوت دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از پنج درصد کمتر است، حاکی از این است که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتیجه پژوهش حاکی از این است که در هر دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود داشته و نیاز در گروه اعتباردهندگان بیشتر از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. در مورد دانش‌افزایی پژوهش می‌توان گفت که نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط باعث خواهد شد تا مسئولان تدوین استانداردهای حسابداری بهتر بتوانند نیازهای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی را شناسایی و به یک‌جهت‌گیری مشخص، انطباق استانداردها با نیاز استفاده‌کنندگان و جلوگیری از چندباره کاری دست یابند.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای حسابداری، اعتباردهندگان، تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، واحدهای تجاری کوچک و متوسط.

طبقه بندی موضوعی: M41, M42, M49

DOI: 10.22051/JERA.2020.30650.2653

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی عطار، مشهد، ایران. (behmanesh435@attar.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). (abbas33@um.ac.ir)

۴. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (kardan@um.ac.ir)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

در ایران باوجود اینکه طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴ حدود ۸۱/۱۵ درصد کارگاه‌های صنعتی را واحدهای تجاری کوچک و متوسط تشکیل داده‌اند اما در مورد استانداردهای حسابداری برای این واحدهای تجاری اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. در نگاره ۱ به این مهم و به تفکیک استان پرداخته شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). در بخش یک استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط آمده است که این بنگاه‌ها آن گروه از واحدهای تجاری هستند که مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند و صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی منتشر نمی‌کنند (رحیمیان، ۱۳۹۶). گزارشگری مالی با مقاصد عمومی اساساً برای واحدهای تجاری بزرگ تدوین شده است درحالی که گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط، باید با توجه به قابلیت درک و فهم استفاده‌کنندگان آن تهیه و ارائه شود تا بتواند نیازهای اطلاعاتی آنان را برآورده سازد (قلی پور، ۱۳۹۳). طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران (نحوه ارائه صورت‌های مالی)، هدف ارائه صورت‌های مالی، مقاصد عمومی است (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۷). بنابراین واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران که در آن‌ها مقاصد عمومی مطرح نیست، از استانداردهایی تبعیت می‌کنند که برای مقاصد عمومی تهیه شده‌اند. مسئله اصلی تحقیق این است که آیا در ایران و در جامعه موردبررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود دارد یا خیر؟

شوماخر اقتصاددان آلمانی عنوان کرده که ناکارایی و رکود اقتصاد اروپا و آمریکا دلیلی به جز بزرگ شدن ابعاد کارخانجات و خارج شدن آن‌ها از کنترل مدیران ندارد. از این رو حرکت کسب و کارها به سمت کوچک شدن علاوه بر درون‌زا کردن دانش فنی تولید، می‌تواند جلوی افزایش ابعاد را به نحو چشمگیری بگیرد و مدیریت را متمرکز کند. راه کاری که وی پیشنهاد می‌کند روی آوردن به کسب و کارهای کوچک است زیرا این کسب و کارها ضمن ایجاد ارزش افزوده باعث کاهش میزان بیکاری نیز می‌شود. شوماخر در تحلیلی دیگر اظهار می‌کند که دلیل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم تأکید بیش از اندازه به کسب و کارهای بزرگ است. وی استراتژی کوچک زیباست را مطرح نمود که در آن بیکاری به عنوان مهم‌ترین مشکل کشورهای جهان سوم و معضل سیل مهاجرت از روستاها به شهرها ضرورت توجه به بنگاه‌های زودبازده را نمایان می‌کند. نگاهی به نظام اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای

توسعه یافته جهان نشان می‌دهد که ایجاد و حمایت از واحدهای تجاری کوچک و متوسط یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشورها است. این بنگاه‌های اقتصادی علی‌رغم آن‌که به سرمایه‌گذاری کمتری نیاز دارند بازدهی بیشتری داشته و در ایجاد اشتغال، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراعات و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند (کیپوری، ۱۳۹۴).

نگاره ۱: درصد کارگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط در ایران به تفکیک استان

نام استان	درصد	نام استان	درصد	نام استان	درصد
آذربایجان شرقی	۸۳	فارس	۸۴	زنجان	۷۲
آذربایجان غربی	۸۷	قزوین	۷۵	سمنان	۹۴
اردبیل	۹۱	قم	۸۶	سیستان و بلوچستان	۹۳
اصفهان	۸۲	کردستان	۹۲	هرمزگان	۷۹
البرز	۷۱	کرمان	۹۱	همدان	۸۹
ایلام	۹۳	کرمانشاه	۸۷	یزد	۷۰
بوشهر	۸۴	کهگیلویه و بویر احمد	۷۷	خوزستان	۷۴
تهران	۷۶	گلستان	۸۹	مرکزی	۷۶
چهارمحال و بختیاری	۸۹	گیلان	۸۳	خراسان شمالی	۸۵
خراسان جنوبی	۸۵	لرستان	۸۸	خراسان رضوی	۷۸

واحدهای تجاری کوچک و متوسط یکی از اجزای حیاتی رشد در اقتصاد جهانی بوده و اهمیت آن‌ها در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خوبی شناخته شده است. این واحدهای تجاری زمینه را برای بسیج منابع کشور فراهم می‌سازند که نتیجه آن افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در سطوح ملی و منطقه‌ای است. همچنین این واحدهای تجاری منعطف بوده و راحت‌تر خود را با تغییرات پرشتاب محیطی منطبق کرده و نسبت به عوامل اقتصادی و سیاسی سریع‌تر واکنش نشان می‌دهند (شریف‌زاده، ۱۳۸۷). بنگاه‌های کوچک و متوسط با موانع و مشکلات متعددی بر سر راه اعتلای خویش مواجه‌اند. از مهم‌ترین این موانع، محدودیت در تأمین مالی و دسترسی به سرمایه است. از راهکارهای اصلی از میان برداشتن این موانع، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی است زیرا ارتقای کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش بی‌تقارنی اطلاعاتی و در نتیجه باعث کاهش هزینه تأمین مالی آن‌ها می‌شود (رحیمیان، ۱۳۹۰). واحدهای تجاری برای بقاء و گسترش فعالیت‌های خود نیاز به منابع مالی دارند که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشا، میزان به‌کارگیری منابع مالی در واحدهای تجاری افزایش

می‌یابد (حمزه نیک نیورد، ۱۳۹۹). در ایران برگزیدن سیاست‌هایی مانند اعطای تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده، نمایانگر توجه سیاست‌گذاران اقتصادی کشور به این واحدهای تجاری است اما توجه نکردن به پیش نیازهای لازم برای توسعه این بنگاه‌ها، می‌تواند نتایج نامطلوبی در پی داشته باشد. در واقع گسیل داشتن منابع اقتصادی به سوی بنگاه‌های فاقد کارایی کافی و لازم، موجب هدر رفتن منابع اقتصادی کشور و تخصیص غیربینه آن می‌گردد بنابراین ارتقای کیفیت گزارشگری مالی از سازوکارهای بااهمیت در پیشگیری از شرایط پیش گفته و تخصیص بینه منابع محسوب می‌شود (رحیمیان، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به مطالب بیان‌شده، هدف از این تحقیق، بررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در جامعه موردبررسی است.

افزایش قابل توجه واحدهای تجاری کوچک و متوسط در جهان و تحمیل استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، سبب محدودیت‌هایی برای آنان گشته و بحث‌های بسیاری را برای توجه به موضوع گزارشگری مالی آنان و اثربخشی فرایند گزارشگری مالی و افشا به دنبال داشته است. مهم‌ترین تفاوت قابل توجه این است که تفکیک مالکیت از مدیریت شرکت‌های بزرگ و همچنین افزایش حضور این شرکت‌ها در بازارهای سرمایه جهت تأمین منابع مالی و لزوم قابلیت پاسخگویی عمومی، سبب گسترش و توسعه استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی عمومی شده است در حالی که واحدهای تجاری کوچک و متوسط به دلیل نوع ساختار و فعالیت، پاسخگویی عمومی برای آن‌ها مفهومی ندارد (برزگر، ۱۳۸۹). از آنجایی که استانداردهای حسابداری موجود برای رفع نیازهای اطلاعاتی شرکت‌های بزرگ تدوین شده و توان برآوردن نیازهای استفاده‌کنندگان واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران را ندارند، از این رو تدوین استانداردهای حسابداری برای این واحدهای تجاری از اهمیت بسیاری برخوردار است (رحیمیان، ۱۳۹۱). بر اساس برنامه توسعه اقتصادی (برنامه پنجم و ششم توسعه) و سیاست‌های دولت، تشویق بنگاه‌های کوچک و زودبازده از اولویت‌های اصلی دولت برای رشد و توسعه فعالیت‌های صنعتی و مولد است. از این رو موضوع گزارشگری مالی این واحدهای تجاری برای دولت، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و نهادهای قانونی بسیار حائز اهمیت است (رحیمیان، ۱۳۹۱). اگر مروری به استانداردهای حسابداری و حسابرسی ایران صورت گیرد، ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران آشکارتر خواهد شد.

طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران (نحوه ارائه صورت‌های مالی) به شرح زیر، هدف ارائه صورت‌های مالی، مقاصد عمومی مطرح شده است درحالی که این مورد برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط مصداق ندارد.

بند ۱) مبنای ارائه صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را مقرر می‌کند تا از قابل مقایسه بودن آن با صورت‌های مالی دوره‌های قبل و سایر واحدهای تجاری اطمینان حاصل شود.
بند ۲) واحد تجاری باید این استاندارد را در تهیه و ارائه صورت‌های مالی با مقاصد عمومی بر اساس استانداردهای حسابداری بکار گیرد.

بند ۷) صورت‌های مالی با مقاصد عمومی صورت‌های مالی است که هدف آن تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان است که در موقعیتی نیستند که واحد تجاری را ملزم کنند گزارش‌هایی مطابق با نیازهای اطلاعاتی خاص آن‌ها تهیه کند (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۷). طبق استانداردهای حسابرسی ایران ملاحظات خاصی برای واحدهای تجاری کوچک در نظر گرفته شده و این در حالی است که در متن استانداردهای حسابداری اشاره‌ای به این واحدهای تجاری نشده است. این استانداردهای حسابرسی به شرح زیر است:

بندت-۶۱ استاندارد (۲۰۰) واحد تجاری کوچک به واحدی اشاره دارد که دارای ویژگی‌های زیر باشد: تمرکز مالکیت و مدیریت، معاملات ساده، سیستم حسابداری ساده، رشته فعالیت محدود، کنترل‌های داخلی محدود، سطوح مدیریتی محدود، تعداد کم کارکنان.

بندت-۶۲ استاندارد (۲۰۰) ملاحظات خاص مربوط به واحدهای تجاری کوچک برای آن دسته از واحدهای تجاری تدوین گردیده که اوراق بهادار آن‌ها به عموم عرضه نشده است.

بندت-۶۳ استاندارد (۲۰۰) مالک یک واحد تجاری کوچک که به طور مستمر درگیر اداره واحد تجاری است، مدیر-مالک نامیده می‌شود.

بندت-۳۱ استاندارد (۲۶۰) در حسابرسی واحدهای تجاری کوچک حسابرس ممکن است برای اطلاع‌رسانی به ارکان راهبری از ساختاری ساده‌تر استفاده کند.

بندت-۳ استاندارد (۲۶۵) اگرچه مفاهیم زیربنایی فعالیت‌های کنترلی در واحدهای تجاری کوچک مشابه واحدهای تجاری بزرگ‌تر است اما نحوه اجرای آن‌ها باهم متفاوت است.

بندت-۴ استاندارد (۲۶۵) واحدهای تجاری کوچک اغلب دارای کارکنان کمتری هستند و در نتیجه امکان تفکیک وظایف محدود می‌شود (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۶).

رعایت و اجرای کامل الزامات گزارشگری موجود در ایران برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط همواره پیچیده و پرهزینه بوده و این بنگاه‌ها امکانات و توانایی‌های حسابداری محدودی دارند بنابراین ضرورت گزارشگری مالی متفاوت و تدوین استانداردهای حسابداری برای این واحدهای اقتصادی در ایران احساس می‌شود (رحیمیان، ۱۳۹۱) در ایران پژوهشی توسط دلاوری و مهدوی (۱۳۹۸) انجام شده که تا حدودی مشابه پژوهش حاضر است. نتیجه پژوهش دلاوری و مهدوی بیانگر ضرورت ساده‌سازی نظام گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک و تدوین استانداردهای حسابداری جداگانه برای این شرکت‌ها در ایران است. پژوهش دلاوری و مهدوی تفاوت‌هایی نیز با این پژوهش دارد. این تفاوت‌ها شامل: ۱- هدف پژوهش ایشان شناخت نیازهای گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک است اما هدف این پژوهش نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط است. ۲- جامعه آماری پژوهش ایشان، اساتید حسابداری دانشگاه‌های دولتی بوده و جامعه آماری این پژوهش، بخشی از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط شامل اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی بوده است. ۳- پژوهش ایشان در مورد ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری برای فقط شرکت‌های کوچک بوده اما این پژوهش در مورد ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط است. در زمینه نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط از طریق اندازه‌گیری شکاف بین (استانداردهای موجود) و (تدوین استانداردهای جدید) جهت مقایسه، پژوهش مشابهی انجام نشده است... نوآوری این تحقیق این است که با مطالعه و بررسی استانداردهای حسابداری و حسابرسی ایران و استانداردهای بین‌المللی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط مشخص شد که در ایران واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهایی تبعیت می‌کنند که برای مقاصد عمومی تهیه شده اند حال آنکه طبق استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای حسابرسی ایران، مقاصد عمومی برای این واحدهای تجاری مطرح نیست. همچنین برای این واحدهای تجاری در ایران استانداردهای حسابرسی تدوین شده اما هیچ استاندارد حسابداری برای این واحدهای تجاری تدوین نشده و واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران از استانداردهای واحدهای تجاری بزرگ استفاده می‌کنند. بنابراین در این پژوهش به نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای این واحدهای تجاری در ایران و در جامعه مورد بررسی پرداخته شده است.

مروری بر پیشینه

پژوهش‌های خارجی

با سمیر و فارکس (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود واحدهای تجاری کوچک و متوسط در آلمان به‌ویژه واحدهای تجاری تازه تأسیس و دارای نرخ رشد بالا، با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط، افزایش می‌یابد.

گا سن (۲۰۱۷) در پژوهش خود دریافت اعتباردهندگان (بانک‌ها)، مقامات مالیاتی و سهامداران داخلی و خارجی به‌عنوان استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط هستند. قابل ذکر است که اهمیت مقامات مالیاتی در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی از کشورها مقامات مالیاتی به‌عنوان اولین استفاده‌کننده و در برخی دیگر از کشورها به‌عنوان آخرین استفاده‌کننده گزارش‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط معرفی شده‌اند.

والنتینی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی تفاوت‌های الزامات گزارشگری مالی بین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط و استانداردهای ملی ایتالیا را بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از تفاوت عمده مربوط به نحوه ارائه صورت‌های مالی و میزان افشای اطلاعات در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی بود.

کایا و کخ (۲۰۱۵) در پژوهشی پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ۱۲۸ کشور را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که احتمال پذیرش این استانداردها در کشورهای درحال توسعه که واحدهای تجاری کوچک و متوسط در آن‌ها ملزم به رعایت استانداردهای شرکت‌های بزرگ هستند، بیشتر است و استفاده از استانداردهای حسابداری واحدهای تجاری بزرگ برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در این کشورها باعث کاهش کیفیت سود این واحدهای تجاری می‌شود.

موسسه تحقیقات اقتصادی آسیای شرقی^۱ در سال ۲۰۱۴، چند پروژه تحقیقاتی انجام داد تا بهبود دسترسی واحدهای تجاری کوچک و متوسط به تأمین مالی را در اقتصادهای آسیای شرقی بررسی نماید. این تحقیقات بیان کردند که برای دسترسی واحدهای تجاری کوچک و متوسط به تأمین مالی، چالش‌هایی وجود دارد که می‌توان به عدم وجود رویه‌های حسابداری شفاف و

1. ASEAN

عدم ثبت مبادلات مالی، اشاره کرد. چالش دیگر، جذب سرمایه واحدهای تجاری کوچک و متوسط منطقه آسیای شرقی از کشورهای توسعه یافته است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته جهت سرمایه‌گذاری در کشورهای هدف بر صورت‌های مالی آن‌ها اتکا می‌کنند؛ بنابراین فقدان صورت‌های مالی یا شفافیت کم و یا قابلیت اطمینان پایین اطلاعات مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. برای مواجهه با این چالش‌ها، بهبود اطلاعات مالی یکی از راهکارهای اساسی است (میزو نورا، ۲۰۱۵).

امور جی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی، گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در نیجریه که بر روی سه گروه (حسابرسان، تحلیلگران مالی و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی) تأثیر داشت را انجام داده و به نتایج زیر رسیدند:

۱- واحدهای تجاری کوچک و متوسط باید از سیستم گزارشگری مالی جداگانه استفاده نمایند تا ضمن ساده‌سازی و کاهش در هزینه‌ها، باعث ارتقا مربوط بودن اطلاعات مالی شوند.

۲- به منظور ساده‌سازی تهیه صورت‌های مالی، باید واحدهای تجاری کوچک و متوسط نسبت به گزارش نکردن رویه‌های حسابداری، صورت ارزش افزوده، یادداشت حساب‌ها و گزارش مدیران مجاز باشند.

۳- هیئت استانداردهای حسابداری مالی نیجریه باید یک کمیته جداگانه برای گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط تشکیل دهد.

بو نیا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی دیدگاه حسابداران رومانیایی در مورد گزارشگری مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط را ارزیابی کردند و به این نتیجه رسیدند که اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان واحدهای تجاری کوچک و متوسط با اطلاعات مورد نیاز واحدهای تجاری بزرگ متفاوت است و نیاز به سیستم گزارشگری مالی ساده‌تری برای این بنگاه‌ها احساس می‌شود.

تی فونگ ین (۲۰۱۰) در پژوهشی تاریخچه توسعه استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط و چشم‌اندازهای آینده استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط را بررسی نمود و به این نتیجه رسید که استانداردهای جاری برای گزارشگری متفاوت واحدهای تجاری کوچک و متوسط در نیوزلند مناسب نیستند و باید این استانداردها تجدیدنظر شوند. روند توسعه استانداردهای حسابداری در این کشور،

نشان‌دهنده این مطلب است که زمان آن فرارسیده که نیوزلند از رویکرد بخشی فاصله گرفته و واحدهای تجاری کوچک و متوسط در این کشور از استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط استفاده نماید.

رنی و سنکو (۲۰۰۹)، در پژوهشی در مورد گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در کانادا به این نتیجه رسیدند که هزینه تهیه صورت‌های مالی به‌وسیله واحدهای تجاری کوچک و متوسط بیش از منافع تهیه آن‌هاست و تدوین استانداردهای حسابداری جداگانه برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط ضرورت دارد.

دیکون و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی نیازهای ذینفعان واحدهای تجاری کوچک و متوسط و استنباط آن‌ها را از گزارش‌های مالی بررسی نمودند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که گروه‌های اصلی استفاده‌کننده صورت‌های مالی این واحدهای تجاری شامل مقامات دولتی، اعتباردهندگان، سهامداران، مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی می‌باشند.

انجمن حسابداران رسمی آمریکا در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد که استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ در مقایسه با اصول پذیرفته‌شده حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط پیچیده و حجیم بوده و تهیه استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط اطلاعات مربوط تر و راهکار جایگزین ساده‌تری محسوب می‌شود (دف لیس، ۲۰۰۹). دی پای ترا و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان دادند که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط در آلمان مقامات مالیاتی، اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی این واحدهای تجاری می‌باشند.

ایرلی (۲۰۰۸) در پژوهشی دریافت که در آلمان استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط شامل تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، مدیران، اعتباردهندگان، مقامات مالیاتی بوده و استفاده‌کنندگانی که در درجه اهمیت پایین‌تری قرار دارند شامل مشتریان، فروشندگان، کارکنان و سرمایه‌گذاران بالقوه می‌باشند.

فیرنلی و هینس (۲۰۰۷)، در پژوهشی که بر روی شرکت‌های انگلیسی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که تهیه صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط بر اساس استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ بسیار پیچیده است.

منگتو زگال (۲۰۰۶) در پژوهشی با مشارکت حسابداران و حساب‌برسان بر روی گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک در کانادا دریافتند که رعایت استانداردهای حسابداری

شرکت‌های بزرگ توسط واحدهای تجاری کوچک پرهزینه و زمان‌بر است و آن‌ها دریافتند که هدف اصلی حسابداری در واحدهای تجاری کوچک، تهیه اطلاعات برای مقام‌های دولتی و اعتباردهندگان است.

زانزیگ و فلاشر (۲۰۰۶)، در پژوهش خود دریافتند که استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط را اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، مؤسسات مالی و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی تشکیل می‌دهند.

میرشکاری و سوداگران (۲۰۰۵) در پژوهشی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در ایران را به هفت گروه (حسابرسان، سرمایه‌گذاران، مقامات سرمایه‌گذاری بانک‌ها، مقامات اعتباری بانک‌ها، مقامات مالیاتی، دلالان سهام و آکادمی‌ها) طبقه‌بندی نموده و این گروه‌ها را با یکدیگر مقایسه نمودند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که صورت‌حساب سود و زیان، گزارش حساب‌رسان و ترازنامه به ترتیب جز بااهمیت‌ترین گزارش‌های سالیانه شرکت‌ها در ایران بوده و در مورد اهمیت اقلام صورت‌های مالی بین مقامات اعتباری بانک‌ها، مقامات مالیاتی و حساب‌رسان اجماع کمتری وجود دارد. نایر و ریبنبرگ (۱۹۸۳) در پژوهشی بر روی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی واحدهای تجاری کوچک در آمریکا (شامل بانک‌ها، مدیران این واحدهای تجاری و حساب‌رسان)، دریافتند که بانک‌های وام‌دهنده استفاده‌کنندگان اصلی از این اطلاعات مالی بوده و خواستار اطلاعات بیشتری از این واحدهای تجاری هستند.

پژوهش‌های داخلی

دلاوری و مهدوی (۱۳۹۸) در پژوهشی، از اساتید حسابداری دانشگاه‌های دولتی در مورد نیازهای گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک در ایران نظرخواهی نموده و یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از این است که هزینه تهیه صورت‌های مالی به وسیله شرکت‌های کوچک بیش از منافع حاصل از آن است و اطلاعات موردنیاز استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی این گونه شرکت‌ها با آنچه اکنون در صورت‌های مالی ارائه می‌شود متفاوت است. نتیجه پژوهش آن‌ها بیانگر ضرورت ساده‌سازی نظام گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک در ایران است.

رحیمیان و اسکندری (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که به دلیل وجود عوامل و موانع متعدد در واحدهای تجاری کوچک و متوسط از جمله ساختار سازمانی و محیط فعالیت، رعایت استانداردهای حسابداری ایران و تهیه صورت‌های مالی برای آنان مقدور نیست و الزام

این واحدهای تجاری به رعایت استانداردهای موجود با مشکلات و محدودیت‌های بسیاری همراه است.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی ساختار استانداردهای حسابداری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که با توجه به مشکلات واحدهای تجاری کوچک و متوسط در به‌کارگیری صحیح و مطلوب استانداردهای موجود و استقبال جهانی از استانداردهای بین‌المللی برای این واحدها، به نظر می‌رسد که بومی‌سازی و کاربرد این استانداردها برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران می‌تواند مفید واقع گردد.

برزگر (۱۳۸۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیده که، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، مهم‌ترین منابع تأمین مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران به شمار می‌روند و صورت‌های مالی و گزارش‌های سالانه، نقش مهمی در تصمیمات آنان دارد. مدیران واحدهای تجاری کوچک و متوسط، حساب‌ها و صورت‌های مالی خودشان را برای اهداف نظارتی به بانک‌ها ارسال می‌نمایند و بانک‌ها برای ارزیابی وضعیت نقدینگی، توان بازپرداخت بدهی و ارزیابی قابلیت سودآوری از اطلاعات استفاده می‌کنند.

فرضیه‌های پژوهش

در راستای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، سه فرضیه زیر مطرح شده است:

فرضیه اول) اعتباردهندگان در جامعه موردبررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

فرضیه دوم) تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه موردبررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

فرضیه سوم) بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه موردبررسی، از لحاظ نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ اینکه دانش کاربردی را در زمینه گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط توسعه می‌دهد، از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، از نوع توصیفی و پیمایشی (پرسشنامه) است. از سوی دیگر روش مورد استفاده در این

پژوهش اندازه‌گیری شکاف میان استانداردهای موجود با تدوین استانداردهای جدید است که به آن نیازسنجی گفته می‌شود. نیازسنجی به معنی حاجت، میل، خواهش، کمبود و فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است که با توجه به ارزش‌های جامعه امکان ظهور می‌یابد و اگر تغییر شرایط موجود برای ارضا آن وجود نداشته باشد به صورت بالقوه باقی می‌ماند. طبق نظریه مازلو، نیازها دارای سلسله‌مراتبی از ابتدایی تا پیشرفته هستند و کسانی که همه نیازهایشان برآورده شده است، نیازهای پیشرفته را مهم‌تر از نیازهای ابتدایی می‌دانند. بنابراین ارضای یک نیاز موجب پیدایش نیازهای دیگر می‌گردد و بدین ترتیب خواسته‌ها و رفتار انسانی از سوی نیازهای ارضا نشده هدایت می‌شوند. جامعه‌شناسان نیاز را از لحاظ پیوستگی و ارتباط فرد با جامعه و محیط پیرامونش مطالعه می‌کنند. در این نوع نگرش، نیازها در سطح فرد و شرایط موقعیت او مطرح نمی‌گردند بلکه نیازهای گروهی، جمعی و اجتماعی درکنش متقابل مورد توجه قرار می‌گیرند. مطالعه نیازها بدون توجه خاص به ابعاد اجتماعی و تأثیرات اجتماعی بر روی نیازها و نیز بدون توجه به اثراتی که نیازهای پدید آمده بر جامعه دارد، غیرقابل توجیه است. نیازهای مشترک افراد وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند شکل گروهی و اجتماعی پیدا می‌کنند و در مقایسه با نیازهای فردی، ماهیتی دگرگون می‌یابند (فضل‌اللهی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، نیازسنجی یعنی تفاوت یا شکاف میان اوضاع کنونی با وضعیت مطلوب که در این تحقیق منظور از اوضاع کنونی، تبعیت واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ (استانداردهای موجود) و منظور از وضعیت مطلوب، تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط (تدوین استانداردهای جدید) است.

ابزارهای گردآوری داده‌های اطلاعاتی

در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها از دو ابزار مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده که در ذیل به توضیح هر کدام پرداخته شده است.

مصاحبه: یکی از شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه با افراد خاص برای به دست آوردن اطلاعات در مورد موضوعات موردعلاقه محقق است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۷). با کمک مصاحبه می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، نگرش‌ها، علایق و آرزوهای آزمودنی‌ها پرداخت (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در این تحقیق از مصاحبه نامنظم استفاده شده است. در مصاحبه

نامنظم مصاحبه‌گر از قبل سؤالاتی منظم که دارای توالی منطقی باشد طراحی نمی‌کند. هدف مصاحبه نامنظم آشکار کردن برخی موضوعات اولیه و مهم است به طوری که محقق بتواند نظر درستی نسبت به آنچه متغیرها بعداً نیاز به آن دارند ارائه کند. در این نوع مصاحبه فقط پرسش‌های کلی و باز مطرح می‌شود و پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند شاخصی از برداشت‌های افراد به محقق بدهد. نوع و ماهیت پاسخ‌ها می‌تواند بر اساس سطح شغلی و نوع کار انجام شده به وسیله پاسخ‌دهندگان متفاوت باشد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۷).

پرسش‌نامه: پرسش‌نامه مجموعه سؤال‌های از قبل تعیین شده است که پاسخ‌دهندگان پاسخ‌های خود را درون دامنه‌ای از گزینه‌های معین انتخاب می‌کنند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۷). به منظور بررسی نیاز واحدهای کوچک و متوسط به استانداردهای حسابداری از پرسشنامه‌ای که بر اساس نتایج مطالعات و مصاحبه‌ها تدوین گردید، استفاده شده است. گوی‌های این پرسشنامه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم گردیده است. گوی‌های پرسشنامه دارای پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، عدم اظهار نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم بوده که به ترتیب اعداد ۵ تا ۱ به آن‌ها اختصاص داده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق شامل دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در کلان‌شهر مشهد بوده و منظور از اعتباردهندگان، مدیران ارشد در سرپرستی بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی دولتی، تمام خصوصی، نیمه‌دولتی و غیردولتی مشهد و منظور از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، مدیران مالی شرکت‌های فعال در شهرک صنعتی توس (فاز ۱ و ۲) مشهد بوده است. پرسشنامه تحقیق بعد از تهیه، در سال ۱۳۹۸ بین دو گروه جامعه آماری توزیع و جمع‌آوری شد. حجم نمونه از رابطه ۱ (کوکران) و در سطح اطمینان ۹۵ درصد به شرح زیر محاسبه شده است:

رابطه ۱) حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و در سطح اطمینان ۹۵ درصد به شرح زیر محاسبه شده است:

$$n = \frac{NZ^2 \frac{\alpha}{2} pq}{\epsilon^2 (N) + Z^2 \frac{\alpha}{2} pq} = \frac{371(1.96)^2(0.836)(0.164)}{0.05^2(371) + (1.96)^2(0.836)(0.164)} = 134$$

که در این رابطه، P : درصد توزیع افراد دارای صفت در جامعه، q درصد توزیع افراد فاقد صفت در جامعه، ϵ کران خطای برآورد، Z متغیر نرمال استاندارد متناظر با سطح اطمینان ۹۵ درصد، N حجم جامعه است. بر مبنای این رابطه و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد تعداد نمونه طبق کوکران و نمونه قابل استفاده در تحقیق محاسبه و در نگاره ۲ گزارش شده است.

نگاره ۲: تعداد جامعه، نمونه و نمونه قابل استفاده در پژوهش

جمع	تهیه کنندگان اطلاعات مالی	اعتباردهندگان	
۳۷۱	۲۳۰	۱۴۱	تعداد افراد جامعه آماری
۱۳۴	۸۳	۵۱	نمونه مورد نیاز طبق فرمول کوکران
۱۵۳	۸۲	۷۱	نمونه قابل استفاده در تحقیق

روایی و پایایی

در این پژوهش، برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد. برای تعیین روایی محتوا بر اساس نظر خبرگان انجام شده به طوری که از نظرات اعضای هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد استفاده شد. برای تعیین پایایی و ارزیابی همسانی درونی پرسشنامه، از آلفای کرون باخ بهره گرفته شد. مقدار آلفای کرون باخ گوی‌ها طبق نگاره ۳ در حالت استانداردهای موجود، ۰/۷۲۱ و در حالت تدوین استانداردهای جدید، ۰/۷۵۷ به دست آمد و از آنجایی که مقدار آلفای کرون باخ بیش از ۰/۷ است بنابراین می‌توان گفت پرسشنامه از پایایی خوبی و قابلیت اعتماد لازم برخوردار است. داده‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نگاره ۳: پایایی پرسشنامه

متغیرها	استانداردهای موجود	تدوین استانداردهای جدید
آلفای کرون باخ	۰/۷۲۱	۰/۷۵۷

پس از بررسی روایی و پایایی سؤالات، پرسشنامه‌ای ۴۲ سؤالی تهیه و بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه کنندگان اطلاعات مالی توزیع شد. اطلاعات مربوط به توزیع و جمع آوری پرسش نامه‌ها در نگاره ۴ گزارش شده است.

نگاره ۴: اطلاعات مربوط به توزیع و جمع آوری پرسش نامه‌ها

جمع	تهیه کنندگان اطلاعات مالی	اعتباردهندگان	
۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	پرسشنامه‌های توزیع شده
۴۷	۱۸	۲۹	پرسشنامه‌های غیر قابل تحلیل
۳۷۱	۸۲	۷۱	پرسشنامه‌های قابل تحلیل

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل متغیرهای جمعیت شناختی، شکاف بین گوی‌ها در گروه اعتباردهندگان و گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید است.

متغیرهای جمعیت شناختی

یافته‌های مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی در نگاره ۵ گزارش شده است.

نگاره ۵: متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	دامنه	اعتبار		تهیه‌کنندگان		اطلاعات مالی
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
جنسیت	مرد	۶۱	۸۶	۶۹	۸۴	
	زن	۰	۰	۱۰	۱۲	
	بدون پاسخ	۱۰	۱۴	۳	۴	
سن	کمتر از ۳۰ سال	۷	۱۰	۲۱	۲۶	
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۳۳	۴۶	۴۲	۵۱	
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۹	۱۳	۸	۱۰	
	بیش از ۵۱ سال	۸	۱۱	۰	۰	
	بدون پاسخ	۱۴	۲۰	۱۱	۱۳	
تحصیلات	فوق دیپلم	۱	۱	۸	۱۰	
	کارشناسی	۱۶	۲۳	۴۸	۵۹	
	کارشناسی ارشد	۴۱	۵۸	۲۴	۲۹	
	دکتری	۵	۷	۰	۰	
	بدون پاسخ	۸	۱۱	۲	۲	
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	۰	۰	۱۱	۱۳	
	بین ۶ تا ۱۵ سال	۱۶	۲۳	۲۶	۳۲	
	بین ۱۶ تا ۲۵ سال	۳۰	۴۲	۳۴	۴۱	
	بیش از ۲۶ سال	۱۶	۲۳	۵	۶	
	بدون پاسخ	۹	۱۳	۶	۷	

شکاف بین گویه‌ها

نیازسنجی به‌عنوان تفاوت یا شکاف میان اوضاع کنونی (استانداردهای موجود) با اوضاع مطلوب (تدوین استانداردهای جدید) تعریف می‌شود و هر چه شکاف بین گویه‌ها (استانداردهای موجود و تدوین

استانداردهای جدید) بیشتر باشد نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط بیشتر خواهد بود. در این بخش گویه‌های مربوط به هر یک از گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، به صورت توصیفی بررسی می‌شود.

تکراه ۶: گویه‌های پژوهش

ردیف	سؤالات
۱	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا استفاده‌کنندگان عادی (کسانی که دانش متعارفی از مسائل کسب و کار دارند) بتوانند موضوع فعالیت آن‌ها را درک کنند.
۲	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا استفاده‌کنندگان عادی بتوانند موضوع فعالیت آن‌ها را درک کنند.
۳	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMES) به زبانی ساده تهیه شوند.
۴	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا این صورت‌های مالی به زبانی ساده تهیه شوند.
۵	رویه‌های حسابداری (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، رویه‌های ساده‌ای هستند.
۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث ساده‌سازی رویه‌های حسابداری (SMES) خواهد شد.
۷	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث شفافیت مالی این واحدهای تجاری خواهد شد.
۸	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شفافیت مالی (SMES) شده است.
۹	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان می‌باشد.
۱۰	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMES) بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان تهیه شوند.
۱۱	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) می‌تواند مقدار زیادی از ابهام نسبت به فعالیت‌های (SMES) را رفع نماید.
۱۲	تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، مقدار زیادی از ابهام نسبت به فعالیت‌های این واحدهای تجاری را رفع می‌نماید.
۱۳	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا بتوان سودآوری (SMES) را برآورد نمود.

۱۴	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان سودآوری این واحدهای تجاری را برآورد نمود.
۱۵	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان جریان‌های نقدی این واحدهای تجاری را برآورد نمود.
۱۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان جریان‌های نقدی این واحدهای تجاری را برآورد نمود.
۱۷	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان ایفای تعهدات این واحدهای تجاری را بتوان برآورد نمود.
۱۸	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان ایفای تعهدات این واحدهای تجاری را بتوان برآورد نمود.
۱۹	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان عملکرد واقعی و عملکرد برآوردی این واحدهای تجاری را با یکدیگر مقایسه نمود.
۲۰	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان عملکرد واقعی و عملکرد برآوردی این واحدهای تجاری را با یکدیگر مقایسه نمود.
۲۱	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری به‌صورت صادقانه بیان شود.
۲۲	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری را به‌صورت صادقانه بیان نمود.
۲۳	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود.
۲۴	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری را به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود.
۲۵	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری با دقت کافی بیان شود.
۲۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری با دقت کافی بیان شود.
۲۷	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMEs) بتواند حقایق بااهمیت مربوط به این واحدهای تجاری را در برداشته باشد.
۲۸	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا این صورت‌های مالی، حقایق بااهمیت مربوط به این واحدهای تجاری را در برداشته باشد.
۲۹	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها به‌طور صحیح (یعنی همخوانی اطلاعات با وقایع) ارائه شوند.

۳۰	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا اطلاعات صورت‌های مالی این واحدهای تجاری به‌طور صحیح ارائه شوند.
۳۱	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود.
۳۲	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود.
۳۳	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۴	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۵	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان عملکرد این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۶	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان عملکرد این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۷	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان نقدینگی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۸	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان نقدینگی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود.
۳۹	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا اطلاعات این واحدهای تجاری به‌طور کامل در صورت‌های مالی افشا شود.
۴۰	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا اطلاعات این واحدهای تجاری به‌طور کامل در صورت‌های مالی افشا شود.
۴۱	تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا تعادل هزینه-فایده تهیه اطلاعات حفظ شود.
۴۲	تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا تعادل هزینه-فایده تهیه اطلاعات حفظ شود.

شکاف بین گویه‌ها در گروه اعتباردهندگان

نتایج آمار توصیفی گروه اعتباردهندگان در نگاره ۶ گزارش شده است. در این جدول میانگین نمرات پاسخ اعتباردهندگان در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید و برای هر سؤال محاسبه و سپس شکاف بین آن‌ها تعیین شده است. جهت تعیین معنی‌دار بودن شکاف‌ها از آزمون علامت استفاده شده است.

نگاره ۷: آمار توصیفی گویه‌ها به همراه شکاف آن‌ها (گروه اعتباردهندگان)

شکاف	تدوین استانداردهای جدید		گویه‌ها	استانداردهای موجود		گویه‌ها
	میانگین	انحراف معیار		میانگین	انحراف معیار	
۱/۷۶۱	۱/۱۶۷	۳/۸۴۵	۲	۰/۹۳۷	۲/۰۸۵	۱
۲/۰۲۸	۱/۰۸۲	۴/۰۰۰	۳	۰/۸۳۶	۱/۹۷۲	۴
۲/۱۴۱	۰/۹۰۹	۴/۱۲۷	۶	۰/۶۲۱	۱/۹۸۶	۵
۱/۷۶۱	۱/۱۳۶	۳/۷۷۵	۷	۰/۹۳۳	۲/۰۱۴	۸
۲/۵۶۳	۰/۶۰۳	۴/۴۳۷	۱۰	۰/۸۶۱	۱/۸۷۳	۹
۲/۰۹۹	۱/۱۶۸	۴/۰۸۵	۱۱	۰/۸۷۰	۱/۹۸۶	۱۲
۲/۵۳۵	۰/۶۷۸	۴/۳۵۲	۱۳	۰/۷۰۳	۱/۸۱۷	۱۴
۱/۸۴۵	۱/۱۵۹	۴/۰۰۰	۱۶	۱/۱۵۴	۲/۱۵۵	۱۵
۲/۲۲۵	۱/۳۳۹	۴/۰۸۵	۱۷	۰/۸۵۰	۱/۸۵۹	۱۸
۲/۲۸۲	۰/۹۳۵	۴/۱۹۷	۲۰	۰/۸۴۱	۱/۹۱۵	۱۹
۱/۸۷۳	۱/۰۰۷	۴/۰۱۴	۲۲	۰/۸۶۷	۲/۱۴۱	۲۱
۲/۳۶۶	۰/۷۱۵	۴/۲۱۱	۲۴	۰/۷۴۹	۱/۸۴۵	۲۳
۲/۰۷۰	۱/۰۴۲	۴/۰۰۰	۲۶	۰/۵۴۳	۱/۹۳۰	۲۵
۱/۸۷۳	۱/۱۹۸	۳/۷۷۵	۲۷	۰/۷۴۰	۱/۹۰۱	۲۸
۲/۰۹۹	۱/۱۱۴	۳/۷۶۱	۳۰	۰/۵۸۴	۱/۶۶۲	۲۹
۲/۱۹۷	۱/۲۱۶	۳/۹۱۵	۳۲	۰/۵۶۵	۱/۷۱۸	۳۱
۱/۲۹۶	۰/۶۷۲	۴/۴۵۱	۳۳	۱/۳۸۰	۳/۱۵۵	۳۴
۲/۳۶۶	۱/۱۲۵	۴/۱۸۳	۳۶	۰/۷۴۳	۱/۸۱۷	۳۵
۱/۷۸۹	۱/۱۵۹	۴/۰۰۰	۳۸	۱/۰۹۴	۲/۲۱۱	۳۷
۲/۳۶۶	۰/۶۰۴	۴/۳۲۴	۳۹	۰/۸۱۸	۱/۹۵۸	۴۰
۲/۲۲۵	۰/۸۴۵	۴/۰۲۸	۴۱	۰/۶۶۸	۱/۸۰۳	۴۲

طبق نگاره ۶ بیشترین شکاف بین دو گویه ۹ و ۱۰ و کمترین شکاف بین دو گویه ۳۳ و ۳۴ است. (۹-تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان. ۱۰-تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا صورت‌های مالی (SMES) بر اساس نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان تهیه شوند ۳۳- تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMES) باعث خواهد شد تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود ۳۴-تهیه صورت‌های مالی (SMES) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان وضعیت مالی این واحدهای تجاری را با واحدهای تجاری مشابه مقایسه نمود).

شکاف بین گویه‌ها در گروه تهیه کنندگان اطلاعات مالی

نتایج آمار توصیفی تهیه کنندگان اطلاعات مالی در نگاره ۷ گزارش شده که میانگین نمرات پاسخ تهیه کنندگان اطلاعات مالی در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید و برای هر سؤال محاسبه و سپس شکاف بین آن‌ها تعیین شده است. جهت تعیین معنی دار بودن شکاف‌ها از آزمون علامت استفاده شده است. طبق نگاره ۷ بیشترین شکاف بین دو گویه

۳۱ و ۳۲ و کمترین شکاف بین دو گویه ۲۳ و ۲۴ است. (۳۱-تهیه صورت‌های مالی برای (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود. ۳۲- تدوین استانداردهای حسابداری برای (ΣSMEs) باعث خواهد شد تا محتوای اقتصادی رویدادهای مالی این واحدهای تجاری به‌روشنی بیان شود. ۲۳- تهیه صورت‌های مالی (SMEs) طبق استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ، باعث شده تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود ۲۴- تدوین استانداردهای حسابداری برای (SMEs) باعث خواهد شد تا بتوان آثار مالی معاملات این واحدهای تجاری را به‌صورت بی‌طرفانه بیان نمود).

تکراه ۱: آمار توصیفی گویه‌ها به همراه شکاف آن‌ها (گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی)

شکاف	تدوین استانداردهای جدید		گروه‌ها	استانداردهای موجود		گویه‌ها
	میانگین	انحراف معیار		میانگین	انحراف معیار	
۱/۲۶۸	۱/۳۸۳	۳/۱۵۹	۲	۰/۹۰۳	۱/۸۹۰	۱
۱/۴۰۲	۱/۳۰۴	۳/۳۱۷	۳	۰/۹۱۹	۱/۹۱۵	۴
۰/۸۶۶	۱/۳۹۲	۲/۸۴۱	۶	۱/۰۱۸	۱/۹۷۶	۵
۱/۵۶۱	۱/۳۱۷	۳/۶۵۹	۷	۱/۱۴۰	۲/۰۹۸	۸
۱/۴۸۸	۱/۳۲۶	۳/۵۲۴	۱۰	۱/۰۸۲	۲/۰۳۷	۹
۱/۰۲۴	۱/۴۵۳	۳/۳۶۶	۱۱	۱/۲۵۹	۲/۳۴۱	۱۲
۱/۶۳۴	۱/۳۱۰	۳/۷۰۷	۱۳	۱/۱۴۲	۲/۰۷۳	۱۴
۱/۴۱۵	۱/۵۲۲	۳/۲۵۶	۱۶	۱/۰۰۰	۱/۸۴۱	۱۵
۱/۶۱۰	۱/۳۱۷	۳/۷۶۸	۱۷	۱/۱۴۹	۲/۱۵۹	۱۸
۱/۰۷۳	۱/۴۲۳	۲/۸۹۰	۲۰	۰/۹۴۴	۱/۸۱۷	۱۹
۱/۰۴۹	۱/۴۲۲	۳/۳۱۷	۲۲	۱/۳۲۴	۲/۲۶۸	۲۱
۰/۸۲۹	۱/۱۹۶	۳/۹۵۱	۲۴	۱/۳۴۶	۳/۱۲۲	۲۳
۱/۳۰۵	۱/۳۴۵	۳/۴۸۸	۲۶	۱/۱۱۳	۲/۱۸۳	۲۵
۱/۰۶۱	۱/۴۰۴	۲/۸۲۹	۲۷	۰/۸۲۱	۱/۷۶۸	۲۸
۱/۱۴۶	۱/۴۹۸	۳/۳۱۷	۳۰	۱/۱۰۹	۲/۱۷۱	۲۹
۱/۶۷۱	۰/۹۹۹	۴/۱۲۲	۳۲	۱/۲۷۸	۲/۴۵۱	۳۱
۱/۳۷۸	۱/۰۲۸	۴/۱۳۴	۳۳	۱/۳۴۸	۲/۷۵۶	۳۴
۱/۱۱۰	۱/۴۶۷	۲/۹۱۵	۳۶	۰/۹۳۵	۱/۸۰۵	۳۵
۱/۲۰۷	۰/۹۷۰	۴/۱۸۳	۳۸	۱/۳۸۸	۲/۹۷۶	۳۷
۰/۸۹۰	۱/۳۸۶	۲/۸۲۹	۳۹	۱/۰۸۱	۱/۹۳۹	۴۰
۰/۹۵۱	۱/۴۰۰	۲/۸۷۸	۴۱	۰/۹۵۳	۱/۹۲۷	۴۲

آمار استنباطی

آمار استنباطی شامل مقایسه گویه‌ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید برای اعتباردهندگان، تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی و ادغام دو گروه و سپس مقایسه شکاف بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی.

مقایسه گویه‌ها

در این قسمت گویه‌ها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید برای گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی مقایسه می‌شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون ناپارامتری علامت (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) انجام می‌شود. اگر برای هر یک از گویه‌ها فراوانی پاسخی که استانداردهای موجود کمتر از تدوین استانداردهای جدید است، نسبت به سایر فراوانی‌ها خیلی بیشتر باشد، به طوری که سطح معنی‌داری از پنج درصد کمتر شود، می‌توان نتیجه گرفت که برای آن گویه باید استاندارد جدید تدوین شود.

مقایسه گویه‌ها در گروه اعتباردهندگان

در این بخش گویه‌های مربوط به گروه اعتباردهندگان در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر مقایسه می‌شوند. نتیجه این مقایسه در نگاره ۹ ارائه شده است.

در نگاره ۹، از نظر گروه اعتباردهندگان سه فراوانی با یکدیگر مقایسه می‌شود (۱-فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود کمتر از فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است. ۲- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود بیشتر از فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است. ۳- فراوانی پاسخ‌های استانداردهای موجود برابر با فراوانی پاسخ‌های تدوین استانداردهای جدید است).

نتیجه آزمون نشان داد که برای گویه ۱ و ۲ فراوانی پاسخی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ‌تر از استانداردهای موجود است برابر با ۵۵ و نسبت به سایر فراوانی‌ها بیشتر است، همچنین مقدار سطح معنی‌داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، برای گویه ۱ و ۲ باید استانداردهای جدید تدوین شود. به طور مشابه برای سایر گویه‌ها نیز چنین نتیجه‌ای حاصل شده است. نتیجه نهایی این آزمون نشان دهنده تایید یا رد فرضیه دوم است که در نگاره ۹ بیان شده است.

نگاره ۹: نتایج آزمون علامت برای مقایسه گویه ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین

استانداردهای جدید (گروه اعتباردهندگان)

گویه ها	استانداردهای موجود >	استانداردهای موجود <	استانداردهای موجود =	آماره آزمون	سطح معنی داری
۱ و ۲	۵۵	۸	۸	-۵/۷۹۵	<۰/۰۰۱
۳ و ۴	۵۹	۴	۸	-۶/۸۰۳	<۰/۰۰۱
۵ و ۶	۶۶	۲	۳	-۷/۶۴۰	<۰/۰۰۱
۷ و ۸	۵۷	۶	۸	-۶/۲۹۹	<۰/۰۰۱
۹ و ۱۰	۶۸	۰	۳	-۸/۱۲۵	<۰/۰۰۱
۱۱ و ۱۲	۶۰	۶	۵	-۶/۵۲۴	<۰/۰۰۱
۱۳ و ۱۴	۶۷	۲	۲	-۷/۷۰۵	<۰/۰۰۱
۱۵ و ۱۶	۵۷	۶	۸	-۶/۲۹۹	<۰/۰۰۱
۱۷ و ۱۸	۵۹	۶	۶	-۶/۴۵۰	<۰/۰۰۱
۱۹ و ۲۰	۶۲	۳	۶	-۷/۱۹۴	<۰/۰۰۱
۲۱ و ۲۲	۶۰	۵	۶	-۶/۶۹۸	<۰/۰۰۱
۲۳ و ۲۴	۶۴	۱	۶	-۷/۶۹۰	<۰/۰۰۱
۲۵ و ۲۶	۶۴	۴	۳	-۷/۱۵۵	<۰/۰۰۱
۲۷ و ۲۸	۶۰	۵	۶	-۶/۶۹۸	<۰/۰۰۱
۲۹ و ۳۰	۶۱	۲	۸	-۷/۳۰۷	<۰/۰۰۱
۳۱ و ۳۲	۶۱	۵	۵	-۶/۷۷۰	<۰/۰۰۱
۳۳ و ۳۴	۴۹	۸	۱۴	-۵/۲۹۸	<۰/۰۰۱
۳۵ و ۳۶	۶۲	۴	۵	-۷/۰۱۶	<۰/۰۰۱
۳۷ و ۳۸	۵۷	۹	۵	-۵/۷۸۵	<۰/۰۰۱
۳۹ و ۴۰	۶۷	۲	۲	-۷/۷۰۵	<۰/۰۰۱
۴۱ و ۴۲	۶۵	۲	۴	-۷/۵۷۵	<۰/۰۰۱

مقایسه گویه ها در گروه تهیه کنندگان اطلاعات مالی

در این بخش گویه های مربوط به هر یک از متغیرها در گروه تهیه کنندگان اطلاعات مالی در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر مقایسه می شوند. نتیجه این مقایسه در نگاره ۱۰ ارائه شده است. در نگاره ۱۰، از نظر گروه تهیه کنندگان اطلاعات مالی سه فراوانی با یکدیگر مقایسه می شود (۱- فراوانی پاسخ های استانداردهای موجود کمتر از فراوانی پاسخ های تدوین استانداردهای جدید است. ۲- فراوانی پاسخ های استانداردهای موجود بیشتر از فراوانی پاسخ های تدوین استانداردهای جدید است. ۳- فراوانی پاسخ های استانداردهای موجود برابر با فراوانی پاسخ های تدوین استانداردهای جدید است).

نتیجه آزمون نشان داد که برای گویه ۱ و ۲ فراوانی پاسخی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ تر از استانداردهای موجود است، برابر با ۵۵ و نسبت به سایر فراوانی ها بیشتر است، همچنین مقدار سطح معنی داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می توان

گفت، برای گویه ۱ و ۲ باید استاندارد جدید تدوین شود. به طور مشابه برای سایر گویه‌ها نیز چنین نتیجه‌ای حاصل شده است. نتیجه نهایی این آزمون نشان دهنده تایید یا رد فرضیه دوم است که در نگاره ۱۰ بیان شده است.

نگاره ۱۰: نتایج آزمون علامت برای مقایسه گویه‌ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید (گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی)

گویه‌ها	استانداردهای موجود >	استانداردهای موجود < تدوین	استانداردهای موجود = تدوین	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
۱ و ۲	۵۵	۱۴	۱۳	-۴/۸۱۵	<۰/۰۰۱
۳ و ۴	۵۵	۱۳	۱۴	-۴/۹۷۲	<۰/۰۰۱
۵ و ۶	۵۰	۲۰	۱۲	-۳/۴۶۶	۰/۰۰۱
۷ و ۸	۶۱	۸	۱۳	-۶/۲۶۰	<۰/۰۰۱
۹ و ۱۰	۶۱	۱۰	۱۱	-۵/۹۳۴	<۰/۰۰۱
۱۱ و ۱۲	۴۷	۲۱	۱۴	-۳/۰۳۲	۰/۰۰۲
۱۳ و ۱۴	۵۶	۱۳	۱۳	-۵/۰۵۶	<۰/۰۰۱
۱۵ و ۱۶	۵۴	۱۱	۱۷	-۵/۲۰۹	<۰/۰۰۱
۱۷ و ۱۸	۶۳	۹	۱۰	-۶/۲۴۶	<۰/۰۰۱
۱۹ و ۲۰	۵۱	۱۳	۱۸	-۴/۶۲۵	<۰/۰۰۱
۲۱ و ۲۲	۴۹	۱۷	۱۶	-۳/۸۱۶	<۰/۰۰۱
۲۳ و ۲۴	۴۴	۱۹	۱۹	-۳/۰۲۴	۰/۰۰۲
۲۵ و ۲۶	۵۵	۱۳	۱۴	-۴/۹۷۲	<۰/۰۰۱
۲۷ و ۲۸	۵۱	۱۸	۱۳	-۳/۸۵۲	<۰/۰۰۱
۲۹ و ۳۰	۴۷	۱۶	۱۹	-۳/۷۸۰	<۰/۰۰۱
۳۱ و ۳۲	۶۵	۶	۱۱	-۶/۸۸۳	<۰/۰۰۱
۳۳ و ۳۴	۵۸	۱۳	۱۱	-۵/۲۲۲	<۰/۰۰۱
۳۵ و ۳۶	۵۰	۱۷	۱۵	-۳/۹۰۹	<۰/۰۰۱
۳۷ و ۳۸	۵۵	۱۴	۱۳	-۴/۸۱۵	<۰/۰۰۱
۳۹ و ۴۰	۵۰	۱۶	۱۶	-۴/۰۶۲	<۰/۰۰۱
۴۱ و ۴۲	۵۱	۱۵	۱۶	-۴/۳۰۸	<۰/۰۰۱

مقایسه شکاف گویه‌ها

در این بخش دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف گویه‌ها در دو حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری من وی تنی (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) انجام می‌شود. جهت این مقایسه ابتدا یک ستون برای میانگین نمرات سؤالات مربوط به استانداردهای موجود و یک ستون برای میانگین نمرات سؤالات مربوط به تدوین استانداردهای جدید ایجاد می‌کنیم. در نهایت یک ستون جدید که از تفاضل دو ستون قبلی به دست می‌آید ایجاد می‌کنیم که ستون شکاف کلی نام دارد. با استفاده از آزمون من وی تنی نمرات ستون شکاف را برای دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی مقایسه می‌کنیم. اگر برای هر یک از گویه‌ها میانگین رتبه‌های یک گروه نسبت به گروه دیگر تفاوت داشته باشد، به طوری که سطح معنی‌داری از پنج درصد کمتر شود، می‌توان نتیجه گرفت که میزان شکاف در دو گروه با اطمینان ۹۵ درصد تفاوت دارد. نتیجه آزمون در نگاره ۱۰ نشان می‌دهد که برای گویه ۱ و ۲، میانگین رتبه گروه اعتباردهندگان بیشتر از گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است، اما سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۷۸ و از پنج درصد بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر شکاف دو گویه ۱ و ۲ تفاوت وجود ندارد. در این جدول برای همه گویه‌ها (به جز گویه‌های ۳۳ و ۳۴) میانگین رتبه گروه اعتباردهندگان بیشتر از گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. همچنین سطح معنی‌داری برای گویه‌های ۷ و ۸، ۱۵ و ۱۶، ۳۳ و ۳۴ از پنج درصد بیشتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف گویه‌های فوق تفاوت معنی‌داری وجود ندارد اما چون سطح معنی‌داری برای تفاوت دو گروه از نظر شکاف سایر گویه‌ها از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت، بین دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی از نظر میزان شکاف سایر گویه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان شکاف در گروه اعتباردهندگان بیشتر است. نتیجه نهایی این آزمون نشان دهنده تایید یا رد فرضیه سوم است که در نگاره ۱۱ بیان شده است.

تکانه ۱: نتایج آزمون من وی تنی برای مقایسه دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان

اطلاعات مالی

گروه‌ها	گروه	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
۲ و ۱	اعتباردهندگان	۸۳/۶۴۸	۲۴۳۹/۰۰۰	۰/۰۷۸
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۱/۲۴۴		
۳ و ۴	اعتباردهندگان	۸۶/۴۱۵	۲۲۴۲/۵۰۰	۰/۰۱۲
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۸۴۸		
۶ و ۵	اعتباردهندگان	۹۴/۵۲۱	۱۶۶۷/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۱/۸۲۹		
۷ و ۸	اعتباردهندگان	۷۹/۵۱۴	۲۷۳۲/۵۰۰	۰/۵۰۴
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۴/۸۲۳		
۱۰ و ۹	اعتباردهندگان	۹۱/۳۱۷	۱۸۹۴/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۴/۶۰۴		
۱۱ و ۱۲	اعتباردهندگان	۸۹/۹۷۹	۱۹۸۹/۵۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۵/۷۶۲		
۱۳ و ۱۴	اعتباردهندگان	۸۸/۹۰۸	۲۰۶۵/۵۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۶/۶۸۹		
۱۶ و ۱۵	اعتباردهندگان	۸۳/۱۸۳	۲۴۷۲/۰۰۰	۰/۱۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۱/۶۴۶		
۱۷ و ۱۸	اعتباردهندگان	۸۶/۳۹۴	۲۲۴۴/۰۰۰	۰/۰۱۳
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۸۶۶		
۲۰ و ۱۹	اعتباردهندگان	۹۲/۸۹۴	۱۷۸۲/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۳/۲۳۸		
۲۲ و ۲۱	اعتباردهندگان	۸۷/۳۸۷	۲۱۷۳/۵۰۰	۰/۰۰۶
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۰۰۶		
۲۴ و ۲۳	اعتباردهندگان	۹۶/۹۳۷	۱۴۹۵/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۵۹/۷۳۸		
۲۶ و ۲۵	اعتباردهندگان	۸۶/۸۱۰	۲۲۱۴/۵۰۰	۰/۰۰۹
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۵۰۶		
۲۷ و ۲۸	اعتباردهندگان	۸۹/۶۸۳	۲۰۱۰/۵۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۶/۰۱۸		
۳۰ و ۲۹	اعتباردهندگان	۸۹/۷۷۵	۲۰۰۴/۰۰۰	۰/۰۰۱
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۵/۹۳۹		
۳۲ و ۳۱	اعتباردهندگان	۸۶/۳۰۳	۲۲۵۰/۵۰۰	۰/۰۱۳
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۸/۹۴۵		
۳۳ و ۳۴	اعتباردهندگان	۷۵/۰۱۴	۲۷۷۰/۰۰۰	۰/۶۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۷۸/۷۲۰		
۳۶ و ۳۵	اعتباردهندگان	۹۳/۷۳۹	۱۷۲۲/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۲/۵۰۶		
۳۸ و ۳۷	اعتباردهندگان	۸۶/۱۵۵	۲۲۶۱/۰۰۰	۰/۰۱۶
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۹/۰۷۳		
۴۰ و ۳۹	اعتباردهندگان	۹۸/۲۰۴	۱۴۰۵/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۵۸/۶۴۰		
۴۱ و ۴۲	اعتباردهندگان	۹۵/۵۷۰	۱۵۹۲/۵۰۰	۰/۰۰۰
	تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۶۰/۹۲۱		

آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی فرضیه اول، باید میانگین گویه‌های مربوط به متغیرها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید در گروه اعتباردهندگان با یکدیگر مقایسه شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری علامت (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) بررسی می‌شود. نتایج در نگاره ۱۲ ارائه شده است.

نگاره ۱۲: نتیجه آزمون فرضیه اول

سطح معنی داری	آماره آزمون	استانداردهای موجود = تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود < تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود > تدوین استانداردهای جدید
<۰/۰۰۱	-۸/۳۰۷	۰	۰	۷۱

نتایج آزمون نشان داد برای میانگین همه گویه‌ها فراوانی پاسخی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ‌تر از استانداردهای موجود است نسبت به سایر فراوانی‌ها بیشتر است و همچنین سطح معنی داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه اول تأیید می‌شود و می‌توان گفت اعتباردهندگان در جامعه مورد بررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

برای بررسی فرضیه دوم، باید میانگین گویه‌های مربوط به متغیرها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید در گروه تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی با یکدیگر مقایسه شوند. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری علامت (به دلیل نرمال نبودن متغیرها) بررسی می‌شود. نتایج در نگاره ۱۳ ارائه شده است.

نگاره ۱۳: نتیجه آزمون فرضیه دوم

سطح معنی داری	آماره آزمون	استانداردهای موجود = تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود < تدوین استانداردهای جدید	استانداردهای موجود > تدوین استانداردهای جدید
<۰/۰۰۱	-۸/۹۴۵	۰	۰	۸۲

نتایج آزمون نشان داد برای میانگین همه گویه‌ها فراوانی پاسخی که تدوین استانداردهای جدید بزرگ‌تر از استانداردهای موجود است نسبت به سایر فراوانی‌ها بیشتر است و همچنین سطح معنی داری از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم تأیید می‌شود.

و می‌توان گفت تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه مورد بررسی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط دارند.

برای بررسی فرضیه سوم، باید شکاف گویه‌های مربوط به متغیرها در حالت استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید با یکدیگر محاسبه شود و این شکاف در دو گروه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی با یکدیگر مقایسه شود. این مقایسه با استفاده از آزمون نا پارامتری من وی تنی (به دلیل نرمال نبودن) انجام می‌شود. نتایج در نگاره ۱۴ ارائه شده است.

نگاره ۱۴: نتیجه آزمون فرضیه سوم

گروه	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
اعتباردهندگان	۱۰۹/۲۶۱	۶۲۰/۵۰۰	۰/۰۰۰
تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی	۴۹/۰۶۷		

طبق نتایج آزمون، چون سطح معنی‌داری برای تفاوت دو گروه از پنج درصد کمتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین دو گروه از نظر میزان شکاف به‌طور کلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان شکاف در گروه اعتباردهندگان بیشتر از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه سوم تأیید می‌شود و می‌توان گفت بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه مورد بررسی، از لحاظ نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران، هدف ارائه صورت‌های مالی مقاصد عمومی است. در بخش یک استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط آمده که این واحدهای تجاری مسئولیت پاسخگویی عمومی ندارند و صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را منتشر نمی‌کنند. دربندت-۶۲ استاندارد حسابرسی شماره ۲۰۰ ایران، واحدهای تجاری کوچک واحدهای تجاری هستند که اوراق بهادار آنها به عموم عرضه نمی‌شود. بنابراین در ایران واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهای حسابداری

تبعیت می‌کنند که با مقاصد عمومی تهیه‌شده و حال آنکه در این واحدهای تجاری مقاصد عمومی مطرح نیست. در این راستا مسئله اصلی تحقیق این است که آیا در ایران و در جامعه موردبررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود دارد یا خیر؟ بنابراین در پژوهش حاضر نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی موردبررسی قرار گرفته است. از لحاظ استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، این پژوهش مانند پژوهش گاسن (۲۰۱۷)، امورجی و همکاران (۲۰۱۴)، دیکون و همکاران (۲۰۰۹)، پای ترا و همکاران (۲۰۰۸)، منگت و زگال (۲۰۰۶)، زانزیگ و فلاشر (۲۰۰۶) و میرشکاری و سوداگران (۲۰۰۵)، ایرلی (۲۰۰۸) و نایر و ریتنبرگ (۱۹۸۳) به اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی به‌عنوان بخشی از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط پرداخته است.

نیازسنجی یعنی تفاوت میان اوضاع کنونی با وضعیت مطلوب که در این تحقیق منظور از اوضاع کنونی، تبعیت واحدهای تجاری کوچک و متوسط از استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ (استانداردهای موجود) و منظور از وضعیت مطلوب، تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط (تدوین استانداردهای جدید) است. جهت اندازه‌گیری شکاف، ابتدا سؤال‌های پرسشنامه شناسایی و این سؤال‌ها در دو گروه (استانداردهای موجود) و (تدوین استانداردهای جدید) طبقه‌بندی شدند. با مقایسه پاسخ سؤال‌ها شکاف بین آن‌ها به تفکیک بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی بررسی و سپس با استفاده از آزمون علامت، معنی‌داری شکاف‌ها اندازه‌گیری شد. نتیجه آزمون علامت نشان داد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط نیاز دارند (تایید فرضیه اول و دوم). جهت مقایسه نیاز در دو جامعه از آزمون من‌وی تنی استفاده شد و نتیجه این آزمون نشان داد که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت بین اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی در جامعه موردبررسی، از لحاظ نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط تفاوت معناداری وجود دارد (تایید فرضیه سوم) و میزان نیاز در گروه اعتباردهندگان بیشتر از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است. در مورد نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در پژوهش‌های مختلف به شیوه‌های متعددی تحقیق شده است. در این پژوهش، نیاز از طریق اندازه‌گیری شکاف بین (استانداردهای

موجود) و (تدوین استانداردهای جدید) اندازه‌گیری شده است. در پژوهش کایا و کخ (۲۰۱۵) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که استفاده از استانداردهای حسابداری واحدهای تجاری بزرگ برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط باعث کاهش کیفیت سود این واحدهای تجاری می‌شود. در پژوهش بونیا و همکاران (۲۰۱۲) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان واحدهای تجاری کوچک و متوسط با اطلاعات مورد نیاز واحدهای تجاری بزرگ متفاوت است. در پژوهش رنی و سنکو (۲۰۰۹) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که هزینه تهیه صورت‌های مالی به وسیله واحدهای تجاری کوچک و متوسط بیش از منافع تهیه آن‌ها است. در پژوهش فیرنلی و هینس (۲۰۰۷) نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط به این صورت تعیین شده که تهیه صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط بر اساس استانداردهای حسابداری شرکت‌های بزرگ بسیار پیچیده است.

مهم‌ترین محدودیت پژوهش این است که احتمال عدم درک مفاهیم و محتوای سؤالات پرسشنامه و بروز ابهام برای پاسخگو وجود دارد. همچنین حدود ده درصد پرسشنامه‌ها در پژوهش قابل استفاده نبود که اگر آن‌ها نیز قابل استفاده بود می‌توانست نتیجه پژوهش را تا حدودی تغییر دهد. با توجه به نتیجه کاربردی این پژوهش، پیشنهاد می‌شود قبل از اجرایی شدن استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران، ابتدا تحقیقی در مورد نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط برای تمام گروه‌های استفاده‌کننده و در سطح کلان کشور انجام و سپس این استانداردها با در نظر گرفتن شرایط محیطی کشور بومی سازی و اجرایی شوند.

منابع

- برزگر، قدرت اله. (۱۳۸۹). استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی متفاوت برای شرکت‌های کوچک و متوسط. دانش و پژوهش حسابداری، ۶ (۲۰)، ۳۰-۳۵ و ۹۰-۹۳.
- حمزه نیک نیورد، حمزه؛ افلاطونی، عباس؛ نیکبخت، زهرا. (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشا بر بکارگیری منابع مالی در هسته اصلی فعالیت تجاری شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹ (۳۵)، ۹۷-۱۱۴.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل. (۱۳۹۷). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.
- دلاوری، جواد؛ مهدوی، غلامحسین. (۱۳۹۸). نیازهای گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک: دیدگاه استادان حسابداری. دانش حسابداری، ۱۰ (۳)، ۱-۳۲.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ زمانی فرد، ندا. (۱۳۹۶). همگرایی استانداردهای بین‌المللی و واحدهای تجاری کوچک و متوسط. حسابدار رسمی، ۲۵ (۲۵)، ۲۳-۳۴.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ اسکندری، کیوان. (۱۳۹۱). استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط. حسابدار رسمی، ۳۲ (۳۲)، ۴۲-۶۴.
- رحیمیان، نظام‌الدین. (۱۳۹۱). استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط، تهران: دهکده.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ عالی خانی، محسن؛ عدل زاده، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی ساختار استانداردهای حسابداری. حسابرس، ۵۷ (۵۷)، ۲۸-۴۲.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، اله. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- شریف‌زاده، مظفر. (۱۳۸۷). نقش واحدهای تجاری کوچک و متوسط در توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایران، دومین همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی، نقده: دانشگاه پیام نور.
- فضل‌اللهی، سیف‌الله؛ ملکی توانا، منصوره. (۱۳۹۰). رویکردی جامع به روش‌ها و تکنیک‌های مهم نیازسنجی آموزشی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۶۸ (۶۸)، ۸۳-۱۱۵.
- قلی پور چاری، شهربانو. (۱۳۹۳). شرکت‌های تجاری کوچک و متوسط و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی. بورس، ۱۱۱ (۱۱۱)، ۱۰۵-۱۰۶.
- کیبوری، آرمان؛ رشیدی، ناصر. (۱۳۹۴). نقش و جایگاه واحدهای صنفی کوچک و متوسط، تهران: ساکو.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۷). استاندارد حسابداری ۱-ارائه صورت‌های مالی، تجدیدنظر شده، تهران: سازمان حسابرسی.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۶). استانداردهای حسابداری ایران، تهران: سازمان حسابرسی.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر برحسب تعداد شاغلان و استان، تهران: روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل مرکز آمار.

- Accounting Standards Committee. (2019). *Accounting Standard 1. Revised Financial Statements*, Tehran: Auditing Organization. [In Persian]
- Audit Standards Committee. (2018). *Iran Audit Standards*. Tehran, Audit Organization. [In Persian]
- Bassemir, M., Farkas, Z. (2018). IFRS adoption, reporting incentives and financial reporting quality in private firms. *Journal of Business Finance & Accounting*, 45 (78), 759-796.
- Barzegar, GH. (2011). Different financial accounting and reporting standards for small and medium enterprises. *Accounting Knowledge and Research*, 6 (20), 30-35 and 90-93. [In Persian]
- Bunea, S., Scarini, M., Minu, M. (2012). Romanian Professional Accountants Perception on the Differential Financial Reporting for Small and Medium-Sized Enterprises. *Accounting and Management Information Systems*, 11 (1), 27-43.
- Delavari, S. J., Mahdavi, G. (2019). Requirements of Small Entities' Financial Reporting: The Viewpoint of Accounting Professors. *Journal of Accounting Knowledge*, 10 (3), 1-32. [In Persian]
- Danaeifard, H., Alvani, M., Azar, A. (2018). *Quantitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*, Tehran: Saffar. [in Persian]
- Deaconu, A., Nistor, C. S., Popa, I. (2009). Analysis of the Stakeholders' Needs and Their Inference upon Financial Reports of SMEs. *Journal of International Business and Economics*, 9 (1), 39-52.
- Defelice, A. (2009). IFRS for Small and Medium- sized Entities (IFRS for SMEs)- U.S GAAP Comparisod Tool. *Journal of Accountancy*, Available Online.
- Di Pietra, R., Evans, L., Chevy, J., Cisi, M., Eierle, B., Jarvis, R. (2008). Comment on the IASB's exposure draft 'IFRS for small and medium-sized entities, *Accounting in Europe*, 5 (1), 27-47.
- Eierle, B. (2008). Final Report of the Survey on the ED-IFRS for SMEs among German SMEs. *4th Annual Workshop on Accounting in Europe*, Lund University, 50-55.
- Fearnley, S., Hines, T. (2007). How IFRS has destabilized financial reporting for UK nonlisted entities. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 15(4), 394-408.
- Fazlallahi, S., Moleki Tavana, M. (2012). A Comprehensive Approach to the Methods and Techniques of Educational Needs Assessment. *Methodology of Humanities*, 17 (68), 83-115. [In Persian]
- Gholipour Chari, S. (2015). Small and Medium Business Companies and International Financial Reporting Standards. *Boors*, (111), 105-106. [In Persian]
- Gassen, J. (2017). The Effect of IFRS for SMEs on the Financial Reporting Environment of Private Firms: an Exploratory Interview Study. *Accounting and Business Research*, 47 (5), 540-563.
- Hamzenike Niafard, M., Aflatooni, A., Nikbakht, Z. (2020). The Effect of Accounting Information Quality and Disclosure Quality on the Use of Financial Resources in Firms Core Business, *Empirical Research in Accounting*, 9(35), 97-114. [In Persian]
- Kaya, D., Koch, M. (2015). Countries Adaption of The International Financial Reporting Standard for Small and Medium-sized Entities (IFRS for SMEs)- Early Empirical Evidence. *Accounting and Business Research*, 45 (1), 93-120.
- Kipouri, A., Rashidi, N. (2015). *The Role and Position of Small and Medium Business Unions*, Tehran: Sako. [In Persian]

- Maingot, M., Zeghal, D. (2006). Financial Reporting of Small Bussines Entities in Canada. *Small Bussines Management*, 44 (4), 513-530.
- Mizunoura, K. (2015). Accounting Standards for Small- and Medium-Sized Enterprises in ASEAN. *Economic Research Institute for ASEAN and East Asia*, (22), 1-180.
- Mirshakary, S., Saudagaran, S. M. (2005). Perception and Chacteristics of Financial Statement users in Developing Countries: Evidence from Iran. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, (14), 33-54.
- Nair, R. D., Rittenberg, L. (1983). Alternative Accounting Principles for Smaller Businesses and Analysis. *The Journal of Commercial Bank Lending*, (65), 2-21.
- Omoriege, N.A.E., Adeparubi, O.O., Iboi, P.E. (2014). Financial Reporting By Small and Medium Scale Enterprises in Nigeria. *Journal of Business and Management*, 16 (4), 53-61.
- Rennie, R., Senkow, D. (2009). Financial reporting for private companies: The Canadian experience. *Accounting Perspectives*, 8(1), 43-97.
- Rahimian, N., Zamani Fard, N. (2018). Convergence of International Standards and Small and Medium Business Units. *Official Accountant*, (25), 23 - 34. [In Persian]
- Rahimian, N. (2013). *International Financial Reporting Standards for Small and Medium Business Enterprises*, Tehran: Dehkadeh. [In Persian]
- Rahimian, N., Eskandari, K. (2013). Accounting Standards and Financial Reporting for Small and Medium Business Units. *Official Accountant*, (32), 42-64. [In Persian]
- Rahimian, N., Ali Khani, M., Adalzadeh, M. (2012). Investigating the Structure of Accounting Standards. *Auditor*, (57), 28 - 42. [In Persian]
- Sharifzadeh, M. (2009). The role of small and medium enterprises in the development of Iran's economic activities. *National Conference on the Development of Economic Activities*, Payame Noor University. [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2015). *Industrial Workshops 10 Personnel and More by Number of Employees and Provinces*, Tehran: Public Relations and International Cooperation Center of Statistics. [In Persian]
- Sarmad, Z., Bazargan, A., Hejazi, E. (2012). *Methods in Research in Behavioral Sciences*, Tehran: Awareness. [In Persian]
- Thi Phuong Uyen, N. (2010). A History of the Development of New Zealand Accounting Standards for Small and Medium Enterprises and the Future Prospects of IFRS for SMEs. *requirements for the Degree of Master of Business*, Auckland University of Technology.
- Valentinetti, D., Rea, M.A., Basile, C. (2016). Differences between National Reporting Practice and IFRS for SMEs Presentation and Disclosure Requirements: Evidence from Italy. *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, 6 (2), 146-174.
- Zanzig, J., Flesher, D. (2006). GAAP requirements for nonpublic companies. *The CPA Journal*, 76 (5), 40-48.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

ارائه الگوی پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه در ایران: با تأکید بر گزارشگری و نظارت^۱

غلامرضا کرمی^۲، سلمان بیگ بشرویه^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶

مقاله پژوهشی

چکیده

تصویب استاندارد شماره ۴۲ حسابداری توسط سازمان حسابرسی (مطابق با نسخه ۲۰۱۸ استاندارد شماره ۱۳ بین‌المللی) و لازم‌الاجرا بودن آن از ابتدای سال ۱۴۰۰ و ابلاغیه‌های قبلی سازمان بورس و اوراق بهادار، لزوم توجه به گزارشگری ارزش‌های منصفانه و نظارت بر آن توسط حسابرسان یا سایر نهادهای ذیربط را دوچندان نموده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این موضوع، توجه به زیرساخت‌های لازم و همچنین چالش‌های پیش‌رو از نظر استاندارد‌گذاران، مدیران، حسابرسان، و تحلیل‌گران است. در این پژوهش، با تأکید بر چالش‌ها و مسایل زیرساختی گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه، و طی مصاحبه با ۱۷ خبره در حوزه‌های مختلف درگیر در پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه، مدلی با استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد ارائه شده است. توجه به مفروضات ارزشیابی و تجهیز نمودن حرفه حسابرسی به انجام خدمات ارزشیابی و استفاده از ظرفیت قانونی موجود در قانون بازار اوراق بهادار از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: ارزش منصفانه، ارزشیابی، تئوری داده‌بنیاد، گزارشگری و نظارت.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

10.22051/JERA.2020.29578.2612 :DOI .۱

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (ghkarami@ut.ac.ir).

۳. دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (beik.sa@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

تصویب و ابلاغ استاندارد حسابداری شماره ۴۲ (مطابق بانسخه ۲۰۱۸ استاندارد شماره ۱۳ بین المللی) در ایران و ابلاغیه سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۵ جهت بکارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی توسط ناشران بزرگ فرابورسی، و همچنین تغییرات ارزش‌داری‌ها با توجه به شرایط کلان اقتصادی در دهه اخیر، اهمیت توجه به ارزش‌های منصفانه، بالاخص در حوزه گزارشگری و نظارت را بیشتر نموده است. باید توجه داشت که تغییرات گزارشگری مالی و نظارت در حوزه ارزش‌های منصفانه همگام با اندازه‌گیری و اهمیت ارزش‌های منصفانه در بازارهای مالی، رشد کرده و این تغییرات به صورت یکباره نبوده است و از یک فرآیند تکاملی در حسابداری پیروی نموده است و همزمان با این موارد ضمن افزایش آگاهی استفاده‌کنندگان، آمادگی به کارگیری آن نیز برای شرکت‌ها و سایر نهادهای درگیر در این موضوع، از جمله سازمان امور مالیاتی، نهاد ناظر بازار سرمایه، حسابرسان، و تحلیل‌گران فراهم آمده است. بی‌شک حسابرسان طرفدار گزارشگری و حسابرسی اقلامی هستند که با برآورد کمتری روبرو بوده باشد و نیاز به قضاوت کمتری باشد و به اصلاح قابلیت اتکای آن بالاتر باشد، با این حال گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه خلاف این جهت است و در آن سعی شده است قابلیت اتکا اندکی کم‌رنگ‌تر شده و همزمان مربوط بودن اطلاعات افزایش یابد تا سیستم حسابداری بتواند در رقابت با سایر منابع اطلاعاتی و در شرایطی که بازار با نابهنجاری‌های متعددی روبروست، موجبات افزایش سودمندی در تصمیم‌گیری‌ها را فراهم آورد. با این حال رسیدن به این مقصود نیازمند زیرساخت‌ها و توجه به مشکلات و چالش‌های زیرساختی است که موضوع این تحقیق را تشکیل می‌دهد. در ادامه تحقیق کرمی و بیگ بشرویه (۱۳۹۶) که مدل پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه با تاکید بر حوزه اندازه‌گیری را ارائه نمودند، در این تحقیق سعی بر آن بوده است تا چالش‌ها و راه‌کارهای پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه با تاکید بر گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های مذکور با استفاده از روش تئوری داده بنیاد جهت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، جمع‌آوری گردیده و در قالب یک مدل منسجم ارائه شود.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس پژوهش منتشر شده توسط هیئت استانداردهای حسابرسی و اطمینان بخشی بین المللی (۲۰۰۸) تحت عنوان چالش‌های حسابرسی ارزش‌های منصفانه در شرایط فعلی بازار، مهم‌ترین چالش‌های حسابرسی ارزش‌های منصفانه به صورت ذیل می‌باشد: ۱. عینیت در اندازه‌گیری به

گونه ای که برآوردها نشان دهنده شرایط فعلی باشند، ۲. بکارگیری قضاوت توسط اشخاصی که به اندازه گیری ارزش منصفانه می پردازند از جمله قضاوت های صورت گرفته توسط متخصصانی (ارزش گذارانی) که توسط شرکت یا حسابرس بکار گرفته شده اند، ۳. در دسترس بودن یا فقدان اطلاعات یا شواهد و قابلیت اتکای آنها، ۴. انتخاب و پیچیدگی تکنیک‌ها و مدل های قابل قبول ارزشیابی، ۵. نیاز به افشای مناسب در صورت های مالی درباره روش های اندازه گیری و عدم اطمینان در این خصوص مخصوصاً وقتی که بازار غیرنقد باشد.

لاینگ و پور جلالی^۱ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان "دلایل اقتصادی برای گزارشگری اموال، ماشین آلات و تجهیزات به ارزش بازار توسط شرکت های خارجی پذیرفته شده در آمریکا" به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که در بورس آمریکا پذیرفته شده اند و به طور داوطلبانه از ارزش های منصفانه استفاده نموده‌اند (شرکت‌های چند ملیتی معمولاً از ارزش های منصفانه استفاده نمی‌کنند) دارای ویژگی‌های اقتصادی متفاوتی نسبت به بقیه هستند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که از این سیستم حسابداری برای اموال ماشین آلات و تجهیزات خود استفاده نمودند اغلب دارای مبلغ زیادی اموال ماشین الات و تجهیزات بوده اند و جزو شرکت‌های بزرگ بودند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای نسبت بدهی به سرمایه بالاتر، از رویکرد ارزش منصفانه برای گزارشگری اموال، ماشین آلات و تجهیزات خود استفاده نمودند.

بل و گریفین (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان "تقریظی بر حسابرسی برآوردهای همراه با عدم اطمینان بالای ارزش منصفانه" به بررسی چالش‌های پیش روی استانداردارگذاران، استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در برخورد با عدم اطمینان بالای برآوردهای ارزش منصفانه پرداختند. و بیان نمودند که ایجاد اطمینان نسبت به برآوردهای ارزش منصفانه بسیار دشوار است. آنها بیان نمودند که افشای برآوردهای قبلی مدیریت در صورت های مالی و تفاوت آن با واقعیت، و همچنین افشای عدم اطمینان های موجود در برآورد ارزش منصفانه به همراه تغییر در فرآیند حسابرسی و نحوه ارتباط با استفاده کننده و افشای این موارد توسط حسابرسان، می تواند به شفافیت برآوردهای ارزش منصفانه و افزایش قابلیت تایید آن کمک شایان توجهی بنماید.

بر اساس پژوهش احمد (۲۰۱۲) با عنوان "حسابرسی اندازه گیری ها و افشای ارزش های منصفانه: مطالعه موردی چهار موسسه بزرگ حسابرسی"، مهم ترین چالش های پیش روی حسابرسی ارزش های منصفانه به شرح ذیل می باشد: الف) قابلیت اتکا: بسیاری از مطالعات نشان داده اند که قابلیت اتکا، مهم ترین چالش پیش روی حسابرسی ارزش های منصفانه است. احمد (۲۰۱۲) در تحقیق خود با مطرح نمودن دو سوال با پاسخ دهندگان پژوهش خود در این رابطه به این نتیجه رسید که الف) تصدیق ارزش های منصفانه در غیاب یک بازار فعال کار بسیار مشکلی است، و ب) به دلیل اینکه در تعیین ارزش های منصفانه از شواهد اخیر استفاده می شود و با شرایط اقتصادی اخیر مطابقت دارد، روش ارزش منصفانه نسبت به روش بهای تاریخی دارای قابلیت اتکای بیشتری است که نتایج این ادعا با تحقیق میرزا^۱ و همکاران (۲۰۱۰) نیز مطابقت دارد. ب) سوگیری مدیریت و مشکل تایید پذیری: مدل های ریاضی و مفروضات مدیریت و همچنین پیچیدگی محیط اقتصادی و بازار بسیار چالش برانگیز است. درک تکنیک های ارزشیابی مورد استفاده توسط مدیریت، می تواند سوگیری مدیریت و مشکل تایید پذیری را کاهش دهد. ج) صلاحیت: پیرو پژوهشهای قبلی همچون گریفیت^۲ و همکاران (۲۰۱۲)، صلاحیت حسابرس یکی از مهم ترین چالش های حسابرسی ارزش های منصفانه است. در این خصوص احمد (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که آشنایی حسابرسان با تکنیک های اندازه گیری ارزش های منصفانه می تواند در حسابرسی ارزش های منصفانه به آنها بسیار کمک کند و در این خصوص حسابرسان با تجربه بسیار راحت تر این حسابرسی را انجام خواهند داد. د) رهبری^۳: بر اساس تحقیق احمد (۲۰۱۲) سبک رهبری و مدیریت در شرکت مشتری، می تواند بر صحت ارزش های منصفانه تاثیر گذار باشد بدین معنا که هر چند بر اساس قوانین موجود (از جمله قانون ساربنز آکسلی) مسئولیت صورت های مالی با مدیریت است، ولیکن در برخورد با برآوردهای مدیریت، سبک مدیریت و مهارت های رهبری می تواند بر صحت ارزشیابی و برآوردهای صورت گرفته اثر گذار باشد.

سالکا^۴ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "حسابداری ارزش منصفانه: یک سیستم پیچیده اما امیدوار کننده"، به بررسی مشکلات بیاذه سازی ارزش های منصفانه از دیدگاه تئوریک و عملی پرداخت و پس از بررسی،

1. Mirza
2. Griffith
3. leadership
4. Sawalqa

پیشنهاداتی در خصوص پیاده سازی مناسب ارزش های منصفانه به شرح ذیل ارائه داد: ۱. تلاش برای افزایش شفافیت اطلاعات حسابداری از طریق افشای هر گونه عدم اطمینان مربوط به اندازه گیری ارزش های منصفانه توسط واحد تجاری یا حسابرسان، بالاخص در مورد سطح سوم ارزش های منصفانه (همانند پژوهش بل و گریفین^۱، ۲۰۱۲، لجت و ویکینز و کلارک^۲، ۲۰۱۵)، ۲. تلاش برای محدود نمودن عدم اطمینان در بازارهای مالی از طریق ایجاد رویه های اجباری ارزشیابی برای دارایی ها و بدهی های مالی مخصوصاً در مورد سطح سوم ارزش های منصفانه (مانند جاگی، ویندر و لی^۳، ۲۰۱۰، و لیلین، ساراس و شرادر^۴، ۲۰۱۳، لجت و ویکینز و کلارک^۵، ۲۰۱۵)، ۳. تلاش برای استفاده بیشتر از قیمت های تعیین شده در سطح یک و استفاده از تکنیک هایی که این ارزش ها که در بازارهای فعال به دست می آیند برای بازارهای غیرفعال نیز شیشه سازی شوند (در مورد دارایی های یکسان و مشابه)، ۴. تلاش برای ایجاد یک زمان بندی جهت کنار گذاری کامل نظام بهای تمام شده تاریخی. این به شرکت ها اجازه خواهد داد که علاوه بر ارتقای سیستم های حسابداری خود، محیط اطراف خود را نیز جهت پیاده سازی کامل نظام ارزش های منصفانه تغییر دهند و خواهند دانست که صرفاً تا یک تاریخ مشخص زمان خواهند داشت (جردن و کلارک و پیت^۵، ۲۰۱۳، بتاکوا و هاردیلوا-بوکوا و شودا^۶، ۲۰۱۴، لینسمر^۷، ۲۰۱۳)، ۵. تلاش برای بهبود محیط تجاری جهانی جهت بهبود وضعیت بازارهای فعال. این هدف شاید با حمایت از بازارهای نوظهور جهت آزادی بیشتر در آنها، شکل بگیرد. شاید این کار از طریق ایجاد شرایط تسهیل تجارت با اقتصاد کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای توسعه یافته شکل بگیرد. در این صورت کشورهای در حال توسعه از فرهنگ غربی و استانداردهای حسابداری بین المللی و به تبع آن از ارزش های منصفانه استفاده خواهند نمود و بازارهای آنها نیز به تبع آن ارتقا خواهند یافت (بارث و لاندسمن، ۱۹۹۵)، ۶. تلاش جهت اصلاح استانداردهای حسابداری بین المللی به گونه ای که به سادگی قابل بکارگیری باشند. این باعث خواهد شد که موارد ابهام در استانداردها بالاخص در مورد ارزش های منصفانه کمتر شود. این مورد توسط فعال شدن کمیته تفسیر استانداردهای حسابداری بین المللی و بیان نحوه بکارگیری این استانداردها در عمل، قابل انجام است. این پیشنهاد همچنین با حمایت و دخیل شدن کشورهای مختلف برای تدوین استانداردهای حسابداری برای بازارهای مختلف نیز قابل انجام است، ۷. تلاش برای اصلاح قوانین

1. Bell & Griffin
2. Leggett, Wilkins & Clark
3. Jaggi, Winder & Lee
4. Lilien, Sarath & Schrader
5. Jordan, Clark & Pate
6. Betakova, Hrazdilova-Bockova & Skoda
7. Linsmeier

حسابداری جاری در هر کشور برای تبعیت بیشتر از استانداردهای حسابداری بین‌المللی (جاگی، ویندر و لی، ۲۰۱۰). این در واقع پلی میان کشورهای مختلف در تطابق با استانداردهای حسابداری بین‌المللی و حسابداری ارزش‌های منصفانه خواهد بود. ۷. تلاش جهت تعریف یک واحد درسی به نام ارزش‌های منصفانه در تدریس استانداردهای حسابداری بین‌المللی در سراسر جهان برای رشته حسابداری که بدین وسیله چالش‌های آن را شناخته و با آن آشنا شوند (مانند، بی دوین، و هاگنر، ۲۰۱۴)، ۸. تلاش برای عرضه همه‌نوع آموزش مورد نیاز برای کلیه اشخاصی که نیاز به آموزش در حوزه ارزش‌های منصفانه و استانداردهای حسابداری ذیربط دارند (از جمله حسابداران و حساب‌برسان). این پیشنهاد بیشتر می‌تواند توسط نهادهای استاندارد‌گذار اجرا شود زیرا آنها نسبت به نکات مبهم استانداردها تسلط کافی دارند، و ۹. تلاش برای ایجاد پل‌های ارتباطی بین نهادهای استاندارد‌گذار و جامعه حسابداران رسمی در سراسر دنیا. این ارتباط، درک بخش حرفه‌ای را در مورد ارزش‌های منصفانه افزایش خواهد داد.

کرمی و بیگ بشرویه (۱۳۹۶) در پژوهش با عنوان "تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران: با تأکید بر اندازه‌گیری" و با استفاده از تئوری داده بنیاد، مدلی را ارائه نمودند که در آن با تأکید بخش اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه، شرایط علی، شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه بیان گردید.

رحمانی و گل محمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "شناسایی چالش‌های فنی به کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تأکید بر الزامات IFRS 13" و با استفاده از مصاحبه، به روش تحلیل محتوی کیفی و منطق فازی به این نتیجه رسیدند که چالش‌های فنی پیش روی استاندارد شماره ۱۳ بین‌المللی احتمالاً بکارگیری عمده استاندارد مذکور را در خصوص اندازه‌گیری و افشای ارزش‌های منصفانه را محدود می‌نماید.

مرادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران" به این نتیجه رسیدند که محیط اقتصادی، آموزش، ورودی‌های اندازه‌گیری، حسابرسی ارزش‌های منصفانه و مقاومت، چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه شناخته شدند و صحت اطلاعات حسابداری، شفافیت و همسانسازی، فرصت‌های اندازه‌گیری، ارزش‌های منصفانه بودند.

در این پژوهش با استفاده از نظر خبرگان و نظر افراد درگیر در پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی، مقوله‌های پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر گزارشگری و نظارت بر

ارزش‌های منصفانه، استخراج شده است همان‌گونه که در روش پژوهش تئوری داده‌بنیاد بیان خواهد شد، بررسی ادبیات پژوهش با توجه به آن که مدل استخراج شده بومی است، ضرورت ندارد (کرسول، ۲۰۱۴) و فقط برای شناسایی الگوهای کلی ارائه می‌شود. در این پژوهش نیز از عنوان عناصر فوق، تنها برای شناسایی الگوهای کلی و نام‌گذاری مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده در مصاحبه‌ها استفاده شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش تئوری داده‌بنیاد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰) برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. این پژوهش از بُعد هدف از نوع تحقیقات اکتشافی، و از بعد استراتژی در دسته تحقیقات غیرآزمایشی، میدانی و کیفی قرار می‌گیرد. استراوس (۱۹۸۷) و استراوس و کوربین (۱۹۹۸ و ۱۹۹۰) به معرفی رویه‌های تولید استقرایی نظریه در روش کیفی با اتکا به بررسی دقیق و منظم داده‌ها پرداختند. الگوهای مختلفی از این تئوری توسط صاحب‌نظران ارائه شده که در این پژوهش از رویه نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۸۹ و ۱۹۹۰) استفاده شده است که بر تحلیل داده‌ها از طریق رویه منظم کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و گزینشی تمرکز می‌کند و بر عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین تأکید دارد. در این پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است که در آن، نمونه با هدف دستیابی به مجموعه اطلاعات جامع و غنی انتخاب می‌شود. در این نمونه‌گیری، افراد، اطلاعات یا رخدادهایی انتخاب می‌شوند که در روشن ساختن و تعریف حدود تناسب مقوله‌ها به محقق کمک کنند. در این مرحله محقق نمونه‌ای انتخاب می‌کند که اطلاعات مرتبط‌تری را در اختیار وی قرار می‌دهد. همچنان که داده‌ها تحلیل می‌شوند، پژوهشگر از یافته‌های به‌دست آمده برای انتخاب منابع بعدی استفاده می‌کند (گولدینگ، ۲۰۰۲). نمونه‌گیری نظری تا زمانی ادامه می‌یابد که مقوله‌ها به اشباع نظری^۱ برسند. در این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع، نیاز بود با افرادی مصاحبه شود که ضمن برخورداری از تخصص‌های چندگانه، در این خصوص آگاهی کافی داشته باشند. از این رو در پژوهش حاضر افرادی که قبلاً یا در حال حاضر، ضمن تجربه در کار خود، در سایر حوزه‌ها نیز تخصص داشته و شاغل بودند، جزء جامعه آماری قرار گرفتند. در این تحقیق با ۱۷ صاحب‌نظر مصاحبه به عمل آمد و پس از برگزاری این مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها به اشباع رسیدند. اغلب مصاحبه‌ها ضبط شدند، مگر افرادی که با ضبط صدا مخالف بودند که

1. Theoretical saturation

در این موارد نکات مهم یادداشت‌برداری می‌شد. ترکیب مصاحبه‌شونده‌ها و تخصص آنها در نگاره ۱ مشاهده می‌شود.

نگاره ۱: مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

مدیران اجرایی شرکت‌ها	اعضای جامعه حسابداران رسمی	اعضای سازمان امور مالیاتی کل کشور	اعضای کانون کارشناسان و کانون کارشناسان قوه قضائیه	اعضای سازمان بورس و اوراق بهادار	سازمان حسابرسی و کمیته تدوین استانداردها عضو	هیات علمی دانشگاه‌ها	
۷	۳	-	۲	۲	۲	۹	اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها
۱	۲	-	-	-	۲	۲	اعضای سازمان حسابرسی و کمیته تدوین استانداردها
۱	-	-	-	۳	-	۲	اعضای سازمان بورس و اوراق بهادار
۴	۲	۱	۴	-	-	۳	اعضای کانون کارشناسان و کانون کارشناسان قوه قضائیه
۴	۳	۴	۱	-	-	-	اعضای سازمان امور مالیاتی کل
۵	۶	۳	۲	-	۲	۳	اعضای جامعه حسابداران رسمی
۱۴	۵	۴	۴	۱	۱	۷	مدیران اجرایی شرکت‌ها

فرایند انجام مصاحبه نیز بدین صورت بود که مصاحبه ابتدا با سؤال‌های کلی شروع می‌شد و با پیشرفت در مصاحبه و بسته به موقعیت، سؤال‌های دقیق‌تری مطرح می‌شد؛ پس از انجام هر مصاحبه، تحلیل‌های لازم روی داده‌ها صورت می‌گرفت و مفاهیم استخراج می‌شدند تا در نهایت مدل پژوهش مشخص شد و در اختیار شش صاحب‌نظر که سه نفر از آنها در گروه مصاحبه‌شونده‌ها نبودند و سه نفر نیز در گروه مصاحبه‌شونده‌های قبلی حضور داشتند، قرار گرفت و مدل نهایی پژوهش ارائه شد. شایان ذکر است که تحلیل مفاهیم و مقوله‌ها بر اساس هر یک از مصاحبه‌ها، در چارچوب و حوصله این مقاله نمی‌گنجد و صرفاً مهم‌ترین تحلیل‌ها در این خصوص ارائه می‌شود.

۱. کدگذاری باز

در این مرحله، داده‌های مشابه گروه‌بندی و نام‌گذاری شدند. کدگذاری باز از طریق بررسی عمیق و دقیق نوشته‌ها، مصاحبه‌ها یا اسناد و به صورت خط به خط و حتی کلمه به کلمه انجام

می‌شود (استراوس، ۱۹۸۷). هدف، تولید مفاهیمی منطبق بر نظریه و کاهش غفلت از طبقه‌بندی‌های عمده است و به همین دلیل کدگذاری باز به تولید یک نظریه مفهومی انبوه منجر می‌شود. گلنزر (۱۹۹۲) نیز می‌گوید که این نوع تحلیل داده، موجب مفهوم‌پردازی افراطی می‌شود. از این رو، وی معتقد است که واحد تحلیل در داده‌ها بسته به نوع داده‌ها و حجم آنها بسیار متفاوت است. یعنی واحد تحلیل می‌تواند یک خط، یک سطر، یک بند یا کل سند باشد (گلنزر، ۱۹۷۸ و ۱۹۹۲). پس از شناسایی مفاهیم، روابط بین آنها و محور مشترک ارتباط دهنده آنها با یکدیگر شناسایی می‌شود. به بیان دیگر از طریق مقایسه مفاهیم با یکدیگر، محورهای مشترک دیگری به دست می‌آید که به آنها مقوله (طبقه) اطلاق می‌شود. به دنبال استخراج مقوله‌های اصلی، مشخصات و ابعاد هر مقوله نیز تعیین می‌شود. در این پژوهش به‌طور میانگین، از هر مصاحبه ۲۸ مفهوم استخراج شد و هر مفهوم به‌طور میانگین سه بار تکرار شده است. بیشترین تکرار مفهوم ۱۰ بار بوده است.

نمونه‌ای از استخراج مفاهیم در این پژوهش به شرح زیر است.

"... ما در بحث ارزشیابی مشکلات خیلی زیادی داریم، از خود مفروضات اندازه گیری و اینکه مبنای اندازه گیری خیلی از دارایی‌ها و بدهی‌ها چی هست مشکل داریم تا اینکه کی ارزیابی را انجام دهد... الان یک فهرستی توسط کانون کارشناسان وجود دارد و یک لیستی هم توسط کارشناسان قوه قضائیه و محدودیتی هم در استفاده از این‌ها وجود نداره و ارزیابی کیفی و معیاری که رتبه بندی بشن یا تحت نظارت قرار بگیرند عملاً وجود نداره، خوب در این وضعیت نتیجه این میشه که یک دارایی خیلی عادی رو اور ولیو میکنند و می‌چرخوند و بر اساس اون‌ها هم معامله می‌کنند و دارایی قیمت می‌خوره و حسابرس بدبخت هم میاد و بر اساس اون‌ها تایید می‌کنه معاملات رو.. چرا باید اینطوری باشه؟ ما از بقیه دنیا عقب‌تریم در این زمینه.. هم استاندارد نداریم و هم اینکه ارائه دهنده خدمات ارزشیابی منسجم نداریم.. مثل بقیه دنیا ما میتونیم اجاره بدیم حسابرس هامون علاوه بر کار حسابرسی تو حوزه خدمات مالی اشون هم به خدمات ارزشیابی پردازند و همزمان از این نظر هم ارزیابی بشن و اجازه ندیم هر فرد عادی بیاد و تو بحث قیمت گذاری دارایی‌های مختلف، وارد شه و انجام بده.. بحث دانش و تقویت دانش هم در این زمینه وجود داره و اگر موسسات تخصصی در این زمینه وارد شن قطعاً میتونند به روز باشند و از استانداردهای روز دنیا استفاده کنند... مجوز این کارها هم باید توسط نهادی صادر بشه که حسابرس‌ها از حساب می‌برند و به نوعی در درآمد اون‌ها اثرگذار

هستش... برای مثال سازمان بورس و اوراق بهادار که به بحث رتبه بندی هم پردازند... نمیشود همه بروند دنبال این کار، باید منسجم کرد این کار را... مخصوصاً در شرایط ایران که نهادهای موازی تا دلت بخواد داریم..

با بررسی نقل قول بالا، مفاهیم «مفروضات و مبانی اندازه گیری، نهاد و ویژگی های ارزشیاب، نهاد متولی ارائه مجوز ارزشیابی، تحت نظارت قرار گرفتن ارزشیابان، ابهام در ارزشیابی، ارائه خدمات ارزشیابی توسط حسابرسان، رتبه بندی کیفی خدمات ارزشیابان»، استخراج شد؛ سپس برای تشکیل مقوله‌ها، مفاهیم به دست آمده با یکدیگر مقایسه شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها بررسی شدند و مقوله‌ها که نشان‌دهنده محورهاى مشترك بین مفاهیم‌اند، استخراج گردیدند. برای مثال در مفاهیم بالا، مفاهیم «نهاد و ویژگی‌های ارزشیاب، نهاد متولی ارائه مجوز ارزشیابی، تحت نظارت قرار گرفتن ارزشیابان، و ارائه خدمات ارزشیابی توسط حسابرسان» تشکیل‌دهنده مقوله اصلی «مجوز انجام خدمات ارزشیابی به حسابرسان توسط نهادهای نظارتی» هستند. سایر مفاهیم و مقوله‌ها نیز به همین ترتیب استخراج شدند. تعداد کل مفاهیم و مقوله‌های اصلی در این پژوهش به ترتیب ۱۴۷ مفهوم و ۵۰ مقوله بوده است که تقریباً به‌طور میانگین، هر سه مفهوم، یک مقوله را تشکیل داده است.

۲. کدگذاری محوری

استراوس و کوربین (۱۹۹۸) بیان کردند که محققان باید مقوله‌های شناسایی شده را در ۵ دسته ذیل طبقه بندی نمایند. به این مرحله از کدگذاری، کدگذاری محوری اطلاق می‌شود.

الف) شرایط علی^۱: به رویدادها و متغیرهایی گفته می‌شود که ایجاد یا توسعه یک پدیده را باعث می‌شوند.

ب) راهبردها^۲: فعالیت‌های نتیجه‌محوری هستند که در رابطه با پدیده مورد نظر و در بستر مشخص شده و با وجود شرایط مداخله‌گر، انجام می‌شوند.

ج) شرایط مداخله‌گر^۳: به شرایطی گفته می‌شود که انجام راهبردها را با محدودیت روبه‌رو کرده یا انجام آنها را تسهیل می‌نماید.

د) شرایط بستر^۴: به منطقه خاص یا زمینه متغیرها اشاره دارد. مجموعه شرایطی است که بر راهبردها اثرگذار است. اغلب محققان در تشخیص و جدا کردن این نوع مقوله‌ها از

1. Causal conditions
2. Action strategies
3. Intervening conditions
4. Context

مقوله‌های علی با مشکل مواجه می‌شوند و در نهایت مقوله‌هایی که جذاب‌ترند را به‌عنوان شرایط علی و مقوله‌هایی که جذابیت کمتری دارند را در قالب شرایط بستر طبقه‌بندی می‌کنند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).
 (ها) پیامدها: نتایج حاصل از اجرای راهبردها می‌باشند.
 مقوله‌های شناسایی شده در این تحقیق در مدلی که در ادامه ارائه خواهد شد، طبقه‌بندی گردیده‌اند.

۳. کدگذاری انتخابی

در این مرحله، مقوله محوری انتخاب شده و سایر مقوله‌ها در دسته بندی بیان شده در بالا، در ارتباط با آن دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌شوند (استراوس، ۱۹۸۷)، و به بیان دیگر، محقق مقوله محوری را با سایر مقوله‌ها به صورتی نظام‌مند مرتبط می‌کند، روابط را بررسی می‌کند و مقوله‌های نیازمند بهبود را تکمیل می‌نماید (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). استراوس و کوربین (۱۹۹۸) معیارهای ذیل را جهت انتخاب مقوله محوری تعیین کردند:

- مقوله محوری باید در مرکز قرار داشته باشد، یعنی سایر مقوله‌ها با آن مرتبط باشند؛ در تحلیل‌ها دارای فراوانی بالایی باشد و تکرار شده باشد؛
 - انتزاعی بوده باشد و بتواند توضیح منطقی از رابطه میان مقوله‌ها ارائه نماید؛
 - با تغییر شرایط، کماکان محور بودن آن مصداق داشته باشد.
- شناسایی مقوله محوری سخت است ولیکن در تدوین نظریه، یک عامل اساسی است. ممکن است این مقوله در نتایج کدگذاری محوری موجود باشد، اما در غیر این صورت باید مقوله جدیدی ایجاد نمود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸).
- پس از شناسایی مقوله محوری، سایر مقوله‌ها مقوله‌های فرعی و توصیف‌کننده مقوله محوری هستند. در نهایت، نظریه داده بنیاد از طریق ترسی روابط بین مقوله محوری و سایر مقوله‌ها، ایجاد می‌گردد (نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۰). در این تحقیق، مقوله «گزارشگری و نظارت بر ارزش منصفانه» که تمام مقوله‌ها سعی در توضیح و تبیین آن دارند، به‌عنوان مقوله محوری انتخاب گردید.

یافته‌های پژوهش

مدل استخراج شده این پژوهش از فرایند سه گانه کدگذاری تشریح شده در بخش قبل است. استراوس و کوربین برای ارائه مدل و نتیجه تحقیق دو مدل را ارائه کردند؛ روش نمودار و روش خط سیر داستان (دانایی فرد، ۱۳۹۴). روش نمودار، ساده‌ترین و قابل فهم‌ترین روش است که در این تحقیق نیز از آن استفاده شده است. از مهم‌ترین شرایط علی که در نتیجه مصاحبه با خبرگان استخراج شد، می‌توان به لزوم افزایش سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری اشاره داشت. با توجه به مشکلاتی که در بحث کارایی بازار سرمایه ایران وجود دارد، حرکت به سمت رویکرد اندازه‌گیری جهت افزایش سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری حائز اهمیت است و بیش از پیش احساس می‌شود و همین مورد حرکت به سمت گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه را که خود مصداق پررنگ‌تر شدن رویکرد اندازه‌گیری است، توجیه می‌نماید. مقوله گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه نیز، قوه محوری این تحقیق است و سایر مقوله‌ها و شرایط سعی در توضیح آن دارند. مهم‌ترین راهبردهایی که مشارکت‌کنندگان در پژوهش برای پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در حوزه گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه ارائه نمودند را می‌توان به صورت ذیل بیان نمود: ارائه مجوز انجام خدمات ارزشیابی به حساب‌برسان توسط نهادهای نظارتی، انتشار رهنمودهای عملی برای حسابداران و حساب‌برسان و رتبه‌بندی ارزیابان مستقل و ارزیابی دوره ای آنها است. موردی که در شرایط فعلی علیرغم ظرفیت قانونی که در قانون بازار اوراق بهادار وجود دارد، در عمل اتفاق نیافته است و مغفول مانده است. همان‌گونه که بیان شد، مخالفت حساب‌برسان با پیاده‌سازی ارزش منصفانه به دلیل ایجاد مسئولیت بیشتر برای آنها، نوسانات اقتصادی و اثر آن روی نظارت بر ارزش‌های منصفانه، بخشی از با اهمیت‌ترین شرایط مداخله‌گر در زمینه اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه است که کار گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه را دچار محدودیت می‌نماید. اجتناب از تغییر در جامعه، عدم عزم و اراده ملی در خصوص تغییرات عمده در سیستم‌های گزارشگری شرکت‌ها، و الویت قانون بر استانداردهای حسابداری در گزارشگری مالی، از مهم‌ترین شرایط بستری است که راهبردها باید در آن شرایط انجام شوند و در بخش انتهایی مدل، در صورت اجرای راهبردها، پیامدهای قابل پیش‌بینی بیان شده از جمله مطابقت کامل با استانداردهای حسابرسی بین‌المللی، بکارگیری استانداردهای ارزشیابی در تعیین ارزش منصفانه و گسترش فعالیت حساب‌برسان در زمینه ارزشیابی حاصل خواهد شد.

نگاره (۲): مدل پیاده‌سازی ارزش‌های منصفانه: با تأکید بر گزارشگری و نظارت

پیامدها

- هماهنگی بین سازمان‌های داخلی در پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی
- بهبود ارتباط بین‌المللی
- مطابقت کامل با استانداردهای حسابداری بین‌المللی
- صرف منابع مالی جهت انشاع استانداردهای حسابداری بین‌المللی
- ایجاد انجمن حرفه‌ای استانداردهای بین‌المللی حسابداری و ارزشیابی ارزش منصفانه در کشور
- تغییرات تدریجی به استانداردهای حسابداری بین‌المللی
- یکپارگی استانداردهای ارزشیابی در تعیین ارزش منصفانه
- ایجاد ابزارهای سودمند در تعیین ریسک و قیمت‌داری‌ها و بدهی‌ها
- اطمینان حسابرسان از رعایت تمامی مفاد مقررات و قواعد موجود در خصوص تعیین و گزارشگری ارزش منصفانه
- گسترش فعالیت حسابرسان در زمینه ارزشیابی
- افزایش دانش کارکنان شرکت در خصوص اندازه‌گیری و گزارشگری ارزش منصفانه
- ایجاد فرصت برای دانش‌گاه جهت آشنایی کافی محیط دانش‌گاهی با ارزش منصفانه و استانداردهای ارزشیابی
- آگاهی بیشتر حرفه در خصوص ارزش منصفانه
- تدوین رهنمود عملی برای صنایع مختلف جهت پیاده‌سازی ارزش منصفانه

راهبردها

- تطبیق کامل با استانداردهای حسابداری بین‌المللی جهت جامعیت در گزارشگری
- هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های مرتبط در گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه
- ارائه مجوز انجام خدمات ارزشیابی به حسابرسان توسط نهادهای نظارتی
- بررسی ارزش‌های تعیین‌شده با چند منبع اطلاعاتی در مباحث نظارتی
- تنظیم چک لیست رعایت در گزارشگری و نظارت بر ارزش منصفانه
- انتشار رهنمودهای عملی برای حسابداران و حسابرسان
- تهیه‌بندی ارزیابی مستقل و ارزشیابی دوره‌ای آنها
- طبقه‌بندی‌داری‌ها و بدهی‌ها و ایجاد رویه‌های مشخص ارزشیابی برای هر گروه
- تعیین و تقویت وظایف و مسئولیت‌ها در کل فرایند اندازه‌گیری، گزارشگری و نظارت بر ارزش‌های منصفانه
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی موثر در خصوص گزارشگری و نظارت بر ارزش منصفانه
- ایجاد و استفاده از موسسات رتبه‌بندی جهت ارزشیابی و تأیید آنها توسط مدیران و حسابرسان
- تدوین قوانین بازتابنده در خصوص تخلفات افراد داخل در گزارشگری و نظارت بر ارزش منصفانه

شرایط بستری

- اجتناب از تغییر در جامعه
- عدم عزم و اراده ملی در خصوص تغییرات عمده در سیستم‌های گزارشگری شرکت‌ها
- الویت قانون بر استانداردهای حسابداری در گزارشگری مالی
- عدم وجود تضاد بین منافع سهام‌دار، شرکت‌ها و اثر آن روی نیازهای اطلاعاتی

شرایط مداخله‌گر

- پذیرفته شدن شرکت‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار تهران و رعایت الزامات سازمان
- عدم اعتقاد مدیریت از تند به تغییر در سیستم حسابداری مالی
- و پشتیبانی از تغییر آن
- تهیه صورت‌های مالی شرکت‌ها از طریق برون‌سپاری آن
- تهدید رقبا
- عدم آشنایی کارکنان با نحوه گزارشگری ارزش منصفانه
- عدم مشارکت صاحب‌نظران در خصوص پیاده‌سازی ارزش منصفانه
- مخالفت حسابرسان با پیاده‌سازی ارزش منصفانه به دلیل ایجاد مسئولیت بیشتر برای آنها
- عدم آشنایی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی از ارزش منصفانه و اثر آن روی صورتهای مالی
- نوسانات اقتصادی و اثر آن روی نظارت بر ارزش‌های منصفانه
- ملاحظات و مشکلات فنی گزارشگری و نظارت بر ارزش منصفانه
- ملاحظات عملی و سیاسی عدم اجرای ارزش‌های منصفانه
- عینیت کمتر ارزش منصفانه
- محرک بحران‌های اقتصادی
- مشکل پاداش مدیران و ارزشیابی عملکرد مدیران در نظام ارزش‌های منصفانه

مقوله محوری

گزارشگری و نظارت بر ارزش منصفانه

شرایط علی

- افزایش سودمندی در تصمیم‌گیری‌های حسابداری
- رقابت با سایر منابع اطلاعاتی
- ارتباطات بین‌المللی و توسعه اقتصادی
- قوانین و مقررات الزامی ذریبط
- اهمیت اطلاعات حسابداری در انعقاد قراردادهای

استراوس و کورین (۲۰۰۸) برای سنجش اعتبار مدل، ده معیار مقبولیت را معرفی نمودند. مقبولیت یعنی آنکه یافته‌های پژوهش تا چه میزان در بیان تجربه مشارکت کنندگان، محقق و خواننده در رابطه با پدیده مورد نظر موثق و باورپذیر است. استراوس و کورین ده شاخص مقبولیت را معرفی کردند که پژوهش حاضر نیز بر اساس آنها ارزیابی شد. معیارهای تناسب، کاربردی بودن و مفید بودن یافته‌ها، مفاهیم، زمینه مفاهیم، منطقی، عمق، تغییر پذیری، بداعت، حساسیت و استناد به یاد نوشته‌ها، معیارهایی بودند که در سنجش مقبولیت مدنظر قرار گرفتند (استراوس و کورین، ۲۰۰۸ و مشایخی، مداحی، مهرانی و رحمانی، ۱۳۹۲)، ولیکن به دلیل محدودیت در حجم این نوشتار از توضیح هر یک به صورت جداگانه خودداری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همانند تجربه سایر کشورها، پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در حالت مطلوب خود و همچنین در حدود استانداردهای تعیین شده، نیازمند زیرساخت‌هایی است و با چالش‌هایی نیز روبرو است. این تحقیق با مصاحبه با خبرگان این حوزه در ابعاد مختلف، سعی شد توجه را به این زیرساخت‌ها و مشکلات جلب نموده و مدلی با استفاده از تئوری داده‌بنیاد ارائه نماید. این مدل که با استفاده از روش پژوهش تئوری داده‌بنیاد ارائه شد، می‌تواند برای متولیان حوزه پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بالانحص سازمان حسابرسی و سازمان بورس و اوراق بهادار مفید باشد. نتایج این تحقیق با تحقیقات جاگی و همکاران (۲۰۱۰)، لاینک و پورجلالی (۲۰۱۲)، احمد (۲۰۱۲)، لیین و همکاران (۲۰۱۳)، بتاکوا و همکاران (۲۰۱۴)، یاتوف پرسی و هو (۲۰۱۴)، سالکا (۲۰۱۶)، و کرمی و بیک بشرویه (۱۳۹۶) مطابقت دارد.

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش به روش پژوهش مربوط می‌شود که البته نوعی محدودیت ذاتی آن است. هر چند تئوری داده‌بنیاد برای تئوری‌های بومی بسیار مفید است، همانند سایر روش‌های پژوهش کیفی با محدودیت تعمیم‌دهی مواجه است؛ بدین معنا که لزوماً نتایج این پژوهش برای سایر محیط‌ها و محیط‌های سایر کشورها مناسب نیست. مشکل ذاتی دیگر این روش پژوهش، احتمال ورود تعصبات و قضاوت‌های شخصی محقق است که تلاش شد با روش‌های آزمون مقبولیت مختلف، این تعصبات و قضاوت‌های شخصی در انجام پژوهش حداقل شود. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. میزان آگاهی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از استانداردهای حسابداری بین‌المللی و تغییراتی که در صورت‌های مالی بوجود می‌آورد بررسی شود.
۲. ریسک‌های فنی نظارت و حسابرسی ارزش‌های منصفانه در پژوهش جداگانه‌ای بررسی شود.
۳. پس از پیاده‌سازی استاندارد ۴۲، اثر اطلاعات جدید بر روی بازارهای سهام بررسی شود.

منابع

- دانایی فرد، حسن؛ کاظمی، حسین، (۱۳۹۴)، پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)، تهران: صفار.
- سازمان حسابرسی (۱۳۹۹)، استاندارد شماره ۴۲: اندازه‌گیری ارزش منصفانه.
- کریمی، غلامرضا، بیک بشرویه، سلمان (۱۳۹۶)، تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر اندازه‌گیری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۴)، ۵۷۳-۵۹۶.
- گل محمدی، مریم؛ رحمانی، علی، (۱۳۹۷)، شناسایی چالش‌های فنی به کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تأکید بر الزامات IFRS13، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۲(۱)، ۳۷۲-۴۳۴.
- مرادی، محمد؛ جعفری دره‌در، مرتضی و حسین‌زاده، سهراب (۱۳۹۸)، چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۳)، ۴۵۶-۴۸۱.
- مشایخی، بیتا، مداحی، آزاده، مهرانی، ساسان، رحمانی، علی، (۱۳۹۲)، تدوین مدل کیفیت حسابرسی، بورس اوراق بهادار، ۶(۲۳)، ۱۳۷-۱۰۳.
- نوری، علی؛ مهرمحمدی، محمود، (۱۳۹۰)، الگویی برای بهره‌گیری از روش نظریه برخاسته از داده‌ها در پژوهش‌های تربیتی. مطالعات برنامه‌درسی، ۶(۲۳)، ۳۵-۸.
- Adhikari, A. & Tondkar, R. (1992). Environmental Factors Influencing Accounting Disclosure Requirements of Global Stock Exchanges. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 4 (2), 75-105.
- Ahmed, K. (2012), auditing Fair Value Measurements and Disclosures: A Case of the Big 4 Audit Firms, Master's Thesis in Accounting Umeå University, Umeå School of Business and Economics.
- Ali, A. & Hwang, L. (2000). Country-Specific Factors Related To Financial Reporting and the Value Relevance of Accounting Data. *Journal of Accounting Research*, 38 (1), 1-21.
- Alnajjar, F. (1986). Standardization in Accounting Practice: A Comparative international Study. *International Journal of Accounting*, 21(1), 161-176.
- Auditing Organization of Iran (2020), Standard No. 42: Measuring Fair Value. (In Persian).
- Ball, R., Kothari, S. & Robin, A. (2000). The Effects of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 29(1), 1-51.
- Barth, M. E., & Landsman, W. R. (1995). Fundamental Issues Related to Using Fair Value Accounting for Financial Reporting. *Accounting Horizons*, 9(4), 97-107.
- Bell, T. B., & Griffin, J. B. (2012). Commentary on auditing high-uncertainty fair value estimates. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(1), 147-155.

- Craig, R. & Diga, J. (1996). Financial Reporting Regulation in ASEAN: Features and Prospects. *The International Journal of Accounting*, 31 (2), 239-259.
- Creswell, J. W. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches* (4th Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W., (2007), Qualitative inquiry and research design: choosing among five approaches, 2nd ed, translate by danaeifar.h and kazemi.h. Tehran, saffar press. (In Persian)
- Daske, H., Hail, L., Leuz, C., Verdi, R. (2008). Mandatory IFRS Reporting Around the World: Early Evidence on the Economic Consequences. *Journal of Accounting Research*, 46 (5), 1085-1142.
- Douppnik, T. & Salter, S. (1995). External Environment, Culture, and Accounting Practice: A Preliminary Test of a General Model of International Accounting Development. *The International Journal of Accounting*, Vol. 30, 189-207.
- El-Gazzar, S., P. Finn, And R. Jacob, (1999), An Empirical Investigation Of Multinational Firms Compliance With International Accounting Standards, *The International Journal Of Accounting* 34 (2): 239-248.
- Gernon, H. & Meek, G. (2001). *Accounting: An International Perspective* (5 Ed.). MA: Mcgraw-Hill, Boston.
- Glaser, B. G. & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies Forqualitative Research*. Aldine Publishing, Chicago.
- Glaser, B. (1978) Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory. Mill Valley, CA: Sage.
- Glaser, B. (1992). Basics of grounded theory analysis. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Golmohammadi, M. Rahmani. A., (2018), Technical Challenges Of Implementing Fair Values In Financial Reporting Of Iran: Emphasizing On IFRS13 Requirements, *Journal Of Accounting And Auditing Review*, Vol. 25, No.3, Pp. 387-414.(In Persian)
- Goulding, C. (2002) *Grounded Theory: A Practical Guide for Management, Business Andmarket Researchers*. Sage, London.
- Gray, S., (1988), Towards a Theory of Cultural Influence on the Development of Accounting Systems Internationally, *ABACUS* 24 (March): 1-15.
- Griffith, Emily E., Hammersley, Jacqueline S. And Kadous, Kathryn. (2012). Auditing Complex Estimates: Understanding The Process Used And Problems Encountered. Available At SSRN: [Http://Ssrn.Com/Abstract=1857175](http://Ssrn.Com/Abstract=1857175).
- Hail, L., Leuz, C. & Wysocki, P. (2010). Global Accounting Convergences and the Potential Adoption of IFRS by the U.S. (Part I): Conceptual Underpinnings and Economic Analysis. *Accounting Horizons*, 24 (3), 355-394.
- Hlaing, K. P., & Pourjalali, H. (2012). Economic reasons for reporting property, plant, and equipment at fair market value by foreign cross-listed firms in the United States. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 27(4), 557-576.
- IAASB. (2008).Staff Audit Practice Alert, PCOAB. Challenges in Auditing Fair Value Estimates in the Current Market Environment, 1-25.
- Jaggi, B. & Low, P. (2000). Impact of Culture, Market Forces, and Legal System on Financial Disclosures. *The International Journal of Accounting*, 35 (4), 495-519.

- Jaggi, B., Winder, J. P., & Lee, C. (2010). Is There a Future for Fair Value Accounting After the 2008–2009 Financial Crisis? *Review of Pacific Basin Financial Markets & Policies*, 13(3), 469-493.
- Karami, G.H., Beik Boshrouyeh, S., (2017), Developing A Model For Implementing The Fair Value Approach In Iran: With Emphasis On Measurement, *Quarterly Journal Of The Iranian Accounting And Auditing Review*, 24(4), 573 -596. (In Persian).
- La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., Shleifer, A. & Vishny, R. (1997). Legal Determinants of External Finance. *The Journal of Finance*, 52 (3), 1131-1150.
- Leggett, D., Wilkins, A., & Clark, S. (2015). The frequency, magnitude, and measurement subjectivity associated with liabilities reported at fair value. *Academy of Accounting & Financial Studies Journal*, 19(1), 160-170.
- Mashaykhi, B., Mehrani, K., Rahmani, A., Maddahi, A., (2013), Develop An Audit Quality Model, *Quarterly Journal Of The Stock Exchange*, Vol. 23, Pp. 103-137. (In Persian)
- Mirza, A., Orrel, M. & Holt, G., (2008), Practical Implementation Guide and Workbook. 2nd Willey IFRS: Edition.
- Moradi, M., Jafari Daredor, M., Hosseinzadeh, S., (2019), Challenges And Opportunities For Measuring Fair Value, In *International Financial Reporting Standards Adoption In Iran*, *Journal Of Accounting And Auditing Review*, Vol. 26, No.3, Pp. 456-481. (In Persian)
- Nobes, C. (1998). Towards a General Model of the Reasons for International Differences in Financial Reporting. *ABACUS*, 34 (2), 162-187.
- Noori, A., Mehrmohammadi, M., (2012), A Model for Applying Grounded Theory in Educational Studies, *Journal of Curriculum Studies (J.C.S.)* Vol.6 (23); 2012, 8-35. (In Persian)
- Ramanna, K. & Sletten, E. (2009). Why Do Countries Adopt International Financial Reporting Standards? Harvard Business School Accounting and Management Unit. *Working Paper* No. 09-102.
- Salter, S. (1998). Corporate Financial Disclosure In Emerging Markets: Does Economic Development Matter? *The International Journal of Accounting*, 33 (2), 211-234.
- Salter, S. & Niswander, F. (1995). Cultural Influence on The Development of Accounting Systems Internationally: A Test of Gray's [1988] Theory. *Journal of International Business*, 26 (2), 379-397.
- Saudagaran, S. & Diga, J. (2000). The Institutional Environment of Financial Reporting Regulation in ASEAN. *The International Journal of Accounting*, 35 (1), 1-26.
- Sawalqa, A.AI, (2016), Fair Value Accounting: A Controversial but Promising System, *Accounting and Finance Research*, Vol. 5, No. 1.
- Scott, W.R., (2015), *Financial Accounting Theory*, 7th Edition, Pearson Publications.
- Stanisic, N., Avric, S. P., Mizdrakovic, V., Djani, M. (2012). Mark-To-Market Accounting as the Magnifier of Financial Crisis.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures For Developing Grounded Theory* (2nd Ed.). Sage Publications, Thousand Oaks, CA, USA.

- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (3rd Ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Wolk, H.I., Dodd, J.L. & Rozycki, J.J. (2016). *Conceptual Issues in a Political and Economic Environment*, SAGE Publications.
- Xiao, J., Weetman, P. & Sun, M. (2004). Political Influence and Coexistence of a Uniform Accounting System and Accounting Standards: Recent Development in China. *ABACUS*, 40 (2), 193-218.
- Young, D. & Guenther, D. (2003). Financial Reporting Environments and International Capital Mobility. *Journal of Accounting Research*, 41 (3), 553-579.
- Zarzeski, M. (1996). Spontaneous Harmonization Effects of Culture and Market Forces on Accounting Disclosure Practices. *Accounting Horizons*, 10 (1), 18-37.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

بررسی سیکل تناوبی بیوریتمیکی شناختی در کیفیت قضاوت حرفه‌ای حساب‌رسان^۱

محمدحسین سنگانی^۲، محمدرضا عبدلی^۳، حسن ولیان^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

مقاله پژوهشی

چکیده

در دهه‌های اخیر علم از مرزهای سستی خود عبور کرده و موضوعات و حوزه‌های پژوهشی میان رشته‌های متعددی، همچون علم عصب شناسی پارافراتر از روانشناسی نهاده و وارد علوم دیگر همچون مالی و حسابداری شده است. یکی از مشتقات این علم، چرخه تناوبی بیوریتمیکی در عملکردهای تصمیم‌گیرندگان در عرصه‌های مالی و حسابداری، همچون حساب‌رسان می‌باشد، حوزه‌ای که از جانب پژوهشگران کمتر مورد توجه واقع شده است. بنابراین هدف این پژوهش بررسی سیکل تناوبی بیوریتمیکی شناختی در کیفیت قضاوت حرفه‌ای حساب‌رسان می‌باشد. در این پژوهش که در بازه زمانی ۶ ماه به‌طور منقطع و ۲ ماه در قالب ۴ بازه زمانی ۱۵ روزه به منظور بررسی سیکل تناوبی بیوریتمیکی شناختی حساب‌رسان انجام شد، تعداد ۶۰ نفر از حساب‌رسان مستقل که در قالب ۴ گروه ۱۵ نفر به منظور قرار گرفتن در ۴ سیکل بیوریتمی جسمی، عاطفی، ذهنی و شهودی انتخاب و از طریق آزمون‌های مانوا چند متغیره، تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر و همچنین آزمون‌های تحقیقی مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار پژوهش، برای سنجش کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای حساب‌رسان پرسشنامه بود و برای سنجش سیکل تناوبی بیوریتمیکی از نرم‌افزار بیوریتم^۵ در سیستم عامل اندروید و آی‌اواس^۶ استفاده شد. نتایج نشان داد، حساب‌رسانی که در سیکل‌های ذهنی، عاطفی و شهودی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حساب‌رسانی که در سیکل‌های ذهنی، عاطفی و شهودی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابداری بالاتری دارند.

واژه‌های کلیدی: سیکل تناوبی بیوریتمیکی، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حساب‌رسان، عصب‌شناختی.

طبقه بندی موضوعی: M41، M42

DOI: 10.22051/JERA.2022.36177.2866

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (mhsangani@yahoo.com)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول). (mrab830@yahoo.com)

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (hasan.valiyan@yahoo.com)

https://jera.alzahra.ac.ir

5. Biorhythm-365

6. IOS

مقدمه

روانشناسی به عنوان یک علم امروزه از حیطه‌های روان درمانگری، پا به عرصه‌های سایر رشته‌ها همچون حسابداری و مدیریت نهاده است و سبب گردیده تا با استناد به نظریه‌های روانشناسی، درون انسان‌ها به عنوان شاغلان یک حرفه را در راستای مسئولیت‌های شغلی و تخصصی مورد بررسی قرار دهد (دنيس و جانستون، ۲۰۱۶). امروزه علم روانشناسی با تمام ظرفیت و توانمندی خود، ضمن متحول ساختن ویژگی‌های شغلی در علوم انسانی، پیش‌فرض‌های مناسبی برای تدوین استراتژی‌های آتی آموزشی، رفتاری و مهارتی بنا نموده است (سعیدی گراغانی و ناصری، ۱۳۹۶). یکی از این عرصه‌ها، حسابرسی و اعمال وظایف حرفه‌ای حسابرسان در کنار مهارت‌های تخصصی و مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد. حسابرسان بدلیل ایفای نقش مهمی که براساس قضاوت در ارائه‌ی گزارش‌های صورت‌های مالی شرکت‌ها دارند، نقش مهم و قابل توجهی را در ارتقای سطح تصمیم‌گیری سهامداران، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی ایفا می‌نمایند (تروتمن و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع، قضاوت در حرفه حسابرسی نوعی فرآیند شناختی مبتنی بر ویژگی‌های استدلالی و قدرت تحلیلی حسابرسان در زمان تصمیم‌گیری است که ضمن انجام وظیفه شخصی، نوعی پیامد روانی محسوب می‌شود که براساس عملکردهای فردی، خود را به منصفه ظهور می‌رساند (جاویدی و همکاران، ۱۳۹۷). انجمن حسابداران رسمی کانادا (۱۹۹۵)، قضاوت حرفه‌ای را گوهر اصلی حسابرسی توصیف می‌نماید و آن را نتیجه ارزشی از حرفه حسابرسی تعریف می‌کند که مبتنی بر چارچوب‌های استاندارد‌های حسابداری و حسابرسی است (متنی و اکبری کیارودی، ۱۳۹۷). اما سایویست و کیدا (۲۰۱۸) تمرکز صرف بر استانداردهای حسابرسی جهت قضاوت حسابرسان را مورد نقد قرار می‌دهد و بیان می‌کند، لایه‌های انگیزشی و نگرشی را شاید بتوان از یک طرف و تغییرات زیستی حسابرسان و سیکل عملکرد ذهنی و بدن حسابرسان در زمان اتخاذ تصمیم را از طرف دیگر از جمله محرک‌های تاثیرگذار بر مکانیزم قضاوت حرفه‌ای حسابرسان عنوان نمود. در واقع قضاوت موضوعی فراتر از استانداردها و توانمندی‌های حسابرسی است، چراکه عملکردهای قضاوتی حسابرسی تحت تاثیر ویژگی‌های عصب‌شناختی و کارکردهای چرخه بیوریتیمیک حسابرسان می‌تواند باشد (مهرانی و نونهل‌نهر، ۱۳۹۰). در واقع یکی از ویژگی‌هایی که امروزه کمتر در مسیر قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان به آن توجه می‌شود، ویژگی‌های بیوریتیمی تاثیرگذار بر عملکردهای حسابرسان در قضاوت و استدلال‌های مرتبط به آن می‌باشد، چراکه

حسابرس باید نسبت به عملکردهای صاحبکاران تصمیم‌گیری نماید و این موضوع مستقیماً می‌تواند تحت تاثیر این ویژگی‌ها باشد. بیوریتیم یا ریتم بیولوژیکی مجموعه‌ای از عوامل احساسی، فیزیکی و شناختی هستند که حالات انسان را به فرم سینوسی از تولد تا مرگ نمایش می‌دهد (شیرازیان، ۱۳۹۵). در سال‌های اخیر علم بیوریتیمیک در علوم مختلف از جمله علوم انسانی و رفتار حرفه‌ای مطرح شده‌اند و لایه‌های پنهان عملکردهای فردی را براساس آن توجیح نموده‌اند. این علم در حرفه حسابرسی علم نوظهوری محسوب می‌شود زیرا کمتر پژوهشی به این عرصه ورود کرده است. اندک پژوهش‌هایی همچون سایویست و کیدا (۲۰۱۸)؛ بیک و همکاران (۱۹۹۶) و پیچر و سولمون (۲۰۰۱) در خارج و مهرانی و نونهال نهر (۱۳۹۰) در ایران به موضوع‌های مرتبط به این حوزه مثل عملکردهای حسابرسان و حسابداران پرداخته‌اند، که این پژوهش می‌تواند به توسعه ابعاد رویکرد علم شناختی در قضاوت‌های حسابرس کمک نماید. در واقع علوم بیوریتیمی در حسابرسی را می‌توان به دلیل افزایش پیش‌بینی تغییرات حالات ذهنی و جسمی حسابرسان مهم تلقی نمود و نقش آن در قضاوت‌های حسابرسی را مورد بررسی قرار داد. پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه‌های مشابه حاکی از آن است که، قضاوت و تصمیم‌گیری‌های افراد برحسب دوره‌های زمانی خاص و قرار گرفتن در حالات بیوریتیمی ذهنی و جسمی، متفاوت می‌باشد که شناخت این سیکل می‌تواند در به تاخیر انداختن یا سرعت بخشیدن به یک تصمیم‌گیری همسو با حالات روحی و جسمی تصمیم‌گیرنده کمک نماید (جویست، ۲۰۱۲). بیوریتیم یا ریتم بیولوژی مدعی است که زندگی هر فرد تحت تاثیر چهار چرخه فیزیکی، احساسی، ذهنی و حس ششم است و رفتار وابسته به هر یک از این دوره‌ها از طریق علوم بیوریتیمی قابل تعیین و تصمیمات ذهنی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (چین و مورگان‌تیم، ۱۹۸۳). در باب چرایی انجام این تحقیق در مورد حسابرسان باید بیان نمود، این چرخه‌ها که همانطور که گفته شد، عموماً مبتنی بر حالات جسمی، احساسی و ذهنی و شناختی هستند و در بدن افراد (حسابرسان) براساس ساعات درونی و بیولوژیکی عمل می‌کنند. این عملکردها به صورت موج سینوسی با دوره‌های تناوب متفاوت دائماً بالا و پایین می‌روند و این موضوع در زمانی که حالات سینوسی در پایین‌ترین حد خود قرار دارد، می‌تواند به شدت قضاوت‌های حسابرسان را در مسیر کارراهه شغلی تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین شناخت ویژگی‌های سیکل بیوریتیمیک یا به زبان فارسی زیست‌آهنگ دوره حرفه‌ای حسابرسی می‌تواند در به تاخیر انداختن یا تامل کردن بیشتر بر روی تصمیم‌گیری خود همراه باشد و از بروز هیجانات

غیرقابل کنترل جلوگیری به عمل بیاورد. باتوجه به توضیحات داده شده هدف این پژوهش بررسی سیکل بیوریتیم در قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان براساس ویژگی‌های شناختی می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

بیوریتیم، از مهمترین موضوعات در حیطه شناسایی ارگونومی ذهن و نوعی بازخورد زیستی است که با شناخت جنبه‌های جسمانی، شناختی (فکری) و حسی شخص، می‌تواند در کاهش اشتباهات و بهبود عملکردهای فردی همراستا با تغییرات سیکل عصب‌شناختی بدن موثر باشد. این تئوری براساس این ایده که بازخورد زیستی شیمیایی و ترشح هورمونی در داخل بدن می‌تواند یک رفتار سینوسی در طول زمان را نشان دهد، بنا شده است (اسکات و همکاران، ۲۰۱۱). بازخورد زیستی یا سیکل بیوریتیمیک، فرایند ثبت و برگشت دادن اطلاعات بیولوژیکی به فرد است و اساساً مبتنی بر این عقیده است که ذهن و جسم براساس عملکردهای عصب‌شناختی با یکدیگر ارتباط و پیوستگی متقابل دارند. هرچه فرد اطلاعات بیشتری از عملکرد عصب‌شناختی بدن خود داشته باشد، عملکردش را بهتر کنترل خواهد کرد. سیکل بیوریتیمیک بر این نکته تأکید دارد که انسان قادر است به‌طور ارادی بر جسم خویش تأثیر گذارد. در واقع شناخت از سیکل بیوریتیمیک نوعی فرایند یادگیری است که در آن فرد با دریافت اطلاعات دیداری و شنیداری از عملکرد و موقعیت خود می‌تواند آن‌ها را کنترل کند، تغییر دهد یا عملکرد را به تاخیر بیندازد (اوکونر، ۲۰۱۱). هدف سیکل بیوریتیمیک افزایش کنترل ارادی فرایندهای فیزیولوژیکی و افزایش توانایی فرد برای خودتنظیمی است که خارج از محدوده آگاهی‌های فرد است تا از اطلاعات این فرایندها به شکل سیگنال بیرونی استفاده کند و با تشخیص موقعیت و حالت بدنی خود اقدام‌هایی را در جهت بهینه ساختن شرایط موجود انجام دهد. محققان بیان داشتند استفاده از سیکل بیوریتیمیک به عنوان روش کنترل و حفظ ثبات رفتاری می‌باشد که موجب کاهش اضطراب و خلق و خوی منفی در افراد می‌شود، زیرا منشأ تغییرات عملکردی خود را تشخیص می‌دهد و در صورتی که در شرایط بحران شهودی یا عاطفی یا جسمی قرار گرفته باشد، با استفاده از شناخت سیکل بیوریتیمیک می‌تواند، تصمیم‌گیری‌های حساس را به تاخیر بیندازد (مولدوان و همکاران، ۲۰۱۱). محققانی همچون اُسکویی (۱۹۷۶)؛ اوکونر و مولی (۱۹۹۱)؛ هینس (۱۹۹۶) و آل‌خلیل و قادر (۲۰۱۴) سیکل بیوریتیمیک را به سه دسته کلی چرخه تناوبی فیزیکی (۲۳ روزه)؛ چرخه تناوبی عاطفی (۲۸

روزه) و چرخه تناوبی هوشی (۳۳ روزه) که از لحظه تولد انسان آغاز و به صورت سیونسی تداوم می‌یابند، تفکیک نمودند.

الف) چرخه متناوب جسمی

چرخه جسمی که بیشتر مربوط به حالات جسمی افراد مربوط می‌شود که باعث می‌گردد قدرت ذهنی و کارکرد مغز و میزان یادگیری حافظه بشدت تقلیل یابد و هر ۲۳ روز یک بار تکرار می‌شود که ۱۱/۵ روز آن در منطقه مثبت و پرانرژی است و ۱۱/۵ روز دیگر در حالت سطح انرژی پایین و در نتیجه قدرت و استقامت پایین می‌باشد. ۳ ناحیه مشخص دارد که قرار گرفتن در هر کدام، حالات جسمی یا فیزیکی خاصی را به دنبال دارد:

- **ناحیه مثبت:** قرارگرفتن در این ناحیه از سیکل جسمی، فرد را نسبت به شرایط جسمانی حساس تر می‌کند و تمایل به ورزش و سلامت ذهنی را در اولویت برنامه‌های خود قرار می‌دهد. معمولاً فرد در این دوره کمتر دچار فشار و استرس و مشکلات جسمانی می‌گردد و فرد برای انجام کار به خصوص در حرفه حسابرسی صلابت قابل توجهی از خود نشان می‌دهد (دوکسبوری، ۲۰۱۵).
- **ناحیه منفی:** فرد در این ناحیه زود خسته می‌شود، دوست دارد به گوشه‌ای برود و دائماً استراحت کند و آرامش داشته باشد. کلاً غیرفعال عمل می‌کند (دوکسبوری، ۲۰۱۵).
- **نقطه بحرانی:** توانایی جسمی افراد در این دوره زیر سوال است (دوکسبوری، ۲۰۱۵).

ب) چرخه تناوبی احساسی/عاطفی

چرخه حسی با نوع برخورد افراد با دیگران و احساسات مبتنی بر خلق و خوی افراد مرتبط می‌باشد. این سیکل بیوریتیم که بر قدرت ذهن و کارکرد مغز و میزان یادگیری و حافظه تأثیرگذار است، دارای دوره ۳۳ روز نمودار می‌باشد که ۱۶/۵ روز نمودار مثبت و باعث کارکرد بهتر مغز و تصمیم‌گیری و یادگیری بهتر می‌شود و از روز ۱۷ تا ۳۳ که نمودار منفی است، کارکرد مغز، پایین و حافظه و قضاوت و تصمیم‌گیری ضعیف می‌گردد. در واقع چرخه احساسی تغییرات درونی افراد و نه الزاماً تغییرات بیرونی است. به عنوان مثال یک حسابرس ممکن است از حرفه حسابرسی خود لذت ببرد، اما در زمان قرار گرفتن سکل احساسی در سطح پایین، از شغل خود بیزار باشد. این چرخه نیز دارای سه ناحیه می‌باشد:

- **ناحیه مثبت:** قرار گرفتن در این ناحیه بشدت باعث افزایش سطح رضایت فردی از اطراف خود می‌شود و فرد در این ناحیه تلاش می‌کند تا به دیگران محبت نماید و کارهای خود را براساس

علاقه انجام دهد. در این دوره از نمایشگاه‌های هنری دیدن می‌کند و به سینما می‌رود و دوست دارید در مسابقات مختلف شرکت کند.

- **ناحیه منفی:** قرار گرفتن در این ناحیه باعث می‌شود فرد دل و دماغ انجام کارهای روزمره را ندارد و فرد جهت انجام برخی از کارها با کلی سوال و جواب مواجه است و حتی دلیلی برای انجام آن نمی‌یابد.
- **نقطه بحرانی:** فرد در این نقطه، کم طاق، بد اخلاق و بسیار ظرفیت پایینی دارد و در برابر عملکردهای دیگران بشدت واکنش نشان می‌دهد و تاب و تحمل تقابل با دیگران را ندارد و با کوچکترین محرکی در جهت افزایش تنش برانگیخته می‌شود.

ج) چرخه تناوبی ذهنی/فکری

سیکل ذهنی، مربوط به توانایی‌های مغزی و فکری در حل مسائل و نحوه تفکر است. این سیکل از سیکل‌های فرعی محسوب می‌شود و مؤثر بر قدرت تفکر و دریافت‌های مستقیم که دارای دوره‌های ۳۸ روزه که معمولاً ۱۹ روز مثبت و ۱۹ روز منفی است. چرخه ذهنی دارای سه ناحیه مثبت، بحرانی و منفی است:

- **ناحیه مثبت:** قرار گرفتن در این ناحیه فکری باعث می‌شود که افکار مثبتی در ذهن افراد به وجود بیاید. در این دوره معمولاً افراد سطح یادگیری بسیار بالایی دارند و توانایی بالایی در حل مسائل دارا هستند و به کمک قدرت حافظه تصمیم‌گیری‌های این سطح بسیار اثربخش می‌باشد.
- **ناحیه منفی:** افراد در این ناحیه برای کارهای تازه که شروع آن معمولاً همراه با چالش است زمان مناسبی نیست، چراکه فرد، قادر به تحلیل و تفکر درباره آن موضوعات در این زمان نیست. در این ناحیه معمولاً تثبیت یادگیری‌ها و تقویت ذخیره سازی‌ها کارآمدی قابل توجه‌تری دارد.
- **نقطه بحرانی:** افراد در این ناحیه بسیار ذهن پرتنشی دارند و تمرکز آن‌ها برای حل مسائل حتی کوچکترین آن‌ها بسیار پایین است و آشفتگی ذهنی باعث می‌شود فرد قدرت تحلیلی و استنباطی مناسبی نداشته باشد.

ج) چرخه تناوبی شهودی

سیکل شهودی، مربوط به توانایی‌های فرا فردی و مبتنی بر حس ششم در تصمیم‌گیری است. این سیکل به احساس اشراقی نیز معروف است، معمولاً در افراد بسته به ویژگی‌های رفتاری و توانمندی در تصمیم‌گیری متفاوت می‌باشد. سیکل شهودی ۳۸ روزه است و توانایی‌های این

دوره غرایز و درک ناخودآگاه است. همچنین توانایی‌های روحانی معنوی در این دوره بالاست.

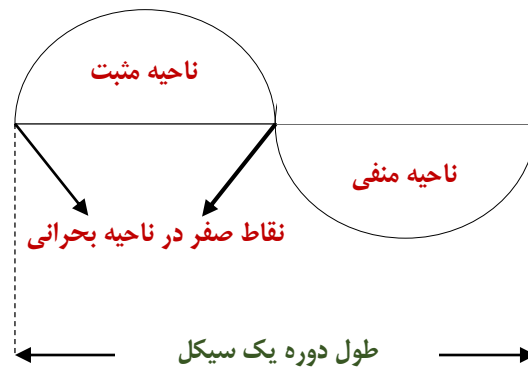
چرخه شهودی دارای سه ناحیه مثبت، بحرانی و منفی است:

- **ناحیه مثبت:** قرار گرفتن در این ناحیه شهودی حالت معنوی فرد را بالا می‌برد به طوری که فرد در این ناحیه، با اتکا به معنویات و قوانین ماورایی اقدام به تصمیم‌گیری می‌نماید و به قسمت و قضاء، به عنوان یک عامل مهم در کائنات برای موفقیت در تصمیم‌مورد نظر، باور دارد.
- **ناحیه منفی:** فرد در این ناحیه معمولاً تصمیم‌گیری را به تاخیر می‌اندازد، چراکه احساس شراقی فرد پایین است و تمرکز لازم برای مبنا قرار دادن قدرت شهود در تصمیم‌گیری را ندارد.
- **نقطه بحرانی:** افراد در این ناحیه نسبت به باورهای معنوی خود دچار تردید می‌شوند و در تقابل بین منطق و استدلال با شهود در تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند. نقطه بحرانی برای سیکل شهودی، نوعی تخریب معنویات در تصمیم‌گیری است و فرد اگر اقدام به تصمیم‌گیری نماید، معمولاً قدرت منطق را نسبت به قدرت شهود در اولویت قرار می‌دهد.

براساس نظریه بیوریتیم در طی ۲۴ ساعتی که یک سیکل در حال حرکت از مرحله مثبت به منفی یا از مرحله منفی به مرحله مثبت است، توانایی عملکرد در حیطه مربوط به آن سیکل بسیار بی‌ثبات می‌شود. روزهایی که سیکل‌ها از روی نقطه صفر عبور می‌کنند، از منظر نظریه بیوریتیم بسیار مهم می‌باشند. زیرا این نظریه معتقد است این روزها عملکردهای فردی به شدت دچار افت می‌شود و هرگونه تصمیم‌گیری می‌تواند دامنه وسیعی از اشتباهات فردی باشد (برَدشو، ۱۹۸۲). نمودار زیر روند این تغییرات را به خوبی نشان می‌دهد.

شکل ۱: روند تغییرات سیکل بیوریتیمیک در سه ناحیه مثبت، منفی و بحرانی (منبع: برَدشو،

۱۹۸۲)



همانطور که در این شکل مشاهده می‌شود، زمانی که تغییرات عصب‌شناختی فرد در بخش بالای خط قرار دارد، سیکل موردنظر در ناحیه مثبت می‌تواند به افزایش سطح توانمندی‌های فردی برحسب سیکل جسمی، عاطفی، فکری و شهودی کمک نماید. به عبارت دیگر مرحله مثبت تعداد روزهایی است که در آن روزها بدن انرژی خود را منتشر می‌کند و مستعد است که در نقطه اوج خود باشد. زمانی که منحنی در بخش پایین خط قرار دارد، سیکل موردنظر در مرحله منفی می‌باشد. مرحله منفی که از نظر تعداد روزها مساوی با مرحله مثبت می‌باشد، زمانی است که، بدن در حال بازگرداندن انرژی از دست داده در مرحله مثبت است و تمایل به عملکردی پایین‌تر از حد متعارف دارد. روز بحرانی همان نقاطی می‌باشند که سیکل‌ها از روی نقطه صفر عبور می‌کنند، در این روزها بدن تمایل به بی‌ثباتی دارد. نقطه بحرانی یک نقطه تقریباً خنثی است که یا به سیکل مثبت تعلق دارد یا به سیکل منفی و یا این که به هیچ یک از آن‌ها تعلق ندارد (کروی و نیپلر، ۱۹۷۷).

قضاوت حرفه‌ای حساب‌رسان

قضاوت اشاره به یک مجموعه فعالیت‌های ذهنی دارد که به هنگام تصمیم‌گیری درباره خلق یا انتخاب در بین راه‌حل‌های مختلف، رخ می‌دهد (گالوتی، ۲۰۰۲؛ چاراگین و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۴) مینتزرگ و همکاران (۱۹۷۶)، با تعریف رفتار به عنوان یکی از جنبه‌های قضاوت، تصدیق کردند که قضاوت، یک تعهد خاص برای تصمیم‌گیری درباره موضوعی خاص محسوب می‌شود. محققین، مانند مینتزرگ و وستلی (۲۰۰۱) و مک‌کنیا و همکاران (۲۰۰۵) تاکید دارند که در واقعیت، قضاوت همیشه نتیجه مجموعه رفتارهای متوالی و از قبل تعریف شده نمی‌باشد، بلکه قضاوت در نتیجه یک فرآیند غیر خطی و غیر متوالی است. هریسون (۱۹۹۹) قضاوت را به عنوان یک فرآیند مستمر شناسایی و ارزیابی راه‌حل‌های جایگزین برای تحقق یک یا چندهدف تعریف می‌کند که در آن انتظارات و اولویت‌بندی‌ها درباره یک مسیر رفتاری خاص منجر می‌شود تا تصمیم‌گیرنده، مسیری را به احتمال زیاد منجر به تحقق اهداف می‌شود را برگزیند. نکته قابل توجه این است، گرچه موضوع تصمیم‌گیری و قضاوت در پژوهش‌هایی همچون مدیریت و مطالعات سازمانی سابقه طولانی دارد و تصمیم‌گیری عمدتاً به عنوان یک فرآیند سیستماتیک در نظر گرفته می‌شود (لانگلی و همکاران، ۱۹۹۵) که از طریق آن راه‌حل‌های جایگزین، بسط و توسعه، مقایسه و به منظور تحقق اهداف موردنظر، انتخاب می‌شوند (کیست

و مایکل، ۲۰۰۹)، اما در حیطه‌های علم مالی همچون حسابرسی دانشی تقریباً نوظهور محسوب می‌شود، چرا که پس از توسعه دیدگاه‌های رفتاری مالی در سال ۱۹۹۰ به‌طور جدی‌تر مورد توجه قرار گرفتند تا اینکه در اوایل قرن حاضر مباحث روانشناختی و رفتاری به عنوان معیارهای تصمیم‌گیری به خصوص در حوزه‌های حسابرسی مطرح گردید. به عبارت دیگر باید بیان نمود، موضوع تصمیم‌گیری و اظهارنظر در حرفه‌ی حسابرسی، از منظر قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان در طی سال‌های اخیر مورد توجه ویژه قرار گرفته است (هردینگ و تروتمن، ۲۰۱۷). در واقع، قضاوت فرآیند یک انتخاب یا یک تصمیم است که منجر به یک فعالیت می‌شود. این یک تعریف ساده از قضاوت است. اما فرآیند قضاوت احتمالاً مفهومی گسترده‌تر دارد. به عبارت دیگر، از لحاظ مفهومی قضاوت شامل درک اولیه و شناخت موضوع، جستجو برای کسب اطلاعات، ارزیابی و وزن‌دهی به اطلاعات موجود، ملاحظه ارزش و مطلوبیت پیامدهای بالقوه و در نهایت اتخاذ خود تصمیم است (حیرانی و همکاران، ۱۳۹۶). قضاوت حرفه‌ای مفهومی است که در اغلب رشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در حسابرسی، قضاوت حرفه‌ای به معنای کاربرد دانش و تجربه در چارچوب استانداردهای حسابداری، حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای برای تصمیم‌گیری درباره انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های مختلف است (سانوسی و همکاران، ۲۰۱۸). اعتمادبخشی در حسابرسی و نیز اعتبار و سودمندی گزارشگری مالی در گرو انجام قضاوت‌های خوب به دست افراد حرفه‌ای است. انجمن حسابداران خبره کانادا (۱۹۹۵) در تعریفی جامع در مورد قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان بیان می‌کند: «قضاوت حرفه‌ای، گوهر اصلی حسابرسی است و ارزشی که با حسابرسی صورت‌های مالی ایجاد می‌شود و ناشی از مجموعه قضاوت‌های حرفه‌ای است که در چارچوب استانداردهای حسابداری و حسابرسی می‌تواند به افزایش ارزش در این عرصه منجر شود». اما سوال اینجاست تاچه اندازه، استانداردهای حسابرسی می‌توانند به افزایش درستی قضاوت‌های حرفه‌ای کمک کنند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت، استانداردهای حسابرسی در حیطه‌ی ارائه گزارش‌های حسابرسان با تکیه بر آیین رفتار حرفه‌ای حسابرسان تلاش می‌نمایند، از طریق برانگیختن انگیزه‌های مسئولیتی و حرفه‌ای، رفتار حسابرسان را تا حدی کنترل نمایند (اسدی و نعمنی، ۱۳۹۳) و از این طریق اعتبار بیشتری به صورت‌های مالی بدهند و قدرت تصمیم‌گیری افراد را افزایش بخشند. اما واقعیت این است که بدلیل پیچیدگی‌های رفتاری افراد و به دلیل اینکه قضاوت مبتنی بر جنبه‌های درونی و رفتاری افراد می‌باشد و معمولاً در برداشت از واقعیت‌ها، هویت حرفه‌ای

حسابرسان در ابعاد کلان تر نادیده انگاشته می شود، نمی تواند نقش چندان کارسازی برای آن در قضاوت حرفه‌ای قائل شد (چن و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو در شرایط حاضر، یکی از پیچیدگی‌ها در حرفه‌ی حسابرسی که نیاز به توجه دارد، در نظر گرفتن معیارهای قضاوتی حسابرسان است که در هیچ کتاب استاندارد به آن اشاره نشده است، می‌باشد. چرا که قضاوت امری است که در تمام فرآیند عملیات حسابرسی وجود دارد و ضرورت توجه به ویژگی‌هایی همچون حرفه‌ای‌گرایی که منجر به افزایش انتظار در کیفیت قضاوت حسابرسان و تصمیم‌گیری‌های آنها می‌شود، بسیار احساس می‌شود. از منظر تئوری‌های رفتاری در حیطه‌های حسابرسی، باید بیان شود، حسابرس یک فرد خاص با دانش فنی، در یک فضای خاص، در یک زمان خاص و در یک مکان خاص و متفاوت از تمامی بررسی‌های قبلی خود می‌باشد. در این شرایط، می‌بایست با نگاهی کلان قضاوت حرفه‌ای را هم از منظر حیطه‌های تخصصی و رفتاری بررسی نمود و هم به ویژگی‌های شهودی و قدرت تصمیم‌گیری‌های حسابرسان در شرایط فشار رسیدگی توجه کرد (لینچ و همکاران، ۲۰۰۹). در قضاوت‌های حرفه‌ای، حسابرسان می‌بایست براساس بکارگیری دانش فنی و تخصصی مبتنی بر تجربه‌های‌شان، اظهارنظرهای واقع‌گرایانه براساس رفتارهای اخلاقی را در جهت افزایش میزان شفافیت‌ها ارائه دهند (زسامبوک، ۱۹۹۷). درحالی‌که تئوری‌های سنتی اعتقاد داشتند که براساس رویکردهای بخردانه و بر مبنای مدل‌های هنجاری می‌بایست تصمیم‌های بهینه‌ای مبتنی بر طی کردن گام به گام اصول تصمیم‌گیری طی شود، رویکردهای رفتاری و شناختی اعتقاد به تاثیرگذاری محیط‌های پیچیده در فرآیندهای تصمیم‌گیری دارد و تصمیم‌گیری را مبنایی براساس نیروهای درونی حسابرسان همچون قدرت شهود بنا می‌نماید. در واقع تصمیم‌گیری از فرآیند گام به گام به فرآیندهای قضاوتی مبتنی بر ادراک شخصی حسابرسان تغییر جهت می‌دهد و بیشتر بر جنبه‌های عملی در تصمیم‌گیری متمرکز می‌شود. در این راستا شناخت دو مکتب مهم در تصمیم‌گیری شامل مکتب برلین و مکتب تئوری تعادل استرنبرگ می‌تواند به افزایش مفهوم سازی قضاوت‌های حرفه‌ای کمک نماید (ویندهورست، ۲۰۱۱). در واقع واژه، «پراگماتیک»، «عملگرایی»، «حل مسئله» و «واکنش به یک محیط» مفاهیم مشابهی هستند که در مفهوم‌سازی قضاوت از نوع معقولانه و گام به گام می‌تواند در حرفه‌ی حسابرسی مورد توجه قرار گیرد. لام و منساح (۲۰۰۶) باور دارد زمانیکه گفته می‌شود که یک حسابرس تصمیمی را اتخاذ کرده است، سه مفهوم در ذهن ما نقش می‌بندد: (۱) وی یک سری از اقدامات را در راستای انجام دادن

آن آغاز کرده است (۲) وی ذهن خود را برای انجام یک موضوع خاص فارغ از چارچوب‌های ذهنی گذشته، آماده ساخته است و (۳) وی یک نظر یا رای را در این زمینه ارائه کرده است که یک فرد باید در یک شرایط خاص بعد از ارایه راه حل‌های جایگزین، اقداماتی را انجام دهد. بنابراین شناخت معیارهای قضاوتی یک حسابرس در بررسی‌های صورت‌های مالی با اتکا به مفهوم سازی عقلایی، می‌تواند به همراستایی بیشتر مفاهیم ذهنی و واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها کمک نماید (ولیان و همکاران، ۱۳۹۸). اما مکتب تئوری تعادل استرنبرگ (۲۰۱۳)، قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را ذاتا ماهیتی شهودی قلمداد می‌کند، چراکه شواهد و مدارک به تنهایی نمی‌توانند ضمانت اتخاذ یک تصمیم منطقی باشند.

سیکل بیوریتیمیک و کیفیت قضاوت حرفه‌ای

همانطور که بیان شد، سیکل بیوریتیمی تغییرات عصب‌شناختی مبتنی بر تغییر دوره‌ای سطح مواد شیمیایی در عملکرد بدن می‌باشد که باعث تاثیرگذاری بر عملکردهای فرد می‌شود. براساس این تئوری در هنگام تغییر جهت هر چرخه، از فاز مثبت به منفی و برعکس، باعث برهم خوردن تعادل در عملکردهای فردی می‌شود. سیکل بیوریتیمی در سه فاز مثبت، منفی و بحرانی باعث می‌شود فرد دچار اختلال در عملکردها یا اثربخش‌تر شدن عملکردهای فردی شود. در فاز مثبت سیکل تناوبی فیزیکی که ۱۱/۵ روز طول می‌کشد، عملکرد جسمانی بدن در برابر فشارها و تغییرات محیطی مقاوم‌تر بوده و قدرت استدلال ذهنی قابل توجه‌تری دارد. در فاز مثبت سیکل تناوبی ذهنی/فکری نیز که ۱۴ روز طول می‌کشد و همراه با افزایش انگیزه و احساس شادی در فرد می‌باشد باعث افزایش سطح عملکردی در تصمیم‌گیری می‌شود، در حالی که در فاز منفی این چرخه قابلیت تحریک‌پذیری و نگرش منفی در فرد تقویت می‌گردد. در نهایت در فاز مثبت سیکل تناوبی عاطفی فرد درک مناسب‌تری از ویژگی‌های عاطفی و احساسی خود و دیگران دارد و با شناخت آن تصمیم‌های منطقی‌تر به دلیل ثبات هیجانی اتخاذ می‌کند.

پیشینه تجربی پژوهش

سایویست و کیدا (۲۰۱۸) که در پژوهش خود به نقش مود در ارتباطات حرفه‌ای حسابرس اشاره نموده بود، در بخشی از پژوهش خود، قرار گرفتن حسابرس در یکی از سیکل‌های تناوبی بیوریتیمی را دلیلی برای شناخت قضاوت‌های حسابرس بیان نمود. از طرف دیگر جویست (۲۰۱۲) شناخت روند تغییرات شیمیایی در بدن افراد براساس سیکل بیوریتیمی را دلیلی برای

اتخاذ تصمیم بهتر در مسائل مالی مطرح نمود. این محقق با بررسی بیش از ۳۰۰ سرمایه گذار در سطح بازار سرمایه، تایید نمود، تفاوت مشخصی در زمان تصمیم گیری ناحیه مثبت معیارهای بیوریتیمی شهودی، تفکری و عاطفی با ناحیه بحرانی وجود دارد، به طوری که بیش از ۳۵ درصد از موفقیت در این عرصه را شناخت روند تغییرات و تمرکز بر سیکل بیوریتیمی عنوان نموده است. همچنین چانگ و همکاران (۲۰۰۸) تصمیم گیری حسابرسان درباره عملکرد صاحبکاران در نتیجه‌ی تغییرات خلقی آنان عنوان کردند. نوکند و همکاران (۲۰۱۵) نیز تاثیرات مود در قضاوت در حسابرسی را تایید نمود و قرار گرفتن حسابرس در حالات روحی مثبت را عاملی برای اتخاذ قضاوت‌های با کیفیت تر در حرفه حسابرسی عنوان نمود. از طرف دیگر بهاتاچارجی و مورنو (۲۰۱۳) وجود عواطف و احساسات در سیکل بیوریتیمی را همچون شمشیری دو لبه در قضاوت حرفه‌ای حسابرس عنوان می‌نمایند و بسته به ناحیه مثبت یا بحرانی در چرخه زیست آهنگ فردی حسابرس آن را مثبت یا منفی ارزیابی می‌کند. به عبارت دیگر اگر بیوریتیم عواطف در ناحیه مثبت باشد، قضاوت فرد توأم با ثبات هیجانی خواهد بود و این موضوع باعث می‌شود کیفیت قضاوت حسابرس افزایش یابد. در حالیکه قرار گرفتن بیوریتیم عاطفی در ناحیه بحرانی، ثبات هیجانی فرد را بر هم می‌زند و این موضوع باعث کاهش قضاوت حرفه‌ای حسابرس می‌شود. به عبارت دیگر در تشریح سیکل بیوریتیمی باید بیان نمود، این سیکل‌ها، دوره‌هایی از روزهای زندگی زیستی هستند، که در این روزها، افراد از لحاظ برخی خصوصیات حالت ناپایداری دارند، که اصطلاحاً به آن، روزهای بحرانی گفته می‌شود. این روزها در واقع زمان‌هایی هستند که منحنی سینوسی بیوریتیم محور افقی یا طول‌ها (X) را قطع می‌نماید و از فاز مثبت وارد فاز منفی و یا برعکس می‌گردد. به عبارتی هنگام تغییر جهت هر چرخه از فاز مثبت به منفی و برعکس، حسابرس یک روز بحرانی و ناپایدار را تجربه می‌کند که این ناپایداری او را مستعد خطا در عملکرد و کاهش کیفیت قضاوت می‌نماید. به عبارت دیگر، هنگامی که یک سیکل از سمت منطقه منفی با سطح صفر برخورد کند، گفته می‌شود که حسابرس روز صفر خود را سپری می‌کند، و هر بار که یک سیکل از سمت منطقه مثبت با سطح صفر تلاقی کند، گفته می‌شود که حسابرس در روز بحرانی خود قرار دارد. در روزهای بحرانی، توانایی‌های مرتبط با یک سیکل خاص حالتی متزلزل و ناپایدار دارند. در روز صفر نیز همین امر صادق است، اما این روز به مراتب بهتر از روز بحرانی است، زیرا سیری صعودی رو به منطقه مثبت دارد.

فرضیه‌های پژوهش

به استناد مباحث تئوریک می‌توان فرضیه‌های پژوهش را به شرح زیر مطرح نمود:

فرضیه اول) حسابرسانی که در سیکل جسمی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل جسمی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسی بالاتری دارند.

فرضیه دوم) حسابرسانی که در سیکل ذهنی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل ذهنی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسی بالاتری دارند.

فرضیه سوم) حسابرسانی که در سیکل عاطفی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل عاطفی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسی بالاتری دارند.

فرضیه چهارم) حسابرسانی که در سیکل شهودی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل شهودی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسی بالاتری دارند.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود که تاثیر سیکل بیوریتمیکی شناختی حسابرسان بر روی متغیر وابسته یعنی قضاوت حرفه‌ای مورد سنجش قرار گرفت. متغیر مستقل شامل سیکل‌های بیوریتی و متغیرهای وابسته شامل قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان می‌باشد که از طریق نرم‌افزار بیوریتیم در سیستم عامل اندروید و ای‌اواس و آزمون‌های مانوا چندمتغیره، تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر و همچنین آزمون‌های تعقیبی انجام می‌شود. جامعه‌ی آماری پژوهش حسابرسان مستقل بودند که در قالب دو گروه مورد بررسی قرار گرفتند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند براساس روش تعیین حجم نمونه کوهن در جوامع نامحدود استفاده شد. روش تعیین حجم نمونه کوهن، یکی از روش‌های محاسبه حجم نمونه آماری در جوامع هدف نامعلوم و نامحدود است. نکته قابل توجه در این روش، تعیین واریانس یا انحراف معیار نمونه می‌باشد که با توزیع اولیه در بین ۳۰ نفر از اعضای جامعه هدف تعیین می‌شود. روش تعیین حجم نمونه به ترتیب زیر می‌باشد:

$$n = \frac{\left(Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \times S^2 \right)}{d^2}$$

که در آن

$Z_{\frac{\alpha}{2}}$ در سطح خطای ۵٪ محاسبه شده است و برابر با ۱/۹۶ است.

d مقدار خطا است که به صورت پیش فرض ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است و می تواند بر حسب ماهیت پژوهش ۰/۱ نیز در نظر گرفته شود.

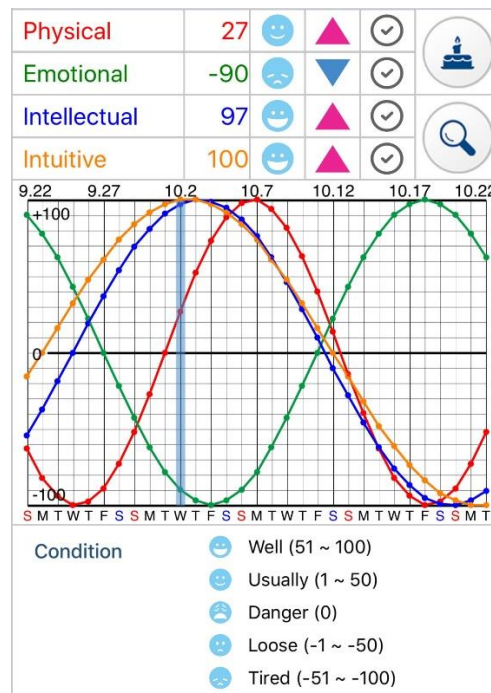
S^2 واریانس جامعه است. که براساس واریانس داده های نمونه اولیه تعیین در اکسل برابر با

۰/۰۷۷ تعیین شده است.

که براین اساس :

$$n = \frac{(1.96 \times 0.077)}{0.0025} \cong 60.368$$

همانطور که مشاهده می شود تعداد جامعه هدف در تحلیل با استفاده از آزمون های مانوا چندمتغیره، تحلیل واریانس اندازه های مکرر و همچنین آزمون های تعقیبی، ۶۰ نفر می باشد که در قالب ۴ بازه زمانی ۱۵ روزه مورد بررسی قرار گرفتند. هدف از این کار ایجاد تناوب در سیکل های مورد بررسی و قرار گرفتن در یکی از سه ناحیه ی (مثبت؛ منفی؛ بحرانی) مربوط به هر یک از سیکل های تناوبی بیوریتیمی بود. کلیه پرسشنامه های پیش آزمون و پس آزمون و مرحله پیگیری توسط نرم افزار تحلیل و به صورت نمودار و جداول فراوانی برای نمایش داده های توصیفی و در قسمت آزمون فرضیه ها، از روش مانوا چند متغیره، تحلیل واریانس اندازه های مکرر و همچنین آزمون های تعقیبی برای مقایسه زمان استفاده شد. نکته ی قابل توجه این بود که برای شناخت سیکل بیوریتیمی حسابرسان بازه زمانی دو ماه (۴ بازه زمانی ۱۵ روزه) مدنظر قرار گرفت. در این بازه زمانی از مشارکت کنندگان خواسته شد تا نرم افزار بیوریتیم را در تلفن همراه خود نصب نموده و با درج اطلاعات مربوط به تاریخ تولد به صورت میلادی، روند تغییرات سیکل تناوبی جسمانی، فیزیکی، ذهنی و شهودی (اشراقی) ثبت شود و در اختیار محققان قرار گیرد. این ۴ چرخه تغییرات عصب شناختی عملکرد فردی را در مواقع زمانی یک ماه به تصویر می کشد که نمونه ای از آن در تصویر زیر مشاهده می شود:



شکل ۱: نمونه‌ای از سیکل بیوریتمی یکی از مشارکت‌کنندگان

طبق کارکرد این نرم‌افزار دوره‌های مثبت سیکل، نشان دهنده توان بالای فرد و دوره منفی او نشانه توان کم فرد در روز است. میانگین نزدیک به صفر روزهای بحرانی است. سپس برای هر آزمودنی مطابق با تاریخ دقیق تولدش برای بازه زمانی ۶۰ روزه نمودار بیوریتم ترسیم شد و قرار گرفتن هر یک از مشارکت‌کنندگان در یکی از مناطق مثبت، منفی و بحرانی مورد بررسی قرار گرفت و از آنان خواسته شد، به سوالات طراحی شده در ۴ بازه زمانی مشخص، پاسخ دهند. نکته قابل توجه این بود که پرسشنامه‌ی مربوط به کیفیت قضاوت حسابرسی در ۴ بازه زمانی ۱۵ روزه بین مشارکت‌کنندگان توزیع شد که هدف از انجام این کار تعیین رویکرد مشارکت‌کنندگان در سیکل مورد نظر از حیث قرار گرفتن در ناحیه مثبت، منفی و بحرانی بود تا براساس آن مشخص گردد مشارکت‌کننده‌ای که به عنوان مثال در حالت سیکل عاطفی‌اش در ناحیه مثبت قرار دارد، نسبت به حالتی که سیکل عاطفی‌اش در ناحیه منفی و بحرانی قرار دارد، آیا تفاوت معناداری وجود دارد؟

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل این پژوهش معیارهای بیوریتمی همچون (جسمی، عاطفی، تفکری و شهودی) و ناحیه قرار گرفتن ویژگی‌های عصب‌شناختی (ناحیه مثبت، منفی و بحرانی) می‌باشد. در واقع همانطور که در روش

پژوهش تشریح شد، داده‌های مربوط به این بخش ۴ بازه زمانی ۱۵ روزه است که در فاصله زمانی ۲ ماه از طریق نرم‌افزار بیوریتیم ثبت شد. از مشارکت کنندگان خواسته شد با نصب نرم‌افزار بیوریتیم در سیستم عامل اندروید و ای‌اواس تغییرات سیکل بیوریتیمی را از نظر قرار گرفتن در ناحیه مثبت، منفی و بحرانی در ۴ زمان ۱۵ روزه ثبت نمایند. سپس برای سنجش و امتیازبندی جهت مشخص نمودن منطقه سیکل بیوریتیمی براساس کارکرد نرم‌افزار موردنظر (شکل ۱) امتیازی ۳ تا ۱ داده می‌شود. براین اساس کسب امتیازهای بین ۱ تا ۱۰۰ به عنوان ناحیه مثبت بیوریتیم موردنظر می‌باشد که به آن عدد ۳ داده می‌شود. کسب امتیاز زیر صفر تا ۵۰- به عنوان ناحیه منفی ارزیابی می‌شود و به آن عدد ۲ داده می‌شود و در نهایت کسب امتیاز ۵۱- تا ۱۰۰- به عنوان ناحیه بحرانی ارزیابی می‌شود و به آن عدد ۱ داده می‌شود. این روند برای سایر معیارهای بیوریتیمی نیز دنبال می‌شود.

متغیر وابسته

در این پژوهش به پیروی از پژوهش سیسمانگلو و آریوگا (۲۰۱۸) از پرسشنامه تعدیل شده بیک (۲۰۱۰) استفاده گردید که حاوی ۱۱ سوال بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای بود و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سوالات دسته‌بندی شده بود. در این پرسشنامه سه خرده مقیاس عملکرد حرفه‌ای حسابرس، بی‌طرفی حسابرس و صداقت (وجدان) حسابرس برای سنجش کیفیت قضاوت حسابرسی استفاده شد. این پرسشنامه از نظر روایی مورد تایید متخصصان قرار گرفت و پایایی آن براساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ سنجش شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا با استفاده از داده‌ها به بیان یافته‌های حاصل از آن‌ها پرداخته شده است و سپس از طریق تحلیل آن، فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا به منظور بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر بردار متغیر وابسته از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (مانووا) استفاده می‌شود. برای این منظور متغیر کیفیت حسابرسی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای گروه (نقاط مثبت، منفی، بحرانی)، سیکل بیوریتیمی (جسمی، عاطفی، فکری، شهودی) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شوند. فرض رویکرد تحلیل واریانس چند متغیره این است که بردار متغیر وابسته از یک توزیع نرمال چند متغیره پیروی کرده و ماتریس واریانس در بین سلول‌هایی که بر اساس اثرات بین آزمودنی‌ها تشکیل شده‌اند، برابرند. این پیش فرض با استفاده از آزمون ام. باکس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱: آزمون ام. باکس مربوط به بررسی پیش فرض یکسانی ماتریس‌ها

آماره آزمون ام. باکس	F آماره آزمون	درجه آزادی		سطح معناداری
		اول	دوم	
۷۶/۳۵۴	۱/۵	۵۴	۱۶۸/۲۲۸	۰/۲۰۳

باتوجه به جدول ۱ چون سطح معناداری آزمون ام. باکس (۰/۲۰۳) بیشتر از مقدار خطای آزمون (۰/۰۵) است، در نتیجه شرط همگنی ماتریس‌ها پذیرفته می‌شود. پس ماتریس واریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته در بین گروه‌های مختلف برابرند. در ادامه به بررسی معنی‌داری اثر هر متغیر مستقل و تعامل بین هر یک از آنها با استفاده از آزمون‌های چند متغیره پرداخته می‌شود. این آزمون‌ها شامل آزمون‌های اثر پیلا، لاندای ویلکز، اثر هتلینگ و سرانجام بزرگ-ترین ریشه روی می‌باشد. در بین این آزمون‌ها آزمون لاندای ویلکز معروفیت بیشتری دارد اما در عمل اثر پیلا قدرت مندتر از سایر آزمون‌هاست.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانووا)

اثر	نام آزمون	مقدار	آماره آزمون F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معنی داری	مجدور اتا
ضریب ثابت	آزمون اثر پیلا	۰/۸۱۱	۲۷۶۱۱/۶۳۵	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱۸
	آزمون لاندای ویلکز	۰/۰۱۲	۲۷۶۱۱/۶۳۵	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱۸
	آزمون اثر هتلینگ	۲۴۴/۱۰۷	۲۷۶۱۱/۶۳۵	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱۸
	آزمون بزرگ-ترین ریشه روی	۲۴۴/۱۰۷	۲۷۶۱۱/۶۳۵	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱۸
سیکل بیوریتمی	آزمون اثر پیلا	۰/۱۶۶	۱۵/۲۱۰	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۷
	آزمون لاندای ویلکز	۰/۷۱۷	۱۵/۲۱۰	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۷
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۱۶۵	۱۵/۲۱۰	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۷
	آزمون بزرگ-ترین ریشه روی	۰/۱۶۵	۱۵/۲۱۰	۳	۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۷

۰/۴۳۶	۰/۰۰۱	۱۲۱	۳	۸۲/۸۶۹	۰/۵۴۴	آزمون اثر پیلای	
۰/۴۳۶	۰/۰۰۱	۱۲۱	۳	۸۲/۸۶۹	۰/۳۷۸	آزمون لاندای ویلکز	
۰/۴۳۶	۰/۰۰۱	۱۲۱	۳	۸۲/۸۶۹	۱/۱۰۲	آزمون اثر هتلینگ	گروه
۰/۴۳۶	۰/۰۰۱	۱۲۱	۳	۸۲/۸۶۹	۱/۱۰۲	آزمون بزرگ- ترین ریشه روی	
۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	۲۶۵	۶	۱۸/۳۳۶	۰/۳۲۲	آزمون اثر پیلای	
۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	۳۱۴	۶	۲۰/۵۱۵	۰/۴۱۸	آزمون لاندای ویلکز	تعامل گروه و سیکل بیوریتیمی
۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	۲۸۸	۶	۲۲/۶۲۰	۰/۸۸۷	آزمون اثر هتلینگ	
۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	۱۴۵	۳	۴۵/۴۳۱	۰/۸۸۷	آزمون بزرگ- ترین ریشه روی	

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، سطوح معنی‌داری همه‌ی آزمون‌ها بیانگر آن هستند که اثرات در مدل معنی‌دار بوده و در مدل نقش داشته بنابراین بر متغیر وابسته پژوهش یعنی کیفیت قضاوت حسابرسی اثر معنی‌داری دارند. در این جدول مجذور اتا میزان تأثیر یا تفاوت هر متغیر بر متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. به عنوان مثال براساس آزمون اثر پیلای میزان تأثیر یا تفاوت سیکل بیوریتیمی برابر با ۰/۱۷۷ می‌باشد؛ یعنی براساس این آزمون ۱۷/۷ درصد تفاوت‌های ایجاد شده از سیکل‌های بیوریتیمی در نمرات متغیر وابسته یعنی کیفیت قضاوت حسابرسی می‌باشد. با توجه به معنی‌داری اثرات بر متغیر وابسته مدل، برای بررسی تأثیر متغیرها در این مرحله، از آزمون تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر استفاده می‌شود. در این تحلیل همانند قبل منظور از متغیر درون گروهی با سه سطح وضعیت سیکل یعنی مثبت، منفی و بحرانی می‌باشد و یک متغیر بین گروهی مداخله (جسمی، عاطفی، فکری، شهودی) وجود دارد. برای این منظور با توجه به متغیر وابسته یعنی کیفیت قضاوت حسابرسی ابتدا لازم است فرض برابری ماتریس کواریانس در گروه‌های مختلف، مورد بررسی قرار گیرد. این فرض نیز با استفاده از آزمون ام. باکس مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جدول ۳: آزمون ام. باکس مربوط به بررسی پیش فرض یکسانی ماتریس کواریانس برای متغیر کیفیت قضاوت حسابرسی

سطح معناداری	درجه آزادی		آماره آزمون F	آماره آزمون ام. باکس
	اول	دوم		
۰/۰۰۲	۱۶	۱۶۹/۱۱۵	۶/۴۵۳	۹۵/۲۷۲

باتوجه به جدول ۳ چون سطح معناداری آزمون ام. باکس (۰/۰۰۲) از مقدار خطای آزمون (۰/۰۵) کمتر است پس شرط همگنی ماتریس کواریانس پذیرفته نمی‌شود. بنابراین ماتریس کواریانس مشاهده شده در بین گروه‌های مختلف برابر نیست. اما از آنجاییکه در این پژوهش حجم نمونه در دو گروه برابرند پس به نابرابری واریانس‌ها اعتنایی نمی‌شود. به‌طور مفروض شکل ماتریس واریانس-کواریانس متغیر وابسته باید کروی باشد. بنابراین در ادامه به بررسی فرض همانی بودن ماتریس کواریانس خطای مربوط به متغیرهای وابسته تبدیل شده نرمال پرداخته می‌شود. این فرض با استفاده از آزمون کرویت موشلی انجام می‌پذیرد. آزمون کرویت موشلی با استفاده از یک آزمون کرویت بر روی متغیر وابسته تبدیل شده نرمال، ساختار ماتریس واریانس-کواریانس را تایید و اثبات می‌کند.

جدول ۴: آزمون کرویت موشلی مربوط به بررسی فرض همانی بودن ماتریس کواریانس برای متغیر کیفیت قضاوت حسابرسی

آماره آزمون موشلی	آماره آزمون کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری	گرینهاوس-گیسر	هیون فلت	حد پایین
۰/۶۷۸	۸/۴۵۶	۳	۰/۰۳۶	۰/۷۷۷	۰/۸۳۲	۰/۵

باتوجه به جدول ۴ سطح معناداری آزمون موشلی (۰/۰۳۶) کمتر از سطح معناداری (۰/۰۵) است. در نتیجه فرض صفر مبنی بر همخوانی ماتریس کواریانس خطای مربوط به متغیر وابسته تبدیل شده نرمال با یک ماتریس همانی رد می‌شود. بنابراین نمی‌توان کرویت ماتریس واریانس-کواریانس متغیر وابسته را پذیرفت. بنابراین به استفاده از آزمون‌های محافظه کار نیاز است. به این منظور از سه آزمون محافظه کار گرینهاوس-گیسر، هیون فلت و حد پایین استفاده می‌شود. جدول (۹) نتایج تصحیح شده را برای هر یک از آزمون‌های محافظه کار شامل گرینهاوس-گیسر، هیون فلت و حد پایین نشان می‌دهد. این نتایج آزمون‌های یک متغیره برای عامل‌های آزمودنی‌ها و روابط تقابلی بین آنها را نشان می‌دهد. ماتریس کواریانس خطای مربوط به متغیر وابسته تبدیل شده نرمال باید با یک ماتریس همانی همخوانی داشته باشد.

جدول ۵: آزمون‌های اثرات آزمودنی‌ها برای متغیر اهمیت کیفیت قضاوت حرفه‌ای

منبع تغییرات	آزمون	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره آزمون	سطح معناداری	مجذور اتا
سیکل بیوریتیمی	پذیرش کرویت	۶۵۵۳/۸۱۱	۲	۳۲۷۶/۹۰۶	۸۸۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۸
	گرینهاوس-گیسر	۶۵۵۳/۸۱۱	۱/۸۰۲	۳۶۳۶/۷۷۹	۸۸۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۸
	هیون فلت	۶۵۵۳/۸۱۱	۱/۹۵۸	۳۳۴۷/۰۰۶	۸۸۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۸
	حد پایین	۶۵۵۳/۸۱۱	۱	۶۵۵۳/۸۱۱	۸۸۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۸
تعامل سیکل بیوریتیمی و گروه	پذیرش کرویت	۴۲۲۱/۳	۲	۲۱۱۰/۶۵	۵۷۲/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۳۷
	گرینهاوس-گیسر	۴۲۲۱/۳	۱/۸۰۲	۲۳۴۲/۴۴۴	۵۷۲/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۳۷
	هیون فلت	۴۲۲۱/۳	۱/۹۵۸	۲۱۵۵/۸۰۲	۵۷۲/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۳۷
	حد پایین	۴۲۲۱/۳	۱	۴۲۲۱/۳	۵۷۲/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۳۷

ردیف مربوط به پذیرش کرویت نشان می‌دهد که در سطح ۰/۰۵ اثرات این فرض تایید شده است. در این جدول ملاحظه می‌شود که در سطح ۰/۰۵ اثر سیکل بیوریتیمی در مدل معنادار است. یعنی میزان کیفیت قضاوت حسابرس در چرخه جسمی، عاطفی، تفکری و شهودی متفاوت است. همچنین تعامل سیکل بیوریتیمی و گروه (مثبت، منفی و بحرانی) معنادار بوده است. برای این جدول نیز مقادیر ستون مجذور اتا همانند قبل تفسیر می‌شود. جدول ۶ نتایج مربوط به معنی‌داری یا عدم معنی‌داری کل مدل و همچنین تاثیر جداگانه متغیرهای مستقل سیکل بیوریتیمی و گروه بر متغیر وابسته کیفیت قضاوت حسابرسی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها برای متغیر کیفیت قضاوت حسابرس

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
ضریب ثابت	۸۹۲۶۷۲/۰۸۹	۱	۱۰۹۲/۳۷۶	۶۵۷/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۶۳۵
سیکل بیوریتیمی	۹۱۵۹/۲	۱	۵۳۴۵/۷۷۲	۱۱۱/۳۴۵	۰/۰۰۲	۰/۴۲۳
گروه	۸۷۳۶/۷	۱	۴۵۸۷/۷	۸۵/۲۸۷	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸
تعامل سیکل بیوریتیمی و گروه	۱۲۹۰/۶۸۹	۱	۱۱۶۱/۶۸۹	۱۶/۳۷۲	۰/۰۰۰	۰/۲۱۰
خطا	۵۵۸۶/۴۸۹	۱۷	۹۰/۷۵۹	-----	-----	-----

باتوجه به جدول ۶ سطح معناداری متغیرهای سیکل بیوریتمی و گروه از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین متغیر سیکل بیوریتمی و گروه اثر معنی‌داری بر میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس دارد. در مورد اثر تعامل سیکل بیوریتمی و گروه نیز باتوجه به سطح کوچکتر از ۰/۰۵ نشان دهنده‌ی عدم معنی‌داری اثر تعاملی آنها می‌باشد. در این جدول مجذور اتا میزان تأثیر یا تفاوت هر متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. چون تأثیر یا تفاوت متغیر گروه برابر با ۰/۴۲۳ می‌باشد؛ یعنی ۴۲/۳ درصد تفاوت‌های سیکل جسمی، عاطفی، ذهنی و شهودی در نمرات متغیر وابسته کیفیت قضاوت حرفه‌ای مربوط به متغیر مستقل گروه می‌باشد. باتوجه به جدول ۶ چون متغیر گروه بر میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس اثر معنی‌داری دارد پس میانگین نمره ارزیابی کیفیت قضاوت در سه گروه نقطه مثبت، نقطه منفی و نقطه بحرانی متفاوت است. همچنین معنی‌داری تعامل سیکل بیوریتمی و گروه روی متغیر کیفیت قضاوت حرفه‌ای در جدول (۱۰) به این معنی است که کیفیت قضاوت حسابرسان در نقاط مختلف مثبت، منفی و بحرانی متفاوت‌اند. بنابراین جهت بررسی این مطلب که اختلاف میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس در گروه‌ها (مثبت، منفی و بحرانی) در کدامیک از سیکل‌های بیوریتمی (جسمی، عاطفی، ذهنی و شهودی) است، لازم است برای هر یک از این زمان‌ها از آزمون تعقیبی^۱ (آزمون t برای گروه مستقل) استفاده شود. به منظور تحلیل آزمون تعقیبی ابتدا لازم است پیش فرض برابری واریانس گروه‌ها مورد بررسی قرار گیرد. اما باتوجه به بررسی تساوی کواریانس در روش چندمتغیره، بررسی این پیش فرض لزومی ندارد. پس از طی مراحل فوق، اقدام به انجام آزمون تعقیبی می‌شود که در ادامه نتایج سه آزمون تعقیبی در قالب جدول زیر ارائه شده‌اند.

جدول ۷: مقایسه میانگین کیفیت قضاوت حسابرس در سه گروه مثبت، منفی و بحرانی به

تفکیک سیکل بیوریتمی بر اساس آزمون تعقیبی

سیکل بیوریتمی	گروه	میانگین	اختلاف میانگین	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی داری	فاصله اطمینان ۹۵٪/بوی اختلاف میانگین
							حد پایین / حد بالا
جسمی	مثبت	۷۳/۳۰					
	منفی	۸۵/۱۳	۱/۲۰۵	۰/۸۲۳	۴۹	۰/۲۱۷	-۲/۵۵۴ / ۱/۱۰۹
	بحرانی	۸۹/۱۱					
عاطفی	مثبت	۷۷/۲۷					
	منفی	۶۳/۱۴	۱۵/۶۶۷	۹/۰۰۹	۵۸	۰/۰۰۱	۱۲/۱۸۵ / ۱۹/۱۴۸
	بحرانی	۶۱/۷					
تفکری	مثبت	۷۶/۲					
	منفی	۵۳/۱۰	۲۵/۴۶۷	۱۶/۷۲۶	۵۸	۰/۰۰۱	۲۲/۳۳۱ / ۲۸/۴۰۲
	بحرانی	۵۰/۸۳					
شهودی	مثبت	۸۸/۳۵					
	منفی	۷۴/۱۲	۱۷/۱۱۵	۱۷/۰۰۷	۵۸	۰/۰۰۰	۱۹/۲۷۵ / ۲۹/۱۷۶
	بحرانی	۶۹/۸۱					

1. LSD

باتوجه به جدول ۷ بر اساس آزمون تعقیبی و سطح پنج درصد در سیکل جسمی بین میانگین نمره ارزیابی کیفیت قضاوت حرفه‌ای در گروه‌های مختلف اختلاف معناداری وجود ندارد (سطح معناداری برابر ۰/۳۳۵). اما در سه سیکل عاطفی، تفکری و شهودی در هر سه ناحیه مثبت، منفی و بحرانی اختلاف معناداری دارند (سطوح معناداری ۰/۰۰۱). همچنین باتوجه به ستون مربوط به فاصله اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین سه گروه (و یا ستون اختلاف میانگین‌ها) ملاحظه می‌شود که در هر یک از سیکل بیوریتیمی عاطفی، تفکری و شهودی اختلاف میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس بین سه نقطه مثبت، منفی و بحرانی مثبت بوده است (چون در این زمان‌ها حد بالا و پایین فاصله اطمینان ۹۵ درصدی و یا اختلاف میانگین‌ها مثبت‌اند). بنابراین در این زمان‌ها میانگین نمره اهمیت کیفیت قضاوت حسابرس در نقطه مثبت به‌طور معناداری بیش از نقطه منفی و بحرانی می‌باشد.

براساس نتایج مشخص شد، فرضیه اول پژوهش مورد تایید قرار نگرفت، چراکه باتوجه به نتایج بدست آمده، متغیر گروه و همچنین تعامل سیکل بیوریتیمی و گروه بر میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس نیز اثر معنی‌داری دارند. از طرفی براساس آزمون تعقیبی LSD انجام شده، مشخص شد که در سیکل جسمی بین میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس در گروه‌های مختلف اختلاف معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. اما نتیجه فرضیه دوم پژوهش مشخص ساخت، که متغیر گروه و همچنین تعامل تعامل سیکل بیوریتیمی و گروه بر میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس نیز اثر معنی‌داری دارند. از طرفی بر اساس آزمون تعقیبی مشخص شد که در سیکل ذهنی بین میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس در گروه‌های مختلف اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین مشخص شد قرار گرفتن حسابرس در نقطه مثبت سیکل ذهنی به‌طور معناداری بیش از نقطه منفی و بحرانی می‌باشد که بر این اساس فرضیه دوم پژوهش که بیان می‌کند، حسابرسی که در سیکل ذهنی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسی که در سیکل ذهنی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت قضاوت حسابرسی بالاتری دارند، مورد تایید واقع می‌شود. به عبارت دیگر نمره کیفیت قضاوت حسابرس در نقطه مثبت به‌طور معناداری بیش از نقطه منفی و بحرانی است. همچنین براساس آزمون‌های تحلیلی

مشخص شد، فرضیه سوم مورد تایید قرار گرفت، چراکه متغیر گروه و همچنین تعامل سیکل بیوریتمی و گروه بر میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرسی نیز اثر معنی‌داری دارند. از طرفی براساس آزمون تعقیبی، مشخص شد که در سیکل عاطفی بین میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس در گروه‌های مختلف اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین مشخص شد قرار گرفتن حسابرس در نقطه مثبت سیکل عاطفی به‌طور معناداری بیش از نقطه منفی و بحرانی می‌باشد که براین اساس فرضیه سوم پژوهش که بیان می‌کند، حسابرسانی که در سیکل عاطفی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل عاطفی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت حسابرسی بالاتری دارند، مورد تایید واقع می‌شود. به عبارت دیگر نمره کیفیت قضاوت حسابرس در نقطه مثبت سیکل عاطفی به‌طور معناداری بیش از نقطه منفی و بحرانی است. در نهایت نیز مشخص گردید، فرضیه چهارم مورد تایید قرار گرفت، چراکه متغیر گروه و همچنین تعامل سیکل بیوریتمی و گروه بر میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرسی نیز اثر معنی‌داری دارند. از طرفی براساس آزمون تعقیبی، مشخص شد که در سیکل شهودی بین میانگین نمره کیفیت قضاوت حسابرس در گروه‌های مختلف اختلاف معناداری وجود دارد. همچنین مشخص شد قرار گرفتن حسابرس در نقطه مثبت سیکل شهودی به‌طور معناداری بیش از نقطه منفی و بحرانی می‌باشد که براین اساس فرضیه چهارم پژوهش که بیان می‌کند، حسابرسانی که در سیکل شهودی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل شهودی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت حسابرسی بالاتری دارند، مورد تایید واقع می‌شود. به عبارت دیگر نمره کیفیت قضاوت حسابرس در نقطه مثبت سیکل شهودی به‌طور معناداری بیش از نقطه منفی و بحرانی است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از کارکردهای ادراکی، قضاوت‌های حرفه‌ای در حسابرسی است که اگر به درستی و مبتنی بر شناخت بیوریتمی عملکرد ذهنی افراد اتخاذ شود، می‌تواند به افزایش سطح کیفیت قضاوت‌ها در این عرصه تاحد زیادی کمک نماید. براین اساس هدف این پژوهش بررسی سیکل تناوبی بیوریتمیکی شناختی در کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسان می‌باشد. براساس نتیجه فرضیه

اول باید بیان نمود، هیچگونه تفاوت معناداری در این معیار بیوریتمی در منطقه مثبت با منفی و بحرانی وجود ندارد. یعنی دوره تناوبی که شرایط جسمی فرد در موقعیت مثبت باشد چندان از نظر رویه‌های حسابرسی فرقی با حالت‌های منفی یا بحرانی جهت قضاوت حسابرسی ندارد. در واقع از آنجاییکه این پژوهش یک پژوهش تجربی است، می‌توان گفت برای بررسی بیشتر این بخش، به تفکیک عملکردهای جسمی نیاز می‌باشد تا براساس آن نتیجه مشخص‌تری از تفاوت ناحیه‌های مختلف ایجاد شود، اما وجود این نتیجه نشان می‌دهد شاید تغییرات عصب‌شناختی در شرایط جسمی حسابرس چندان ملموس برای تصمیم‌گیری و قضاوت در حرفه حسابرسی نباشد. اما براساس نتیجه فرضیه دوم مشخص شد، حساب‌رسانی که در سیکل ذهنی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حساب‌رسانی که در سیکل ذهنی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. این نتیجه به معنای آن است چرخه تناوبی ذهنی مربوط به توانایی‌های مغزی و فکری در حل مسائل و و نحوه تفکر و استدلال در مورد مسئله موردنظر است، در زمانی که در ناحیه مثبت قرار گرفته باشد، باعث می‌گردد کارکردهای ذهنی حسابرس پویایی بیشتری داشته باشد و از حالت تک‌بعدی نگری موضوع مورد بررسی را در قالب چندبعدی نگری بررسی کند و برای قضاوت تلاش می‌نماید از طریق راه کارهای تفکری و تجربی که به مرور در طی کار راه شغلی برای فرد دانشی اکتسابی را ایجاد کرده است، بهترین تصمیم را برای اتخاذ قضاوتی با کیفیت بگیرد. در واقع چرخه تناوبی ذهنی و تفکری باعث می‌شود فرد براساس شواهد و مدارک و ردیابی بخش مهمی از اطلاعات با ارتقای سطح کیفیت بررسی‌ها، اظهارنظرهای منصفانه‌تری مبتنی بر عملکردهای صاحبکار برای افزایش سطح کیفیت قضاوت‌های حرفه‌ای ارائه دهد. این ویژگی به مراتب در زمانی که حسابرس در ناحیه منفی یا بحرانی قرار دارد پایین است، چراکه فرد توانایی تحلیل و استنباط شواهد برای قضاوت حرفه‌ای مطلوب را ندارد و اغلب بر حسب شیوه تصمیم‌گیری تدریجی که یک شیوه مبتنی بر تجربیات گذشته صرف بدون اتکا به دانش تحلیلی می‌باشد، اقدام به قضاوت می‌نماید. براساس نتیجه آزمون‌های تحلیلی فرضیه سوم باید بیان نمود، حساب‌رسانی که در سیکل عاطفی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حساب‌رسانی که در سیکل عاطفی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند،

کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. چرخه تناوبی عاطفی زمانی که در ناحیه مثبت باشد، فرد اولاً بر شناخت احساسات و عواطف خود آگاه است و ثانیاً تلاش می‌نماید ثبات هیجانی خود را در شرایط موردنظر حفظ نماید. در واقع یک حسابرس دارای ثبات هیجانی و عاطفی توانمندی حفظ استقلال بیشتری خواهد داشت، چراکه تحت تاثیر نفوذ دیگران قرار نمی‌گیرد و با استدلال‌های مستقلانه و تردیدگونه بدون توجه به فشارهای وارده اقدام به قضاوت می‌نماید، درحالی‌که قرار گرفتن حسابرس از نظر چرخه عاطفی در ناحیه منفی و بحرانی باعث خواهد شد تا فرد در برابر عواطف و احتمالاً فشارهای وارد از جانب واسطه‌ها توانایی تحلیل شرایط را نداشته باشد و سطح کیفیت تصمیم‌گیری‌های حسابرس تقلیل یابد. یک حسابرس باید توانایی حفظ اولویت‌های حرفه‌ای و ایجاد تناسب بین عواطف و هیجانات خود را داشته باشد، چراکه آیین رفتار حرفه‌ای در حسابرسی بر ثبات جایگاه حسابرس به عنوان یک رفتار استقلال‌گونه و توجه به معیارهای تردید، بارها تاکید داشته است. در نهایت براساس نتیجه فرضیه چهارم باید بیان نمود، حسابرسانی که در سیکل شهودی در منطقه مثبت قرار دارند، نسبت به حسابرسانی که در سیکل شهودی در منطقه منفی و بحرانی قرار دارند، کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. معیار حس شهودی/اشراقی در سیکل تناوبی بیوریتمی، معیاری تازه است که به این دانش در طی چندسال اخیر اضافه شده است و بر قدرت شهودی فرد در زمان تصمیم‌گیری اشاره می‌نماید. براین اساس زمانی که سیکل تناوبی شهودی‌اش در ناحیه مثبت قرار گیرد به مراتب قدرت تصمیم‌گیری بالاتری خواهد داشت. این معیار به حسابرس کمک می‌کند تا ضمن بررسی شواهد، در نهایت قضاوت خود را براساس حس اشراقی که در مورد موضوع موردنظر دارد ارائه دهد، احساسی که وقتی در ناحیه مثبت قرار گرفته باشد، قابلیت‌های شهودی ذهن حسابرس را تقویت می‌کند و مغز آگاه‌تر نسبت به محیط و کائنات عملکرد بالاتری را خواهد داشت. احساس شهودی زمانی که در ناحیه منفی و بحران باشد، بی‌نهایت می‌تواند باعث تقلیل قدرت تصمیم‌گیری فرد و اشتباهات حسابرس در قضاوت گردد و کیفیت قضاوت‌ها را تقلیل دهد. نتایج این پژوهش از منظر مفهومی با پژوهش‌های، سعیدی گراغانی و ناصری (۱۳۹۶)؛ مهرانی و نونهال‌نهر (۱۳۹۰) و دنیس و جانستون (۲۰۱۶) مطابقت دارد. براساس نتایج کسب شده پیشنهاد

می‌شود، ارتقای سطح شناخت حساب‌برسان نسبت به عملکردهای عصب‌شناختی به عنوان تصمیم‌گیرندگان دارای مسئولیت اجتماعی، موضوعی است که شایسته تمرکز در حیطه‌های آموزش حرفه‌ای در حساب‌برسی از جانب سازمان‌ها ذیربط می‌باشد. چراکه اگر یک حساب‌برس بتواند نسبت به کارکردهای مغز و روانشناختی ذهنی خود آگاه باشد، با صلابت بهتری تصمیم‌گیری می‌کند و یا تصمیم خود را برای ارتقای سطح کیفیت قضاوت حرفه‌ای به تعویق می‌اندازد. در این رابطه همکاری با نهادهای و انجمن‌های سازمان نظام روانشناسی می‌تواند ضمن افزایش سطح آگاهی‌های شناختی حساب‌برسان نسبت به خود و محیط اطراف، به افزایش کیفیت قضاوت‌های آن‌ها و دوری از قرار گرفتن در خطاهای ادراکی منجر شود. از طرف دیگر براساس نتایج بخش ذهنی و شهودی پیشنهاد می‌شود، باتوجه به اینکه لازمه توانمندی ذهنی و شهودی داشتن دانش فنی و تخصصی است، تا جای ممکن با تفکیک تخصص‌ها در سطح صنایع و شرکت‌های فعال در سطح بازار سرمایه، به ارتقای سطح قابلیت‌های تصمیم‌گیری بهتر حساب‌برسان کمک شود تا بتوانند ضمن ارتقای قابلیت‌های تردید و بی‌طرفی در حساب‌برسان، نسبت به استدلال‌های ذهنی برای کشف رویکردهای چندبعدی عملکردی صاحبکار کمک شود و حساب‌برسان قدرت تصمیم‌گیری بهتری را برای ارتقای سطح قضاوت‌های خود داشته باشند. در نهایت پیشنهاد می‌شود، به منظور حفظ ثبات هیجانی/عاطفی، حساب‌برسان ضمن یادگیری از طریق آموزش‌های مربوط همچون دوره‌های شخصیت‌شناسی، تصمیم‌گیری و کنترل بحران و ...، شناخت قابل توجه‌تری نسبت به سیکل‌های تناوبی داشته باشند تا استقلال رفتاری و عملکردی آنان حفظ شود با افزایش لایه‌های عاطفی حساب‌برس قدرت مستقلانه‌تری از حرفه خود را تجربه نمایند و تصمیم‌گیری کند.

باتوجه به ماهیت این تحلیل‌ها و باتوجه به سطح مشارکت جامعه هدف، یکی از محدودیت‌های این پژوهش صرف زمان زیاد جهت شناسایی حساب‌برسانی است که ضمن مشارکت فعال در پژوهش، شرط نمودند باتوجه به شخصی بودن سیکل‌های رفتاری، از درج اطلاعات و مشخصات آن‌ها پرهیز شود. همچنین یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش نصب نرم‌افزار موردنظر باتوجه به محدودیت‌های خدمات رسانی نرم‌افزار بیوریتیم در داخل

کشور بود که از بین نرم‌افزارهای مورد نظر، تلاش شد بهترین آن انتخاب گردد. در نهایت برخی از موضوعات مهمی که می‌توانند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرند، عبارتند از:

۱. بررسی تفاوت سیکل عاطفی و سیکل ذهنی حساب‌برسان در قضاوت حرفه‌ای
۲. طراحی مدل سیکل‌های بیوریتیمیک در حرفه حسابداری با هدف شناخت تقلب صاحبکاران
۳. بررسی تاثیر کارکردهای سیکل بیوریتیمی حساب‌برسان در کاهش هزینه‌های نمایندگی
۴. بررسی تاثیر فشارهای ریسک زمان‌بندی حسابداری بر ویژگی‌های سیکل ذهنی و اشراقی

منابع

- اسدی، مرتضی؛ نعمتی، محمد. (۱۳۹۴). قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی، فصلنامه حسابدار رسمی، ۲۷(۳): ۴۳-۳۳.
- جاویدی، کاظم؛ رویایی، رمضانعلی؛ طالب‌نیا، قدرت‌الله و بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر گرایش طرز فکر تفسیر بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس: مبتنی بر تئوری سطح تفسیر فاصله روانی، فصلنامه حسابداری مالی، ۱۰(۳۹): ۱۴۱-۱۶۹.
- حیرانی، فروغ؛ و کیلی فرد، حمیدرضا و رهنمای رود پستی، فریدون. (۱۳۹۶). حرفه‌ای‌گرایی و قضاوت حرفه‌ای حسابرس، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان، ۱-۱۲.
- سعیدی‌گراغانی، مسلم؛ ناصری، احمد. (۱۳۹۶). تفاوت‌های فردی و قضاوت حرفه‌ای حسابرس، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۶): ۱۱۱-۱۳۰.
- شیرازیان، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه میان بیوریتیم سهام‌داران و خطای تصمیم‌گیری مالی در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۹(۳۲): ۵۱-۶۶.
- متنی، وحید؛ اکبری کیارودی، فاطمه. (۱۳۹۷). سیر تکامل حرفه حسابرسی در قرن بیستم، دو ماهنامه حسابرسان داخلی، ۵۰-۷۲.
- مهرانی، ساسان؛ نونهال نهر، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). حسابداری عصبی: تبیین تحلیل و ارایه دیدگاهی نوین، دانش حسابرسی، ۱۱(۵): ۹۳-۱۱۱.
- ولیان، حسن؛ عبدلی، محمدرضا و کوشکی جهرمی، علیرضا. (۱۳۹۸). مفهوم‌سازی تصمیم‌گیری خردمندانه حسابرسان بر اساس تحلیل داده‌بنیاد، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۲): ۳۰۱-۳۲۶. doi: 10.22059/acctgrev.2019.265838.1007989
- Al-Khallil, W, Y., Qader, A, H. (2014). Evaluation of the biological rhythm during physical, emotional and mental cycle, *Asia Pacific Conference on Performance Analysis of Sport*, 10(3): 21-34.
- Asadi, M., Nemati, M. (2015). Professional Judgment in Auditing, *Quarterly Accounting*, 37(3): 33-43. (In Persian)
- Bhattacharjee, S., Moreno, K, K. (2013). The Role of Auditors' Emotions and Moods on Audit Judgment: A Research Summary with Suggested Practice Implications, *Current Issues in Auditing*: 7(2):1-8. <https://doi.org/10.2308/ciia-50565>

- Biek, M., Wood, W., & Chaiken, S. (1996). Working knowledge, cognitive processing, and attitudes: On the determinants of bias. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22(6): 547–556
- Bik, O. P. G. (2010). The behavior of assurance professionals: A cross-cultural perspective. Delft: Eburon Academic Publishers.
- Bradshaw, C. W., J, R. (1982). Validity of Biorhythms for predicting death. *Journal of Psychology*, 111(2): 39-41.
- Carvey, D, W., Nibler, R. G. (1977). Biorhythms cycles and the incidence of industrial accidents, *Personnel Psychology*, 30(4): 447-454
- Chen, W., Saeed Khalifa, A., Morgan, K, L., Trotman, T. (2018). The effect of brainstorming guidelines on individual auditors' identification of potential frauds, *Australian Journal of Management*, Vol. 43(2) 225–240.
- Chung, J., Cohen, J, R., Monroe, G, S. (2008). The Effect of Moods on Auditors' Inventory Valuation Decisions, *A Journal of Practice & Theory*, 27(2):137-159. <https://doi.org/10.2308/aud.2008.27.2.137>
- Dennis, S., Johnstone, K. (2016). Contemporary Insights from a Fraud Brainstorming Field Survey. *SSRN Electronic Journal*. 10.2139/ssrn.2746546.
- Duxbury, D. (2015). Behavioral finance: insights from experiments II: biases, moods and emotions, *Review of Behavioral Finance*, 7(2): 151-175. <https://doi.org/10.1108/RBF-09-2015-0037>
- Galotti, K. M. (2002). Making decisions that matter: How people face important life choices. London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Harrison, F. E. (1999). The managerial decision-making process (5th ed.). Boston, MA: Houghton Mifflin Company.
- Heyrani, F., Vakilifard, H., Rahnamay Roudposhti, F. (2017). Professionalism and Auditors' Professional Judgment. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6(22), 1-12. (In Persian)
- Hines, T, M. (1998). Comprehensive review of biorhythm theory, *Psychol Rep*, 83(1): 19-64. DOI: 10.2466/pr0.1998.83.1.19
- Javidi K, Royaei R, Talebnia G, Banimahd B. Investigating the Effect of Construal Mindset Orientation on Auditors' Judgment and Decision Making: Based on Construal level Theory of Psychological Distance. *Quarterly financial accounting journal*, 10 (39): 141-169. (In Persian)
- Joëts, M. (2012). Mood-Misattribution Effect on Energy Finance: A Biorhythm Approach, Barnett, W. and Jawadi, F. (Ed.) Recent Developments in Alternative Finance: Empirical Assessments and Economic Implications

- (International Symposia in Economic Theory and Econometrics, 22(1): 213-233. [https://doi.org/10.1108/S1571-0386\(2012\)0000022016](https://doi.org/10.1108/S1571-0386(2012)0000022016)
- Keast, S., & Michael, T. (2009). Rational decision-making for managers. *West Sussex: Wiley*
- Lam, K, C, K., Mensah, M. (2006). Auditors' decision-making undergoing-concern uncertainties in low litigation-risk environments: Evidence from Hong Kong, *Journal of Accounting and Public Policy* 25; 706-739.
- Langley, A., Mintzberg, H., Pitcher, E., Posada, E., & Saint-Macary, J. (1995). Opening up decision-making: The view from the black stool. *Organization Science*, 6(3), 260-279
- Lynch, A, L., Murthy, U, S., Engle, T, J. (2009) Fraud brainstorming using computer-mediated communication: The effects of brainstorming technique and facilitation. *Accounting Review* 84(4): 1209-1232.
- Matni, V., Akbari Kiyaroodi, F. (2018). The evolution of the auditing profession in the twentieth century, two monthly auditors, 50-72. (In Persian).
- Mehrani, S., Nonahal nahr, A, A. (2011). Neural Accounting: Explaining New Analysis and Presenting a New Perspective, *Audit knowledge*, 11(5): 111-93. (In Persian).
- Moldovan, E., Enoiu, R, S., Ruxanda, R, A., Leibovici, A., Kinetotherapist, B. (2011). The Influence of the Human Biorhythm in the Performance Sport Activity. *Gymnasium: Vasile alecsandri, University of Bacau*, 32(12): 34-46.
- Noland, Th, G., Hardin, J, R., Prescott, G, L. (2015). The Effect of Moods on Accounting Judgment, *International Journal of Business and Social Science*, 6(4): 1-11.
- O'Conner, B. P. (2011). The structure & dynamics of the biorhythm, Sarah Matthews (Trans) NY: hill and Wang.
- O'Connor, B, P., Molly, K. (1991). A Test of the Intellectual Cycle of the Popular Biorhythm Theory, *the Journal of Psychology*, 125(3): 291-299. <https://doi.org/10.1080/00223980.1991.10543293>
- O'Scope, S. (1976). Biorhythm: your personal three-phase cycle, *Journal of Education & Training*, 18(6): 178-180. <https://doi.org/10.1108/eb001924>
- Peecher, M. E., & Solomon, I. (2001). Theory and experimentation in studies of audit judgments and decisions: Avoiding common research traps. *International Journal of Auditing*, 5(3): 193-203

- Saiewitz, A., Kida, Th. (2018). The effects of an auditor's communication mode and professional tone on client responses to audit inquiries, *Accounting, Organizations and Society*, 65(4): 33-43. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2017.10.002>
- Saket, R, K., Kaushik, WCSP, Singh, C, G. (2011). Biorhythmic Analysis to Prevent Aviation Accidents. In: Jain L, Aidman E, Abeynayake C, editors. Innovations in Defence Support Systems -2: Springer Berlin Heidelberg: 207-40.
- Sanusi, Z, M., Iskandar, T, M., Monroe, G, S., Saleh, N, M. (2018) "Effects of goal orientation, self-efficacy and task complexity on the audit judgement performance of Malaysian auditors", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 31(1): 75-95.
- Sayeedi Garghani, M., Naseri, A. (2017). Professional Judgment in Auditing, Quarterly Accounting, *Financial Accounting and Auditing Research*, 9(32): 66-51. (In Persian).
- Schraagen, J. M., Klein, G., & Hoffman, R. R. (2008). The macrocognition framework of naturalistic decision making. In J. M. Schraagen, L. G. Militello, T. Ormerod, & R. Lipshitz (Eds.), *Naturalistic decision making and macrocognition. Aldershot: Ashgate Publishing Limited*, 3-25.
- Shiraziyan, Z. (2016). Investigate the relationship between Biorhythmic cycles and Error financial decision making in Tehran stock exchange. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 9(32), 51-66. (In Persian).
- Şismanoglu, E, Arikboga, D. (2018). The Factors Affecting Using Professional Judgment in Independent Auditing: Evidences from Turkey, *Contemporary Research in Economics and Social Sciences*, 2(1): 141-188.
- Sternberg, R. J. (2013). The WICS model of leadership. In M. G. Rumsey (Ed.), *New York, NY: Oxford University Press*, 47-62.
- Sudip Bhattacharjee and Kimberly K. Moreno (2013) the Role of Auditors' Emotions and Moods on Audit Judgment: A Research Summary with Suggested Practice Implications. *Current Issues in Auditing: December 2013*, Vol. 7, No. 2, pp. P1-P8.
- Valiyan, H., Abdoli, M., Koushki Jahromi, A. (2019). Conceptualizing Wise Auditor Decision Making based on Grounded Theory Approach. *Accounting and Auditing Review*, 26(2), 301-326. doi: 10.22059/acctgrev.2019.265838.1007989 (In Persian).
- Windhorst, H. D. (2011). Loving wisdom with Dewey and Simone Weil. *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 31(1), 41-55.
- Zsombok, C. E. (1997). Naturalistic decision making: Where are we now? In C. E. Zsombok, & G. Klein (Eds.), *Naturalistic decision making*. Mahwah, NJ: Erlbaum, 3-16.

پرسشنامه کیفیت قضاوت حرفه‌ای حسابرسان

مقیاس لیکرت					گویه‌ها
۱	۲	۳	۴	۵	
					رفتارهای حرفه‌ای حسابرس
					۱- تاچه اندازه در مسیر حرفه‌ای خود به اصول و ارزش‌های حرفه حسابرسی پایبند هستید؟
					۲- آیا شناخت حسابرس از محتوای حرفه‌ای شغل خود باعث افزایش کارآمدی حسابرس می‌شود؟
					۳- آیا برآورده شدن ارزش‌های نهادینه شده در متن حرفه حسابرسی باعث افزایش حرفه‌ای‌گری در حسابرسی می‌شود؟
					۴- به عنوان یک حسابرس، تاچه اندازه متعهد به رعایت هنجارهای اجتماعی در حرفه حسابرسی هستید؟
					بی‌طرفی حسابرس
					۵- به عنوان یک حسابرس، آیا نسبت به مکانیزم‌های کنترلی در بررسی‌های صورت‌های مالی صاحبکاران حساس هستید؟
					۶- به عنوان یک حسابرس، آیا از اینکه از نگاه صاحبکاران، جزء حسابرسان سخت‌گیر در این حرفه هستید، نگران نمی‌شوید؟
					۷- به عنوان یک حسابرسی، تاچه اندازه تهدیدهای حرفه‌ای همچون از دست دادن صاحبکاران مانع از بررسی دقیق و تردید مابانه شما می‌شود؟
					۸- آیا نسبت به مکانیزم‌های کنترلی در بررسی‌های صورت‌های مالی شرکت‌ها حساس هستید؟
					صداقت حسابرس
					۹- به عنوان یک حسابرس، شهرت صاحبکار را عاملی برای موفقیت خود در این حرفه تلقی می‌کنید؟
					۱۰- آیا به صرف شهرت صاحبکار، در اظهارنظر خود، از بیان بندهای شرطی مبنی بر عدم رعایت استانداردهای حسابرسی، پرهیز می‌کنید؟
					۱۱- تاچه اندازه پیش‌فرض‌های ذهنی خود، قبل از شروع کار نسبت به صاحبکاران در هم می‌شکند؟

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان^۱

هانیه حکمت^۲، وحید حیدر زاده خلیفه کندی^۳، شکوفه علیزاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

مقاله پژوهشی

چکیده

فعالان بازار سرمایه در تصمیمات خود به گونه‌ای ویژه به اطلاعات حسابرسی شده اتکا می‌کنند و حسابرسی راهکاری سودمند جهت برون‌رفت از مسئله‌ی نمایندگی میان مدیران و سهامداران به شمار می‌رود. با در نظر گرفتن میزان اعتمادی که کیفیت حسابرسی نسبت به اطلاعات مالی به وجود می‌آورد، انتظار می‌رود بازار سرمایه واکنش مثبتی نسبت به بکار گرفتن حسابرسان با تخصص بالا نشان دهد. هدف این پژوهش، بررسی چگونگی واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان است. یافته‌های حاصل از الگوهای رگرسیونی بر نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۵ ساله‌ی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که حسابرسان از تخصص بالاتری برخوردارند، درآمد شرکت تأثیر بیشتری بر قیمت سهام دارد. تخصص بالای حسابرسان با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی، شرکت را به بهترین نحو راهبری و کنترل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد واکنش بازار به انتخاب حسابرسان با تخصص بالاتر، مثبت است. بازار سرمایه معتقد است که به کار گرفتن حسابرسان با تخصص بالاتر باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود، کاهش بازده غیرعادی شده و تأثیر مثبت معناداری بر دیدگاه اعتباردهندگان در خصوص اعطای تسهیلات، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و ارزیابی پایین ریسک نکول مطالبات دارد.

واژه‌های کلیدی: تخصص حسابرسان، واکنش بازار سرمایه، تغییر حسابرسان، قراردادهای بدهی.

طبقه بندی موضوعی: M42, G41

10.22051/JERA.2021.38053.2942:DOI

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (H.hekmat@alzahra.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد، گروه حسابرسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (Vahidheydarzadeh1122@gmail.com).

۳. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. (Alizadeh.ACC@gmail.com).

۴. نویسنده مسئول. (Alizadeh.ACC@gmail.com).
<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

وقوع بحران‌های مالی در سال‌های اخیر، نقش اساسی گزارشگری معتبر و باکیفیت را پررنگ نموده است. این بحران‌ها، بیش از پیش توجه را به نقش کیفیت حسابرسی در گزارشگری معطوف کرده است. دستیابی به کیفیت بالای گزارش‌های مالی، بستگی به درستی عمل و تخصص حسابرس دارد (بهبهانی‌نیا، ولی‌زاده، ۱۳۹۹) از موضوعات موردعلاقه‌ی قانون‌گذاران، محققین و سرمایه‌گذاران، ارزیابی رقابت موجود در بازار سرمایه در قیمت‌گذاری سهام بر اساس کیفیت خدمات حسابرسی است. نیکل و های (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه‌ی تبلیغات و تقاضا بر هزینه‌های حسابرسی نشان می‌دهند که تبلیغات می‌تواند موجب تمرکز شرکت‌ها بر بهبود کیفیت حسابرسی شود. بر این اساس، با توجه به ماهیت حسابرسی به‌عنوان یک کالای اعتباری، کیفیت بالا (یا پایین) حسابرسی می‌تواند سبب تحمیل هزینه کمتر (یا بیشتر) از حد برای انجام حسابرسی شود. به‌طور کلی، پژوهش‌های اندکی در خصوص تغییراتی که موجب تغییر حداقلی و حداکثری در تخصص حسابرسان می‌شود، انجام شده است. نظرات و دیدگاه‌های مختلف بسیاری در مورد تخصص و کیفیت حسابرسی وجود دارد که، دلیل آن ادراک متفاوت بازار سرمایه از تخصص حسابرس در مباحث گزارشگری مالی می‌باشد. هاشمی‌نیا و حیرانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان تاثیر چرخش اجباری حسابرسی از اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که چرخش موسسه حسابرسی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد، به عبارت دیگر تغییر موسسه حسابرسی باعث بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود. مهرآور و کارگر (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان بررسی ارتباط میان تغییر حسابرس با تخصص بالاتر و هزینه‌های تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه دست یافتند که میان تغییر حسابرس از حسابرس متوسط به حسابرس با تخصص بالا و هزینه تامین مالی رابطه بصورت مثبت و معنادار وجود دارد. هدف این پژوهش واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان در اجرای حسابرسی است. ضرورت انجام حسابرسی، آشکارساختن اهمیت کیفیت حوزه سرمایه، ارائه دیدگاهی نوین در مورد انجام حسابرسی، آشکارساختن اهمیت کیفیت حسابرسی در بازار سرمایه و تاثیر مثبت بر درآمد شرکت‌ها به دلیل استفاده از حسابرسان با تخصص بالاتر می‌باشد. در بخش‌های بعدی، ابتدا مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است. سپس بایان یافته‌ها و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها، پژوهش به پایان می‌رسد.

مبانی نظری

تخصص حسابرسی و ارزش سهام در فرضیه پشتیبان، بیان‌کننده این موضوع است که افشای اطلاعات نهانی به‌وسیله مدیران و گزارش‌های مالی حسابرسی شده مکمل یکدیگر می‌باشند. بال و همکاران (۲۰۱۲) بر مبنای تحقیقات خود عنوان نمودند که شرکت‌هایی که مدیریت آن‌ها پیش‌بینی‌های بیشتر و دقیق‌تری انجام داده‌اند، نیازمند انجام گسترده‌تر حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل می‌باشند، چون واکنش زیادی از سوی بازار متوجه آن‌ها می‌شود. فرانسیس (۲۰۱۱) چارچوبی جهت انجام حسابرسی باکیفیت و تخصص لازم مطرح نمود، که دربرگیرنده عواملی چون تردید حرفه‌ای، تخصص‌های لازم برای حسابرسی، ریسک و... و نیز پیامدهای ناشی از تخصص حسابرسی همانند تغییرات ارزش سهام، واکنش‌های بازار و... می‌باشد. شواهد به‌دست‌آمده از ارزش‌گذاری سهام در بازار بیان‌کننده این موضوع است که صاحب‌کاران به‌طور داوطلبانه و اختیاری خدمات منحصربه‌فردی را خریداری نموده و حتی هزینه زیادی را برای این خدمات متحمل می‌شوند و بدین ترتیب درجه‌ی بالاتری از تخصص و کیفیت حسابرسی را ارائه می‌کنند. حسابرسانی که دارای تخصص بالاتری هستند به دو طریق می‌توانند برای فعالان بازار سرمایه محتوای اطلاعاتی ایجاد نمایند. اول، استفاده از خدمات حسابرسانی که تخصص بالایی در انجام کار دارند، به‌عنوان یک علامت در مورد ارزش پایه شرکت برای سرمایه‌گذارانی که اطلاعات زیادی در دست ندارند محسوب می‌شود. به‌گونه‌ای که نتایج پژوهش تیمن و ترومن (۱۹۸۶) نخست حاکی از آن است که حسابرسانی که تخصص بالاتری دارند، قدرت ارائه اطلاعاتی به‌مراتب دقیق‌تر نسبت به سایرین در خصوص ارزش شرکت دارند و بدین ترتیب مدیرانی که از وضعیت خوب شرکت خود اطلاعات مناسبی دارند، حسابرسانی را برمی‌گزینند که تخصص بالایی دارند. دوم، از آنجا که حسابرسانی که تخصص بالایی دارند، اطلاعات دقیق‌تری نیز ارائه می‌نمایند، به کار گرفتن آن‌ها موجب می‌گردد تا عدم تقارن اطلاعاتی که میان شرکت و سرمایه‌گذاران وجود دارد، کاهش یابد. در شرایطی که اطلاعات در دست سرمایه‌گذار برای تشخیص ارزش واقعی شرکت کافی نباشد و به‌نوعی خلأ اطلاعاتی وجود داشته باشد، نیاز به اطلاعات خارجی پیدا می‌کند، در چنین شرایطی تخصص حسابرسان نقش اساسی ایفا می‌نماید. یکی از ابزارهای مورد استفاده در چنین شرایطی استفاده حسابرسان از علامت‌دهی است. علامت‌دهی حسابرسان سبب حذف شدن عدم تقارن اطلاعاتی میان شرکت و بازار سرمایه خواهد شد (واعظ و رشیدی باغی، ۱۳۹۳) پژوهش انجام‌شده توسط

مشایخ و همکاران (۱۳۹۷) مشخص نمود که به همان نسبتی که حسابرسان در صنعت موردنظر تخصص پیدا می‌کنند، دانش تخصصی آن‌ها بیشتر شده و از آنان انتظار می‌رود در مقایسه با حسابرسان غیرمتخصص در شناخت گزارش‌های متقلبانه دقت و توان بیشتری داشته باشند. مطابق پژوهش‌های گذشته، اطلاعات اعلان سودهای جدید در ارزش سهام منعکس شده و به‌عنوان معیاری از انتظارات سرمایه‌گذاران در خصوص کیفیت سود در نظر گرفته می‌شود. می‌توان این‌گونه بیان نمود که، با در نظر گرفتن میزان اعتمادی که کیفیت حسابرسی نسبت به کیفیت سود به وجود می‌آورد، بازار سرمایه در مورد به کار گرفتن حسابرسان با تخصص بالا واکنش نشان می‌دهد. از سوی دیگر، مؤسسات حسابرسی بزرگ از روش‌ها و فرآیندهای حسابرسی استانداردتری جهت رسیدگی صاحب‌کار استفاده می‌نمایند که سبب واکنش بازار سرمایه نسبت به این انتخاب مؤسسات حسابرسی می‌شود. نیکولز و اسمیت (۱۹۸۳) در پژوهش خود پیرامون واکنش بازار و تغییر و جایگزینی حسابرس به این نتیجه دست یافتند که جابجایی و تغییر حسابرس از مؤسسات حسابرسی بزرگ به مؤسسات حسابرسی کوچک، سبب به وجود آمدن واکنش منفی بازار در تاریخ اعلام می‌گردد و تغییرها و جایگزینی از مؤسسات حسابرسی کوچک به مؤسسات حسابرسی بزرگ سبب بروز واکنش مثبت بازار می‌شود، درحالی که این تفاوت از نظر آماری معنادار نبوده است. تئو و ونگ (۱۹۹۳) در پژوهش خود پی بردند که میزان واکنش قیمتی بازار به سود غیرمنتظره برای صاحب‌کاران مؤسسات حسابرسی بزرگ به مراتب خیلی شدیدتر از مؤسسات کوچک می‌باشد. زمانی که بازار معتقد است که محتوای اطلاعاتی سود هنگام به کار گرفتن حسابرسان با تخصص بالا افزایش می‌یابد، انتظارات بدین گونه شکل می‌گیرد که هنگام تغییر و جابجایی حسابرس و انتخاب حسابرسان با تخصص بالاتر، واکنش بازار نسبت به این اتفاق مثبت خواهد بود. این واکنش را می‌توان منطبق با دیدگاهی دانست که در آن واکنش بازار نسبت به تغییر حسابرس به خصوصیات و توانایی‌های حسابرس بستگی دارد. نیکل و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود بیان نمودند که واکنش بازار نسبت به تغییر حسابرس بستگی بسیاری به تخصص حسابرس عزل شده و پیشین دارد. به دلیل گسترش تقاضای تسهیلات دریافتی شرکت‌ها از موسسه‌های اعتباری و بانک‌ها و به تبع آن اخذ وثیقه توسط بانک‌ها و با توجه به نقش حسابرسی به عنوان مکانیزم اعتباربخشی، بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی با میزان تسهیلات دریافتی از اهمیت بالایی برخوردار است. فرزین خوش‌کار (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد که میزان اعتبار مؤسسه حسابرسی و میزان مقبولیت

گزارش حسابرس مستقل شرکت‌ها دارای رابطه مثبت معنی‌دار با سطح اعتماد اعتباردهندگان و بانک‌ها برای اعطای تسهیلات به شرکت‌های مذکور می‌باشند. دیاز و فابیو (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که اعتبار دهندگان در تعیین نرخ وام وزن بسیار زیادی به اطلاعات مالی حسابرسی شده می‌دهند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در کنار اطلاعات کمی اطلاعات کیفی همانند نوع فعالیت شرکت، نوع صنعت، کیفیت حسابرس شرکت و مواردی از این قبیل می‌تواند در ارزیابی توانایی بازپرداخت وام گیرنده مورد استفاده قرار گیرد. برای اعتباردهندگان، گزارش‌های حسابرسی ارائه‌شده توسط حسابرسان بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در قراردادهای بدهی صورت‌های مالی مبنا قرار داده می‌شوند، بدین صورت که حسابرسی با کیفیت و مناسب هزینه‌های نمایندگی را برای اعتباردهندگان حداقل نموده و کاهش می‌دهد. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) با در نظر گرفتن ریسک‌های ایجادشده ناشی از رقابت، اعتباردهندگان با پذیرفتن شرایط اعتبار گیرنده همانند گرفتن وثیقه‌های کمتر در قرارداد به اجبار متحمل هزینه‌های نمایندگی به شکل کاهش دادن نرخ بهره می‌شوند. بنابراین، مشکلات نمایندگی، نوسان‌های بازار، عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین عواملی نظیر عوامل کلان اقتصادی در تعیین نرخ اعطای وام و اعتبار نقش دارند. فرانسیس و وانگ (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند که در شرکت‌های خصوصی، انجام حسابرسی موجب پرداخت نمودن نرخ بهره بانکی کمتر در مقایسه با دیگر شرکت‌ها می‌گردد. از سوی دیگر اعتباردهندگان در مواقع تعیین نرخ وام و اعطای اعتبار به گزارش‌های حسابرسی و اطلاعات مرتبط با آن‌ها توجه به خصوصی می‌نمایند. بلکول، نولاند و وینترز (۱۹۹۸) بانک‌ها در تعیین دوره بازپرداخت در زمان پذیره‌نویسی قراردادهای بدهی به ترکیبی از دو تجزیه و تحلیل کمی و کیفی اتکا می‌کنند. تحلیل کمی دربرگیرنده جمع‌آوری اطلاعات اختصاصی (همانند پیش‌بینی مالی، بررسی و ارزیابی وثایق، اطلاعات مرتبط با هزینه‌های داخلی) و اطلاعات عمومی (همچون پرونده‌های مرتبط با بازرسی‌ها و ارزش وثایق) می‌باشد که مشخص‌کننده یک رتبه‌بندی داخلی از منظر ریسک است، و با بهره گرفتن از این روش توان بازپرداخت وام گیرنده را مورد ارزیابی قرار داده و خلاصه می‌نماید. همواره این‌گونه بیان می‌شود که تجزیه و تحلیل‌های کمی نمی‌تواند به تنهایی چشم‌انداز آتی بازپرداخت وام گیرنده را ترسیم نمایند، در کنار اطلاعات کمی، باید اطلاعات کیفی نیز مدنظر قرار گیرد. اطلاعات کیفی همانند زمینه فعالیت شرکت، نوع صنعت، تخصص حسابرس و اطلاعات کیفی دیگر که در سطوح خرد و کلان می‌تواند در ارزیابی توان

بازپرداخت وام گیرنده مؤثر بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه، صورت‌های مالی حسابرسی شده با کیفیت مطلوب توسط حسابرسان با تخصص بالا در حداقل کردن هزینه‌های ناشی از نمایندگی و دست یافتن به شرایط قراردادی بهتر بدهی برای شرکت مؤثر بوده و تأثیر بسزایی دارد.

پیشینه پژوهش

پژوهش انجام‌شده توسط جی هری و میهو (۲۰۱۹) بیانگر این موضوع است که حسابرسان موسسه حسابرسی با افزایش تخصص خود، نارضایتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهند، این کاهش نارضایتی‌ها در کنار رفتار اعتباردهندگان و واکنش بازار موجب می‌گردد که مدیران انتظارات بالاتری از حسابرسان داشته باشند. ودیعی، کاردان و هوشمند (۱۳۹۷) بر مبنای یافته‌های پژوهش خود بیان کردند که در بین موسسه‌های حسابرسی گروه (اول) و سطح خطای پیش‌بینی سود، ارتباطی به‌صورت یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها مشخص نمود که نرخ بازده دارایی‌ها و اهرم مالی تأثیری مثبت و معناداری بر میزان خطای سود پیش‌بینی شده از قبل دارد. باین حال، بین دو متغیر رتبه‌بندی حسابرس و انواع اظهارنظر با اندازه خطای سود پیش‌بینی شده هیچ‌گونه رابطه معناداری مشاهده نشد. بهارمقدم و جوکار (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان " اثر تعدیلی تخصص و کیفیت حسابرس بر علاقه و تمایلات سرمایه‌گذاران در ارزش‌گذاری سهام " بیان کردند که گزارش‌های صادرشده توسط حسابرس، اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به اطلاعات حسابداری تقویت نموده و بر علاقه و تمایل سرمایه‌گذاران در ارزش‌گذاری سهام تأثیر بسزایی دارد، همین‌طور مشخص نمودند که اندازه حسابرسی دارای اثر تعدیل‌کنندگی نبوده و اثری بر علایق سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه را ندارد. رستگاری، مهدوی (۱۳۹۹) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که تخصص حسابرس در صنعت که مرتبط با اجرا و رفتار حسابرسی است، عامل مهم در نحوه توزیع بازار میان موسسه‌های حسابرسی و در نتیجه، تمرکز بازار حسابرسی است که این یافته تأیید‌کننده پیش‌بینی‌های مکتب شیکاگو_یو.سی.ال.ای. است. خانی، رجب‌دری و صدری (۱۳۹۹) در پژوهش خود پیرامون کیفیت حسابرسی (اندازه‌ی موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرس) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس با اظهارنظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت به این نتیجه رسیده‌اند که کیفیت بالاتر حسابرسی، سبب کاهش ابهام و تردید

در تداوم فعالیت می‌شود. همچنین، میان اندازه مؤسسه حسابرسی و تردید در تداوم فعالیت رابطه‌ای به صورت منفی و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، آن‌ها تبیین کردند که بین تخصص حسابرس در صنعت و تردید در تداوم فعالیت رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد. آذین فر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان "تخصص و کیفیت حسابرسی، سیاست‌های مؤسسه‌های حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی"، پی بردند که تخصص و کیفیت حسابرسی با سیاست چرخش حسابرس رابطه‌ی معناداری داشته و تخصص و توانایی حسابرس سبب افزایش مبلغ حق‌الزحمه حسابرس می‌شود. دو نون، مارتین و فیلیپس (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این پرسش پرداختند که آیا شناخت اقلام در صورت‌های مالی در مقابل افشای آن‌ها در طرح قرارداد بدهی تأثیری دارد یا خیر؟ نتایج به دست آمده گویای این مطلب می‌باشد که شناخت روش استفاده از صورت‌های مالی توانایی کنترل مؤثرتر و استفاده مناسب‌تری را فراهم می‌آورد، چراکه صورت‌های مالی نشان‌دهنده وضعیت مالی وام‌گیرنده می‌باشد. لی و لوین (۲۰۲۰) در پژوهش خود به تشخیص و شناسایی نقش حسابرس و تخصص آن در کیفیت حسابرسی دریافتند که انگیزه و علاقه حسابرس به ارائه‌ی حسابرسی تغییر می‌نماید و هم‌جهت با کیفیت (در موقعیتی که میزان کیفیت و عملکرد کنترل‌های داخلی مؤسسه حسابرسی در حد مطلوب باشد)، افزایش می‌یابد. البته این امکان نیز وجود دارد که به‌طور هم‌زمان انگیزه‌های حسابرسان به جهت حفظ نمودن سیستم کنترل کیفیت داخلی خوب کاهش دهد، علت این موضوع را می‌توان دلیل کاهش کیفیت حسابرسی دانست. چمبرز و پابین (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان کیفیت حسابرسی اقلام غیرعادی به این نتیجه دست یافتند که میزان بازده عملیاتی مرتبط با اقلام تعهدی غیرعادی با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی منفی و معناداری دارد. نتایج پژوهش لی و رودن (۲۰۰۷) نشان می‌دهد حسابرسی با کیفیت رابطه مثبت و معناداری با میزان تغییر پیش‌بینی سود دارد. به طوری که هرچه قدر کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، به تبع آن کیفیت اطلاعات حسابداری نیز بالاتر است. بنابراین می‌توان پیش‌بینی نمود، که با رخداد تکنولوژی در اطلاعات بازده، سطح خطای کمتری را در بردارد. پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده هر کدام به نحوی و از زاویه‌ای متفاوتی به کیفیت کار حسابرسی انجام شده توسط حسابرسان و شرکا پرداخته‌اند، آن چیزی که به غنی شدن ادبیات این موضوع اضافه نماید بررسی و مطالعه اثر تخصص بالای حسابرسان بر بازار سرمایه و واکنش بازار نسبت به آن است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: در شرکت‌هایی که حسابرسان تخصص بالاتری دارند، درآمدها تأثیر مثبت معناداری بر قیمت سهام دارند.

فرضیه دوم: تغییر حسابرس و انتخاب حسابرسان با تخصص بالاتر موجب واکنش مثبت و معنی‌دار بازار سرمایه می‌شود.

فرضیه سوم: حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالاتر تأثیر مثبت معناداری بر تامین مالی شرکت‌های بورسی (مبلغ تسهیلات دریافتی) دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی و همبستگی است و می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مؤثر و کاربردی باشد. به منظور جمع‌آوری داده، در گام نخست از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. مبانی نظریه پژوهش، در روش کتابخانه‌ای، از کتاب‌ها و مجلات تخصصی به زبان فارسی و لاتین جمع‌آوری و پس از آن، برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز پژوهش از آمارهای ارائه شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت شرکت بورس اوراق بهادار تهران و دیگر منابع دستیابی به اطلاعات موردنیاز در مورد شرکت‌ها گردآوری شده است.

جامعه آماری و روش انتخاب نمونه

جامعه آماری در این پژوهش، تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. برای انتخاب نمونه از تمامی داده‌های در دسترس به روش حذفی استفاده شده است و از میان تمامی شرکت‌های در دسترس، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شدند:

- ۱- به جهت همگن‌سازی زمانی نمونه آماری، شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲- برای حداکثر کردن قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها پایان اسفندماه باشد.
- ۳- شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها نباشند.
- ۴- در قلمرو زمانی پژوهش تغییر فعالیت یا تغییر دوره مالی نداشته باشند.
- ۵- داده‌ها و اطلاعات موردنیاز شرکت‌ها در دسترس باشد.

پس از اعمال این محدودیت‌ها در نهایت نمونه آماری این پژوهش، شامل ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول، از مدل گال و همکاران (۲۰۱۳) بهره گرفته شده است:

مدل (۱)

$$CAR_{it} = a_0 + a_1 SUPRISE_{it} + a_2 QPartner_{it} + a_3 SUPRISE_{it} * QPartner_{it} + a_4 LEV_{it} + a_5 SIZE_{it} + a_6 LOSS_{it} + a_7 CURRENT_{it} + a_8 LINE_{it} + a_9 STDRT_{it} + \varepsilon$$

در این مدل، CAR بازده غیرعادی، $SUPRISE$ نوسان فصلی سود، $QPARTNER$ تخصص حسابرس، LEV اهرم مالی، $SIZE$ اندازه شرکت، $LOSS$ زیان شرکت، $CURRENT$ نسبت جاری، $LINE$ سرمایه گذاری بلندمدت و $STDRET$ معیار ریسک می‌باشد. برای آزمون فرضیه دوم از مدل زیر بهره گرفته شده است:

مدل (۲)

$$CAR_{it} = a_0 + a_1 PartnerCH_{it} + a_2 LEV_{it} + a_3 SIZE_{it} + a_4 LOSS_{it} + a_5 CURRENT_{it} + a_6 LINV_{it} + a_7 STDRET_{it} + \varepsilon$$

در مدل مذکور، CAR بازده غیرعادی، $PartnerCH$ تغییر حسابرس، LEV اهرم مالی، $SIZE$ اندازه شرکت، $LOSS$ زیان شرکت، $CURRENT$ نسبت جاری، $LINE$ سرمایه گذاری بلندمدت و $STDRET$ معیار ریسک می‌باشد. برای آزمون فرضیه سوم از مدل زیر بهره گرفته شده است.

مدل (۳)

$$CONTRACTE_{it} = a_0 + a_1 QPartner_{it} + a_2 LEV_{it} + a_3 SIZE_{it} + a_4 LOSS_{it} + a_5 CURRENT_{it} + a_6 LINV_{it} + a_7 STDRET_{it} + \varepsilon$$

در مدل مذکور، $CONTRACTE$ میزان تسهیلات دریافتی، $QPartner$ تخصص حسابرس، LEV اهرم مالی، $SIZE$ اندازه شرکت، $LOSS$ زیان شرکت، $CURRENT$ نسبت جاری، $LINE$ سرمایه گذاری بلندمدت، $STDRET$ معیار ریسک و ε خطای مدل است.

متغیرهای وابسته

بازدهی غیرعادی (Abnormal return): بازده غیرعادی عبارت است از تفاوت بازده واقعی شرکت و بازده بازار رمضان احمدی و جلالی (۱۳۹۲)، که از طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$AR_{it} = R_{it} - R_{mt}$$

که در این رابطه، برای محاسبه بازده سالانه سهام شرکت (R_{it}) از فرمول جامع محاسبه‌ی بازدهی با در نظر گرفتن تعدیلات قیمت بر اساس سود نقدی و تغییرات سرمایه مطابق رابطه زیر استفاده شده است.

$$R_{it} = \frac{(P_t(1 + \alpha + \beta) - (P_{t-1} + C\alpha) + D_t)}{P_{t-1} + C\alpha}$$

که در آن: P_t قیمت سهام در پایان دوره t ، P_{t-1} قیمت سهام در ابتدای دوره t یا پایان دوره $t-1$ ، D_t سود نقدی پرداختی در سال t ، درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی، β درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته، C مبلغ اسمی پرداخت شده توسط سرمایه گذار بابت افزایش سرمایه از محل آورده نقدی.

R_{mt} : برابر است با نرخ بازده بازار که از شاخص بازده نقدی و قیمت بورس اوراق بهادار تهران (TEDPIX) به شرح زیر به دست می‌آید:

$$R_{mt} = \frac{(TEDPIX_t - TEDPIX_{t-1})}{TEDPIX_{t-1}}$$

تسهیلات دریافتی (CONTRACTEit): در پژوهش حاضر از میزان تسهیلات دریافت شده بهره گرفته شده است که برابر است با لگاریتم مجموعه تسهیلات بلندمدت دریافت شده از بانک‌ها و مؤسسات (چوی و همکاران، ۲۰۱۴).

متغیرهای مستقل

نوسان‌های فصلی سود (SUPRRISE): اختلاف میان سود فصل اول و چهارم اعلام شده توسط شرکت‌های بورسی تقسیم بر قیمت اعلامی پایانی سهام در آن فصل است (گال و همکاران، ۲۰۱۳).

تغییر حسابرس (PartnerCH): متغیری مجازی است، اگر تغییر از حسابرسانی که تخصص پایینی دارند به حسابرسانی با تخصص بالا باشد، عددی برابر یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

اگر مقدار باقیمانده خطای مدل (۳) تخصص حسابرس عددی بزرگ‌تر از صفر باشد، این عدد نشان‌دهنده‌ی تخصص بالای حسابرس و در غیر این صورت نشان از تخصص پایین آن‌ها دارد. تخصص حسابرس (QPARTNER): از مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۱) برای صاحب‌کاران هر شریک (بر اساس نام و امضای شریک در گزارش حسابرس) محاسبه و برآورد می‌شود. در این مدل اقلام تعهدی اختیاری، تحت اختیار و کنترل مدیریت می‌باشد و مدیریت به وسیله دست‌کاری آن‌ها اقدام به مدیریت سود می‌نماید. اقلام تعهدی در اختیار مدیریت اختلاف میان اقلام تعهدی غیر اختیاری از جمع کل اقلام تعهدی محاسبه می‌شود. با در نظر گرفتن اثرات مختلف اقلام تعهدی اختیاری بر میزان سود و زیان هر دوره، این امکان وجود دارد که این اقلام را به دو صورت اختیاری و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) جهت محاسبه‌ی اقلام تعهدی اختیاری صاحب‌کاران به‌عنوان شاخصی از تخصص حسابرس بهره گرفته شده است.

مدل (۴)

$$TA_t = (\Delta CA_t - \Delta CL_t - \Delta CASH_t + \Delta STDEBT_t - DEPN)$$

مدل (۵)

$$\frac{TA_t}{A_{t-1}} = a_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + a_2 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + a_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{t-1}} \right) + a_4 ROA_{t-1} + \varepsilon$$

در این معادله داریم: TA_t کل اقلام تعهدی در سال t ، ΔCA_t تغییر در دارایی‌های جاری در سال t ، ΔCL_t تغییر در بدهی‌های جاری، $\Delta CASH_t$ تغییر در وجه نقد، $\Delta STDEBT_t$ تغییر در حصه جاری تسهیلات دریافتی در سال t ، $DEPN$ تغییر در هزینه استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود، ΔREV_t درآمد سال t منهای درآمد سال $t-1$ ، PPE اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (ناخالص) در پایان سال t ، ROA_{t-1} بازده دارایی در $t-1$ ، A_{t-1} کل دارایی‌ها در سال $t-1$ و ΔREC_t تغییر حساب‌های دریافتی سال t تعریف شده است. شرکت‌هایی که انگیزه بیشتری برای متعهد نشان دادن خود دارند موسسات بزرگ و مشهور حسابرسی را انتخاب می‌کنند، در اینجا بزرگی و شهرت موسسه حسابرسی جانشینی برای کیفیت حسابرسی می‌باشد. موسسه‌های بزرگ حسابرسی دارای منابع مالی و انسانی بیشتری هستند که این امر می‌تواند بر صلاحیت و تخصص حسابرس موثر باشد. پس از برآورد مدل فوق، بر اساس پژوهش آئوبدیا و همکاران (۲۰۱۵) مدل زیر به منظور تعیین کیفیت حسابرسی (QPartner) در فرضیه اول و سوم برآورد می‌شود:

مدل (۶)

$$\begin{aligned}
 \text{ABSDA} = & a_0 + a_1 \text{LOSS}_{it} + a_2 \text{LEV}_{it} + a_3 \text{TURN} + a_4 \text{SIZE}_t + \\
 & a_5 \text{BTM} + a_6 \text{AGE} + a_7 \text{CFO} + a_8 \text{STDCFO}_t + a_9 \text{IND} - \text{MKTSHARE} - \text{EPT} \\
 & + a_{10} \text{TENUREEP} + a_{11} \text{BIG} + a_{12} \text{SIZE} - \text{EP} + a_{13} \text{CI} - \text{EPT} + \varepsilon
 \end{aligned}$$

ABSDA اقلام تعهدی به دست آمده از مدل (۵)، LOSS زیان شرکت، LEV اهرم مالی، TURN گردش فروش، SIZE اندازه شرکت، BTM ارزش دفتری به ارزش بازار، AGE عمر شرکت، CFO جریان نقد عملیاتی، STDCFO انحراف معیار جریان نقد عملیاتی، IND - MKTSHARE - EP سهم بازار شریک حسابرسی، TENUREEP تداوم انتخاب شریک حسابرسی، BIG اندازه مؤسسه حسابرسی (سازمان به عنوان حسابرس بزرگ و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی به عنوان حسابرس کوچک)، SIZE - EP اندازه صاحب کاران شریک حسابرسی، CI - EPT سطح اهمیت صاحب کار است.

متغیرهای کنترلی

متغیرهایی که در پژوهش‌های گذشته تأثیر قابل توجهی بر میزان بازده غیرعادی و تسهیلات دریافتی داشته‌اند، به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: اهرم مالی (LEV): اهرم مالی را می‌توان از طریق نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه نمود. اندازه شرکت (SIZE): از لگاریتم طبیعی دارایی‌های موجود در شرکت اندازه شرکت به دست آمده است.

زیان: متغیر مجازی صفر و یک است به طوری که اگر شرکت در سال جاری، سال گذشته و یا دو سال گذشته متحمل زیان شده باشد، عدد یک و چنانچه زیانی نداشته باشد عدد صفر خواهد بود.

نسبت جاری (CURRENT): مساوی است با نسبت دارایی‌های جاری به جمع کل دارایی‌های شرکت.

سرمایه‌گذاری بلندمدت: مساوی است با نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌های ثبت شده ابتدای دوره.

ریسک (STDRET): مساوی است با انحراف معیار بازده در دوره ۳ ساله شرکت.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره ۱ آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه مشاهدات را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. بررسی و تجزیه و تحلیل نتایج کمی کسب شده با به کارگیری آمار توصیفی متغیرهای تحقیق با در نظر گرفتن جدول بیان کننده ارزش ۰/۰۳۴۸ در میانگین متغیر بازده غیرعادی است. میانگین به دست آمده برای متغیر اعتبارات و تسهیلات دریافتی برابر با ۴/۰۰۸۷ می‌باشد. میانگین متغیرهای سود جاری، تخصص حسابرس، تغییر حسابرس برابر با ۰/۰۶۰۸، ۰/۰۳۱۶، ۰/۵۱۶۸ هستند. اهرم مالی بیانگر میانگینی در حدود ۰/۴۰۳۸ می‌باشد که این مطلب نشان دهنده این موضوع است که قسمت مهمی از منابع موجود در شرکت از محل بدهی‌ها تأمین شده است. میانگین نسبت جاری برابر با ۰/۴۸۹۰ می‌باشد. این موضوع بیان می‌کند که بخش قابل ملاحظه‌ای از دارایی‌های شرکت جاری بوده که این امر مستلزم تلاش مضاعف و رسیدگی بیشتر حسابرسان را نشان می‌دهد. میانگین سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، برابر با ۰/۸۴۱۲ است که این موضوع نشان می‌دهد که دارایی ثابت شرکت‌ها محدود می‌باشند دلیل این امر را می‌توان سطح رشد شرکت‌ها قلمداد کرد (واعظ و همکاران، ۱۳۹۲).

نگاره ۱: آمار توصیفی پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
بازده غیرعادی	۰/۰۳۴۸	۰/۰۴۶۴	۰/۱۲۴۶	۰/۳۸۱۸	-۰/۱۰۳۵
میزان تسهیلات دریافتی	۴/۰۰۸۷	۵/۴۸۷۵	۰/۲۴۴۲	۶/۶۱۴۰	۰/۲۲۶۰
سود فصلی	۰/۰۶۰۸	۰/۰۴۱۰	۰/۰۶۱۸	۰/۲۰۱۰	۰/۰۰۰۰
تخصص حسابرس	۰/۰۳۱۶	۰/۰۱۷۸	۰/۱۸۳۲	۰/۲۷۳۸	-۰/۱۶۳۸
تغییر حسابرس	۰/۵۱۶۸	۰/۰۰۰۰	۰/۴۶۶۹	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۴۰۳۸	۰/۴۶۰۸	۰/۳۴۴۸	۰/۷۴۸۶	۰/۱۸۴۱
مقیاس (اندازه) شرکت	۵/۵۵۱۵	۵/۱۶۸۳	۱/۶۳۵۰	۸/۸۹۹۴	۰/۰۰۰۰
زیان	۰/۰۷۶۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۷۲۱	۱/۰۰۰۰	-۰/۱۹۰۰
نسبت جاری	۰/۴۸۹۰	۰/۳۰۰۰	۰/۳۱۲۶	۰/۶۸۰۰	۰/۰۲۷۰
سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت	۰/۸۴۱۲	۰/۳۸۰۰	۰/۳۱۱۰	۰/۴۹۰۰	۰/۰۳۵۰
ریسک	۰/۱۸۶۸	۰/۱۶۴۸	۰/۱۲۶۲	۰/۳۸۲۱	۰/۰۴۰۶

آمار استنباطی

نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای بررسی استفاده از روش داده‌های پنل با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی در نگاره ۲ نشان داده شده است.

نگاره ۲: نتایج آزمون F لیمر

مدل	آماره F	میزان خطا	روش مقبول و مورد استفاده
مدل ۴	۷/۴۴۶۲	۰/۰۰۰۰	داده‌های پنل
مدل ۵	۶/۳۸۱۱	۰/۰۰۰۰	داده‌های پنل
مدل ۶	۶/۳۸۱۲	۰/۰۰۰۰	داده‌های پنل

با در نظر گرفتن آماره و میزان خطای به دست آمده در آزمون F لیمر، نیاز است برای انتخاب از میان مدل داده‌های تابلویی با اثرات یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شده و مدل مورد نظر تعیین گردد. نتایج به دست آمده از آزمون هاسمن در نگاره ۳ آورده شده است.

نگاره ۳: نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره هاسمن	میزان خطا	VIF	روش مقبول و مورد استفاده
مدل ۴	۲/۰۶۰۸	۰/۰۰۶۳	۷/۶۲۴۸	مدل اثرات ثابت
مدل ۵	۳/۹۲۴۸	۰/۰۰۰۰	۶/۵۴۰۰	مدل اثرات ثابت
مدل ۶	۲/۷۷۴۱	۰/۰۰۱۷	۷/۷۳۲۵	مدل اثرات ثابت

نگاره ۳ نشان می‌دهد که فرضیه H_0 برای مدل پژوهش رد شده است، بنابراین از مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده می‌شود. در این پژوهش جهت تشخیص هم خطی از آزمون VIF استفاده گردیده که نتایج آن در تمامی مدل‌ها کمتر از ۱۰ بوده است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج برآورد مدل‌های پژوهش در نگاره ۴ نمایش داده شده است. نتایج به دست آمده از تخمین مدل‌های ۴، ۵، ۶ نشان می‌دهد که مدل‌های پژوهش معنادار می‌باشند، و میزان خطای احتمال مربوط به آماره F برای تمامی آن‌ها معادل صفر و یا کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین در سطح اطمینانی معادل ۹۹ درصد نیز معنی‌دار هستند. نتایج آماره دوربین واتسون مدل‌ها که در نگاره ۴ آورده شده است، حاکی از آن است که مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. با توجه به تأییدیه آماره‌ی مدل‌ها، فرضیه‌های مطرح در پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. آماره t در

ارتباط با فرض صفر، نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که حسابرس از تخصص بالایی برخوردار است، درآمدها تأثیر بیشتری بر قیمت سهام نداشته و برابر با $-۲/۸۸۴۶$ در سطح خطای ۵ درصد رد می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت که، در شرکت‌هایی که حسابرسان با تخصص بالا بکار گرفته می‌شوند، این امر موجب اعتماد و اطمینان بیشتر استفاده‌کنندگان به گزارش‌های حسابرسی می‌شود و به دلیل این که قیمت بازار در سهام منعکس‌کننده‌ی اطلاعات درون‌سازمانی مانند درآمد می‌باشد، در نتیجه بازده غیرعادی به سبب تفاوت بازدهی سهام و بازدهی بازار به صورت نزولی خواهد بود. (یافته‌های مدل ۴)

نگاره ۴: برآورد مدل‌های پژوهش

متغیر	مدل ۴		مدل ۵		مدل ۶	
	ضریب	اماره t	ضریب	اماره t	ضریب	اماره t
عرض از مبدأ	-۰/۳۶۱۸	*-۳/۴۸۵۱	-۰/۲۴۱۲	*-۰/۴۶۹۰	-۰/۱۹۷۸	*۲/۲۴۸۱
سود فصلی	-۰/۱۶۳۵	*-۴/۱۵۷۲	-	-	-	-
تخصص حسابرس	۰/۶۲۲۴	*۳/۳۶۵۴	-	-	۰/۳۳۰۸	*۲/۶۴۴۵
سود فصلی*تخصص حسابرس	-۰/۱۹۴۸	-۲/۸۸۴۶	-	-	-	-
تغییر حسابرس	-	-	-۰/۳۵۷۸	*-۳/۲۳۵۷	-	-
اهرم مالی	۰/۰۱۵۴	۰/۸۸۲۱	-۰/۵۱۴۷	-۰/۳۳۶۸	۰/۱۷۳۳	*۱/۶۰۱۵
اندازه شرکت	۰/۳۱۷۳	*۴/۰۳۱۶	۱/۲۳۱۹	*-۳/۲۲۳۶	۰/۱۳۴۵	*۴/۰۰۳۶
زیان	۱/۱۰۰۸	*۰/۱۷۰۴	۰/۶۲۳۰	*۲/۸۹۹۱	۰/۳۵۷۶	*۲/۲۱۵۴
نسبت جاری	-۰/۳۴۱۷	-۰/۵۰۱۰	-۰/۱۶۰۲	-۱/۳۱۳۵	۰/۰۳۱۱	*۰/۱۴۲۶
سرمایه‌گذاری بلندمدت	۰/۳۶۲۲	۴/۱۱۳۹	۱/۰۰۳۳	*۳/۳۳۴۸	۰/۲۸۳۶	*۰/۶۸۹۳
ریسک	۰/۰۲۶۵	*۳/۰۰۱۸	۰/۱۷۲۱	۰/۱۳۹۸	۰/۰۳۴۰	*۰/۹۱۵۳
ضریب تعیین	۰/۶۲۳۳	-	۰/۳۵۲۰	-	۰/۶۴۳۹	-
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۲۰۱۴	-	۰/۴۹۴۵	-	۰/۳۵۵۱	-
اماره واتسون	۱/۷۷۴۳	-	۱/۹۴۵۶	-	۱/۷۱۰۲	-
اماره F	۶/۱۵۳۵	-	۷/۴۶۶۸	-	۷/۴۶۷۰	-
احتمال اماره	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	-

*بیانگر سطح معناداری ۱ درصد و **بیانگر سطح معناداری ۵ درصد.

با توجه به سطح معنی‌داری، فرض صفر مبنی بر اینکه تغییر حسابرس به حسابرس با تخصص بالاتر منجر به واکنش مثبت بازار سرمایه نمی‌گردد، کوچکتر از ۰/۰۵ بوده است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه تغییر حسابرس به حسابرس با تخصص بالاتر سبب واکنش مثبت بازار

می‌شود (یافته‌های مدل ۵). همچنین سطح خطای صفر، مبنی بر اینکه شرکت‌های دارای حسابرس با تخصص بالاتر تسهیلات دریافتی بیشتری دارند کوچکتر از ۰/۰۵ را نشان می‌دهد که آن دسته از شرکت‌هایی که توسط حسابرسان با تخصص بالا حسابرسی می‌گردند، تسهیلات دریافتی بیشتری دارند (یافته‌های مدل ۶).

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی چگونگی واکنش بازار سرمایه به تخصص حسابرسان است. یافته‌های حاصل از الگوهای رگرسیونی بر نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۵ ساله ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که حسابرسان از تخصص بالاتری برخوردارند، درآمد شرکت تأثیر بیشتری بر قیمت سهام دارد. تخصص بالای حسابرسان با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی، شرکت را به بهترین نحو راهبری و کنترل می‌کند. نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که در توسط حسابرسان با تخصص بالا حسابرسی می‌شوند، درآمدها تأثیر بیشتری بر قیمت سهام دارند. انجام حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالا، باعث شفافیت و اعتماد بیشتر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی می‌گردد، که سبب بهبود موقعیت رقابتی شرکت و در نهایت افزایش درآمدها می‌شود. از سوی دیگر حسابرسانی که تخصص بالایی دارند می‌توانند سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردند، و این امر باعث کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود، زیرا حسابرسی مناسبی که توسط افراد با تخصص بالا انجام گرفته باشد این توانایی را دارد که تلاش‌ها و اقدامات مدیریت را در راستای دست‌کاری حساب‌ها کنترل نماید (دالکوئیست و رابرت، ۲۰۰۱). حسابرسان با تخصص بالا تلاش می‌نمایند تا وظایف خود را به بهترین شکل انجام و به استفاده‌کنندگان در مورد گزارشگری اطمینان بخشی دهند، تا از منافع سهامداران حمایت و موجب افزایش منافع آن‌ها شوند (یو، ۲۰۰۵). انتظار می‌رود که وقوع رفتارهای فرصت‌طلبانه مانند استفاده نامناسب از دارایی‌ها در شرکت‌هایی که توسط حسابرسان با تخصص بالا رسیدگی می‌شوند، کاهش یابد. حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالا موجب می‌گردد که مدیریت در تصمیمات خود احتیاط نموده و تصمیماتی در راستای کارایی استفاده از منابع را اتخاذ نماید و از هرگونه اقدامی که با واکنش منفی بازار سرمایه روبرو خواهد شد، پرهیز نماید. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین همانند جی هری و میهو (۲۰۱۹) که بیان می‌دارند مدیران

جهت جلوگیری از دریافت گزارش حسابرسی غیر مقبول، از بازدهی بالاتر صرف نظر می‌نمایند، سازگار است. آن‌ها بیان می‌نمایند که شرکت‌ها برای جلوگیری از بی‌اعتمادی اعتباردهندگان، درصد حسابرسی باکیفیت‌تری هستند که این امر با به کارگیری حسابرسان دارای تخصص بالا در انجام حسابرسی باکیفیت مقذور می‌باشد. نتایج به دست آمده از این پژوهش با پژوهش رستگاری و مهدوی (۱۳۹۹) سازگار است. نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که بخشی از واکنش بازار به دلیل اطلاعات ناقص است، در چنین موقعیتی فروشنده شناخت دقیق و کافی نسبت به واکنش خریدار نسبت به تغییر حسابرس ندارد. می‌توان بیان کرد که خریدار شناختی نسبت به علت تغییر حسابرس ندارد (ویلرس، هایب و ژانگ، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش جانستون، بدارد و اترج (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که در موقعیت رقابتی، با هدفمندتر شدن تلاش عموم حسابرسان، بازده غیرعادی مسیری رو به کاهش طی خواهد کرد. بنابراین، انتظار این است که واکنش بازار به حسابرسی در زمان تغییر و بهبود سطح حسابرس و انتخاب حسابرس دارای تخصص بالا به سطح پیش‌بینی شده نزدیک‌تر شود. هم‌چنین، نتایج به دست آمده از این پژوهش با پژوهش‌های لی و لوین (۲۰۲۰) و بهار مقدم و جوکار (۱۳۹۹) سازگار است. نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد، که اعتباردهندگان به‌عنوان یکی از گروه‌های اصلی استفاده‌کننده از صورت‌های مالی، در ارزیابی وضعیت و اعتبار مشتری و تصمیمات مرتبط با اعطای اعتبار و تسهیلات، گزارش‌های صادرشده توسط حسابرسان و کنترل‌های داخلی آن شرکت را در نظر می‌گیرند. چنین تصمیم‌ها و ارزیابی‌های اعتباری بسیار مهم و حیاتی بوده و اگر به صورت صحیح و درست انجام نشود، موجب تشدید معوقات و مطالبات بانکی خواهد شد. با افزایش پیدا کردن مطالبات معوق، بانک‌ها قسمتی از دارایی‌های خود را بلوکه شده می‌بینند و در پی این موضوع کاهش یافتن گردش مطالبات و طولانی شدن دوره وصول مطالبات معوق، بانک‌ها در چنین شرایطی نمی‌توانند برنامه‌ریزی مؤثر و بهینه‌ای داشته باشند. با سپردن حسابرسی به حسابرسان با تخصص بالا که نتیجه آن افزایش کیفیت حسابرسی است، ریسک‌های مرتبط با مطالبات به حداقل رسیده و مبالغ تسهیلات اعطایی افزایش پیدا خواهد کرد. سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود شرکت‌هایی را برمی‌گزینند که شفافیت اطلاعاتی داشته باشند. با افزایش کیفیت حسابرسی به واسطه انجام حسابرسی توسط حسابرسان با تخصص بالا، شفافیت اطلاعات بیشتر شده و هزینه‌های پردازش اطلاعات عمومی و خاص شرکت کاهش پیدا خواهد کرد، حسابرسی باکیفیت انجام شده توسط حسابرسان با تخصص بالا سبب انعکاس اطلاعات در قیمت‌ها

می‌گردد. نتایج به دست آمده در این پژوهش با پژوهش دونون، مارتین و فیلیپس (۲۰۲۰) سازگار است. پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها با به‌کارگیری حسابرسان دارای تخصص بالا، نگرش سهامداران نسبت به شفافیت اطلاعات خود را افزایش داده و اعتماد آن‌ها را جلب نمایند. به‌کارگیری حسابرسان با تخصص بالا باعث اجتناب و دوری از تصمیمات نادرست می‌شود که این اجتناب به‌وسیله تسهیل تحلیل و شناسایی اطلاعات مالی به دست می‌آید و از تحمیل هزینه‌های اضافی جلوگیری می‌نماید. ۱- به شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد در انتخاب حسابرس در کنار سایر موارد توجه خاصی به تخصص حسابرس داشته باشند، تخصص حسابرسان منتخب می‌تواند سبب جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و توان کسب سرمایه لازم برای شرکت گردد. ۲- شرکت‌هایی که قصد کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی را دارند پیشنهاد می‌گردد تخصص حسابرسان را مد نظر قرار بدهند. ۳- شرکت‌هایی که بدهی‌ها و اعتبارات دریافتی آن‌ها زیاد است می‌توانند ریسک نکول بدهی‌ها و اعتبارات را، از طریق اعتبار بخشی به صورت‌های مالی توسط حسابرسان با تخصص بالا کاهش دهند. ۴- به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در انتخاب شرکت‌ها جهت سرمایه‌گذاری به مساله حسابرسان و تخصص آن‌ها توجه به خصوصی داشته باشند زیرا تخصص حسابرسان سبب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری آنان می‌گردد.

منابع

- آذین فر، کاوه؛ قدرتی زرام، عباس؛ تیمور پور، سهیلا؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). کیفیت حسابداری، سیاست چرخش مؤسسات حسابداری و حق‌الزحمه حسابرسان: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. *مجله دانش حسابداری*، ۱۹، ۲۹۰-۲۷۵.
- بهبهانی نیا، پریسا سادات؛ ولی زاده لاریجانی، اعظم. (۱۳۹۹). تأثیر طبقه مؤسسات حسابداری معتمد بر گزارشگری مالی صاحب‌کاران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۰(۳۷)، ۲۱۸-۱۸۷.
- بهار مقدم، مهدی؛ جوکار، حسین. (۱۳۹۷). اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری بر تمایلات سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۴(۵۷)، ۱۴۶-۱۲۳.
- خوش کار، فرزین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر میزان دریافت تسهیلات دریافتی از بانک‌ها مطالعه موردی بانک رفاه. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*. <https://civilica.com/doc/437093/>.
- خانی، ذبیح‌الله؛ رجب دری، حسن؛ صدری، ندا. (۱۳۸۹). رابطه کیفیت حسابداری (اندازه مؤسسه حسابداری، تخصص حسابرسان در صنعت و دوره تصدی حسابرسان) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان با اظهار نظر حسابداری نسبت به تداوم فعالیت. *دانش حسابداری*، ۲۰(۷۹)، ۱۵۲-۱۳۸.
- رستگاری، نجمه؛ مهدوی، غلامحسین. (۱۳۹۹). تخصص حسابرسان در صنعت و ساختار بازار حسابداری، *مجله دانش حسابداری*، ۱۱(۴)، ۱۲۸-۹۷.
- عباس زاده، محمدرضا؛ نصیر زاده، فرزانه؛ پور حسینی، حصار. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نوسان‌پذیری سود و کیفیت حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱۰(۸۷)، ۱۵۶-۱۳۹.
- مهرآور، مهدی؛ کارگر، حامد. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط بین تغییر حسابرسان و هزینه تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش همسان‌سازی. *اولین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه شیراز*. <https://civilica.com/doc/938553/>.
- مشایخی، بیتا؛ عمران، حامد؛ آخوندی، امیر. (۱۳۹۷). تخصص شریک حسابداری در صنعت و کیفیت حسابداری: نقش استراتژی صاحب‌کار. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۳(۱۲۵)، ۱۰۵-۱۰۵.
- واعظ، سید علی رمضان؛ احمدی، محمد؛ رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابداری بر حق‌الزحمه حسابداری شرکت‌های بورسی. *مجله دانش حسابداری مالی*، ۱(۱۰۸)، ۸۷-۸۷.
- ودیدی، محمدحسین؛ کاردان، بهزاد؛ هوشمند زعفرانیه، رحمت‌اله. (۱۳۹۷). اثر کیفیت حسابداری بر میزان خطای سود پیش‌بینی‌شده واحدهای تجاری: معیار رتبه‌بندی حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲۸، ۱۵۲-۱۳۵.

- هاشمی نیا، سید مرتضی؛ حیرانی، فروغ. (۱۳۹۹). تاثیر چرخش اجباری حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *اولین کنفرانس حسابداری و مدیریت*. <https://civilica.com/doc/1025677>.
- Abaszadeh, M., Nasirzadeh, F. & Poorhoseini, H. (2020). Earnings Volatility and Audit Fee in TSE. *Journal of Audit Science*, 20 (78): 392-419. (In Persian)
- Azinfar, K., Godratizovarm, A., Teimorpor, S. & Norozi, M. (2019). The Effect of Mandatory Audit Firm Rotation on Audit Quality and Audit Fees. *Journal of Audit Science*, 19 (77): 275-290. (In Persian)
- Behbahani Nia, P., Valizadeh Larijani, Azam. (2020). the effect of the level of trusted auditing firms on the financial reporting of employers. *Empirical Accounting Research*. 10(37): 187-212.(In Persian)
- Baharmoghadam, M., jokar, H. (2018).The Effect of Moferting Audit Quality on Investor Sentiment in Stock Printing. *Journal of Management and Accounting* .14(56): 123-147. (In Persian)
- Ball, R., Jayaraman, L. & Shivakumar, S. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the confirmation hypothesis. *Journal of accounting and economics*, 53. 136-166.
- Blackwell, D., W. T. R. Noland, & D. B. Winters. (1998). the value of auditor assurance: Evidence from loan pricing. *Journal of Accounting Research*. 36(1), 57-70.
- Chambers, D. & Payne, J. (2008). Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the Pre-and Post-Sarbanes-Oxley Periods. <http://ssrn.Com/abstract=1136787>.
- Charl de Villiers, David Hayb, & Zhizi (Janice) Zhang. (2014). Audit fee stickiness. <http://ssrn.com/abstract=1771045>.
- Choi, J. H., Doogar, R. K., & Ganguly, A. R. (2014). The riskiness of large audit firm client portfolios and changes in audit liability regimes: Evidence from the U.S. Audit market. *Contemporary Accounting Research*, 21(4), 747-785.
- Dias Duartea, Fábio. Paula Matias Gamaa, Ana. & Paulo Esperanc, José. (۲۰۱۷). Collateral-based in SME lending: The role of business collateral and personal collateral in less-developed countries. *Research in International Business and Finance*, 39, 406 - 422.
- Dahlquist, M. & Robertson, G. (2001). Direct foreign ownership, institutional investors, and firm characteristics. *Journal of Financial Economics*, 59, 413-440.
- Donovan, J., McMartin, A. S. & Phillips, M. (2019). Does Recognition versus Disclosure Affect Debt Contract Design? *Evidence from SFAS 158*.
- Francis, J. R. & Wang, W. (2020). Common Auditors and Private bank loans. *Contemporary Accounting. Journal of practice & theory*, 30(2), 125-152
- Goodwin, J. & D. Wu. (2014). is the effect of industry expertise on audit pricing an office-level or a partner-level phenomenon? *Review of Accounting Studies*, 19 (4), 153-178.
- Gul, F. A., D. Wu, & Z. Yang. (2013). Do individual auditors affect audit quality, evidence from archival data. *The Accounting Review*, 88 (6), 199–223.

- Hay, D & Knechel, W. R. (2010). The Effects of Advertising and Solicitation on Audit Fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(1), 60-81.
- Hashemini, Seyed Morteza., Hirani, Forough. (2020). the effect of the auditors' mandatory turnover and the size of the audit firm on the audit quality of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *First Accounting and Management Conference*. (In Persian)
- Hurley, P.J., & Mayhew, B. W. (2019). Market reactions to a high-quality auditor and managerial preference for audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 38(4), 131-149.
- Johnstone, K. M., Bedard, J. C., & Ettredge, M. L. (2004). The Effect of Competitive Bidding on Engagement Planning and Pricing. *Contemporary Accounting Research*, 21(1), 25-53.
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29, 193-228.
- Khoshkar, Farzin. (2015). The effect of audit quality on the amount received from banks Banking case study. International Conference on New Research in Management, Economics and Accounting. (In Persian)
- Keller, G., & Warrack, B. (2003). *Statistics for management and economics* (6th ed.). Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
- Knechel, W. R., V. Naiker, & G. Pacheco. (2007). Does auditor industry specialization matter, evidence from market reaction to auditor switches. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 26 (1), 19-45.
- Knechel, W., R., G. V. Krishnan, M. Pevzner, L. B. Shefchik, & U.K. Velury. (2013) audit quality: insights from the academic literature, auditing. *Journal of practice & theory*, 32, 385-421.
- Khani, Z., Rajabdari, H. & Sadri., (2020). Does Audit Quality Mediate the Effect Auditor Tenure, Abnormal Audit and auditor Reputation on Giving Going concern? *Journal of Audit Science*, 20(79): 241-259. (In Persian).
- Lee, B. & Roden, D. (2007). Have the Big accounting firms lost their audit quality advantage: evidence from the returns earnings relation. *Journal of Forensic Accounting*, 64(1), 66-73.
- Lee, K.K., Levine, C.B. (2020). Audit partner identification and audit quality. *Review of Accounting Studies*, 25, 778-809.
- Mehravar, Mehdi & Kargar, Hamed. (2019). Investigating the relationship between auditor change and financing in companies listed on the Tehran Stock Exchange using matching method, first national conference on humanities and development, shiraz. <https://civilica.com/doc/938553>. (In Persian)
- Mashayekhi, Bit; Imran, Hamed; Akhundi Amir. (2016). Specialization of the audit partner in the industry and audit quality: the role of the employer strategy. *Empirical Accounting Research*, 3, 105-125.(In Persian)
- Minnis, M. (2011). The value of financial statement verification in debt financing: Evidence from private U.S. firms. *Journal of Accounting Research*, 49 (2), 457-506.
- Nichols, D. R., D. B. Smith. (1990). the market for audit services. *Journal of accounting and economics*, 12(2), 281-308.

- Rastegari, Najmeh; Mahdavi, GholamHossein (2020). Auditor Specialization in industry and auditing market analysis, journal of Accounting Knowledge, 11(4), 97_128.
- Taylor, Mark H, D. T. Simon, & F. Greg Burton. (1999). A Survey of Audit Service Pricing in South Korea. *Research in Accounting Regulation*, 13, 201-207.
- Teoh, S. H., & T. J. Wong. (1993). Perceived auditor quality and the earnings response coefficient. *The Accounting Review*, 68 (2), 346-366.
- Titman, S., & B. Trueman. (1986). Information quality and the value of new issues. *Journal of Accounting and Economics*, 8 (2), 199-229.
- U.S. Senate. (1977). Subcommittee on Reports, Accounting and Management of the Commission on Government Operations. *The Accounting Establishment: A Staff Study*. Washington DC. Government Printing Office.
- Vadiei, M., Kardan, B., & Houahmand Zaferanire, R. (2018). Audit Quality and Earning Forecast Error: As an Auditor Ranking Criterion. *Empirical Research in Accounting*, 8(2): 135-152. (In Persian).
- Watts, R. L. & J. L. Zimmerman. (1986). Positive Accounting Theory. *Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, Inc.*

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

تأثیر سوگیری رفتاری مدیران بر تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات مالی^۱نازنین بشیری منش^۲، زهرا حاجی زاده^۳، سعید قبادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

طبق تئوری نمایندگی، مالکان مدیریت و تصمیم‌گیری درباره‌ی دارایی و حقوق خود را به مدیریت تفویض می‌کنند. بنابراین تصمیم‌گیری جوهر اصلی مدیریت است و مدیران با اتخاذ تصمیم در حوزه‌های مختلف نظیر سطح سرمایه‌گذاری، سطح نگهداشت وجه نقد، توزیع سود سهام و غیره مواجه هستند. اعطای اختیار تصمیم‌گیری، مسئولیت پاسخگویی برای مدیر ایجاد می‌کند. مدیران برای ایفای این مسئولیت ملزم به ارائه صورت‌های مالی با کیفیت هستند که اطلاعات قابل اتکا و به موقع در اختیار مالکان و سایر ذینفعان قرار دهد. با توجه به اینکه ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی مدیران بر رویکردهای تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات تأثیر دارد، هدف این پژوهش بررسی تأثیر سوگیری‌های رفتاری مدیران بر تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات است. نمونه پژوهش شامل ۱۶۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره‌ی زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بوده است. برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، بیش اطمینانی مدیران، سطح قابلیت اتکای اطلاعات مالی و ارائه به موقع اطلاعات را کاهش می‌دهد. خودشیفتگی مدیران نیز منجر به کاهش قابلیت اتکای صورتهای مالی شده و کاهش تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی می‌شود. مدیران کوتاه‌بین نیز به این دلیل که موقعیت و امتیاز طلبی خود را در کوتاه‌مدت می‌بینند اقدام به دستکاری سود حسابداری نموده و منجر به کاهش قابلیت اتکای اطلاعات مالی می‌شوند ولی این ویژگی رفتاری تأثیری بر ارائه به موقع اطلاعات ندارد. همچنین یافته‌ها نشان داد، بیش اطمینانی مدیران با سطح نگهداشت وجه نقد و سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه مثبت و معناداری دارد. خودشیفتگی مدیران نیز منجر به افزایش سطح نگهداشت وجه نقد شده ولی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد تأثیر معناداری ندارد. کوتاه‌بینی مدیران نیز تأثیر منفی و معناداری بر مخارج سرمایه‌گذاری دارد ولی بر سطح نگهداشت وجه نقد تأثیری ندارد.

واژه‌های کلیدی: سوگیری رفتاری مدیران، قابلیت اتکا، به موقع بودن، سطح نگهداشت وجه نقد و سرمایه‌گذاری.

طبقه بندی موضوعی: M41, G32

DOI: 10.22051/JERA.2021.36525.2885

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (bashirimanesh@pnu.ac.ir).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (zahra.hadjizadeh@gmail.com).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (saeidghobadi44@gmail.com).

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (saeidghobadi44@gmail.com).
<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

اطلاعات مالی با کیفیت بالا به دلیل تأثیر مثبتی که بر تأمین‌کنندگان سرمایه و سایر ذینفعان در تأمین سرمایه‌گذاری، اعتبار و تخصیص منابع مشابه دارد، دارای اهمیت است (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸). این اطلاعات، دربردارنده اطلاعات دقیق‌تری درباره جریان‌های نقدی آینده و پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌هاست و از این‌رو عدم تقارن اطلاعاتی مابین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی را کاهش می‌دهد. بنابراین شرکت‌های با کیفیت بالای گزارشگری، احتمالاً دارای دسترسی بهتری به وجوه خارجی هستند (منتشری، ۱۳۹۴). تقاضا برای گزارشگری و افشای مالی از عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بیرونی ناشی می‌شود (هیلی، پالپو و راباک، ۱۹۹۲). از این رو، هدف گزارشگری شرکتی ارائه اطلاعات برای طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان در راستای اخذ تصمیم‌های مفید اقتصادی است. اطلاعات مالی با کیفیت اطلاعاتی است قابل اتکا، به موقع و مربوط برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از گزارشهای مالی که مبانی زیربنایی اقتصادی شرکتها را بهتر منعکس می‌کند (همتی و امیری، ۱۳۹۷).

کیفیت اطلاعات مالی منتج از تصمیم‌گیری‌های مدیران شرکت درباره پروژه‌های سرمایه‌گذاری، میزان نگهداشت وجه نقد و رویکردهای ارزش آفرینی می‌باشد. کارایی سرمایه‌گذاری مستلزم آن است که از یک سو از مصرف منابع در فعالیت‌هایی که در آن سرمایه‌گذاری بیش از حد مطلوب انجام شده است، ممانعت شود و از سوی دیگر منابع به سمت فعالیت‌هایی که نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری دارد، هدایت شود (مدرس و حصارزاده، ۱۳۸۷). سرمایه‌گذاری بیشتر از حد پیامدهای مخربی در سطح شرکت و در سطح اقتصاد یک کشور دارد. مسئله سرمایه‌گذاری بیش از حد، موجب کاهش کارایی سرمایه‌گذاری در سطح شرکت شده و اقتصاد را ملتهب و متورم می‌کند و به شدت به منافع سهامداران آسیب می‌رساند و منجر به توسعه‌ظاهری اقتصاد کلان می‌شود که یکی از مسائل اصلی در شرکت‌های بزرگ به شمار می‌رود (یانگ و جیانگ، ۲۰۰۸). براساس تئوری سلسله مراتبی، شرکت‌ها بدلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی تأمین سرمایه از بازار سرمایه را هزینه بر می‌دانند و در نتیجه در زمان نیاز به منابع مالی، بر بدهی اتکا می‌کنند. آنها زمانی که منابع کافی در اختیار داشته باشند، پس از بازپرداخت بدهی‌ها، در پروژه‌های دارای خالص ارزش مثبت سرمایه‌گذاری نموده یا دارایی‌های نقدی را انباشت می‌کنند. از طرفی طبق تئوری جریان‌های نقدی آزاد، مدیران فرصت طلب سعی می‌کنند وجه نقد بیشتری را به هزینه‌ی سهامداران نگهداری کنند و از این طریق از

انعطاف پذیری عملیاتی در تعقیب اهدافشان برخوردار شوند. از آنجا که نگهداری وجه نقد مازاد اجازه اقدامات خودسرانه را به مدیران می‌دهد، سرمایه گذاری در وجه نقد می‌تواند اثرات زیانباری بر ارزش شرکت داشته باشد. (جنسن، ۱۹۸۶)

مدیران شرکت‌ها باید در خصوص سیاست‌های مختلف شرکت اعم از سیاست‌های سرمایه گذاری، نگهداشت وجه نقد، تقسیم سود و همچنین سیاست‌های حسابداری از جمله برآورد در حسابداری، تصمیم‌گیری کنند. اما به جرأت می‌توان گفت که آن‌ها برای حداکثرسازی مزایای شخصی خود در کوتاه‌مدت، به شفاف‌سازی اطلاعات مالی نمی‌پردازند. این موضوع از دو جنبه می‌تواند برای شرکت‌های بورسی ایران قابل اهمیت باشد. جنبه‌ی اول از لحاظ تجربی است که، در پژوهش‌های پیشین (خدای پور و امیری، ۱۳۹۸)، نشان دادند در بازار بورس اوراق بهادار تهران مسأله‌ی عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران شدید است و این مسأله می‌تواند ناشی از رفتارهای سوگیرانه و مغرضانه‌ی مدیران باشد. جنبه‌ی دوم، از لحاظ نظری (تئوری نمایندگی)، قابل بیان است که، سوءگیری‌های رفتاری مدیران بر انتخاب راهبردها و سیاست‌های شرکت تأثیر به‌سزایی دارد. در واقع مدیران به دلیل عوامل احساسی، خوش‌بینی، عقلانیت محدود، تکبر، خودبرتربینی و دستیابی به منفعت کوتاه مدت از خودشان سوگیری‌های رفتاری نشان می‌دهند. این عوامل می‌تواند سبب شود که مدیران برای دستیابی به اهداف خود به شفافیت اطلاعات نپردازند و کیفیت گزارشگری را کاهش دهند؛ و این موضوع در بلندمدت به ارزش شرکت آسیب شدیدی می‌رساند. ادبیات پژوهش حسابداری برخی از سوگیری‌های رفتاری مدیران، نظیر بیش اطمینانی، کوتاه‌بینی و خودشیفتگی مورد توجه قرار داده است (باقری و مرادی، ۱۳۹۳؛ بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۷ و کاشانی پور و محمدی، ۱۳۹۶).

بیش اطمینانی موجب می‌شود فرد توانایی‌های خود را بیشتر و ریسک‌ها را کم‌تر از حد معمول تخمین زده و احساس کند که قادر به کنترل مسائل و رویدادهاست؛ درحالی که ممکن است اینگونه نباشد (نوفسینگر، ۲۰۰۱). شراند و زچمن (۲۰۱۱) عنوان کردند که بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود، تحریف در صورت‌های مالی را در پی خواهد داشت. این تحریف می‌تواند از روی عمد یا غیرعمدی باشد، در نتیجه کیفیت اطلاعات تحت تأثیر قرار گرفته و نگرشهای تصمیم‌گیری مدیران تغییر کنند.

خودشیفتگی مدیران باعث می‌شود تا آنان با تمرکز شخصی و خودکفایی، برجسته و شناخته شوند و بیشتر اقدامات آنان حتی اگر به زیان دیگران تمام شود، برای منافع شخصی خودشان

باشد. بنابراین چنین افرادی بر اساس خواست خود و نه بر اساس منطق و عقلانیت تصمیم می‌گیرند. مدیران خودشیفته، اغلب فرایندهای تصمیم‌گیری را تحت سلطه خود قرار می‌دهند و به مشاوره با دیگران تمایلی نشان نمی‌دهند (هام و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، احتمال می‌رود کیفیت اطلاعات مالی را تحت تاثیر قرار داده یا سیستم‌هایی طراحی کنند که با برخورداری از انعطاف‌پذیری بیشتر، آنان را به اهداف‌شان نزدیک‌تر کند.

کوتاه بینی مدیریتی منعکس‌کننده اقدامات فرصت طلبانه مدیران است که در جهت منافع سهامداران نیست و با بالا بردن سودهای حسابداری جاری به وسیله کاهش هزینه‌های دارای منافع بلندمدت (مانند مخارج پژوهش و توسعه و بازاریابی)، بر رویکردهای تصمیم‌گیری مدیران و کیفیت اطلاعات تاثیر می‌گذارد (سلیمانی و آسایش پور، ۱۳۹۹).

تصمیم‌گیری از اجزای جدایی‌ناپذیر مدیریت به شمار می‌آید و در هر وظیفه مدیریت به نحوی جلوه گر است؛ در تعیین خط‌مشی‌های سازمان، در تدوین اهداف، انتخاب، ارزیابی و در تمامی اعمال مدیریت؛ تصمیم‌گیری جزء اصلی و رکن اساسی است. مدیران در ازای قدرت تصمیم‌گیری که از طرف مالکان به آنها تفویض شده باید پاسخگویی عملکرد و کیفیت تصمیمات‌شان باشند. برای این منظور، طبق استانداردهای حسابداری و دستورالعمل‌های بورس اوراق بهادار اقدام به ارائه صورت‌های مالی می‌کنند. بنابراین مسئولیت تهیه صورت‌های مالی و کیفیت اطلاعات برعهده مدیریت می‌باشد. با توجه به اینکه ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی مدیران بر رویکردهای تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات تاثیر دارد، این پژوهش دنبال پاسخ به این سوال است: آیا سوگیری‌های رفتاری مدیران بر تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات تاثیر دارد؟

مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

بیش اطمینانی مدیران

نظریه‌های تصمیم‌عقلایی بر این فرض استوارند که مدیران هنگام تصمیم‌گیری منطقی رفتار می‌کنند، اما ادبیات روان‌شناسی نشان می‌دهد که مدیران دچار بیش اطمینانی، اعتماد بیش از حد به خود و دید کوتاه مدت نسبت به چشم انداز آینده شرکت می‌باشند، این سوگیری‌ها در تصمیمات شرکت اخلال ایجاد می‌کند. بر اساس ادبیات پژوهش حسابداری، یکی از انواع سوگیری‌های رفتاری مدیران، بیش اطمینانی می‌باشد. بیش اطمینانی پدیده‌ای است که در مردم عادی نیز وجود دارد؛ اما این پدیده بیش‌تر به مدیران مرتبط می‌شود، به این صورت که مدیران

نسبت به سودها و جریان‌های نقدی واحد تجاری خود خوشبین‌اند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند. آن‌ها احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان‌های نقدی شرکت بیش از واقع تخمین می‌زنند و احتمال و تأثیر رویدادهای منفی را کم‌تر از واقع ارزیابی می‌کنند (هیتون، ۲۰۰۲). بیش اطمینانی در مدیران احتمال بکارگیری رویکردهای محافظه کارانه را کاهش می‌دهد (دوئل‌من و همکاران، ۲۰۱۵) و در نتیجه بدلیل نگرش خوش بینانه مدیران احتمال اشتباه در گزارش سود حسابداری از طریق مدیریت سود واقعی وجود دارد (هسیه، بدارد و جانستون، ۲۰۱۴). مدیران بیش اطمینان به طور نظام‌مندی بازده آینده ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زنند (مالمندر و تیت، ۲۰۰۵)، انتظار می‌رود مخارج سرمایه‌ای (دارایی ثابت) بیش‌تری داشته باشند (بن، گراهام و هاروی، ۲۰۱۰). کاشانی پور و محمدی (۱۳۹۶) در بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران با نگهداشت وجه نقد و حساسیت جریان نقدی وجه نقد دریافتند که بیش اطمینانی مدیران اثر مثبت و معناداری بر حساسیت جریان نقدی وجه نقد دارد. به بیان دیگر، مدیران بیش اطمینان وجه نقد بیشتری از جریان‌های نقدی عملیاتی جاری را در شرکت ذخیره می‌کنند.

خودشیفتگی مدیران

مدیران خودشیفته افرادی هستند که موفقیت شرکت را مدیون بلند همتی و تلاش‌های شخصی خود می‌دانند و مشارکت و نقش کارمندان را در کسب اهداف سازمان نادیده می‌گیرند. بنابراین در شرکتی که اینگونه مدیران بر آن حاکم هستند، نوعی دلسردی و سرخوردگی در میان کارکنان ایجاد می‌شود. عدم رشد دیگر مدیران و کارکنان، امکان سوءاستفاده از دیگران و رفتارهای غیراخلاقی، بی‌توجهی به واقعیات بیرونی، تهدیدات محیطی سازمان، تخریب اعتماد و روابط انسانی از جمله پیامدهای منفی خودشیفتگی هستند (وسنر، ۲۰۰۷). مدیران خودشیفته در پی آن هستند که ضعف‌های خود را پوشانند و با انتقادات به شدت برخورد می‌کنند. این خصلت آنان باعث می‌شود تا ابتکار و نوآوری در سازمان از بین برود. از طرفی مدیران خودشیفته در سازمان‌ها پاداش‌های بیش‌تری برای خود قائل هستند (اوریلی، دور، کالدول و چت‌من، ۲۰۱۴) و به میزان قابل توجهی بیش از هم‌تایان خود درآمدزایی دارند. مدیران خودشیفته قادر به درک واقعیات و پدیده‌ها آن‌طور که باید نمی‌باشند و به همین دلیل نمی‌توانند برای آینده سازمان هدف و برنامه‌ی خاصی داشته باشند؛ پس نوعی سردرگمی در اهداف

سازمان با وجود این مدیران پدید می آید. مجموعه این مشکلات به وجود آمده ناشی از مدیریت فرد خودشیفته بر شرکت، منجر به افت عملکرد سازمان می شود (بارث و همکاران، ۲۰۱۳). از آنجایی که افت عملکرد سازمان با خصوصیات روانی مدیران خودشیفته در تضاد است، آن مدیران برای پنهان کردن واقعیات شرکت به گزارشات غیرواقعیانه روی می آورند (منصورزارع و همکاران، ۱۳۹۹). بذرافشان و همکاران (۱۳۹۷)، در بررسی های خود دریافتند که خودشیفتگی مدیران موجب افزایش مدیریت سود و کاهش کیفیت سود می شود.

کوته بینی مدیران

یکی دیگر از ویژگی های رفتاری مدیران کوتاه بینی است. کوتاه بینی مدیران مجموعه ای از رفتارهای مدیریت تعریف شده است که به دلایل مختلف نظیر ساختارهای تشویقی و استفاده از معیارهای ارزیابی عملکرد که مبتنی بر معیارهای کوتاه مدت می باشد، به جای توجه به سرمایه گذاری های بلندمدت و خلق ارزش در بلندمدت، باعث افزایش منافع کوتاه مدت شرکت می شوند. مدیران کوتاه بین از طریق کاهش میزان هزینه های پژوهش و توسعه، آموزش کارکنان، تبلیغات و از این قبیل سعی در افزایش میزان سودآوری کوتاه مدت دارند. در حالیکه این اقدام مدیریتی تاثیر نامطلوبی بر عملکرد آینده و ارزش شرکت ایجاد می کند (مرادی و باقری، ۱۳۹۳). آنجوس و چانگ (۲۰۱۷) معتقدند مدیریت کوتاه بین به دلیل عدم اطمینان درباره ریسک و بازدهی پروژه های بلندمدت سعی می کنند، هزینه های پژوهش و توسعه خود را کاهش داده و تمرکز خود را بر موارد کوتاه مدت که از ریسک کم تری برخوردار است، قرار دهند؛ این راهبرد مدیریتی در بلندمدت منجر به کاهش بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی ها، رشد اقتصادی و در نتیجه کاهش ارزش شرکت می گردد. پژوهش های محدودی پیامدهای رفتار کوتاه بینی مدیریت را بررسی نمودند. مرادی و باقری، (۱۳۹۳) به بررسی مقایسه ای تأثیر کوتاه بینی مدیریت و مدیریت سود بر بازده سهام پرداختند. نتایج نشان داد که کوتاه بینی مدیریت در کوتاه مدت بازدهی مثبتی حاصل می کند ولی در بلندمدت بر بازده سهام شرکت اثر منفی می گذارد. همچنین مقایسه آثار کوتاه بینی مدیران و مدیریت سود بر بازده سهام نشان داد، کوتاه بینی مدیریت نسبت به مدیریت سود، پیامدهای منفی بیش تری برای شرکت دربردارد. طالع زاری و عبدلی (۱۳۹۶) نشان دادند، کوتاه بینی مدیران سطح دستکاری ارقام تعهدی را افزایش داده و منجر به کاهش کیفیت سود می شود. همچنین نتایج پژوهش نشان داد، مدیران کوتاه بین

از میزان سرمایه‌گذاری کم‌تری برخوردارند که برای آینده شرکت پیامدهای نامطلوبی خواهد داشت. دلشاد و تهرانی (۱۳۹۸) نشان دادند، کوتاه‌بینی مدیران به دلیل کاهش هزینه‌های پژوهش و توسعه و راهبردهای بلندمدت منجر به کاهش ارزش معاملات سهام می‌شوند.

پیشینه تجربی پژوهش

جیانگ و اکسین (۲۰۲۱) به بررسی روابط بین مدیریت سود، کوتاه‌بینی مدیران و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. یافته‌ها نشان داد، در شرکت‌هایی که کوتاه‌بینی مدیران بیش از حد نباشد، اختیارات مدیر برای مدیریت سود مطلوب بوده و به کارایی سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. اخبار محرمانه منفی برای مدیران کوتاه‌بین، هزینه مدیریت سود را افزایش داده و منجر به کاهش کارایی سرمایه‌گذاری می‌شود.

بکولز و همکاران (۲۰۲۰) در بررسی تمایل مدیران خودشیفته دریافتند؛ مدیران خودشیفته برای تاثیرگذاری بر ادراک استفاده کنندگان اقدام به افزایش سود و کاهش میزان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می‌کنند. مدیران خودشیفته تمایل دارند تا نگرش‌های سرمایه‌گذاران برای دوره‌های آینده را نیز تحت تاثیر قرار دهند، بنابراین از ابزار مدیریت سود برای تحقق اهداف شخصی استفاده می‌کنند.

ساکسیا و دژی (۲۰۲۰) تاثیر خودشیفتگی مدیران بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه را بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد، هر چه میزان خودشیفتگی مدیران بیشتر باشد، میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پژوهش و توسعه افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌ها حاکی از تاثیرگذاری قدرت مدیرعامل و شدت رقابت در بازار بر این رابطه می‌باشد.

هی و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی روابط بین بیش‌اطمینانی مدیران، تامین مالی داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. شواهد نشان داد، تامین مالی داخلی به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری منجر می‌شود و مدیران بیش‌اطمینان تمایل بیشتری به تامین مالی داخلی دارند. همچنین در شرکت‌های دارای مدیر بیش‌اطمینان بیش سرمایه‌گذاری رخ می‌دهد.

کرافت و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی اثر کوتاه‌بینی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رفتار کوتاه‌بینانه مدیران در فرکانس گزارشگری مالی باعث کاهش سطح سرمایه‌گذاری آینده می‌شود.

هام و همکاران (۲۰۱۸) تاثیر خودشیفتگی مدیران بر سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت را بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد، خودشیفتگی مدیران منجر به بیش سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش و توسعه و ادغام و تحصیل می‌گردد؛ اما منجر به بیش سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌ای نمی‌شود. همچنین یافته‌ها حاکی از تاثیر منفی خودشیفتگی مدیران بر عملکرد شرکت است.

سلیمانی امیری و افتخاری (۱۳۹۹) به بررسی رابطه اطمینان بیش از حد مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری با تأکید بر نقش میانجی تأمین مالی داخلی پرداختند. نتایج نشان داد، بیش اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با تأمین مالی داخلی دارد و تأمین مالی داخلی رابطه مثبت و معناداری با سرمایه‌گذاری بیش از حد و رابطه منفی و معناداری با سرمایه‌گذاری کمتر از حد داشته است، اما متغیر تأمین مالی داخلی تأثیر میانجی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و کارایی سرمایه‌گذاری ندارد.

بادآورنندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۹) ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت، تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری بررسی نمودند. نتایج نشان داد که بین بیش اطمینانی مدیریت و تأمین مالی داخلی، ارتباط مثبت وجود دارد. همچنین بین بیش اطمینانی مدیریت با سطح سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، ارتباط مثبت و با سرمایه‌گذاری کمتر از حد، ارتباط منفی وجود دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که تأمین مالی داخلی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و سطح سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد و تأثیر تعاملی تأمین مالی داخلی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و سرمایه‌گذاری بیشتر از حد مثبت و معنادار است، در حالیکه این رابطه برای شرکت‌های کم سرمایه‌گذار معنادار نیست.

محمدی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل بر سیاست‌های تأمین مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد اعتماد به نفس بیش از حد مدیران تاثیر معکوس و معناداری بر کارایی سرمایه‌گذاری و رابطه مستقیم و معناداری بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد دارد. همچنین بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد در صورت دسترسی مدیران شرکت‌ها به منابع مالی داخلی، آنها تمایل به سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و در صورت تأمین مالی از منابع خارج از شرکت، تمایل به سرمایه‌گذاری کمتر از حد خواهند شد.

رضایی و یزدی (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر کوتاه بینی مدیریت در رابطه بین رقابت در بازار محصول و ریسک تصمیمات عملیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که کوتاه بینی مدیریت بر رابطه بین رقابت در بازار محصول و ریسک تصمیمات عملیاتی مدیریت تاثیر منفی و معناداری دارد. امیری و همکاران (۱۳۹۷) اثر رفتارهای کوتاه‌بینانه و خوش‌بینانه مدیریت را بر شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها بررسی کردند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که رفتار خوش‌بینی مدیران باعث کاهش شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که مدیران بر اثر تعصبات، بیش از حد خوش‌بین هستند و به دلیل مغرضانه بودن، به شفافیت‌سازی اطلاعات مالی نمی‌پردازند. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که رفتار کوتاه‌بینانه مدیران بر شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها اثر منفی می‌گذارد. این یافته نشان می‌دهد مدیران در پی انگیزه و دست‌یابی به اهداف خود بیشتر به عملکرد کوتاه مدت می‌نگرند و به شفافیت‌سازی اطلاعات مالی نمی‌پردازند.

نوکاشتی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین انعطاف‌پذیری حسابداری با خوش‌بینی مدیران در پیش‌بینی سود بر اساس تئوری اختیارات مدیران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد، بین میزان انعطاف‌پذیری حسابداری با رشد پیش‌بینی و خطای پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. به طوریکه شرکت‌های با انعطاف‌پذیری حسابداری بالا پیش‌بینی خوش‌بینانه تری نسبت به شرکت‌های با انعطاف‌پذیری حسابداری پایین داشته‌اند. همچنین شرکت‌های با انعطاف‌پذیری حسابداری بالاتر از طریق دستکاری سود توانسته‌اند سود خالص را به بالاتر از سود پیش‌بینی برسانند و خطای پیش‌بینی سود آنها مثبت می‌باشد، اما شرکت‌های با انعطاف‌پذیری حسابداری پایین به دلیل اثر تجمعی مدیریت اقلام تعهدی گذشته با محدودیت در دستکاری سود دوره جاری و دوره‌های آینده مواجه شده، بنابراین خطای پیش‌بینی سود آنها منفی می‌باشد.

نمازی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر خودشیفتگی مدیران بر نگرش در انتخاب استراتژی تجاری بررسی نمودند. نتایج آماری آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که در بین گروه‌های دارای استراتژی تجاری مختلف (استراتژی تدافعی، تحلیل‌گرایانه و تهاجمی)، خودشیفتگی مدیران اختلاف معناداری با یکدیگر دارند که در این راستا، بیشترین تأثیر خودشیفتگی مدیران روی استراتژی تدافعی و کمترین تأثیر آن روی استراتژی تحلیل‌گرایانه است. افزون‌براین، مشاهده شد که خودشیفتگی مدیران استراتژی تدافعی را در گروه اول، تحلیل‌گرایانه در گروه دوم و تهاجمی را در گروه سوم طبقه‌بندی می‌کند. از این رو، خودشیفتگی با هر سه نوع

استراتژی رابطه معناداری دارد که این رابطه در مورد استراتژی‌های تدافعی و تحلیل‌گرایانه منفی و در مورد استراتژی تهاجمی مثبت و معنادار است. در نتیجه، با افزایش خودشیفتگی در بین مدیران، انتظار بر این است که تمایل آنان به انتخاب استراتژی‌های تهاجمی و جسورانه افزایش یابد.

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد، سوگیری رفتاری مدیران بر کیفیت و شفافیت اطلاعاتی، انتخاب استراتژی و سرمایه‌گذاری تاثیر دارد. هسته مرکزی هر شرکت، مدیریت و تصمیم‌های آن است و سوبه‌های (ویژگی‌های) رفتاری دخیل در شخصیت مدیران موجب جهت‌دهی به تصمیم‌گیری آنان می‌شود. با توجه به اینکه تصمیمات درون سازمانی نظیر سرمایه‌گذاری و نگهداشت وجه نقد متوجه دیدگاه و نظرات مدیران می‌باشد؛ احتمال دارد این تصمیمات تحت تاثیر سوگیری‌های رفتاری مدیران قرار گیرد. همچنین نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به روش معتبر و به‌هنگام به استفاده‌کنندگان می‌باشد. مدیران می‌توانند از آگاهی خود در مورد شرکت‌های تجاری برای بهبود اثربخشی صورت‌های مالی به منزله ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بالقوه استفاده کنند (همت فر و مقدسی، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه مدیران از صورت‌های مالی به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف خود استفاده می‌کنند؛ ویژگی‌های رفتاری مدیران بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی تاثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شدند:

- فرضیه اول: سوگیری رفتاری مدیران با نگهداشت وجه نقد رابطه معناداری دارد.
- فرضیه دوم: سوگیری رفتاری مدیران با سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه معناداری دارد.
- فرضیه سوم: سوگیری رفتاری مدیران با به موقع بودن اطلاعات رابطه معناداری دارد.
- فرضیه چهارم: سوگیری رفتاری مدیران با قابلیت اتکا اطلاعات رابطه معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است؛ همچنین از لحاظ ماهیت و روش از نوعی توصیفی همبستگی می‌باشد. همچنین، این پژوهش از نوع استقرایی و پس‌رویدادی (با

استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش از صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، همچنین نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. همچنین با استفاده از روش‌های آماری مربوط به داده‌های تابلویی (پنل دیتا) فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۲، جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند:

- تا قبل از سال ۱۳۹۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
- شرکت‌های مورد نظر جزء بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، لیزینگ و سایر شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد.
- وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشند.
- طی دوره زمانی پژوهش، تغییر سال مالی نداشته باشد.
- اطلاعات مالی و داده‌های شرکت در دسترس باشد.

با توجه به معیارهای ذکر شده ۱۲۹ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۲ به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌های مربوط به شرکت‌های نمونه آماری از منبعی همچون سایت ره‌آورد نوین و سایت بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است. با توجه به اینکه داده‌های پژوهش از نوع ترکیبی (سال-شرکت) می‌باشد، از روش رگرسیون چند متغیره داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. برای تجزیه داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش، نرم‌افزارهای اکسل، ایویوز و استتا به کار گرفته می‌شوند.

مدلهای پژوهش

بمنظور آزمون فرضیه‌های پژوهش براساس پژوهش‌های هی و همکاران (۲۰۱۹)، هام و همکاران (۲۰۱۸) و بادآورنهدی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۹) مدل‌های رگرسیون پژوهش به شرح زیر ارائه گردید:

مدل رگرسیونی برای فرضیه اول پژوهش

$$\text{Cashit} = \beta_0 + \beta_1 \text{biasit} + \beta_2 \text{INSTOWNit} + \beta_3 \text{SIZEit} + \beta_4 \text{ROAit} + \beta_5 \text{NWCit} + \beta_6 \text{MBit} + \beta_7 \text{Growthit} + \beta_8 \text{Growthit} + \text{eit}$$

در فرضیه اول متغیر وابسته مدل‌ها (سطح نگهداشت وجه نقد) متغیر کمی پیوسته بوده، بنابراین در برازش مدل‌ها از رویکرد رگرسیون خطی استفاده شده است و آزمون‌های پیش فرض رگرسیون پنل بررسی گردیده است. این مدل برای هر یک از ویژگی‌های رفتاری مدیران بصورت مجزا برازش شده است.

مدل رگرسیونی برای فرضیه دوم پژوهش

$$\text{OverInv}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{bias}_{it} + \beta_2 \text{Cash}_{it} + \beta_3 \text{Cash}_{it} * \text{Nars}_{it} + \beta_4 \text{Age}_{it} + \beta_5 \text{INSTOWN}_{it} + \beta_6 \text{SIZE}_{it} + \beta_7 \text{Mbit}_{it} + \beta_8 \text{Lev}_{it} + \beta_9 \text{ROA}_{it} + \beta_{10} \text{Growth}_{it} + \beta_{11} \text{NWC}_{it} + \beta_{12} \text{CFO}_{it} + \beta_{13} \text{PPE}_{it} + \beta_{14} \text{DIV}_{it} + \beta_{15} \text{LOSS}_{it} + \beta_{16} \text{Zaltman}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در فرضیه دوم متغیر وابسته مدل‌ها (بیش سرمایه‌گذاری) متغیر دو وجهی (صفر و یک) بوده، بنابراین در برازش مدل از رویکرد رگرسیون لاجیت استفاده شده است. این مدل برای هر یک از ویژگی‌های رفتاری مدیران بصورت مجزا برازش شده است.

مدل رگرسیونی برای فرضیه سوم پژوهش

$$\text{OnTime}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Bias}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{MB}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در فرضیه سوم متغیر وابسته مدل‌ها (به موقع بودن) متغیر کمی پیوسته بوده، بنابراین در برازش مدل‌ها از رویکرد رگرسیون خطی استفاده شده است و آزمون‌های پیش فرض رگرسیون پنل بررسی گردیده است. این مدل برای هر یک از ویژگی‌های رفتاری مدیران بصورت مجزا برازش شده است.

مدل رگرسیونی برای فرضیه چهارم پژوهش

$$\text{HonExp}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Bias}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{MB}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در فرضیه چهارم نیز متغیر وابسته مدل‌ها (قابل اتکا بودن) متغیر کمی پیوسته بوده، بنابراین در برازش مدل‌ها از رویکرد رگرسیون خطی استفاده شده است و آزمون‌های پیش فرض رگرسیون پنل بررسی گردیده است. این مدل برای هر یک از ویژگی‌های رفتاری مدیران بصورت مجزا برازش شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش شامل متغیرهای مستقل، وابسته و میانجی است که در نگاره ۲ به توصیف آن‌ها پرداخته شده است.

تکانه ۲: متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیر	نحوه اندازه‌گیری
بیش اطمینانی	در این پژوهش مطابق با پژوهش عامس و همکاران (۱۳۹۷)، جهت بیش اطمینانی از شاخص capex که یک شاخص مجازی است، استفاده می‌شود. اگر مخارج سرمایه‌ای در یک دوره معین تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره بزرگتر از سطح مابه آن برای صنعت مربوطه در آن سال باشد، برلر با یک و در غیر این صورت برلر با صفر است.
خودشیفتگی	نسبت پاداش مدیران تقسیم بر کل حقوق و دستمزد کل کارکنان (ولسن و همکاران (۲۰۱۴) و لولسن و استکلرگ (۲۰۱۶)).
کوته‌بینی	ابتدا سطح مورد انتظار بازده دارایی، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه برای هر شرکت در هر دوره زمانی تعیین شده، سپس با توجه به خطای پیش‌بینی، شرکت‌هایی که خطای پیش‌بینی بازده دارایی آن‌ها مثبت و خطای پیش‌بینی هزینه بازاریابی و پژوهش و توسعه آن‌ها منفی باشد دارای مدیریت کوتاه‌بین بوده و عدد یک به آن‌ها تعلق گرفته است (مرادی و باقری (۱۳۹۳)، اندرسون و سیانو (۱۹۸۲)).
نگهداشت وجه نقد	طبق پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۹) به شکل زیر محاسبه می‌شود: $CASH = \frac{ch + STinv}{NA}$ <p>که در آن: STinv: سرمایه‌گذاری کوتاه مدت، Ch: وجه نقد و $NA = TA - TD$ - جمع داراییها و TD: جمع بدهی‌ها.</p>
سرمایه‌گذاری بیش از حد	در این پژوهش از الگوی ریچاردسون (۲۰۰۶) برای محاسبه کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها استفاده شده است. الگوی ریچاردسون به شرح مدل (۱) است: $Inv_{it} = \beta_0 + \beta_1 Growth_{it-1} + \sum \beta_j Control_{j,t,t-1} + v_{it}$ <p>پس‌اند مثبت (منحرف مثبت) از سرمایه‌گذاری مورد انتظار نشان دهنده انتخاب پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی یا همان سرمایه‌گذاری بیش از حد است.</p>
بموقع بودن	تفاوت روزهای بین تاریخ انضای گزارش حسابرسی و تاریخ پایان دوره مالی هر شرکت در هر سال (هلمشی بهرمان و بنی‌مهد، ۱۳۹۴). یک تقسیم بر روزهای بین تاریخ انضای گزارش حسابرسی و تاریخ پایان دوره مالی هر شرکت شد تا معیار مستقیم شود.
بیان صادقانه (رجحان محتوا بر شکل)	قدرمطلق اقلام تعهدی غیر عادی یک معیار معکوس از بیان صادقانه است که با ضرب در منفی یک معیار مستقیم بدست می‌آید (شوروروزی، ۱۳۸۹). اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل دیچر و همکاران (۱۹۹۵) محاسبه می‌شود: $DissAccr = \frac{I_{it}}{I_{it-1}}$
سن شرکت	لگاریتم مدت زمان فعالیت شرکت
مالکیت نهادی	درصد سهام در اختیار مالکان نهادی
اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام
ارزش بازار به ارزش دفتری	ارزش بازار سهام تقسیم بر ارزش دفتری
بازده دارایی‌ها	سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها است
رشد فروش	نسبت تغییرات فروش به سال قبل
نسبت سرمایه در گردش	تفاضل دارایی جاری با بدهی جاری تقسیم بر کل دارایی
زیان دهی	اگر شرکت در سال جاری زیان کرده عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر
بحران مالی	مبتنی بر معیار Z آکتنن
جریان نقد عملیاتی	نسبت وجه نقد عملیاتی به کل دارایی
دارایی ثابت	نسبت تجهیزات و ماشین‌آلات به کل دارایی‌ها
تقسیم سود	اگر شرکت در سال جاری سود سهام تقسیم کرده عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر

آمار توصیفی

نگاره ۳ آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نگاره ملاحظه می‌شود، اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری داراییها برابر با (۱,۹۳۵) می‌باشد که نشان می‌دهد در شرکت‌های عضو نمونه به طور میانگین ارزش بازار دارایی‌ها آنها ۲ برابر ارزش دفتری دارایی‌ها می‌باشد و یا مقدار میانگین برای خودشیفتگی مدیران برابر با ۶ صدم است که نشان می‌دهد در شرکت‌های عضو نمونه به طور میانگین به میزان ۶ درصد هزینه حقوق و دستمزد اداری برای مدیران پاداش در نظر گرفته شده‌است. مقدار میانگین اهرم مالی ۵۷ است؛ بنابراین ۵۷ درصد دارایی‌ها از تامین مالی تشکیل یافته است. میانگین بازده دارایی‌ها ۱۲ درصد است یعنی شرکت‌های عضو نمونه به طور میانگین به میزان ۱۲ درصد دارایی‌ها سودآوری داشته‌اند.

نگاره ۳: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
بیان صادقانه	HonExp	۹۰۳	-۰/۱۵۰	۰/۱۴۳	-۰/۹۰۸	-۰/۰۰۰۱۲
به موقع بودن	OnTime	۹۰۳	-۴/۲۸۰	۰/۳۷۹	-۵/۱۸۱	-۲/۸۹۰
خودشیفتگی مدیران	Nars	۹۰۳	۰/۰۶۶	۰/۱۰۳	۰	۰/۵۶۵
اندازه شرکت	Size	۹۰۳	۱۴/۵۲۷	۱/۴۷۵	۱۰/۹۸۸	۲۰/۲۰۲
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۹۰۳	۱/۹۳۵۵	۰/۹۷۳	۰/۶۹۱	۸/۵۹۲۰
اهرم مالی	Lev	۹۰۳	۰/۵۷۷	۰/۲۰۳	۰/۱۱۷	۱/۱۲۶
بازده دارایی‌ها	ROA	۹۰۳	۰/۱۲۲	۰/۱۳۹	-۰/۲۰۲	۰/۵۴۴
نگهداشت وجه نقد	Cash	۹۰۳	۰/۰۷۰	۰/۰۸۶۵	۰/۰۰۱۸	۰/۴۳۴
سن شرکت	Age	۹۰۳	۳/۶۰۹	۰/۳۵۹	۲/۷۷۲	۴/۱۴۳
مالکیت نهادی	INSTOWN	۹۰۳	۰/۷۱۷	۰/۱۸۴	۰/۱۷۴	۰/۹۶۹
رشد فروش	Growth	۹۰۳	۰/۲۷۲	۰/۵۲۲	-۰/۸۲۵	۶/۵۹۴
سرمایه در گردش	NWC	۹۰۳	۰/۱۷۱	۰/۲۱۷	-۰/۳۵۳	۰/۷۰۱
جریان نقد عملیاتی	CFO	۹۰۳	۰/۱۲۰	۰/۱۳۰	-۰/۱۷۰	۰/۵۳۲
دارایی‌های ثابت	ppe	۹۰۳	۰/۲۵۲	۰/۱۷۲	۰/۰۲۴	۰/۷۷۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای کیفی

نگاره ۴ آمار توصیفی متغیرهای گسسته پژوهش را نشان می‌دهد. همانطور که در نگاره ۴ مشاهده می‌شود بیش از ۵۰ درصد مدیران شرکت‌های نمونه پژوهش دارای بیش اطمینانی می‌باشند. این در حالی است که ۷۶ درصد مدیران نمونه پژوهش کوتاه‌بین بوده و در نتیجه اغلب مدیران توجه به اهداف کوتاه مدت را مدنظر قرار می‌دهند. علاوه بر آن سرمایه‌گذاری بیش از حد تقریباً نزدیک به ۳۰ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که مدیران شرکت‌های نمونه بیش‌تر به سمت کم سرمایه‌گذاری تمایل دارند. همچنین زیان دهی و بحران مالی به ترتیب در ۱۱ و ۴۲ درصد نمونه پژوهش مشاهده شد.

نگاره ۴: آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

درصد فراوانی		فراوانی متغیرها		تعداد	متغیرهای پژوهش
۱	۰	۱	۰		
درصد ۵۰/۰۶	درصد ۴۹/۹۴	۴۵۲	۴۵۱	۹۰۳	اطمینان بیش از حد مدیریت
درصد ۷۶/۳۰	درصد ۲۳/۷۰	۶۸۹	۲۱۴	۹۰۳	کوتاه بینی
درصد ۲۹/۷۹	درصد ۷۰/۲۱	۲۶۹	۶۳۴	۹۰۳	سرمایه گذاری بیش از حد
درصد ۹۴/۴۶	درصد ۵/۵۴	۸۵۳	۵۰	۹۰۳	تقسیم سود
درصد ۱۱/۳۰	درصد ۸۸/۷۰	۱۰۲	۸۰۱	۹۰۳	زیاندهی
درصد ۴۱/۷۵	درصد ۵۸/۲۵	۵۲۶	۳۳۷	۹۰۳	بحران مالی

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر قابلیت اتکا اطلاعات مالی

از آنجا که مدل آزمون فرضیه های اول تا سوم مبتنی بر یک مدل رگرسیون خطی می‌باشد، بنابراین قبل از ارائه نتایج آزمون فرضیه پژوهش، لازم است فروض کلاسیک رگرسیون به شرح زیر بررسی شود:

۱. آزمون عدم هم‌خطی: عامل تورم واریانس شدت هم‌خطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون کمترین مربعات معمولی ارزیابی می‌کند. این شاخص بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم‌خطی افزایش یافته است. اگر آماره آزمون به یک نزدیک باشد نشان دهنده عدم وجود هم‌خطی است. به عنوان یک قاعده تجربی مقدار آماره نباید بزرگتر از ۵ باشد. یافته‌های آزمون بیانگر عدم هم‌خطی متغیرهای مدل و قابلیت اتکا نتایج می‌باشد.

۲. با توجه به اینکه مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل رگرسیون با داده‌های ترکیبی می‌باشد، برای تعیین تخمین مناسب آن بایستی ابتدا باید نوع داده‌ها (پولد یا پانل) مشخص شود. نتیجه حاصل از آزمون چاو حاکی از این است که داده‌های مربوط به این مدل از روش پانل تبعیت می‌کنند. برای مشخص شدن نوع اثرات ثابت یا اثرات تصادفی داده‌های پانلی از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتیجه حاصل از آزمون هاسمن نشان می‌دهد، روش برآورد پارامترهای این مدل روش پانلی با اثرات ثابت است.

۳. همچنین، نتایج آزمون بروش پاگان نشان دهنده این است که مدل‌های مورد بررسی فرضیه پژوهش دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند و در نتیجه ناهمسانی واریانس وجود دارد. بنابراین در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور حداقل مربعات تعمیم یافته اقدام به رفع ناهمسانی واریانس شده است.

۴. نتایج آزمون والدريج نشان‌دهنده این است که مدل مورد بررسی فرضیه‌های پژوهش دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند و در نتیجه خودهمبستگی سریالی در جملات اخلاص وجود دارد که این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها با اجرای دستور رفع شده است.

یافته‌های نگاره ۵ نشان می‌دهد، خودشیفتگی مدیران دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و ضریب منفی (۰/۰۸۳-) است؛ بنابراین می‌توان گفت که خودشیفتگی مدیران با قابلیت اتکا اطلاعات (بیان صادقانه) رابطه معکوس و معناداری دارد. این بدین معنی است که مدیران خودشیفته با دستکاری اطلاعات مالی، میزان بیان صادقانه در ارائه اطلاعات را کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد، کوه بین مدیران دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و با ضریب منفی (۰/۰۲۰۶-) بوده، بنابراین کوه بین مدیران با قابلیت اتکا اطلاعات (بیان صادقانه) رابطه معناداری

دارد. این بدین معنی است که نگرش‌های کوتاه مدت مدیران باعث می‌شود تا قابلیت اتکا اطلاعات (بیان صادقانه) کاهش یابد. نتایج حاکی از آن است، بیش اطمینانی مدیران دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و با ضریب منفی (۰/۰۲۲) بوده، بنابراین در شرکت‌هایی که مدیران آنها بیش اطمینان هستند، قابلیت اتکا اطلاعات (بیان صادقانه) کاهش می‌یابد.

تکراه ۵: تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر قابلیت اتکا اطلاعات مالی

$HonExp_{it} = \beta_0 + \beta_1 Overman_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 MB_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$						
بیش اطمینانی		کوتاه بینی		خودشیفتگی		
خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
۰/۰۰۵۶۳	-۰/۰۲۲۲۶ (-۳/۹۵)***	۰/۰۰۹۲	-۰/۰۲۰۶ (-۲/۲۵)***	۰/۰۴۲۱۴	-۰/۰۸۳۵۱ (-۱/۹۸)**	سوگیری رفتاری مدیران
۰/۰۰۲۳۱	۰/۰۱۴۳۹ (۶/۲۲)***	۰/۰۰۵۱	۰/۰۱۲۵ (۲/۴۵)***	۰/۰۰۳۲۸	۰/۰۱۲۴۳ (۳/۷۸)***	اندازه شرکت
۰/۰۰۳۸۰	-۰/۰۱۴۱۹ (-۳/۷۳)***	۰/۰۰۵۹	-۰/۰۰۷۶ (-۱/۳۰)	۰/۰۰۴۹۸	-۰/۰۰۹۱۸ (-۱/۸۴)*	ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۰۱۹۱۷	-۰/۰۵۵۹۱ (-۲/۹۲)***	۰/۰۲۵۷	-۰/۰۵۹۱ (-۲/۲۹)***	۰/۰۲۶۲۳	-۰/۰۵۹۵۹ (-۲/۲۷)***	اهرم مالی
۰/۰۳۲۶۲	-۰/۲۱۸۵۴ (-۶/۷۰)***	۰/۰۵۶۴	-۰/۲۲۷۷ (-۴/۰۴)***	۰/۰۴۳۳۸	-۰/۲۰۷۰۱ (-۴/۷۷)***	بازده دارایی‌ها
۰/۰۳۵۵۶	-۰/۲۵۶۱۰ (-۷/۲۰)***	۰/۰۷۰۵	-۰/۲۴۵۲ (-۳/۴۷)***	۰/۰۴۸۷۲	-۰/۲۵۳۷۸ (-۵/۲۱)***	عرض از مبدأ
تابلویی	۱/۴۳ (۰/۰۰۸)	تابلویی	۱/۴۳ (۰/۰۰۲)	تابلویی	۱/۴۴ (۰/۰۰۰)	آماره چاو
اثرات ثابت	۲۵/۳۰ (۰/۰۰۲)	اثرات ثابت	۲۴/۳۹ (۰/۰۰۲)	اثرات ثابت	۲۷/۸۷ (۰/۰۰۰)	آماره هاسمن
وجود ناهمسانی واریانس	۳۴۳۱۷/۸۷ (۰/۰۰۰)	وجود ناهمسانی واریانس	۲۸۱۱۹/۲۹ (۰/۰۰۰)	وجود ناهمسانی واریانس	۳۴۷۷۹/۶۰ (۰/۰۰۰)	آماره پروش پاگان
وجود خود همبستگی	۱۳/۵۵۰ (۰/۰۰۰)	وجود خود همبستگی	۱۳/۶۴۵ (۰/۰۰۰)	وجود خود همبستگی	۱۵/۹۹۵ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی سریالی
۲۱/۱۹		۲۴/۰۳		۲۲/۹۵		آماره والد
۰/۰۰۰۷		۰/۰۰۰۲		۰/۰۰۰۳		سطح معنی داری (Prob.) والد
۱۵ درصد		۱۸ درصد		۱۵ درصد		ضریب تعیین

فرضیه دوم: تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر به موقع بودن اطلاعات مالی

در آزمون فرضیه دوم نیز از رگرسیون خطی با داده‌های پنل استفاده شده و برحسب آزمون مفروضات رگرسیون، مدل برحسب روش تابلویی با اثرات ثابت برآورد گردید.

تکراه ۶: تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر به موقع بودن اطلاعات مالی

$OnTime_{it} = \beta_0 + \beta_1 Overman_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 MB_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$						
بیش اطمینانی		کوتاه بینی		خودشیفتگی		متغیر
خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	
۰/۰۰۰۸۷	-۰/۰۰۱۹۶ (-۲/۲۶)***	۰/۰۱۹۳	۰/۱۵۰ (۰/۷۸)	۰/۰۹۵۰۷	۰/۲۷۹۶۸ (۲/۹۴)	سوگیری رفتاری مدیران
۰/۰۰۰۶۶	۰/۰۰۲۰۹ (۳/۱۶)***	۰/۰۱۳۳	-۰/۰۴۴ (-۳/۲۹)***	۰/۰۱۲۹۲	-۰/۰۴۱۷۶ (-۳/۲۳)	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۵۲	۰/۰۰۰۵۵ (۱/۰۴)	۰/۰۰۷۴	-۰/۰۰۱۱ (-۰/۱۶)	۰/۰۰۷۳۳	-۰/۰۰۲۵۴ (-۰/۳۵)	ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۰۰۴۳۹	۰/۰۰۱۱۸ (۰/۲۷)	۰/۰۸۱۶	۰/۰۰۴۸ (۰/۰۶)	۰/۰۸۲۴۳	۰/۰۱۵۶۰ (۰/۱۹)	اهرم مالی
۰/۰۰۵۵۳	-۰/۰۲۵۹۲ (-۴/۶۸)***	۰/۱۱۰۶	۰/۴۵۴۱ (۴/۱۰)***	۰/۱۰۸۸۸	۰/۴۳۶۸۵ (۴/۰۱)	بازده دارایی‌ها
۰/۰۱۰۱۷	-۰/۲۶۵۲۴ (-۲۶/۰۷)***	۰/۱۹۲۳	-۳/۷۱۲ (-۱۹/۳۰)***	۰/۱۸۳۸۹	-۳/۷۵۵۵۶ (-۲۰/۴۲)	عرض از مبدأ
تابلویی	۱۴/۲۴ (۰/۰۰۰)	تابلویی	۱۵/۴۰ (۰/۰۰۰)	تابلویی	۱۵/۳۸ (۰/۰۰۰)	آماره چلو
اثرات ثابت	۲۷/۲۴ (۰/۰۰۴)	اثرات ثابت	۲۱/۸۱ (۰/۰۰۰)	اثرات ثابت	۲۷/۰۹ (۰/۰۰۰)	آماره هاسمن
وجود ناهمسانی واریانس	۴۱۴۸۴/۹۲ (۰/۰۰۰)	وجود ناهمسانی واریانس	۲۱۷۳۸/۴۵ (۰/۰۰۰)	وجود ناهمسانی واریانس	۲۱۵۴۷/۰۶ (۰/۰۰۰)	آماره بروش پاکان
وجود خود همبستگی	۹/۹۲۵ (۰/۰۰۰)	وجود خود همبستگی	۸/۲۰۵ (۰/۰۰۰)	وجود خود همبستگی	۸/۲۸۸ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی سریالی
۵۱/۰۵		۳۳/۹۸		۴۰/۸۸		آماره والد
۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		سطح معنی داری (Prob.) والد
۰/۹۶۸۸		۳۶ درصد		۳۶ درصد		ضریب تعیین

یافته‌های نگاره ۶ نشان می‌دهد، خودشیفتگی مدیران با سطح معناداری کمتر از پنج درصد و با ضریب مثبت (۰,۲۷۹) بوده؛ بنابراین خودشیفتگی مدیران با به موقع بودن اطلاعات رابطه معناداری دارد. این بدین معنی است که مدیران خودشیفته برای دریافت پاداش بیشتر و مورد توجه واقع شدن در تلاشند تا صورت‌های مالی را به موقع ارائه شود. اما ویژگی کوتاه بینی مدیران دارای سطح معناداری بیشتر از پنج درصد بوده بنابراین کوتاه بینی مدیران با به موقع بودن اطلاعات رابطه معناداری ندارد و در نتیجه تاثیری بر بموقع بودن یا تاخیر اطلاعات ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بیش اطمینانی مدیران دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و با ضریب منفی (-۰/۰۰۱۹۶) بوده؛ در نتیجه در شرکت‌هایی که دارای مدیران با اعتماد به نفس کاذب هستند به موقع بودن اطلاعات کاهش می‌یابد.

فرضیه سوم: تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر سطح نگهداشت وجه نقد

در آزمون فرضیه سوم نیز از رگرسیون خطی با داده‌های پنل استفاده شده و برحسب آزمون مفروضات رگرسیون، مدل برحسب روش تابلویی با اثرات ثابت برآورد گردید.

یافته‌های نگاره ۷ نشان می‌دهد، که خودشیفتگی مدیران با سطح معناداری کمتر از پنج درصد و با ضریب مثبت (۰,۰۹۳) بوده، بنابراین خودشیفتگی مدیران با نگهداشت وجه نقد رابطه مثبت و معناداری دارد. این بدین معنی است که احساس خودنمایی و بزرگ‌نمایی مدیران منجر می‌شود وجه نقد بیشتری نگهداری می‌کنند تا شرایط را از لحاظ نقدینگی برای دریافت پاداش بیشتر فراهم کنند. متغیر کوتاه بینی مدیران دارای سطح معناداری بیشتر از پنج درصد بوده و در نتیجه کوتاه بینی مدیران با نگهداشت وجه نقد رابطه معناداری ندارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد، متغیر بیش اطمینانی دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و ضریب مثبت (۰,۰۲۲) است، بنابراین بیش اطمینانی مدیران با نگهداشت وجه نقد رابطه مثبت و معناداری دارد. مدیران بیش اطمینان برای تحقق نگرش‌های خوش بینانه سطح نگهداشت وجه نقد را افزایش می‌دهند تا در زمان مناسب مخارج سرمایه ای را افزایش دهند.

نگاره ۷: تأثیر سوگیری رفتاری مدیران بر سطح نگهداشت وجه نقد

Cashit = $\beta_0 + \beta_1 \text{Shortsighit} + \beta_2 \text{INSTOWNit} + \beta_3 \text{SIZEit} + \beta_4 \text{ROAit} + \beta_5 \text{NWCit} + \beta_6 \text{MBit} + \beta_7 \text{Growthit} + \beta_8 \text{Growthit} + \text{eit}$						
بیش اطمینانی		کوتاه‌بینی		خودشیفتگی		متغیر
خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	
۰/۰۰۳۸۵	۰/۰۲۲۶۸ (۵/۸۸)***	۰/۰۰۴۶۶	۰/۰۰۳۳۰ (۰/۵۰)	۰/۰۱۹۸۹	۰/۰۹۳۶۵ (۴/۸۱)***	سوگیری رفتاری مدیران
۰/۰۰۵۰۳	-۰/۰۰۳۳۲ (-۰/۶۶)	۰/۰۰۵۰۹	-۰/۰۰۲۲۸ (-۰/۴۵)	۰/۰۰۴۸۴	-۰/۰۰۲۰۷ (-۰/۴۳)	مالکیت نهادی
۰/۰۰۲۵۷	۰/۰۰۳۶۰ (۱/۴۰)	۰/۰۰۲۷۲	۰/۰۰۵۷۶ (۲/۱۲)***	۰/۰۰۲۵۱	۰/۰۰۶۳۱ (۲/۵۱)***	اندازه شرکت
۰/۰۰۲۳۳۶	۰/۰۰۲۷۶۷ (۱/۲۴)	۰/۰۰۲۲۸۷	۰/۰۰۳۳۶۹ (۱/۴۷)	۰/۰۰۲۲۷۱	۰/۰۰۳۷۰۹ (۱/۶۳)	اهرم مالی
۰/۰۰۳۷۴۹	۰/۰۰۵۳۱۸ (۱/۴۲)	۰/۰۰۳۸۴۵	۰/۰۰۵۵۷۴ (۱/۴۵)	۰/۰۰۳۵۶۲	۰/۰۰۴۶۲۰ (۱/۳۰)	بازده دارایی‌ها
۰/۰۰۳۰۵	۰/۰۰۰۷۹۰ (۲/۵۹)***	۰/۰۰۰۲۹۶	۰/۰۰۰۶۷۳ (۲/۲۷)***	۰/۰۰۰۲۸۴	۰/۰۰۰۶۷۰ (۲/۳۵)***	ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۰۰۰۷۰۲	۰/۰۰۱۴۲۹ (۲/۰۴)***	۰/۰۰۰۷۱۴	۰/۰۰۱۵۳۸ (۲/۱۵)***	۰/۰۰۰۷۰۲	۰/۰۰۱۷۳۲ (۲/۴۷)***	رشد فروش
۰/۰۰۲۵۰۵	۰/۰۱۲۹۴۷ (۵/۱۷)***	۰/۰۰۳۳۴۳	۰/۰۱۲۴۰۶ (۵/۲۹)***	۰/۰۰۲۲۵۰	۰/۰۱۲۲۷۲ (۵/۴۵)***	سرمایه در گردش
۰/۰۰۴۶۱۴	-۰/۰۰۵۱۹۸ (-۱/۱۳)	۰/۰۰۴۶۳۲	-۰/۰۰۷۳۹۶ (-۱/۶۰)	۰/۰۰۴۵۳۸	-۰/۰۰۸۷۴۵ (۰/۰۵۴)*	عرض از مبدأ
تابلویی	۵/۵۳ (۰/۰۰۰)	تابلویی	۵/۳۲ (۰/۰۰۰)	تابلویی	۵/۵۹ (۰/۰۰۰)	آماره چاو
اثرات ثابت	۲۸/۳۷ (۰/۰۰۰)	اثرات ثابت	۲۹/۹۲ (۰/۰۰۰)	اثرات ثابت	۳۲/۶۲ (۰/۰۰۰)	آماره هاسمن
وجود ناهمسانی	۷۳۱۴۳/۲۴ (۰/۰۰۰)	وجود ناهمسانی	۴۲۱۵۳/۳۶ (۰/۰۰۰)	وجود ناهمسانی	۲۵۲۶۸/۳۴ (۰/۰۰۰)	آماره بروش پاکان
وجود خود همبستگی	۲۱/۸۸ (۰/۰۰۰)	وجود خود همبستگی	۱۸/۸۳ (۰/۰۰۰)	وجود خود همبستگی	۱۷/۸۹ (۰/۰۰۰)	خودهمبستگی سریالی
۱۱۵/۵۱		۱۲۹/۱۲		۱۳۳/۵۸		آماره والد
۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		سطح معنی‌داری (Prob) والد
۰/۲۷۴۸		۰/۲۶۲۵		۰/۲۹۰۵		ضریب تعیین

فرضیه چهارم: تأثیر سوگیری رفتاری مدیران بر سرمایه‌گذاری بیش از حد

با توجه به اینکه در فرضیه چهارم متغیر وابسته مدل (اظهار نظر مشروط) متغیر دو جهی می‌باشد، این مدل برحسب الگوی لاجیت برازش گردید. نتایج نگاره (۸) نشان می‌دهد، مقدار آماره ضریب مک فادن بطور متوسط برابر با ۰/۲۶ است که نشان می‌دهد، متغیرهای توضیحی ۲۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

نگاره ۸: تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر سرمایه‌گذاری بیش از حد

$$\text{OverInvit} = \mu_0 + \mu_1 \text{OverConfit} + \mu_2 \text{Cashit} + \mu_3 \text{Cashit} * \text{OverConfit} + \mu_4 \text{Ageit} + \mu_5 \text{INSTOWNit} + \mu_6 \text{SIZEit} + \mu_7 \text{Mbit} + \mu_8 \text{Levit} + \mu_9 \text{ROAit} + \mu_{10} \text{Growthit} + \mu_{11} \text{NWCit} + \mu_{12} \text{CFOit} + \mu_{13} \text{PPEit} + \mu_{14} \text{DIVit} + \mu_{15} \text{LOSSit} + \mu_{16} \text{Zaltmanit} + \text{eit}$$

بیش اطمینانی		کوته بینی		خودشیفتگی		متغیر
خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب	
۰/۰۳۳۴۰	۰/۱۳۳۶۵ (۴/۰۹)***	۰/۰۳۵۴۸	-۰/۰۹۲۰۶ (-۲/۵۹)***	۰/۱۷۳۴۴	۰/۰۰۶۷۴ (۰/۰۴)	سوگیری رفتاری مدیران
۰/۲۴۱۹۹	-۰/۶۳۰۷۹ (-۲/۶۱)***	۰/۲۳۶۳۹	-۰/۴۲۰۵۹ (-۱/۷۸)*	۰/۱۶۵۹۲	-۰/۱۹۵۸۳ (-۱/۱۹)	نگه‌داشت وجه نقد
۰/۲۵۴۱۱	۰/۵۰۹۶۵ (۲/۰۱)**	۰/۲۶۸۲۰	۰/۵۳۳۷۷ (۱/۹۹)**	۰/۷۷۵۵۴	۰/۷۲۸۹۵ (۰/۹۴)	سوگیری مدیران: نگاه‌داشت وجه نقد
۰/۰۴۳۴۵	-۰/۰۱۷۵۹ (-۰/۴۰)	۰/۰۴۶۵۸	-۰/۰۳۰۱۱ (-۰/۶۵)	۰/۰۳۴۵۰	-۰/۰۳۳۵۶ (-۰/۹۷)	سن شرکت
۰/۰۱۹۴۰	-۰/۰۲۶۱۳ (-۱/۳۵)	۰/۰۱۹۳۲	-۰/۰۱۶۱۰ (-۰/۸۳)	۰/۰۲۰۹۴	-۰/۰۱۴۹۵ (-۰/۷۱)	مالکیت نهادی
۰/۰۱۴۰۸	۰/۰۱۶۷۰ (۱/۱۹)	۰/۰۱۳۹۹	۰/۰۳۵۹۷ (۲/۵۷)***	۰/۰۱۳۰۶	۰/۰۳۴۵ (۲/۹۴)***	اقتضای شرکت
۰/۰۱۷۶۱	۰/۰۲۱۲۷ (-۱/۲۱)	۰/۰۱۷۸۵	-۰/۰۳۷۳۵ (-۲/۰۹)***	۰/۰۱۵۲۵	-۰/۰۳۶۷۷ (-۲/۴۱)***	ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۱۵۰۲۰	-۰/۴۵۳۹۹ (-۳/۰۲)***	۰/۱۴۶۵۱	-۰/۳۸۶۴۴ (-۲/۶۴)***	۰/۱۶۶۷۱	-۰/۳۹۶۸۳ (-۲/۴۱)***	اهرم مالی
۰/۱۶۲۸۹	۰/۲۸۵۰۷ (۱/۸۵)*	۰/۱۷۳۳۹	۰/۳۲۸۶۱ (۱/۹۰)*	۰/۱۶۰۸۲	۰/۲۳۷۳۴ (۱/۴۸)	بازده دارایی‌ها
۰/۰۲۲۹۶	۰/۰۰۲۴۰ (۰/۱۰)	۰/۰۲۵۱۳	۰/۰۱۲۶۱ (۰/۵۰)	۰/۰۳۳۴۸	۰/۰۱۱۱۱ (۰/۴۷)	رشد فروش
۰/۱۴۹۱۲	-۰/۴۴۸۷۱ (-۳/۰۱)***	۰/۱۴۹۹۶	-۰/۴۳۸۳۳ (-۲/۹۲)***	۰/۱۷۳۸۰	-۰/۴۴۵۸۱ (-۲/۵۶)***	سرمایه در گردش
۰/۱۱۰۳۸	۰/۰۹۱۹۴ (۰/۸۳)	۰/۱۰۷۰۱	۰/۱۷۸۶۷ (۱/۶۷)*	۰/۱۰۱۳۹	۰/۱۵۳۱۹ (۱/۵۱)	جریان نقد عملیاتی
۰/۱۵۳۸۰	۰/۵۲۸۴۵ (۳/۵۰)***	۰/۱۵۵۴۲	۰/۵۸۴۳۵ (۳/۷۶)***	۰/۱۶۷۴۳	۰/۵۸۲۵۴ (۳/۴۸)***	دارایی‌های ثابت
۰/۰۵۶۹۶	۰/۰۹۴۳۴ (۱/۶۶)*	۰/۰۵۹۴۸	۰/۱۰۷۶۱ (۱/۸۱)*	۰/۰۵۲۰۰	۰/۱۱۳۱۴ (۲/۱۸)***	تقسیم سود
۰/۰۴۸۶۹	۰/۰۴۴۶۳ (۰/۹۲)	۰/۰۴۹۶۰	۰/۰۳۹۱۱ (۰/۷۹)	۰/۰۴۲۰۶	۰/۰۳۱۰۳ (۰/۷۴)	زیانده بودن شرکت
۰/۰۳۵۵۲	-۰/۰۷۲۷۳ (-۲/۰۵)۰	۰/۰۳۵۳۹	-۰/۰۷۰۳۹ (-۱/۹۹)**	۰/۰۳۷۸۵	-۰/۰۶۱۳۵ (-۱/۶۲)	بحران مالی
۰/۳۱۹۶۳	۰/۲۶۱۷۴ (۰/۸۲)	۰/۳۲۵۴۹	۰/۰۵۴۰۸ (۰/۱۷)	۰/۳۳۶۹۳	۰/۰۶۴۵۹ (۰/۱۹)	عرض از مبدأ
۱۵۳/۲۱		۱۶۴/۱۰		۲۱۴/۰۱		آماره راست‌نمایی
۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰		سطح معناداری آماره راست‌نمایی
۰/۳۷۷۲		۰/۲۵۰۵		۰/۲۴۱۶		ضریب مک‌فادن

یافته‌های نگاره ۸ نشان می‌دهد، خودشیفتگی مدیران دارای سطح معناداری بیشتر از پنج درصد است؛ بنابراین خودشیفتگی مدیران با سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه معناداری ندارد. اما متغیر کوتاه‌بینی دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و ضریب منفی (۰,۰۹۲-) است و می‌توان گفت که کوتاه‌بینی مدیران با سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه منفی و معناداری دارد. یعنی شرکت‌هایی که مدیران آنها کوتاه‌بین هستند با توجه به بیش و آینده‌نگری کوتاه مدتی که دارند سرمایه‌گذاری‌های بیش از حد انجام نمی‌دهند. همچنین نتایج حاکی از آن است که متغیر بیش‌اطمینانی مدیران دارای سطح معناداری کمتر از پنج درصد و ضریب مثبت است و می‌توان گفت که بیش‌اطمینانی مدیران با سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه مستقیم و معناداری دارد. اعتماد بیش از حد مدیران به نگرش‌های مدیریتی و خوش‌بینی آنها منجر به بیش سرمایه‌گذاری می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد، کوتاه‌بینی و اعتماد به نفس کاذب مدیران بر رابطه نگهداشت وجه و سرمایه‌گذاری بیش از حد تاثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های مهم اقتصادهای توسعه یافته، داشتن بازار سرمایه‌ای است که بتواند اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را جلب کرده و جذب سرمایه کند. در این راستا عاری بودن گزارشگری مالی از تقلب و همچنین شفاف و با کیفیت بودن اطلاعات آن می‌تواند کمک شایانی به بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان آن نماید. از آنجایی که مسئولیت اصلی گزارشگری مالی بر عهده مدیران شرکت‌ها می‌باشد، ویژگی‌های رفتاری آنها می‌تواند پیامدهایی را بر شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی برجای بگذارد. در پژوهش حاضر پیامدهای سوگیری‌های رفتاری مدیران بر تصمیم‌گیری و کیفیت اطلاعات مالی بررسی شد؛ ادبیات پژوهش حسابداری از میان سوگیری‌های رفتاری مدیران، بیش‌تر بیش‌اطمینانی، کوتاه‌بینی و خودشیفتگی را مورد توجه قرار داده است که در این پژوهش پیامدهای این سوگیری‌ها بر تصمیم‌گیری در خصوص سطح نگهداشت وجه نقد و کارایی سرمایه‌گذاری و همچنین کیفیت اطلاعات صورتهای مالی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج پژوهش نشان داد که بیش‌اطمینانی مدیران، سطح قابلیت اتکای اطلاعات مالی و ارائه به موقع اطلاعات را کاهش می‌دهد. معمولاً مدیران با اعتماد به نفس کاذب، به توانایی‌های خود و ادراک اطلاعاتی بیش از حد اعتماد دارند. مدیران بیش‌اطمینان از طریق افزایش مخارج

سرمایه‌ای و افزایش سطح هزینه‌های عملیاتی احتمال دستکاری اطلاعات و بکارگیری انگیزه-های فرصت طلبانه را افزایش می‌دهند. به علاوه از آنجایی که اینگونه مدیران احتمال رویدادهای مساعد بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش تر از واقع برآورد کرده و احتمال رویدادهای نامساعد را کم تر از واقع ارزیابی می‌کنند، احتمال وقوع اشتباه در گزارش سود به دلیل نگرش‌های خوش بینانه افزایش می‌باید (شراند و زچمن، ۲۰۱۱). همچنین یافته‌ها نشان داد، بیش اطمینانی مدیران با سطح نگهداشت وجه نقد و سرمایه گذاری بیش از حد رابطه مثبت و معناداری دارد. مدیران بیش اطمینان به طور نظام‌مندی بازده آینده ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زنند (مالمیندر و تیت، ۲۰۰۵) و انتظار می‌رود مخارج سرمایه‌ای (دارایی ثابت) بیش تری داشته باشند (بن، گراهام و هاروی، ۲۰۱۰). مدیران بیش اطمینان جریان‌های نقدی آینده شرکت را بیشتر برآورد می‌کنند و معتقدند که شرکت آنها در بازار کمتر از واقع قیمت گذاری شده است؛ این باعث کاهش تمایل آنها برای استفاده از تأمین مالی آینده خارج از شرکت می‌شود و به نگهداری ذخیره وجه نقد احتیاطی از جریان‌های نقدی عملیاتی، به منظور استفاده در فرصت‌های آینده سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند. این نتایج با کاشانی پور و محمدی (۱۳۹۶) انطباق دارد.

نتایج نشان می‌دهد، خودشیفتگی مدیران نیز منجر به کاهش قابلیت اتکای صورتهای مالی شده و کاهش تاخیر در ارائه گزارش‌های مالی می‌شود. احساس خودنمایی و بزرگ‌نمایی مدیران باعث می‌شود تا به سوی اقدامات جسورانه راهبردی-مدیریتی و تصمیم‌های مخاطره‌آمیز سوق پیدا کنند. با توجه به اینکه سود حسابداری مکانیزمی برای دیده شدن و مورد تحسین قرار گرفتن می‌باشد، انگیزه مدیران خودشیفته برای فعالیت‌های مرتبط با دستکاری ارقام تعهدی بیش تر خواهد بود و در نتیجه بیان صادقانه در ارائه اطلاعات کاهش می‌یابد. این یافته منطبق بر یافته‌های بذرافشان و همکاران، (۱۳۹۷)؛ خواجهی و همکاران (۱۳۹۵)، هام و همکاران، (۲۰۱۷)؛ باسو، (۱۹۹۷) است. همچنین یافته‌ها نشان داد، خودشیفتگی مدیران نیز منجر به افزایش سطح نگهداشت وجه نقد شده ولی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد تاثیر معناداری ندارد. مدیران خودشیفته در پی دستیابی به دستاوردهای بزرگ در شرکت برای کسب شهرت هستند. این نگرش مدیریتی منجر به تصمیم‌گیری جهت افزایش وجه نقد شرکت می‌شود تا از این طریق توانایی مالی خود را مطلوب نشان دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مدیران کوتاه‌بین نیز به این دلیل که موقعیت و امتیاز طلبی خود را در کوتاه‌مدت می‌بینند اقدام به دستکاری سود حسابداری نموده و منجر به کاهش قابلیت اتکای اطلاعات مالی می‌شوند. مدیران کوتاه‌بین با در نظر گرفتن برای ارتقای شغلی و تحقق ساختارهای تشویقی شرکت می‌کوشند تصویر مطلوبی از عملکرد شرکت در کوتاه‌مدت به سهامداران ارائه دهند؛ بنابراین از طریق دستکاری اقلام تعهدی بیان صادقانه در ارائه سود حسابداری را کاهش می‌دهند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های مرادی و باقری، (۱۳۹۳)؛ طالع زاری و عبدلی، (۱۳۹۶) انطباق دارد. همچنین نتایج نشان داد، کوتاه‌بینی مدیران تاثیر منفی و معناداری بر مخارج سرمایه‌گذاری دارد. مدیران کوتاه‌بین به دنبال برجسته‌نشان دادن عملکرد شرکت در کوتاه‌مدت میزان سرمایه‌گذاری در طرح‌های پژوهش و توسعه، گسترش بازارهای محصول و افزایش دانش کارکنان را کاهش می‌دهند.

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱) نظر به اینکه سوگیری‌های رفتاری مدیران منجر به افزایش دستکاری سود و کاهش قابلیت اتکای اطلاعات، در شرکت‌ها باید بستری فراهم شود که سوگیری‌های مدیریت تشدید نشود و حتی با یک‌سری از اقدامات بتوان آن‌ها را تعدیل نمود. اقداماتی مانند: ایجاد فرهنگ انتقادپذیری در سازمان و تشویق مدیران به داشتن روحیه انتقادپذیری، برگزاری جلسات و گردهمایی‌های دوستانه بین مدیران و کارکنان و سعی در از بین بردن حس بی‌اعتمادی و بدگمانی در فضای سازمان برای ایجاد فضای سالم کاری عاری از حسادت، تنفر و نفاق، تقویت کارگروهی در سازمان‌ها و ایجاد زمینه‌ی لازم در مدیران و رهبران سازمان برای جلوگیری از فردگرایی و شایسته‌سالاری مدیران. از طرفی با توجه به تاثیر منفی سوگیری‌های رفتاری مدیران بر قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری، مدیران شرکت‌ها باید با به‌کارگیری سیستم‌های کنترل داخلی، سیستم حسابرسی داخلی قوی و استفاده از حسابرسان خیره برای تهیه گزارشات مالی با کیفیت قدم بردارند.

۲) از آنجایی که سوگیری‌های رفتاری مدیران منجر به استفاده آنان از فعالیت‌های خارج از اصول و مبانی حسابداری برای نمایش عملکرد مالی مطلوب در کوتاه‌مدت می‌شود و به دلیل عدم ثبات این عملکرد مالی مطلوب در بلندمدت، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیری برای خرید سهام شرکت مورد نظر حتماً به عملکرد

مالی بلندمدت آن نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین بر اساس نتایج پژوهش، به قانون‌گذاران و صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش احتمال انحراف در گزارشگری مالی شرکت‌ها، به ویژگی‌های مدیران و میزان پای‌بندی آن‌ها به اجرای استانداردها و اصول حسابداری توجه کنند. در این راستا بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

۳) به مدیران و مسئولان سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز توصیه می‌شود در راستای بهبود کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌ها، راه کارهای عملی‌تر و نظارتی بیشتری اتخاذ نمایند تا انگیزه‌های مدیران نسبت به پنهان کردن یا دستکاری اطلاعات مالی در گزارش‌ها کاهش یابد.

به پژوهشگران آینده نیز پیشنهاد می‌شود، به منظور شناخت بهتر و جامع‌تر درباره تأثیرگذاری ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های ارتباطی مدیران به تحلیل سایر ویژگی‌های شخصیتی مدیران نظیر انعطاف‌پذیری، ماکیاولیستی، تاب‌آوری و... بر کیفیت گزارشگری مالی و تصمیم‌گیری پردازند. همچنین تأثیر ویژگی‌های رفتاری مدیران بر سایر ویژگی‌های کیفی اطلاعات بررسی و تحلیل گردد.

منابع

- امیری، اسماعیل؛ خدامی پور، احمد و کامیابی، یحیا. (۱۳۹۷). اثر رفتارهای کوتاه بینانه و خوش بینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی. *پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۷(۲)، ۱۴۱-۱۷۷.
- بادآور نهندی، یونس و تقی زاده خانقاه، وحید (۱۳۹۹). ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت، *تامین مالی داخلی و کارایی سرمایه گذاری دانش حسابداری*. ۴۱: ۲۳۸-۲۰۹.
- براری نوکاشتی، صغری؛ بنی مهد، بهمن و یعقوب نژاد، احمد. (۱۳۹۷). انعطاف پذیری حسابداری و خوش بینی مدیران: آزمون تئوری اختیارات مدیریتی. *حسابداری مدیریت*. ۱۱(۳۷): ۱-۱۴.
- بذرافشان، وجیهه؛ بذرافشان، آمنه و صالحی، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۴)، ۴۵۷-۴۷۸.
- تهرانی، رضا؛ دلشاد، افسانه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر کوتاه بینی مدیران بر عملکرد مالی آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۸(۲): ۲۳-۴۶.
- حساس یگانه، یحیی؛ حسنی القار، مسعود. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۹(۱)، ۲۵-۵۴.
- خدامی پور، احمد؛ امیری، اسماعیل. (۱۳۹۸). اثر نوع حق الزحمه حسابرسی بر حساسیت جریان نقدی سرمایه گذاری. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*. ۲۶(۱): ۸۶-۶۵.
- خواجوی، شکرالله؛ دهقانی سعدی، علی اصغر و گرامی شیرازی، فرزاد. (۱۳۹۵). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی. *بیشرفت های حسابداری*. ۸(۲): ۱۴۹-۱۲۳.
- رضایی، فرزین؛ مرادی، مریم و مرادی، لیلا. (۱۳۹۹). تأثیر ویژگی های شرکت بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و نگهداشت وجوه نقد شرکت ها. *پژوهش های تجربی حسابداری*. ۱۰(۳): ۹۸-۸۱.
- رضایی، فرزین؛ یزدی، سحر (۱۳۹۸). تأثیر کوتاه بینی مدیریت بر رابطه بین رقابت در بازار محصول و ریسک تصمیمات عملیاتی مدیریت، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. ۱۳(۱): ۱۵۸-۱۴۵.
- سلیمانی، امیر و آسایش پور، فائزه (۱۳۹۹). تأثیر کوتاه بینی و اعتماد بیش از حد مدیران بر پاداش هیئت مدیره: نقش کیفیت حسابرسی و دوره تصدی حسابرس. *پژوهش های علوم مدیریت*. ۲(۴): ۱۴۸-۱۱۸.
- سلیمانی امیری، غلامرضا؛ افتخاری، وحید (۱۳۹۹). بررسی رابطه اطمینان بیش از حد مدیریت و کارایی سرمایه گذاری با تاکید بر نقش میانجی تامین مالی داخلی. *دانش حسابداری*. ۴۳(۴): ۱۸۶-۱۷۱.
- شورورزی، محمدرضا؛ نیکو مرام، هاشم. (۱۳۸۹). ارائه مدلی برای ارزیابی کیفیت سود با استفاده از خصوصیات کیفی مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ایران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*. ۲(۷): ۱۱۰.

طالع زاری، سمیه؛ عبدلی، محمدرضا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین کوتاه بینی مدیریت با کیفیت سود و میزان سرمایه گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*. ۱۰(۳۴): ۶۸-۵۷

عباسی، ابراهیم؛ و کیلی فرد، حمیدرضا و معروف، مرتضی. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری شرطی در بورس تهران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۵)، ۱۹۳-۲۰۶.

کاشانی پور، محمد؛ محمدی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران با نگهداشت وجه نقد و حساسیت جریان نقدی وجه نقد. *پژوهش های حسابداری مالی*. ۹(۳): ۳۲-۱۷

مدرس، احمد؛ حصارزاده، رضا. (۱۳۸۷). کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری. *بورس اوراق بهادار*، ۱(۲)، ۸۵-۱۱۶.

مرادی، جواد؛ باقری، هادی. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه ای تأثیر کوتاه بینی مدیریت و مدیریت سود بر بازده سهام. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۲)، ۲۲۹-۲۵۰.

محمدی، یادگار؛ محمدی، اسفندیار و اسماعیلی کیا، غریبه. (۱۳۹۸). اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، سیاست‌های تامین مالی و کارایی سرمایه گذاری. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*. ۶(۲): ۲۳۱-۱۹۵

منتشری، مهدی. (۱۳۹۴). نقش کیفیت گزارشگری مالی در کاهش آثار محدود کننده تقسیم سود، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری، <https://civilica.com/doc/444866>

منصورزاد، مینو؛ بنی مهد، بهمن؛ و کیلی فرد، حمیدرضا و رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۹). نقش خودشیفتگی در تمایل به مدیریت سود. *پژوهش های تجربی حسابداری*. ۱۰(۴): ۲۴-۱

هاشمی بهرمان، مریم؛ بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۳). مدیریت سود و به موقع بودن اطلاعات حسابداری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*. ۴(۱۳): ۸-۱

همت فر، محمود؛ مقدسی، منصور. (۱۳۹۲). بررسی کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) بر ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*. ۲۰(۲): ۱۴۷-۱۳۳

همتی، حسن؛ امیری، اسماعیل. (۱۳۹۷). اثر کیفیت افشاء از نظر امتیاز قابلیت اتکاء و به موقع بودن بر هزینه معاملات سهام. *پژوهش های حسابداری مالی*. ۱۰(۲): ۱۳۴-۱۰۷

Abbasi, E., Vakilifard, H., Marouf, M. (2018). The Effect of Managerial Overconfidence on the quality of financial reporting and conditional conservatism, in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(25), 193-206. (In Persian)

Amiri, E., Khodamipour, A., Kamyabi, Y. (2019). The Impact of Myopic and Optimistic Management Behaviors on the Transparency of Financial Information. *Applied Research in Financial Reporting*, 7(2), 141-177. (In Persian)

- Anderson, T. W., & Hsiao, C. (1982). Formulation and estimation of dynamic models using panel data. *Journal of econometrics*, 18(1), 47-82 .
- Anjos, F., and Kang, c. (2017). Financial expertise, and executive-firm matching. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 43, pp. 464-479.
- Barari Nokashti, S., Banimahd, B., Yaghoubejad, A. (2018). Accounting flexibility and managers' optimism: Test of management discretion theory. *Management Accounting*, 11(37), 1-14. (In Persian)
- Barth, M. E., Konchitchki, Y., & Landsman, W. R. (2013). Cost of capital and earnings transparency. *Journal of accounting and Economics*, 55(2-3), 206-224
- Bazrafshan, V., Bazrafshan, A., Salehi, M. (2018). Investigating the Influence of Managers' Narcissism on Financial Reporting Quality. *Accounting and Auditing Review*, 25(4), 457-478. (In Persian)
- Buchholz, F., Lopatta, K. & Maas, K. (2020). The Deliberate Engagement of Narcissistic CEOs in Earnings Management. *J Bus Ethics*. 167, 663–686 .
- Ben-David, I., Graham, J.R. & Harvey, C.R, (2010), "Managerial Miscalibration", Working paper, Duke University.
- Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y, (2015), Managerial Overconfidence and Audit Fees, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 148-165.
- Ham, C., Lang, M., Seybert, N., & Wang, S. (2017), CFO Narcissism and Financial Reporting Quality, *Journal of Accounting Research*, 55(5), PP. 1089-1135
- Ham, C., Seybert, N., & Wang, S. (2018). Narcissism is a Bad Sign: CEO Signature Size, Investment, and Performance. *Review of Accounting Studies*, 23(1), PP. 234-264.
- Ham, Ch., Lang, M., Seybert, N., Wang, S. (2017). CFO Narcissism and Financial Reporting Quality. Available at <https://ssrn.com/abstract=2581157>.
- Hashemi Bahraman, M., Banimahd, B. (2014). Earnings Management and Timeliness of the Accounting Information. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 4:1-8. (In Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., hasani, M. (2019). Financial Reporting Quality and Relation between Managerial Overconfidence and Investment Efficiency. *Empirical Research in Accounting*, 9(3), 25-54. (In Persian)
- Hea, Y., Chenb, C.Hua, Y. (2019). Managerial over confidence, internal financing, and investment efficiency: Evidence from China. *Research in International Business and Finance*.47.501-510
- Healy, P.M., Palepu, K.G. and Ruback, R.S. (1992). Does corporate performance improve after mergers?, *Journal of Financial Economics*, 31(2), 135-175
- Heaton, J, (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31(2), PP. 33– 45.
- Hematfar, H., Moghadasi, M. (2013). Relationship between Disclosure Quality (Including Reliability and Timeliness) on Stock Value of Companies Listed on the Tehran Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 20(2), 133-147. (In Persian)
- Hsieh, T., Bedard, J. C. & Johnstone, K. M, (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9-10), 1243-1268.

- Jensen, M.C., (1986). Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance, and Takeovers. *The American Economic Review*, 76(2):323-329.
- Jensen, M.C., and Meckling W.H., (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 305- 360
- Jiang, X and Xin, B. (2021). Financial Reporting Discretion, Managerial Myopia, and Investment Efficiency. *The Accounting Review*. 4 (1):124-140
- Kashanipour, M and Mohamadi, M. (2018). Investigating the relationship between Managerial Overconfidence with Cash Holding and Cash-Flow Sensitivity of Cash.3 (33):17-32. (In Persian)
- Khajavi, S., Deghani Sa'di, A., Gerami Shirazi, F. (2017). CEO narcissism impacts on earnings management and financial performance. *Journal of accounting advances*, 8(2), 123-149. (In Persian)
- Khodamipour, A., Amiri, E. (2019). The Effect of the Audit Fee Type on Investment Cash Flow Sensitivity. *Accounting and Auditing Review*, 26(1), 65-86. (In Persian)
- Kraft, A. G., Vashishtha, R., & Venkatachalam, M. (2018). Frequent financial reporting and managerial myopia. *The Accounting Review*, 93(2), 249-275.
- Malmendier, U. & Tate, G, (2008).Who Makes Acquisitions? CEO Overconfidenceand the Market's Reaction. *Journal of Financial Economics*, 89 (1), 20-43.
- Mansourzare, M., Banimahd, B., Vakilifard, H., Rahnamaye roodposhti, F. (2020). Narcissism and Tendency to Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 10(4), 1-24. (In Persian)
- mohamadi, Y., m, A., Esmaeli Kia, G. (2020). Managerial Overconfidence, financing policies and investment efficiency. *Journal of Iranian Economic Issues*, 6(2), 195-231. (In Persian)
- Moradi, J., Bagheri, H. (2014). A comparative investigation into the Effects of Management Myopia and Earnings Management on Stock Return. *Accounting and Auditing Review*, 21(2), 229-250. (In Persian)
- Nofsinger, J. R, (2001).Investment Madness: How Psychology Affects Your Investing and What to Do about It. *Pearson Education*, 1st Edition.
- Olsen, K. J., & Stekelberg, J. (2016). CEO narcissism and corporate tax sheltering. *The journal of the American taxation association*, 38(1), 1-22 .
- Olsen, K. J., Dworkis, K. K., & Young, S. M. (2014). CEO narcissism and accounting: A picture of profits. *Journal of management accounting research*, 26(2), 243-267 .
- O'Reilly III, C. A., Doerr, B., Caldwell, D. F., & Chatman, J. A. (2014). Narcissistic CEOs and executive compensation. *The Leadership Quarterly*, 25(2), 218-231.
- Rezaei, F., moradi, M., moradi, L. (2020). Firms' Characteristics and the Relation between Financial Statements Comparability and Corporate Cash Holdings. *Empirical Research in Accounting*, 10(3), 81-98. (In Persian)
- Richardson, S. (2006).over-Investment of Free Cash Flow. *Review of Accounting Studies*, 11:159-89.

- Scherand, C. M. & Zechman, S. L, (2011).Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2):311–329.
- S., Amiri, G., Eftekhari, V., Daneshyar, F. (2020). Investigating the Relationship between Overconfidence Management and Investment Performance with Emphasis on the Mediating Role of Internal Financing. *Journal of Knowledge Accounting*, 11(4), 171-186. (In Persian)
- Suxia,A., Dezhi.Z.(2020). CEO Signature and Investment in Innovation: From the Perspective of Manager Narcissism [J]. *Foreign Economics & Management*. 42(9): 121-135.
- Wesner, B. S. (2007). Responding to the workplace Narcissist Indiana University Press
- Taghizadeh Khanqah, V., Badavar Nahandi, Y. (2020). Relationships between Managerial Overconfidence, Internal Financing and Investment Efficiency. *Journal of Knowledge Accounting*, 11(2), 209-238. (In Persian)
- Talezari, S., Abdoli, M. (2017). The relationship between short-sighted profit quality management and investments in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 10(34), 57-68. (In Persian)
- Tehrani, R., Delshad, A. (2018). Investigation of Managerial Myopia on Future Financial Performance in Companies Listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of accounting and social interests*, 8(2), 23-46. (In Persian)
- Yang, J., and Jiang, Y. (2008). Accounting information quality, free cash flow and overinvestment: A Chinese study. *The Business Review*, 11 (1): 159-166.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

ارائه الگوی اثر درجه شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه سهام^۱

محمد رضا هوشیار^۲، رویا دارابی^۳، میر فیض فلاح^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

مقاله پژوهشی

چکیده

مطالعه حاضر به ارائه الگوی اثر درجه شرکت‌های هم‌گروه^۵ و کیفیت اطلاعات حسابداری^۶ بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه سهام^۷ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. به منظور یافتن پاسخ سؤالات طرح شده، اطلاعات ۷۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که برای یک قلمروی هشت ساله (از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۷) انتخاب شده بودند، استخراج و آزمون‌های آماری لازم بر روی آنان صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد، ارزش‌گذاری سهام در عرضه عمومی اولیه، بر اساس درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری امکان‌پذیر است. ارزش‌گذاری سهام در عرضه‌های عمومی اولیه مبتنی بر رویکردهای سود و فروش، از لحاظ درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت متفاوت است و تشابه کیفیت اطلاعات حسابداری، اثر شرکت‌های هم‌گروه را بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه تعدیل می‌کند و ارزش‌گذاری سهام مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری، با قیمت‌گذاری اشتباه (ارزش‌گذاری بیشتر از حد و ارزش‌گذاری کمتر از حد) در عرضه‌های عمومی اولیه در ارتباط است. بنابراین اطلاعات حسابداری بخشی از مجموعه اطلاعاتی است که سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی جریان‌های نقد آ آینده برای دستیابی به ارزش برآوردی سهام مورد استفاده قرار می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های هم‌گروه، کیفیت اطلاعات حسابداری، ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه سهام.

طبقه بندی موضوعی: D70, G40, G41

DOI: 10.22051/JERA.2021.35948.2853

۲. گروه حسابداری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. (Hooshyar.phd1398@gmail.com)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (r_darabi@azad.ac.ir)

۴. دانشیار، گروه مدیریت مالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (M_fallah@azad.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

5. Group Companies

6. Accounting Information Quality

7. Valuing the initial public offering of shares

مقدمه

عصر حاضر در عرصه کسب و کار، دوره برخورداری از اطلاعات دقیق و به هنگام بوده و مدیریت سازمان‌ها بدون برخورداری از اطلاعات با کیفیت، سرانجامی جز دنباله‌روی از سایر سازمان‌ها و خالی کردن میدان به نفع رقبای خود و شکست نخواهد داشت. یکی از مهمترین زمینه‌هایی که سازمان در آن نیاز به اطلاعات با کیفیت دارد، اطلاعات حسابداری است. وظیفه فراهم آوردن چنین اطلاعاتی نیز بر عهده سیستم اطلاعات حسابداری می‌باشد. سیستم اطلاعات حسابداری، عبارت است از ابزاری که توسط مدیریت یک سازمان برای فراهم آوردن ارزش افزوده به منظور ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان به کار گرفته می‌شود. کارکرد اساسی سیستم اطلاعات حسابداری، فراهم آوردن اطلاعات با اهمیت در جهت یاری کردن مدیریت سازمان در کنترل فعالیت‌ها و کاستن از عدم اطمینان است. یک سیستم اطلاعات حسابداری مناسب، می‌تواند سازمان را با فراهم آوردن اطلاعات مرتبط با فرآیندهای کسب و کار، یاری نماید (درویش‌متولی، ۱۳۹۹). تحلیل‌گران مالی تلاش می‌کنند تا چشم‌انداز سود شرکت‌ها را ارزیابی کنند. چشم‌انداز سود به ترکیب ویژگی‌های مطلوب و نامطلوب سود خالص، اشاره دارد (پورناندانم و سوامیناتان^۱، ۲۰۰۴؛ پالناری و همکاران^۲، ۲۰۱۴). در حالی که نتایج پژوهش‌های قبلی حاکی از آن است که قیمت پیشنهادی در عرضه عمومی اولیه سهام شرکت‌ها از سایر همتایان خود متفاوت است، برخی نتایج نشان دادند که این انحراف، نشان‌دهنده عدم دقت در ارزش‌گذاری و در نظر نگرفتن اصول قیمت‌گذاری شرکت‌های مشابه می‌باشد و ممکن است در نهایت به ضرر شرکت تمام شود (براشوود^۳، ۲۰۱۵). به منظور به حداکثر رساندن کارایی استفاده از اطلاعات شرکت‌های قابل مقایسه، سه مؤلفه کلیدی مورد نیاز است: ۱) دسترسی بودن و شناسایی گروه شرکت‌های مشابه، ۲) شناسایی درجه شرکت‌های هم‌گروه و ۳) توانایی متخصص ارزیابی برای ایجاد سازگاری مناسب پیش از بکارگیری آن‌ها بعنوان گروه هدف (داموداران^۴، ۲۰۰۵؛ میتنر^۵، ۲۰۰۶؛ هونگ و همکاران^۶، ۲۰۱۴). با توجه به مطالب بیان شده، در این پژوهش قصد بر این است که به ارائه الگوی اثر درجه شرکت‌های هم‌گروه

1. Purnanandam and Swaminathan
2. Paleari et al
3. Brushwood
4. Damodaran
5. Meitner
6. Hong et al

و کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه سهام پرداخته شده و به سوالات زیر پاسخ داده شود.

سوال اول- آیا ارزش‌گذاری سهام در عرضه عمومی اولیه، بر اساس درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری امکان‌پذیر است؟

سوال دوم- آیا درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه بر ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، تأثیر معناداری دارد؟

سوال سوم- آیا کیفیت اطلاعات حسابداری مشابه در میان شرکت‌ها بر ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، تأثیر معناداری دارد؟

سوال چهارم- آیا ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد؟

سوال پنجم- آیا ارزش سهام مبتنی بر فروش در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه و درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد؟

سوال ششم- آیا ارزش سهام مبتنی بر سود قبل از مالیات در عرضه عمومی اولیه، با توجه به درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه و میزان کیفیت اطلاعات حسابداری متفاوت است؟

مبانی نظری

روزانه در تمام بازارهای سرمایه دنیا، صدها شرکت با انتشار سهام برای اولین بار وارد بازار سرمایه می‌شوند و با این کار قصد دارند که منابع مالی مورد نیاز خود را برای فعالیت و توسعه تأمین کنند. از این رو می‌توان گفت که فرآیند تأمین مالی یک مرحله بسیار مهم در فعالیت و رشد شرکت‌های مختلف به حساب می‌آید و بدین منظور می‌بایست قیمت تعیین شده توسط بازار برای سهام تازه وارد بورس، نشان‌دهنده ارزش واقعی دارایی‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد شرکت منتشرکننده سهام باشد تا بدین وسیله شرکت بتواند در امر تأمین مالی خود موفق بوده و وجوه مورد نیاز خود برای فعالیت و توسعه تأمین کند. مطالعات قیمت‌گذاری عرضه‌های اولیه از وجود دو ویژگی در آن‌ها خبر می‌دهد؛ اول آنکه سهام شرکت‌ها در عرضه عمومی اولیه، معمولاً زیر ارزش ذاتی قیمت‌گذاری شده و دوم آنکه سهام مزبور در بلندمدت عملکرد ضعیف‌تری نسبت به سهام دیگر شرکت‌ها دارد. این ویژگی‌ها سبب شده است تا پژوهشگران در دو دهه اخیر به

موضوع قیمت‌گذاری در عرضه عمومی اولیه، توجه زیادی نمایند. اصطلاح عرضه عمومی اولیه عبارت است از اینکه یک شرکت برای اولین بار در طول دوران فعالیت خود اقدام به عرضه سهام به عموم نماید. در زمان عرضه اولیه سهام به عموم، مدیران دارای اطلاعات محرمانه در مورد جریان‌های نقدی آینده، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مهارت‌های مدیریتی خودشان می‌باشند. از سوی دیگر سرمایه‌گذاران در مورد پیش‌بینی‌های شرکت در مورد قیمت اولیه سهام مطمئن نیستند و خرید سهام شرکت‌های جدیدالورود به بورس اوراق بهادار نسبت به سایر شرکت‌ها فرآیندی پرمخاطره است، زیرا بدلیل عدم سابقه معاملاتی، اطلاعات تاریخی مربوط به آنها اندک است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶). بر این اساس تاکید این پژوهش بر بازار اوراق بهادار تهران است و می‌کوشد تا نقش اطلاعات حسابداری شرکت‌های مشابه را در ارزش‌گذاری سهام شرکت‌های جدیدالورود به بورس بررسی کرده و در بهبود تصمیم‌گیری به سرمایه‌گذاران و مدیران این شرکت‌ها کمک نماید. برخی از مطالعات پیشین به بررسی ارزش‌گذاری نسبی عرضه عمومی اولیه بر اساس ارزش‌گذاری‌های پیشین شرکت‌های مشابه خود در عرضه عمومی اولیه‌شان پرداخته‌اند و دریافته‌اند که قیمت پیشنهادی شرکت‌ها در اولین عرضه عمومی‌شان، بطور متوسط، به میزان قابل توجهی بیشتر از سایر هم‌تایان خود می‌باشد. در حالی که نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که قیمت پیشنهادی در عرضه عمومی اولیه سهام شرکت‌ها از سایر هم‌تایان خود متفاوت است، نشان داد که این انحراف نشان‌دهنده عدم‌دقت در ارزش‌گذاری و در نظر نگرفتن اصول قیمت‌گذاری شرکت‌های مشابه می‌باشد (براشوود، ۲۰۱۵). در واقع اطلاعات حسابداری شرکت‌های مشابه باید از لحاظ ریسک، نوع صنعت و ویژگی‌های اجرایی بیشتری شباهت را با شرکت هدف داشته باشند، تا مزایای بکارگیری این روش بیشتر از مزایای استفاده از یک روش مبتنی بر نظریه، مانند مدل جریان نقدی تنزیل شده باشد (هانلی و هوبرگ، ۲۰۱۲). به رغم اهمیت ظاهری اطلاعات حسابداری در فرآیند ارزش‌گذاری اولیه، مطالعه‌ای که به طور ویژه به بررسی اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های مشابه در ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه سهام پردازد، وجود ندارد و همین امر نشان‌دهنده لزوم پژوهش در این زمینه می‌باشد. با توجه به مطالب بیان شده، در این پژوهش قصد بر این است که به ارائه الگویی جهت بررسی اثر درجه شباهت گروهی و کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه سهام پرداخته شود.

مروری بر پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

هزاردستان (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر عرضه عمومی اولیه بر قیمت سهام و شاخص قیمت در اولین عرضه سهام شرکت‌ها پرداخت. وی بیان داشت بورس اوراق بهادار، مرکز جمع‌آوری پس‌اندازها و نقدینگی بخش خصوصی به منظور تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت است و از سوی دیگر، مرجع رسمی و مطمئنی است که دارندگان پس‌اندازهای راكد، می‌توانند محل نسبتاً مناسب و ایمن سرمایه‌گذاری را جستجو کرده و وجوه مازاد خود را برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها به کار انداخته و یا با خرید اوراق قرضه دولت‌ها و شرکت‌های معتبر، از سود معینی برخوردار شوند. از طرفی بیان شد که کمبود و یا فقدان ساز و کارهای لازمه بورس هنوز یکی از عوامل اساسی بازدارنده رشد و شکوفائی بورس است. یافته‌های این پژوهش بیان داشت تاثیر عرضه عمومی اولیه بر قیمت سهام و شاخص قیمت در اولین عرضه سهام شرکت‌ها مثبت و معنادار است. المنصوری (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی محافظه‌کاری حسابداری و گزارش‌دهی شرکت در محیط‌هایی با عدم تقارن اطلاعاتی بالا در عرضه اولیه در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین میزان محافظه‌کاری در سال قبل از عرضه اولیه و در سال عرضه اولیه وجود ندارد. موقر (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی منتخب و عرضه عمومی اولیه در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون داده‌ها نشان‌دهنده رابطه منفی و معنی‌دار بین نرخ بهره و تعداد عرضه اولیه و رابطه مثبت و معنی‌دار بین بازده شاخص کل و تعداد عرضه عمومی اولیه است. از طرفی نتایج حاکی از پژوهش این بوده است که بین تولیدات صنعتی و نقدینگی با تعداد عرضه اولیه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در ادامه با توجه به یافته‌های مدل؛ نشان داده شد که اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر تعداد عرضه اولیه داشته و همچنین اعمال تحریم‌های هسته‌ای تاثیر منفی و معنی‌دار بر حجم عرضه عمومی اولیه داشته است. بهبهانی نیا و ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۹۶) به بررسی نقش اطلاعات حسابداری در واکنش سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتیجه پژوهش نشانگر بهبود مدل واکنش به سود و معناداری هم‌زمان سودهای پیش‌بینی شده بود. حاجی کرمانی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر کاربرد ارزش منصفانه در گزارش‌های مالی در بهبود ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی و نیز ارتباط ارزشی هم‌زمان سود

هر سهم عادی و ارزش دفتری در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند بیشتر از شرکت‌هایی است که از نظام بهای تمام‌شده استفاده نموده‌اند.

پیشینه خارجی

ژوو همکاران^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر شرکت‌های هم‌گروه بر رفتارهای صادرات شرکت‌ها پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش این بوده است که شرکت‌های صادراتی به موجب عدم تقارن اطلاعاتی و عدم قطعیت ریسک، تصمیمات صادرات خود را مشابه همتایان خود تنظیم می‌کنند. براساس (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم‌گروه بر ارزش‌گذاری عمومی اولیه سهام پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که قیمت‌گذاری سهام در عرضه عمومی اولیه ابتدا از طریق مقایسه شرکت‌ها انجام می‌شود و اتکای زیادی به ضرایب همانندی شرکت‌ها در معیارهای عملکردی دارد. دون و همکاران^۲ (۲۰۱۴) به بررسی رابطه سهامداران نهادی و کیفیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های دارای عرضه اولیه پرداختند. آنان بیان داشتند یافته‌ها نشان داد یک رابطه مثبت و معنادار میان سهامداران نهادی و کیفیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های دارای عرضه اولیه وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول- ارزش‌گذاری سهام در عرضه عمومی اولیه، بر اساس درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری امکان‌پذیر است.

فرضیه دوم- درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه بر ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم- کیفیت اطلاعات حسابداری مشابه در میان شرکت‌ها بر ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم- ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد.

فرضیه پنجم- ارزش سهام مبتنی بر فروش در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه و درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد.

فرضیه ششم- ارزش سهام مبتنی بر سود قبل از مالیات در عرضه عمومی اولیه، با توجه به درجه شباهت شرکت‌های هم‌گروه و میزان کیفیت اطلاعات حسابداری متفاوت است.

1. Xu
2. Don et al

روش پژوهش

روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است که با استفاده از داده‌های مستخرج از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل روابط متغیرها پرداخته است. از سوی دیگر پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی (نیمه تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام شده است. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و تحلیلی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های ترکیبی می‌باشد. پژوهش از حیث هدف کاربردی و از حیث روش توصیفی-تحلیلی قلمداد می‌شود.

روش گردآوری اطلاعات

در جهت گردآوری داده‌ها؛ در ابتدا با رجوع به بانک‌های اطلاعاتی نظیر پایان‌نامه‌ها، مقالات و پژوهش‌های مشابه، ادبیات مورد نیاز در جهت نگارش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، گردآوری می‌گردد. در ادامه، اطلاعات شرکت‌های مورد بررسی انتخاب شده بعنوان نمونه آماری، که اطلاعات آنها، به صورت بانک‌های اطلاعاتی بر روی لوح‌های فشرده موجود بوده و تحت نظارت و بررسی نهادهای مسئول می‌باشند، از طریق مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی شده و نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری خواهد شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

عمده روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها به اختصار بشرح زیر می‌باشد.

- انجام آمار توصیفی (جهت بررسی وضعیت عمومی و نمایش عمومی وضعیت متغیرها بر اساس شاخص‌های پراکندگی).
- آزمون جاک برآ (بررسی نرمال بودن متغیرهای وابسته).
- آزمون نبود همخطی (بررسی نبود همخطی میان متغیرهای مستقل و کنترلی بر اساس شاخص‌های تلورانس و عامل تورم واریانس).
- آزمون نبود واریانس ناهمسانی (برای بررسی همسانی واریانس‌ها با استفاده از آزمون وایت).
- آزمون چاو (برای بررسی انتخاب داده‌های تابلویی در برابر داده‌های تلفیقی).
- آزمون هاسمن (برای بررسی انتخاب روش اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی).

- انجام رگرسیون چند متغیره.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های دارای عرضه عمومی اولیه در بورس اوراق بهادار تهران بودند که طی دوره ۸ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ اولین عرضه عمومی سهام خود را در بورس اوراق بهادار تهران به انجام رسانیده‌اند. در تشکیل شرکت‌های مشابه نیز شرکت‌هایی مورد مطالعه قرار گرفت که حائز شرایط غربالگری زیر بودند:

- شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۹۷ در بورس تهران پذیرفته شده باشند و از ابتدای سال ۱۳۹۰ سهام آن‌ها در بورس مورد معامله قرار گرفته باشد.
 - به‌منظور انتخاب شرکت‌های فعال، معاملات این شرکت‌ها در طول سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ در بورس بیش از چهار ماه دچار وقفه نشده باشد.
 - به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به اسفند باشد.
 - بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - در طی دوره پژوهش دارای عرضه اولیه باشند یا شرکت‌های هم‌گروه برای آنها دارای عرضه‌های اولیه هستند.
- بر اساس نمونه‌گیری فوق؛ تعداد ۷۷ شرکت بعنوان نمونه آماری انتخاب شد.

مدل آزمون فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از برازش مدل رگرسیونی چندمتغیره و لاجیت زیر؛ برگرفته از پژوهش براشوود (۲۰۱۵) استفاده می‌شود:

مدل فرضیه اول

$$\begin{aligned} PVS_Mdn_i = & \beta_0 + \beta_1 \text{MeanPeerAQ}_i + \beta_2 \text{MeanPeerSim}_i \\ & + \beta_3 (\text{MeanPeerSim}_i \times \text{MeanPeerAQ}_i) + \beta_4 \text{LnAssets}_i \\ & + \beta_5 \text{Vcap}_i + \beta_6 \text{LnAge}_i + \beta_7 \text{Tech}_i + \beta_8 \text{Internet}_i + \varepsilon_i \end{aligned}$$

رابطه (۱)

مدل فرضیه دوم

$$\begin{aligned} PVE_Mdn_i = & \beta_0 + \beta_1 \text{MeanPeerAQ}_i + \beta_2 \text{MeanPeerSim}_i \\ & + \beta_3 (\text{MeanPeerSim}_i \times \text{MeanPeerAQ}_i) + \beta_4 \text{LnAssets}_i \\ & + \beta_5 \text{Vcap}_i + \beta_6 \text{LnAge}_i + \beta_7 \text{Tech}_i + \beta_8 \text{Internet}_i + \varepsilon_i \end{aligned}$$

رابطه (۲)

مدل فرضیه سوم

$$\begin{aligned} \text{Log} \left(\frac{p(\text{OverPricing PVS}_i)}{1 - p(\text{OverPricing PVS}_i)} \right) \\ = \beta_0 + \beta_1 \text{MeanPeerAQ}_i + \beta_2 \text{MeanPeerSim}_i \\ + \beta_3 (\text{MeanPeerSim}_i \times \text{MeanPeerAQ}_i) + \beta_4 \text{LnAssets}_i \\ + \beta_5 \text{Vcap}_i + \beta_6 \text{LnAge}_i + \beta_7 \text{Tech}_i + \beta_8 \text{Internet}_i + \varepsilon_i \end{aligned}$$

رابطه (۳)

مدل فرضیه چهارم

$$\begin{aligned} \text{Log} \left(\frac{p(\text{OverPricing PVE}_i)}{1 - p(\text{OverPricing PVE}_i)} \right) \\ = \beta_0 + \beta_1 \text{MeanPeerAQ}_i + \beta_2 \text{MeanPeerSim}_i \\ + \beta_3 (\text{MeanPeerSim}_i \times \text{MeanPeerAQ}_i) + \beta_4 \text{LnAssets}_i \\ + \beta_5 \text{Vcap}_i + \beta_6 \text{LnAge}_i + \beta_7 \text{Tech}_i + \beta_8 \text{Internet}_i + \varepsilon_i \end{aligned}$$

رابطه (۴)

مدل فرضیه پنجم

$$\begin{aligned} \text{Log} \left(\frac{p(\text{UnderPricing PVS}_i)}{1 - p(\text{UnderPricing PVS}_i)} \right) \\ = \beta_0 + \beta_1 \text{MeanPeerAQ}_i + \beta_2 \text{MeanPeerSim}_i \\ + \beta_3 (\text{MeanPeerSim}_i \times \text{MeanPeerAQ}_i) + \beta_4 \text{LnAssets}_i \\ + \beta_5 \text{Vcap}_i + \beta_6 \text{LnAge}_i + \beta_7 \text{Tech}_i + \beta_8 \text{Internet}_i + \varepsilon_i \end{aligned}$$

رابطه (۵)

مدل فرضیه ششم

$$\begin{aligned} \text{Log} \left(\frac{p(\text{UnderPricing PVE}_i)}{1 - p(\text{UnderPricing PVE}_i)} \right) \\ = \beta_0 + \beta_1 \text{MeanPeerAQ}_i + \beta_2 \text{MeanPeerSim}_i \\ + \beta_3 (\text{MeanPeerSim}_i \times \text{MeanPeerAQ}_i) + \beta_4 \text{LnAssets}_i \\ + \beta_5 \text{Vcap}_i + \beta_6 \text{LnAge}_i + \beta_7 \text{Tech}_i + \beta_8 \text{Internet}_i + \varepsilon_i \end{aligned}$$

رابطه (۶)

به صورتی که در این مدل‌ها،

- PVS_Mdn_i : میانه شاخص ارزش PVS برای شرکت i در بین شرکت‌های گروه هم‌تراز است. به طوری که ارزش PVS برای شرکت عرضه‌کننده و هر یک از شرکت‌های گروه هم‌تراز از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$PVS = \left(\frac{P}{V}\right)_{SALES} = \frac{\left(\frac{P}{S}\right)_{IPO}}{\left(\frac{P}{S}\right)_{PEER}}$$

به طوری که،

$$\left(\frac{P}{S}\right)_{IPO} = \frac{\text{تعداد سهام قابل عرضه} \times \text{قیمت پیشنهادی فروش سهم}}{\text{سود ابتدای دوره}}$$

- PVE_Mdn_i : میانه شاخص ارزش PVE برای شرکت i در بین شرکت‌های گروه هم‌تراز است. به طوری که ارزش PVE برای شرکت عرضه‌کننده و هر یک از شرکت‌های گروه هم‌تراز از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$PVE = \left(\frac{P}{V}\right)_{EBITDA} = \frac{\left(\frac{P}{EBITDA}\right)_{IPO}}{\left(\frac{P}{EBITDA}\right)_{PEER}}$$

- $MeanPeerAQ_i$: درجه شباهت کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت عرضه‌کننده با گروه هم‌تراز شناسایی شده است. به طوری که این معیار برای سه شاخص اقلام تعهدی غیرعادی، پیش‌بینی‌پذیری سود و پایداری سود به طور جداگانه محاسبه و مورد آزمون قرار می‌گیرد.
- اقلام تعهدی غیرعادی شرکت‌ها از مقادیر باقیمانده مدل رگرسیونی زیر محاسبه می‌شوند:

$$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t-1} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t+1} + \beta_4 \Delta Sales_{i,t} + \beta_5 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در این رابطه، $ACC_{i,t}$ کل اقلام تعهدی شرکت، $CFO_{i,t}$ جریان وجه نقد عملیاتی، $\Delta Sales_{i,t}$ تغییرات فروش نسبت به دوره قبل و $PPE_{i,t}$ اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت است. بنابراین:

$$MeanPeerACC = \frac{\sum_{j=1}^N ABACC_j}{ABACC_{IPO}}$$

▪ پیش‌بینی‌پذیری سود از رابطه زیر محاسبه می‌گردد.

$$\text{سود واقعی} - \text{سود پیش‌بینی شده}$$

سود واقعی

برای سنجش پایداری سود از یک معادله رگرسیونی تک متغیره استفاده شد که در آن سود دوره جاری؛ تابعی از سود دوره ما قبل تلقی شده است. به عبارتی، در این مدل تداوم سود به عنوان نماینده پایداری سود است.

$$\text{Earn}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Earn}_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

که در رابطه فوق:

Earn_{it} : سود دوره جاری قبل از اقلام غیرمترقبه، Earn_{it-1} : سود دوره پیشین قبل از اقلام غیرمترقبه و ε_{it} : پسماند مدل می‌باشد.

▪ MeanPeerSim_i : درجه شرکت‌های هم‌گروه شرکت عرضه‌کننده با گروه هم‌تراز

شناسایی شده است که از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{MeanPeerSim} = \frac{\sum_{i=1}^N \left[\sqrt{\left(\frac{\text{Sales}_{\text{PEER},i} - \text{Sales}_{\text{IPO}}}{\text{Sales}_{\text{IPO}}} \right)^2 + \left(\frac{\text{OPM}_{\text{PEER},i} - \text{OPM}_{\text{IPO}}}{\text{OPM}_{\text{IPO}}} \right)^2} \right]}{N}$$

به طوری که در این رابطه، $\text{Sales}_{\text{PEER},i}$ برابر با حجم فروش شرکت i در گروه هم‌تراز، $\text{Sales}_{\text{IPO}}$ حجم فروش شرکت عرضه‌کننده سهام، $\text{OPM}_{\text{PEER},i}$ سود قبل از کسر مالیات شرکت i در گروه هم‌تراز، OPM_{IPO} سود قبل از کسر مالیات شرکت عرضه‌کننده سهام و N برابر با تعداد شرکت‌ها در گروه هم‌تراز است. هرچه مقدار MeanPeerSim برای یک گروه بالاتر باشد، درجه شباهت شرکت عرضه‌کننده با آن گروه بالاتر خواهد بود. گروهی که بیشترین درجه شباهت را با شرکت عرضه‌کننده داشته باشد، به عنوان گروه هم‌تراز شناسایی می‌شود.

▪ LnAssets_i : اندازه شرکت بوده و برابر با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌های شرکت است.

▪ Vcap_i : متغیر نشانگر سرمایه‌گذاری مشترک است. متغیر مذکور بصورت یک متغیر دوجویی

تعریف می‌گردد. بدین صورت که شرکت عرضه‌کننده از طریق سرمایه‌گذاری مشترک، اقدام به

عرضه عمومی کرده باشد امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر مبنای محاسبات خواهد بود.

- LnAge_i : عمر شرکت بوده و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد ماه‌هایی است که از تاسیس شرکت می‌گذرد.
- Tech_i : متغیر صنعت است و در صورتی که شرکت متعلق به صنایع فناوری اطلاعات و ارتباطات باشد امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر مبنای محاسبات خواهد بود.
- Internet_i : متغیر نوع عرضه بوده و در صورتی که عرضه عمومی به صورت اینترنتی صورت پذیرد (روش بوک بیلدینگ و روش حراج و تخصیص توسط کارگزار) امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر مبنای محاسبات خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

بررسی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره ۱ نشان داده شده است.

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

مشاهدات	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	میانه	میانگین	نماد	نام متغیر
۶۱۶	۰/۰۴۴	۴/۵۵۴	۵/۴۰۷	۴/۹۹۷	۴/۹۴۹	LNAGE	عمر شرکت
۶۱۶	۳/۱۰۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۰	VCAP	سرمایه گذاری مشترک
۶۱۶	۰/۱۹۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۱۵۹	TECH	نوع صنعت
۶۱۶	۰/۸۵۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۰	INTERNET	عرضه اینترنتی
۶۱۶	۱/۵۸۶	-۴/۲۶۸	-۲/۲۹۸	-۳/۱۴۸	-۳/۶۵۵	SIM	درجه شرکت‌های هم‌گروه
۶۱۶	۳/۸۳۷	۹/۳۸۶	۲۱/۷۸۴	۱۵/۶۷۳	۱۵/۵۸۸	LNASSETS	ارزش دفتری دارایی‌ها
۶۱۶	۰/۵۵۸	۱/۶۳۰	۳/۱۲۶	۲/۲۱۰	۲/۳۷۳	PVS	ارزش نسبی شرکت IPO به نسبت فروش شرکت همترازش
۶۱۶	۰/۲۴۱	-۳/۳۰۰	۲/۸۸۸	۱/۶۷۵	۱/۶۳۸	AQ	کیفیت اطلاعات حسابداری
۶۱۶	۰/۱۳۰	۱/۱۴۳	۳/۶۵۵	۲/۵۸۳	۲/۶۰۲	PVE	ارزش سهام در عرضه اولیه

آزمون نرمال بودن متغیر وابسته پژوهش

بدین منظور، برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون جارک - برا در محیط نرم‌افزاری Eviews استفاده شده است. نتایج آزمون مذکور در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره ۲: نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته پژوهش

متغیر	نماد	آماره جارک برا	احتمال آماره جارک برا
ارزش نسبی شرکت IPO به نسبت فروش شرکت همتراش	PVS	۲۶۳/۱۳۴	۰/۰۹۵
ارزش سهام در عرضه اولیه	PVE	۱۸۷/۱۴۵	۰/۰۵۲

با توجه به آنکه مقدار احتمال آماره جارک - برا، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت متغیرهای وابسته پژوهش، دارای توزیع نرمال هستند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره ۳ به نمایش گذاشته شده است.

نگاره ۳: نتایج آزمون فرضیه اول

آماره ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره تی	احتمال آماره تی
مقدار ثابت	C	۵/۸۵۵	۰/۷۵۴	۰/۴۵۱۱
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	۸/۰۴۷	۲/۵۲۴	۰/۰۱۱۹
درجه شرکت‌های هم گروه	SIM	۵/۴۵۱	۱۹/۷۵۸	۰/۰۰۰۰
تعامل کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم گروه	AQSIM	۱۰/۶۵۸	۴/۲۷۴	۰/۰۰۰۰
ارزش دفتری دارایی‌ها	LNASSETS	۹/۸۹۰	۰/۳۷۲	۰/۷۰۹۴
سرمایه گذاری مشترک	VCAP	۹/۰۷۴۸	۱/۳۳۲	۰/۱۸۳۳
عمر شرکت	LNAGE	۱۰/۶۳۶	۱/۱۷۳	۰/۲۴۱۲
نوع صنعت	TECH	-۷/۱۷۶	-۵/۱۳۴	۰/۰۰۰۰
عرضه اینترنتی	INTERNET	-۲۱/۴۳۸	-۴/۳۶۴	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F
۰/۴۶۹	۰/۴۶۱	۱/۹۸۵	۲۱/۰۰۵	۰/۰۰۰۰
احتمال آماره وایت	احتمال آماره F لیمر	احتمال آماره هاسمن		
۰/۰۷۴۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰		

بر اساس مندرجات نگاره فوق در می‌یابیم مقدار احتمال آماره F لیمر، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین الگوی مناسب برای فرضیه‌های پژوهش، استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد. همچنین مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. در ادامه مشخص است که ارزش‌گذاری سهام در عرضه عمومی اولیه، بر اساس درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری بصورت مثبت و معناداری امکان‌پذیر است. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۱۰/۶۸۵) سطح معنی‌داری آن (۰/۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۴۶٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش‌بینی شده بود، قابل توضیح است.

آزمون فرضیه دوم

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره ۴ به نمایش گذاشته شده است.

تکراه ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	آماره‌ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	۵/۸۵۵	۰/۷۵۴	۰/۴۵۱۱	
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	۱/۰۱۴	۳/۱۲۷	۰/۰۱۱۸	
درجه شرکت‌های هم‌گروه	SIM	۲/۱۹۹	۰/۹۲۷	۰/۳۴۵۳	
تعامل کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم‌گروه	AQSIM	۳/۱۳۴	۰/۷۲۴	۰/۴۶۹۰	
ارزش دفتری دارایی‌ها	LNASSETS	-۱/۱۲۶	-۰/۳۴۷	۰/۷۲۸۷	
سرمایه‌گذاری مشترک	VCAP	۷/۳۳۳	۳/۰۱۶	۰/۰۰۹۳	
عمر شرکت	LNAGE	۱/۰۷۹	۰/۹۵۲	۰/۳۴۱۲	
نوع صنعت	TECH	-۱۱/۳۱۱	-۳/۲۲۲	۰/۰۰۱۴	
عرضه اینترنتی	INTERNET	-۱۲/۵۲۱	-۰/۱۹۹	۰/۸۴۲۰	
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	
۰/۱۶۷	۰/۱۰۳	۲/۰۰۵	۹/۶۵۲	۰/۰۰۰۰	
احتمال آماره وایت	احتمال آماره F لیمر	احتمال آماره هاسمن			
۰/۰۷۱۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰			

بر اساس مندرجات نگاره فوق در می‌یابیم که مقدار احتمال آماره F لیمر، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین الگوی مناسب برای فرضیه پژوهش، استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد. همچنین مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌گردد. در ادامه مشخص است که درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه بر ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، تأثیر معناداری ندارد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۲/۱۹۹) سطح معنی‌داری آن (۰/۳۵۴۳)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۱۰٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش‌بینی شده بود، قابل توضیح است.

آزمون فرضیه سوم

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره ۵ به نمایش گذاشته شده است.

تکراه ۵: نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیرها	آماره‌ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	۱/۸۷۶	۲/۶۰۷	۰/۰۰۹۴	
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	۰/۴۱۳	۱۲/۹۹۸	۰/۰۰۰۰	
درجه شرکت‌های هم‌گروه	SIM	۰/۶۷۵	۱/۷۱۶	۰/۰۸۶۸	
تعامل کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم‌گروه	AQSIM	۰/۰۹۴	۱/۲۴۶	۰/۲۱۳۰	
ارزش دفتری دارایی‌ها	LNASSETS	۰/۵۵۳	۱/۷۵۶	۰/۰۷۹۶	
سرمایه‌گذاری مشترک	VCAP	۰/۵۱۰	۹/۴۷۷	۰/۰۰۰۰	
عمر شرکت	LNAGE	۰/۰۰۸	۰/۶۴۱	۰/۵۲۱۵	
نوع صنعت	TECH	۰/۰۸۵	۰/۴۳۶	۰/۶۶۳۰	
عرضه اینترنتی	INTERNET	-۰/۷۵۲	-۰/۹۹۰	۰/۳۲۲۲	
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	
۰/۵۱۵	۰/۵۰۹	۲/۰۱۸	۹/۲۰۶	۰/۰۰۰۰	
احتمال آماره وایت	احتمال آماره F لیمر	احتمال آماره هاسمن			
۰/۰۶۶۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۲۱			

با توجه به نگاره ۵ درمی‌یابیم که مقدار احتمال آماره F لیمر، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین الگوی مناسب برای فرضیه پژوهش، استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد. همچنین مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌گردد. در ادامه مشخص است که درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۰/۴۱۳) سطح معنی‌داری آن (۰/۰۰۰۰) کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۵۱٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش‌بینی شده بود، قابل توضیح است.

آزمون فرضیه چهارم

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره ۶ به نمایش گذاشته شده است.

نگاره ۶: نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیرها	آماره‌ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	۳۲/۴۹۷	۱/۹۷۰	۰/۰۴۹۳	
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	۰/۴۹۶	۱/۱۵۲	۰/۲۴۹۷	
درجه شرکت‌های هم‌گروه	SIM	۶/۹۱۹	۰/۵۹۲	۰/۵۵۴۰	
تعامل کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم‌گروه	AQSIM	۱/۴۳۱	۰/۴۷۷	۰/۶۳۳۲	
ارزش دفتری دارایی‌ها	LNASSETS	-۲/۹۰۲	-۳/۳۹۹	۰/۰۰۰۷	
سرمایه‌گذاری مشتری	VCAP	۰/۱۹۸	۰/۴۳۵	۰/۶۶۳۲	
عمر شرکت	LNAGE	۰/۸۲۰	-۰/۱۴۶	۰/۸۸۳۸	
نوع صنعت	TECH	۶/۹۱۹	۰/۵۹۰	۰/۵۵۴۹	
عرضه اینترنتی	INTERNET	-۳/۱۲۴	-۰/۸۴۰	۰/۴۰۰۸	
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	
۰/۲۲۷	۰/۲۰۳	۲/۰۰۵	۹/۶۵۲	۰/۰۰۰۰	
احتمال آماره وایت	احتمال آماره F لیمر	احتمال آماره هاسمن			
۰/۰۶۰۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰			

با توجه به نگاره ۶ در می‌یابیم که مقدار احتمال آماره F لیمر، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین الگوی مناسب برای فرضیه پژوهش، استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد. همچنین مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌گردد. در ادامه مشخص است که ارزش سهام مبتنی بر فروش در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری نشان نمی‌دهد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۰/۴۹۶) سطح معنی‌داری آن (۰/۲۴۹۷)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که ارزش سهام مبتنی بر سود قبل از مالیات در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری نشان نمی‌دهد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۶/۹۱۹) سطح معنی‌داری آن (۰/۵۵۴۰)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۲۰٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش‌بینی شده بود، قابل توضیح است. با مقایسه ضرایب رگرسیونی بدست آمده، نتایج زیر حاصل می‌گردد.

۱/۵/۱ نگاره ۶: آماره آزمون فرضیه چهارم

ضریب رگرسیونی (کیفیت اطلاعات حسابداری)	ضریب رگرسیونی (درجه شرکت‌های هم‌گروه)	آماره t مقایسه‌ای	احتمال آماره t مقایسه‌ای
۱/۴۶۹	۶/۹۱۹	۱/۵۱۴	۰/۰۵۱۳

بر اساس نتایج نگاره فوق؛ مشاهده می‌گردد که میان ضرایب رگرسیونی بدست آمده؛ تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. زیرا احتمال آماره t مقایسه‌ای (۰/۰۵۱۳) بیشتر از سطح خطای ۵٪ است.

آزمون فرضیه پنجم

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره ۷ به نمایش گذاشته شده است. با توجه به نگاره ۷ در می‌یابیم که مقدار احتمال آماره F لیمر، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین الگوی مناسب برای فرضیه پژوهش، استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد.

همچنین مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین استفاده از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌گردد. در ادامه مشخص است که درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری، اثر شرکت‌های هم‌گروه را بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه تعدیل نمی‌کند. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۱۴/۸۱۸) سطح معنی‌داری آن (۰/۰۹۷۱)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین فرضیه پنجم در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۲۲٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش‌بینی شده بود، قابل توضیح است.

نگاره ۷: نتایج آزمون فرضیه پنجم

متغیرها	آماره‌ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C	۱۲/۷۶۱	۵/۳۸۷	۰/۰۰۰۰	
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	۴/۵۲۴	۰/۷۱۰	۰/۴۷۷۷	
درجه شرکت‌های هم‌گروه	SIM	۲/۰۴۶	۱/۶۲۲	۰/۱۰۵۴	
تعامل کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم‌گروه	AQSIM	۱۴/۸۱۸	۱/۶۶۲	۰/۰۹۷۱	
ارزش دفتری دارایی‌ها	LNASSETS	۸/۳۸۹	۱/۲۲۳	۰/۲۲۱۹	
سرمایه‌گذاری مشترک	VCAP	-۶/۴۵۵	-۱/۳۳۲	۰/۱۸۳۳	
عمر شرکت	LNAGE	۵/۵۸۸	۲/۰۶۰	۰/۰۰۰۰	
نوع صنعت	TECH	-۷/۳۰۴	-۵/۳۴۷	۰/۰۰۰۰	
عرضه اینترنتی	INTERNET	۲۹/۲۳۷	۰/۹۳۷	۰/۳۴۸۷	
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	
۰/۲۶۹	۰/۲۲۳	۱/۹۲۶	۳۲/۰۱۷	۰/۰۰۰۰	
احتمال آماره وایت	احتمال آماره F لیمر	احتمال آماره هاسمن			
۰,۰۵۵۲	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰			

آزمون فرضیه ششم

با توجه به نگاره ۸ درمی‌یابیم که مقدار احتمال آماره F لیمر، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین الگوی مناسب برای فرضیه پژوهش، استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد. همچنین مقدار احتمال آماره آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بنابراین استفاده

از الگوی ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی در فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. در ادامه مشخص است که ارزش‌گذاری سهام مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری، با قیمت‌گذاری اشتباه (ارزش‌گذاری بیشتر از حد و ارزش‌گذاری کمتر از حد) در عرضه‌های عمومی اولیه بصورت منفی و معنادار در ارتباط است. زیرا ضمن منفی بودن علامت ضریب رگرسیونی $(-۳/۳۰۸۷)$ سطح معنی‌داری آن $(۰/۰۰۲۰)$ ، کمتر از سطح خطای ۵% می‌باشد. بنابراین فرضیه ششم در سطح اطمینان ۹۵% تأیید می‌گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۶۴% تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش‌بینی شده بود، قابل توضیح است.

تکانه ۱: نتایج آزمون فرضیه ششم

متغیرها	آماره‌ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	مقدار آماره t	احتمال آماره t
مقدار ثابت	C		۱/۹۲۱	۱/۸۸۸	۰/۰۵۹۵
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ		-۳/۳۶۷	-۲/۸۵۰	۰/۰۰۴۵
درجه شرکت‌های هم‌گروه	SIM		-۵/۳۹۹	-۱/۷۴۹	۰/۰۸۰۸
تعامل کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم‌گروه	AQSIM		-۳/۰۸۷	-۳/۱۰۴	۰/۰۰۲۰
ارزش دفتری دارایی‌ها	LNASSETS		۱/۷۳۲	-۲/۹۹۳	۰/۰۰۲۹
سرمایه‌گذاری مشترک	VCAP		۵/۰۶۲	۱۰/۵۶۳	۰/۰۰۰۰
عمر شرکت	LNAGE		۴/۷۸۲	۲/۰۵۰	۰/۰۴۰۸
نوع صنعت	TECH		-۵/۴۷۶	-۰/۲۶۳	۰/۷۹۲۱
عرضه اینترنتی	INTERNET		۰/۶۹۸	۰/۳۴۲	۰/۷۳۲۱
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره F	احتمال آماره F	
۰/۶۵۱	۰/۶۴۲	۰/۰۲۰	۹/۱۳۵	۰/۰۰۰۰	
احتمال آماره وایت	احتمال آماره F لیمر	احتمال آماره هاسمن			
۰/۶۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰			

نتیجه‌گیری

عرضه اولیه شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار یکی از موقعیت‌های مهم سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران بالقوه حاضر در بازار سرمایه می‌باشد. نگاه به تاریخچه بازار بورس حکایت از این نکته دارد که نگرانی عمده شرکت‌های بورسی در گام نخست برای ورود به بازار سرمایه

این است که چه قیمتی برای عرضه عمومی اولیه مناسب بوده و آیا می‌توانند سرمایه‌گذاران را برای خرید سهام خود مجاب کنند؟ نظر به اهمیت قیمت‌گذاری در جذب سرمایه‌گذاران، این پژوهش به بررسی برخی از عوامل مؤثر در قیمت‌گذاری بهینه سهام در عرضه اولیه سهام پرداخت. بر اساس یافته‌های پژوهش احراز شد که ارزش‌گذاری سهام در عرضه عمومی اولیه، بر اساس درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری امکان‌پذیر است. ارزش سهام در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد. ارزش سهام مبتنی بر فروش در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد. ارزش سهام مبتنی بر سود قبل از مالیات در عرضه عمومی اولیه، واکنش متفاوتی نسبت به درجه شباهت مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد. درجه شباهت مبتنی بر کیفیت اطلاعات حسابداری، اثر شرکت‌های هم‌گروه را بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه تعدیل می‌کند، و ارزش‌گذاری سهام مبتنی بر شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری، با قیمت‌گذاری اشتباه (ارزش‌گذاری بیشتر از حد و ارزش‌گذاری کمتر از حد) در عرضه‌های عمومی اولیه در ارتباط است. بر اساس یافته‌ها می‌توان تحلیل نمود که اطلاعات حسابداری بخشی از مجموعه اطلاعاتی است که سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی جریان‌های نقد آتی برای دستیابی به ارزش برآوردی سهام مورد استفاده قرار می‌دهند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته این نتیجه حاصل شد که پژوهش‌های اندکی در راستای پژوهش حاضر صورت گرفته و نتایج این پژوهش تنها با نتیجه پژوهش براشوود (۲۰۱۵) همخوانی دارد. زیرا وی در پژوهش خود به بررسی کیفیت اطلاعات حسابداری و درجه شرکت‌های هم‌گروه بر ارزش‌گذاری عمومی اولیه سهام پرداخت که نتیجه گرفت قیمت‌گذاری سهام در عرضه عمومی اولیه ابتدا از طریق مقایسه شرکت‌ها انجام می‌شود و اتکای زیادی به ضرایب همانندی شرکت‌ها در معیارهای عملکردی دارد.

در راستای روشن شدن ابعاد بیشتر پژوهش حاضر، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد؛ به بررسی تأثیر درجه شرکت‌های هم‌گروه و کیفیت اطلاعات حسابداری بر ارزش‌گذاری عرضه عمومی اولیه سهام با تمرکز بر نقش تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های شرکت یا معیارهای مختلف عملکرد مالی، ترکیب هیات مدیره و دوره تصدی مدیریت بپردازند.

منابع

- المنصوری، مصطفی‌الحسین. (۱۳۹۸). محافظه‌کاری حسابداری و گزارش‌دهی شرکت در محیط‌هایی با عدم تقارن اطلاعاتی بالا: شواهدی از عرضه اولیه در بورس اوراق بهادار تهران، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- بهبهانی‌نیا، پریسادات؛ ولی‌زاده لاریجانی، اعظم. (۱۳۹۶). نقش اطلاعات حسابداری در واکنش سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران؛ مطالعه سودهای پیش‌بینی شده، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۷، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲۴.
- حاجی‌کرمانی، سمیرا؛ معین‌الدین، محمود و حیرانی، فروغ. (۱۳۹۶). تاثیر کاربرد ارزش منصفانه در گزارش‌های مالی در بهبود ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۷، شماره ۴ - شماره پیاپی ۲۶.
- درویش‌متولی، سپیده. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل موثر بر کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری. پیشنهاد کارشناسی‌ارشد، موسسه آموزش عالی سهروردی، گروه حسابداری.
- رستمی، علی؛ فلامرزی، عماد و فاروقی، سارا. (۱۳۹۶). ارایه مدل ارزش‌گذاری سهام در عرضه‌های عمومی اولیه با استفاده از مدل عصبی ژنتیک، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره سی و سوم.
- موقر، بهروز. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین متغیرهای کلان اقتصادی منتخب و عرضه عمومی اولیه در بورس اوراق بهادار تهران، کارشناسی‌ارشد، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری.
- هزاردستان، وحید. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر عرضه عمومی اولیه بر قیمت سهام و شاخص قیمت در اولین عرضه سهام شرکتها. پیشنهاد کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علم و هنر یزد، دانشکده علوم انسانی.
- Al-Mansouri, M. (2019). Accounting and reporting conservatism of companies in environments with high information asymmetry: Evidence of initial public offering on the Tehran Stock Exchange, PhD, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Administrative and Economic Sciences (In Persian).
- Behbahani Nia, P, Valizadeh Larijani, V (2017). The role of accounting information in the reaction of investors of Tehran Stock Exchange; Study of Predicted Profits, Quarterly Journal of Experimental Accounting Research, Volume 7, Number 2 - Serial Issue 24 (In Persian).
- Brushwood, James Darrach. (2015). Peer accounting information and the use of peer-based multiples for IPO valuation, Ph.D. Dissertation, University of Arizona.
- Damodaran, A. (2005). Valuation approaches and metrics: a survey of the theory and evidence. *Foundation and Trends in Finance 1*, 693-784.

- Darvish Motavi, Sepideh (2020). Identifying factors affecting the quality of accounting information systems. Proposed by M.Sc., *Suhrawardi Institute of Higher Education and Department of Accounting* (In Persian).
- Don, M, Autorea, Thomas, J, Boulton, Scott B, Smartc Chad J, Zutterd. (2014). The impact of institutional quality on initial public offerings. *Journal of Economics and Business*, Volume 73, May–June 2014, Pages 65-96.
- Haji Kermani, S, Moinuddin, Md, Hirani, F. (2017). The Impact of Applying Fair Value in Financial Reports on Improving the Value Relationship of Accounting Information, *Quarterly Journal of Empirical Accounting Research*, Volume 7, Number 4 - Serial Issue 26(In Persian).
- Hanley, K. and G. Hoberg. (2012). Litigation risk, strategic disclosure, and the underpricing of initial public offerings, *Journal of Financial Economics*, Vol. 103: 235-254.
- Hezardestan, Vahid. (2020). Investigating the effect of initial public offering on stock price and price index in the first offering of companies. Proposed for a master's degree, Yazd University of Science and Art, Faculty of Humanities (In Persian).
- Hong, H, M. Hung, and G. Lobo. (2014). The Impact of Mandatory IFRS Adoption on IPOs in Global Capital Markets, *The Accounting Review*, forthcoming.
- Meitner, M. (2006). The Market Approach to Comparable Company Valuation, *ZEW Economic Studies*, Vol 35.
- Movaghar, Behrooz. (2017). Investigating the Relationship between Selected Macroeconomic Variables and Initial Public Offering in Tehran Stock Exchange, M.Sc., Yazd University, Campus of Humanities and Social Sciences, Faculty of Economics, *Management and Accounting* (In Persian).
- Paleari, S., A. Signori, and S. Vismara. (2014). How do Underwriters Select Peers when Valuing IPOs? *Financial Management*, forthcoming.
- Purnanandam, A. and B. Swaminathan. (2004). Are IPOs Really Underpriced? *Review of Financial Studies*, Vol 17, No 3: 811-848.
- Rostami, Ali, Flamarzi, Emad, Farooqi, Sara. (2018). Presentation of stock valuation model in initial public offerings using neural genetic model, *Journal of Financial Engineering and Securities Management*, No. 33 (in Persian).
- Xu, Helian; Pan, Guoqin, Guo, Ping. (2018). Research on the Peer Effect of Firms' Export Behavior, *EURASIA Journal of Mathematics, Science and Technology Education*, 14(1):485-504.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

شناسایی مولفه‌های گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی در ایران^۱ساسان مهرانی^۲، محمد مرادی^۳، شاهپور اسماعیلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

مقاله پژوهشی

چکیده

بدهی‌های بخش عمومی یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی است که بواسطه نقش برجسته آن در پایداری و تاب‌آوری اقتصاد، مورد توجه سیاست‌گذاران و نهادهای علمی و حرفه‌ای قرار گرفته است. بنابراین به منظور تدوین سیاست‌های اقتصادی، بایستی اطلاعاتی جامع و شفاف از کل بدهی‌های بخش عمومی تهیه و در اختیار آنان قرار گیرد. اخیراً در کشور ایران نیز به جهت وجود بدهی‌های پنهان و گزارش نشده فراوان و نیز مسئولیت‌های سیاسی - اجتماعی حاکمیت، بدهی‌های بخش عمومی مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته و پرداختن به ابعاد مختلف گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی و حرکت به سمت شفافیت مالی در بخش عمومی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش، برای شناسایی عوامل موثر بر گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی در ایران از روش کیفی و رویکرد مبتنی بر تحلیل تم استفاده گردید. در این پژوهش کیفی، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (گلوله برفی)، با ۲۰ نفر از با خبرگانی که دارای تخصص و تجربه در بخش عمومی هستند، در قالب مصاحبه نیمه ساختار یافته، عوامل موثر بر گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی در چهار حوزه؛ گستره (دامنه) بخش عمومی، نوع بدهی و تعهدات بخش عمومی، اندازه‌گیری بدهی‌ها و چارچوب مناسب گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی مورد پرسش قرار گرفت. سپس، مصاحبه‌ها ترانویسی شده و با روش تحلیل تم کدگذاری شدند. در پژوهش حاضر، از مجموع ۴۹۴ کد باز؛ ۱۲ تم فرعی سطح ۱، ۳۳ تم فرعی سطح ۲ و ۵ تم اصلی شامل؛ اهمیت و ضرورت، ملاک‌های دسته‌بندی، اندازه‌ها و سطوح، طبقه‌بندی و گزارشگری شناسایی شد که به عنوان مؤلفه‌های گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی تعیین شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: بخش عمومی، معیارهای کنترل، بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی و تحلیل تم.

طبقه بندی موضوعی: M41

.1 DOI: 10.22051/JERA.2021.34384.2780 (این مقاله مستخرج از رساله دکتری است)

.2 دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (smehrani@ut.ac.ir)

.3 استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (moradimt@ut.ac.ir)

.4 دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (sh.esmaeili2002@gmail.com)

مقدمه

پژوهشگران با بررسی دلایل بحرانهای اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که ترکیب نامناسب بدهی‌های عمومی از نظر سررسید، ترکیب ارزی و نرخ بهره و بی‌توجهی به بدهی‌های پنهان و احتمالی، از عوامل مهم ایجاد و انتشار بحران‌های اقتصادی بوده است (هویز، ۲۰۰۹؛ مایتلند اسمیت، ۲۰۰۹؛ هارتونیک و همکاران، ۲۰۱۱؛ دیپلسمن و همکاران، ۲۰۱۲؛ پالاسیوس و همکاران، ۲۰۱۴ و زارعی، ۱۳۹۳). امروزه، در بسیاری از کشورها، بدهی‌های عمومی به مرز خطرناکی رسیده است و همین امر باعث شده است که مسأله بدهی‌های بخش عمومی به موضوع مهم مدیریت مالی کشورها و نهادهای مالی و نظارتی بین‌الملل از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تبدیل شود (اکرمی و زارعی، ۱۳۹۶). بنابراین در نظر گرفتن شرایط فعلی کشور و وجود بدهی‌های پنهان و گزارش نشده فراوان در بخش عمومی، ضرورت پرداختن به ابعاد مختلف گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی و حرکت به سمت شفافیت مالی در بخش عمومی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. به لحاظ اقتصادی، بدهی‌های عمومی به معنای انتقال بار مالی به دوره‌های آینده است و این ظرفیت را دارند که نه تنها دولت و شرکت‌های دولتی بلکه کل اقتصاد را نسبت به ناتوانی در پرداخت بدهی و مشکلات نقدینگی آسیب پذیر نمایند (آندریاس برگمن، ۲۰۰۹). در فضای کلان اقتصادی و مالی عمومی، اگر رشد بدهی نسبت به کل اقتصاد بیشتر باشد، تعهدات مالی بیشتری به دوره‌های آینده و نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد. بازپرداخت بدهی‌های بلند مدت با مفهوم حقوق بین نسلی ارتباط دارد و جزء جدایی‌ناپذیر مفهوم مسئولیت پاسخگویی عمومی است. از این رو، نگهداری حساب بدهی‌های بلند مدت و گزارشگری آن، از ویژگی‌های اساسی یک نظام حسابداری و گزارشگری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی تلقی می‌گردد (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۹۱).

در خصوص گزارشگری بدهی‌های عمومی سوالات و ابهامات زیادی وجود دارد. از جمله؛ تعهدات چه بخشی از اقتصاد به عنوان بدهی‌های بخش عمومی محسوب می‌شوند؟ یا به عبارتی، جهت تعیین بدهی‌های بخش عمومی تعهدات کدام سطح حکومت بایستی مدنظر قرار گیرد؟ فقط بدهی دستگا‌ه‌های اجرایی دریافت‌کننده بودجه در نظر گرفته شوند یا اینکه بدهی بانک مرکزی، شرکتهای دولتی، صندوق‌های تامین اجتماعی، شهرداری‌ها، نهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای انقلاب اسلامی نیز لحاظ گردد؟ و ... از همه مهمتر، بدهی‌های بخش عمومی، شامل کدام نوع از بدهی‌ها و ابزارهای بدهی (شمول ابزاری) می‌شود؟ آیا فقط اوراق بدهی، وام‌ها و

حسابهای پرداختی به عنوان بدهی در نظر گرفته شوند یا تعهدات حاصل از طرح‌های بیمه، بازنشستگی و تضمین‌ها نیز به عنوان بدهی گزارش گردد؟ آیا بدهی‌های ناشی از مشارکت بخش عمومی با بخش خصوصی به عنوان بخشی از بدهی عمومی محسوب می‌شود؟ از نظر استفاده کنندگان بهترین شیوه گزارشگری بدهیها و تعهدات احتمالی بخش عمومی در ایران چگونه است؟ و ...

بدهی‌های بخش عمومی یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی است که بواسطه نقش برجسته آن در پایداری و تاب‌آوری اقتصاد، مورد توجه سیاست‌گذاران و نهادهای علمی و حرفه‌ای قرار گرفته است. به طوری که در سالهای اخیر قوانین و ساختار مالی کشورها دچار تحول اساسی گردیده است (زارعی، ۱۳۹۵). گرچه دامنه این تحولات به کشور ما نیز گسترش یافته است ولیکن در حوزه دانشگاهی و نشریات علمی، اقدامی جدی در این حوزه صورت نگرفته است. این در حالی است که موفقیت در هر فرآیند اصلاحی نیازمند دانش و منابع علمی است. به عنوان نمونه، در پژوهش حاضر، شاخصهای کنترل مورد اجماع خبرگان شناسایی شده که به نوبه خود، به توسعه کاربرد استانداردهای حسابداری بخش عمومی (تعیین دامنه شمول) کمک می‌کند. همچنین مطابق مفاد قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، دولت مکلف به شناسایی و تسویه بدهیهای خود می‌باشد. در این بین، حسابداری به عنوان شاخه‌ای از علوم اجتماعی بایستی به این عوامل محیطی واکنش نشان دهد. اما تاکنون پژوهشی که به طور جامع به شناسایی مولفه‌های گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی در ایران پرداختد، انجام نشده است. بنابراین، موضوع پژوهش، موضوعی است که به نوبه خود جدید و نو بنظر می‌رسد. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش آن است که با انجام مطالعات نظری و تطبیقی و استفاده از نظر خبرگان، ابعاد و مولفه‌های کلیدی مدل گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی در ایران را شناسایی نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای آشنایی با مفهوم «بدهی‌های بخش عمومی»، ابتدا لازم است با اصطلاح «بخش عمومی» آشنا شده و سپس تعریف روشنی از مفهوم بدهی‌های بخش عمومی ارائه گردد. بدیهی است تا تعریف روشنی از این اصطلاح ارائه نشود، مشخص نمی‌گردد که بدهی‌های بخش عمومی چیست.

با تدوین و تصویب استانداردهای حسابداری بخش عمومی، واحدهای بخش عمومی از ابتدای سال ۱۳۹۴ ملزم به گزارشگری و تهیه صورتهای مالی بر اساس استانداردهای مذکور شدند. یکی از مشکلات گزارشگری و تهیه صورتهای مالی در سطح دولت، تعیین محدوده (دامنه) بخش عمومی و واحدهایی است که اطلاعات آنها باید در صورتهای مالی کل دولت لحاظ شود (صفرزاده، ۱۳۹۴). در استاندارد شماره یک حسابداری بخش عمومی ایران بیان شده است که این استانداردها در مورد کلیه واحدهای بخش عمومی به استثنای واحدهایی که تهیه صورتهای مالی آنها بر اساس استانداردهای بخش تجاری (انتفاعی) مناسب‌تر است، کاربرد دارد. سوال این است که کدام واحدها، بخش عمومی محسوب می‌شوند؟ این در حالی است که یک تعریف روشن از بخش عمومی در استانداردهای حسابداری ارائه نشده است (اکرمی، زارعی و بنانی، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است، این ابهامات فقط محدود به ایران نبوده و در حوزه بین‌الملل نیز به دلیل رویکردهای متفاوت در تعریف بخش عمومی، حد و مرز بخش عمومی و خصوصی به روشنی قابل تفکیک نمی‌باشد.

بررسی ادبیات موضوعی پیرامون «محدوده بخش عمومی» حاکی از آن است که با استفاده از چهار رویکرد به شرح زیر می‌توان اقدام به تعریف بخش عمومی و تعیین محدوده آن نمود (لاینرت، ۲۰۰۹؛ صفرزاده، ۱۳۹۴).

۱. استفاده از وظایف محول شده برای تعیین محدوده بخش عمومی

یکی از رویکردهای محتمل برای تعریف بخش عمومی، تعیین وظایفی است که واحدهای بخش عمومی آنها را اجرا می‌کنند. مشکل استفاده از رویکرد مبتنی بر وظایف برای تعیین محدوده بخش عمومی این است که بسیاری از وظایف انجام شده از سوی دولت، به وسیله بخش خصوصی نیز انجام می‌شود. بنابراین، تمایز بین بخش عمومی و خصوصی تنها از طریق وظایف محول شده امکان‌پذیر نیست.

۲. استفاده از مفهوم مالکیت برای تعیین محدوده بخش عمومی

مالکیت به معنای تملک اموال است، بخش خصوصی را می‌توان به عنوان مجموعه واحدهای اقتصادی تلقی نمود که تحت تملک این بخش هستند و عمدتاً هدف از تاسیس آنها کسب سود می‌باشد. در مقابل، واحدهایی که تحت تملک دولت می‌باشند، جزیی از بخش عمومی خواهند بود و عمدتاً فعالیت غیرانتفاعی انجام می‌دهند. تمایز بین بخشهای عمومی و خصوصی تنها از

طریق مفهوم مالکیت نیز امکان پذیر نمی‌باشد. علت این امر را می‌توان به انجام هر دو فعالیت‌های انتفاعی و غیر انتفاعی به وسیله هر دو بخش خصوصی و عمومی نسبت داد که تمایز آنها در عمل را با مشکل مواجه می‌کند.

۳. استفاده از مفهوم کنترل برای تعیین محدوده بخش عمومی

کنترل، یکی از معیارهای اصلی بسیاری از کشورها برای تمایز بخش عمومی از خصوصی است. یکی از دشواریهای مفهوم کنترل برای تعیین محدوده بخش عمومی، این است که دیدگاه افراد در خصوص این مفهوم یکسان نیست. به عنوان مثال، بر خلاف بخش خصوصی، واحدهایی که دولت در آنها دارای حق اکثریت نیست اما ملزم به پیروی از سیاستهای عمومی دولت می‌باشند، نیز تحت کنترل دولت بوده و بایستی در قلمرو بخش عمومی طبقه‌بندی شوند.

۴. استفاده از مفهوم قوانین و مقررات برای تعیین محدوده بخش عمومی

بر اساس این رویکرد، واحدهایی که نام آنها در قوانین و مقررات خاص (مانند بودجه) آمده است، در بخش عمومی جای می‌گیرند. این رویکرد نیز دارای موافقان و مخالفانی است. مخالفین معتقدند که؛ استفاده از این رویکرد سبب پیدایش قضاوت و تفسیرهای مختلف پیرامون لحاظ نمودن یک واحد در بخش عمومی می‌شود. از سوی دیگر، موافقان این رویکرد نیز به دشواریهای رویکردهای قبلی و نبود جامعیت آنها در تعیین محدوده بخش عمومی اشاره می‌کنند.

با تاکید بر مفهوم مسئولیت پاسخگویی، مسئولین و مقامات منتخب مردم بایستی نسبت به تحصیل، مصرف و بکارگیری منابع در حوزه اختیار و کنترل خود پاسخگو باشند. از منظر رویکرد کنترل، هر آنچه که دولت بر آن کنترل دارد، به عنوان بخش عمومی تلقی می‌گردد (صفرزاده، ۱۳۹۴). در این پژوهش، همانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته، برای تعیین محدوده بخش عمومی، مدل IMF که مبتنی بر مفهوم کنترل است، را به عنوان مبنا قرار داده و با نظرخواهی از صاحب نظران و خبرگان، بومی‌سازی شده است.

مفهوم بدهی‌های بخش عمومی

به طور عام، بدهی‌های بخش عمومی به طیفی از بدهی‌ها و تعهدات اشاره دارد که به بخش عمومی تعلق داشته و دولت در قبال آنها مسئولیت پاسخگویی دارد. اما بطور خاص تعریف جامع

و پذیرفته شده از بدهی‌های عمومی وجود ندارد و در کشورهای گوناگون تعریف ارائه شده از بدهی‌های عمومی متفاوت می‌باشد. این به ماهیت چارچوب سیاسی و نهادی کشور و ویژگی‌های محیطی نظیر شکل نمایندگی دولت و تفکیک قوا، تامین منابع مالی، لزوم مصرف منابع در جهت تحقق اهداف و برنامه‌هایی که قانونگذار تعیین کرده است و ... بستگی دارد (دیپلمن و همکارانش، ۲۰۱۱).

کلاودیا و همکاران (۲۰۱۳) تلاش نمود تا دیدی کلی از مفهوم بدهی عمومی ارائه نماید. وی با اقتباس از طبقه‌بندی ارائه شده توسط پولاکوا (۱۹۹۸)، بدهی‌های عمومی را به صورت ذیل طبقه‌بندی نموده است:

۱. **بدهی‌های قانونی - قطعی**؛ مانند اوراق قرضه، اوراق مشارکت، وامها، حسابها و اسناد پرداختی و تعهدات سالانه و بلند مدت قانونی مصوب مانند حقوق کارکنان دولت.

۲. **بدهی‌های قانونی - احتمالی**؛ تعهدات احتمالی بابت قصور اشخاص حقیقی و حقوقی که صراحتاً بواسطه قرارداد یا قانون توسط دولت تضمین یا تعهد شده‌اند. به عنوان مثال؛ تعهدات احتمالی ناشی از ناتوانی واحدهای صادر کننده اوراق مشارکت در پرداخت اصل و هزینه مالی اوراق که توسط دولت تضمین شده است یا کسری طرحهای بیمه و بازنشستگی دولتی.

۳. **بدهیهای عرفی - قطعی**؛ تعهداتی مانند تکمیل طرح‌های نیمه تمام یا کسری صندوق‌های بیمه و بازنشستگی خصوصی که صراحتاً به واسطه قانون یا قرارداد توسط دولت تضمین نشده‌اند ولی دولت به واسطه عرف سیاسی و اجتماعی خود باید آنها را تقبل کند.

۴. **بدهیهای عرفی - احتمالی**؛ تعهدات ناشی از ناتوانی واحدهای بخش عمومی و برخی موارد صنایع خصوصی و حتی اشخاص حقیقی در برخورد با بحرانها و اتفاقات غیرمنتظره مانند بلایای طبیعی که ایفای تعهدات و تداوم فعالیت آنها را غیر ممکن می‌سازد. اگر چه دولت صراحتاً در قبال این تعهدات وظیفه‌ای ندارد ولی به واسطه عرف سیاسی و اجتماعی باید این تعهدات را تقبل کند.

صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۳ با انتشار رهنمود آماری بدهی بخش عمومی، مولفه‌های کلیدی گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی را به شرح زیر بیان می‌کند.

الف - شمول سازمانی

شمول سازمانی به طیفی از سازمانها یا دستگاه‌های اجرایی که بدهی آنها در محاسبه بدهی بخش عمومی یک کشور مورد توجه قرار می‌گیرد، اشاره دارد. شامل؛ دولت مرکزی، دولتهای ایالتی و محلی، واحدهای دولتی مستقل از بودجه، شرکتهای دولتی، صندوق‌های تامین اجتماعی و ...

ب - شمول ابزارهای بدهی (شمول ابزاری)

شمول ابزاری یعنی اینکه؛ کدام نوع از تعهدات و ابزارهای بدهی، جزء بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی محسوب می‌شوند. بدهی عمومی می‌تواند شامل تمام تعهدهای مندرج در ترازنامه و حتی خارج از ترازنامه واحدهای گزارشگر بخش عمومی باشد و این به ماهیت چارچوب سیاسی و نهادی کشورها بستگی دارد.

ج - روش ارزشیابی

مبانی ارزشیابی اهمیت زیادی در محاسبه شاخص بدهی دارد و حتماً باید روش ارزشیابی مشخص باشد، زیرا مبانی ارزشیابی متفاوت منجر به تفاوت درخور توجهی در سطح و نرخ رشد بدهی عمومی می‌گردد.

د - تلفیق درون سازمانی

اطلاعات بدهی کل بخش عمومی باید بر مبنای تلفیقی ارائه شوند. به این معنا که بدهی یک واحد بخش عمومی به واحد عمومی دیگر هنگام تلفیق به عنوان معاملات درون گروهی حذف می‌شود. بنابراین، مواردی که اصول تلفیق رعایت نگردد، می‌تواند منجر به بیش‌نمایی سطح بدهی دولت اصلی شود.

پیشینه تجربی پژوهش

ماتیلند اسمیت (۲۰۰۹)، بدهیهای عمومی بریتانیا را مورد بررسی قرار دادند آنها را به شرح زیر بر اساس ریسک مالی طبقه‌بندی نمود. وی ماتریس طراحی شده توسط پولاکوا (۲۰۰۹) را جهت شناسایی و تحلیل ریسک مالی بکار گرفت.

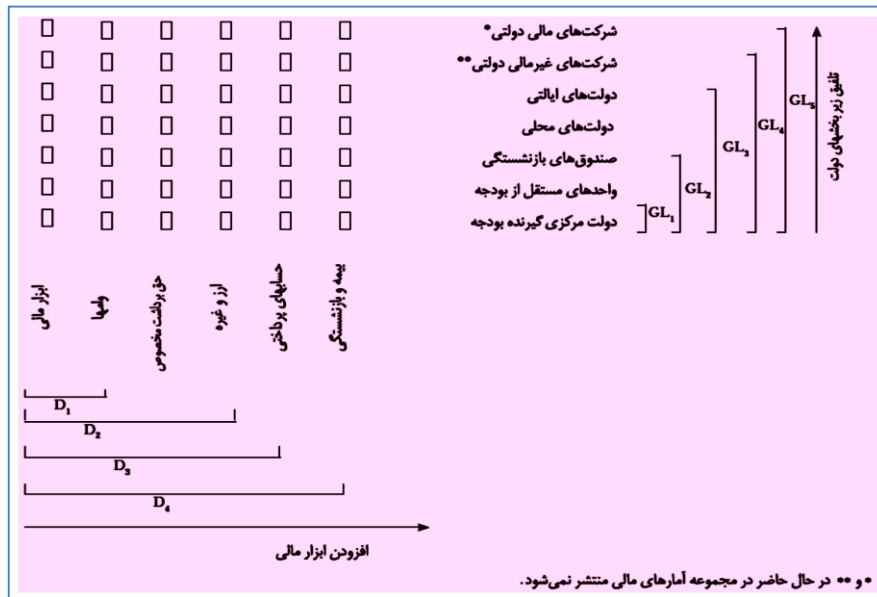
ماتریس ریسک مالی		
احتمالی	قطعی	صراحت قطعی
<p>تعهدات ناشی از:</p> <p>تضمین اوراق قرضه منتشره توسط دولت و واحدهای بخش عمومی</p> <p>تضمین کلی انواع وام مسکن، وام‌های دانشجویی، کشاورزی و کسب و کارهای کوچک</p> <p>طرحهای بیمه دولتی</p>	<p>بدهیهای حاکمیتی مانند اوراق قرضه و وامها</p> <p>تعهدات ناشی از مصوبات بودجه مانند حقوق کارکنان</p>	<p>قانونی</p> <p>(طبق قانون یا قرارداد)</p>
<p>تعهدات ناشی از:</p> <p>نکول تعهدات در بازپرداخت اصل و فرع اوراق مشارکت واحدهای بخش عمومی که توسط دولت تضمین نشده‌اند.</p> <p>کسری صندوق‌های بازنشستگی با بیمه‌ای که تحت ضمانت دولت نیستند.</p> <p>ناتوانی بانک مرکزی در ایفای تعهداتش.</p> <p>کمک مالی جهت احیای صنایع بخش خصوصی</p> <p>جبران خسارت حاصل از آسبهای محیطی، بلایای طبیعی و جنگ.</p>	<p>هزینه‌های مستمر پروژه‌های سرمایه‌ای بخش عمومی</p> <p>تامین مالی طرح‌های تامین اجتماعی، بازنشستگی یا مزایای درمانی اگر قانوناً بر عهده دولت نباشد، تعهد ضمنی محسوب می‌شوند.</p>	<p>عرفی</p> <p>(تعهدات مورد انتظار به واسطه انتظارات عمومی یا فشارهای سیاسی)</p>

ماتیلند اسمیت (۲۰۰۹)، بدهیهای عمومی را بصورت زیر نیز طبقه‌بندی نموده است:

اقلام خارج از ترازنامه			اقلام منعکس در ترازنامه		
تعهدات مالی حاصل از نقش دولت		تعهدات پیش بینی شده در بودجه	سایر انواع تضمینات	تحت عنوان بدهی یا ذخیره	
تعهدات احتمالی (نرم)	تعهدات عرفی (سخت)	تعهدات غیر قراردادی	تضمینات دولتی (فاقد ذخیره)	تضمینات دولتی (دارای ذخیره)	بدهیهای قانونی
<p>بدهی ناشی از مشارکتهای عمومی - خصوصی</p> <p>بدهی خارج از ترازنامه</p> <p>بدهیهای احتمالی قانونی</p>					

هارتونیک و همکاران (۲۰۱۱)، در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که اتحادیه اروپا اطلاعات بدهی را تنها بر حسب چهار بعد کلیدی (نوع بدهی، سطح دولت، سررسید و دارندگان اوراق قرضه) طبقه‌بندی می‌کند که از نظر ترکیب و حوزه تحت پوشش کامل و جامع نیست. همچنین اتحادیه اروپا در محاسبه بدهی، فقط بدهی دولت اصلی را در نظر می‌گیرد و شرکتهای دولتی را در بر نمی‌گیرد.

دیپلمن و همکارانش (۲۰۱۱)، در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که؛ یک تعریف استاندارد بین‌المللی از بدهیهای عمومی و بخش عمومی وجود ندارد. بنابراین به منظور استاندارد کردن تعریف بدهی از ماتریس زیر استفاده نمودند.



محور افقی این ماتریس بیانگر ابزار بدهی است و محور عمودی بیانگر تلفیق زیر بخش‌های دولت است.

صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۳ با انتشار رهنمود آماری بدهی بخش عمومی، مولفه‌های کلیدی گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی را به شرح زیر بیان می‌کند.

پالاسیوس و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که؛ دولت کانادا عمدتاً بر بدهی استقرایی (تعهدات قانونی و قطعی) متمرکز شده است و سایر انواع بدهی (تعهدات عرفی و بدهی‌های احتمالی) مدنظر قرار نگرفته است. تاکید صرف بر بدهیهای قطعی، منجر به نادیده گرفته شدن سهم بزرگی از تعهدات دولت شده است.

صفرزاده (۱۳۹۱)، در یک مطالعه تطبیقی با بررسی استانداردها و مفاهیم نظری کشورهای آمریکا، کانادا، بین‌الملل، نیوزیلند و ...، شاخص‌های کنترل را به شرح جدول ذیل شناسایی نموده است.

کشور	پیش‌العمل	بریتانیا	آمریکا		کانادا	سوئد	نیوزیلند	استرالیا	فرانسه
			ایالتی	مرکزی					
نام استاندارد	IPSAS NO.6	FRS NO.2	GASB NO.14	SFFAC NO.2	PS NO.1300	PKR NO.8.1	NZIAS NO.27	AASB NO.127	OEC Manual
دامنه کاربرد	بخش عمومی	بخش خصوصی منظور با عمومی	بخش عمومی	بخش عمومی	بخش عمومی	بخش عمومی	بخش عمومی و خصوصی	بخش عمومی و خصوصی	بخش عمومی
واحد گزارشگر	کل	محلی و مرکزی	محلی و ایالتی	مرکزی	کل	محلی و مرکزی	کل	کل	محلی
شاخص کنترل									
									کنترل اکثریت آرا
									توانایی و تو یا تفییر تصمیمات نهادهای حاکم
									توانایی و تو و تصویب بودجه
									تعیین الزام و محدودیت توسط قانون
									توانایی هدایت سیاستهای مالی و عملیاتی
									برخورد با واحد اصلی همانند واحد کنترل کننده
									وجود درصد مالکیت ۲۰٪ و بیشتر آن
									هدایت واحدهای تحت کنترل در راستای دستیابی به اهداف
									وجود حق بر خالص داراییها
									وابستگی مالی
									اختیار امضای قرارداد به عنوان طرف قرارداد
									مسئولیت جبران کسری و دسترسی به مازاد
									توانایی یکجانبه برای انحلال
									تصویب استخدام و برکناری پرسنل کلیدی و هیات مدیره

همانطور که پیشتر نیز گفته شد، یکی از رویکردهای تعیین محدوده بخش عمومی، رویکرد کنترل می‌باشد. یعنی هر آنچه که دولت بر آن کنترل دارد، به عنوان بخش عمومی تلقی می‌گردد. در جدول فوق، به شاخص‌های مورد استفاده کشورها برای تشخیص کنترل توسط دولت‌ها اشاره شده است.

حاتمی‌زاده و لطیف (۱۳۹۶)، چارچوب قانونی نظام مدیریت بدهی‌های دولت پنج کشور در حال توسعه را مورد بررسی قرار داده‌اند که در ادامه وضعیت کشورهای مورد بررسی در سه قالب شمول سازمانی، شمول ابزاری و نحوه گزارشگری ارائه می‌گردد.

نام کشور	شمول سازمانی	شمول ابزاری	نحوه گزارشگری
ایران	دولت صربستان دستگاههای مستقل و خود مختار محلی (دولت‌های محلی) صندوق سلامت صندوق بازنشستگی کشوری سازمان بیمه تامین اجتماعی شرکت‌های دولتی	اوراق بهادار دولتی انتشار یافته استقراض تضمین‌های صادر شده بدهی دولت بابت قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها بدهی شرکتهای دولتی و دولتهای محلی با تضمین دولت مرکزی	در ۵ قالب زیر طبقه‌بندی می‌گردند: بدهی دولت ناشی از استقراض بدهی دولت بابت اوراق بهادار انتشار یافته بدهی دولت بر مبنای قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها بدهی دولت بابت تضمین‌های صادر شده بدهی شرکتهای دولتی و دولتهای محلی با تضمین دولت مرکزی ثبت و گزارشگری بدهیها بایستی شامل اطلاعات زیر باشد: میزان و بازپرداخت بدهیهای عمومی میزان و ارزش نرخ بهره و کارمزد اصل و فرع بدهیهای داخلی و خارجی به تفکیک تضمین‌های صادر شده تامین مالی پروژه‌های مشارکت عمومی - خصوصی تقویم بدهی‌های ارزی دولت بر حسب پول ملی.
ایران	وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی تمام شرکت‌های دولتی	استقراض اسناد بدهی، مثل؛ اسناد خزانه، سفته، اوراق قرضه و ... بدهی‌های تضمین شده توسط دولت	طبقه‌بندی انواع تضمین‌های صادر شده بر حسب انواع آن. اصل و فرع بدهی‌های داخلی و خارجی به تفکیک میزان و بازپرداخت بدهی‌های عمومی

نام کشور	شمول سازمانی	شمول ابزاری	نحوه گزارشگری
ایران	وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی دولت‌های منطقه‌ای و محلی مثل شهرداریها تمام شرکت‌های دولتی	اوراق بهادار دولتی انتشار یافته استقراض اعطای تسهیلات توسط بانک مرکزی به هر نهادی در بخش دولتی ضمانت‌نامه‌ها بدهی شرکت‌های دولتی که دولت متعهد به پرداخت اصل و بهره آن می‌باشد.	گزارش ساختار بدهی‌ها و بازپرداخت آنها. ثبت اطلاعات بدهی‌های تضمین شده توسط دولت. میزان و بازپرداخت بدهی‌های عمومی
ایران	سازمانها و موسسات دولت مرکزی موسساتی که به موجب قانون خاص تشکیل شده‌اند و بیش از ۵۰٪ سرمایه آنها متعلق به دولت است. بانک‌های دولتی بانک‌های سرمایه‌گذاری و توسعه شهرداریها و موسسات وابسته به شهرداریها سازمانهای دولتهای محلی موسساتی که پرداخت تعهدات آنها توسط خزانه تضمین شده است. مثل «مدلهای تامین مالی» و پروژه‌های «ساخت - اجرا - انتقال» سازمانهای غیر دولتی که با کمک‌های بلاعوض دولتی اداره می‌شوند.	وام از محل تسهیلات خارجی فاینانس خارجی اوراق قرضه دولتی اسناد خزانه تضمین‌های صادر شده: تضمین‌های بازپرداخت خزانه- داری ^۱ تضمین سرمایه‌گذاری خزانه- داری ^۲ تضمین متقابل خزانه‌داری ^۳ ضمانت دولتی خزانه‌داری ^۴	اصل و فرع بدهی‌های داخلی و خارجی به تفکیک میزان و بازپرداخت بدهی‌های عمومی هزینه تنزیل، کارمزد و سایر هزینه- های مربوط به بازپرداخت بدهی‌ها. طبقه‌بندی انواع تضمین‌های صادر شده بر حسب انواع آن.

۱. تضمین بازپرداخت خزانه‌داری: تضمین‌های اعطا شده برای بازپرداخت بدهی‌های خارجی ناشی از اخذ منابع مالی خارجی.
۲. تضمین سرمایه‌گذاری خزانه‌داری: ضمانت‌های اعطا شده برای قراردادهای تامین مالی شده به شیوه «ساخت - اجرا - انتقال» و سایر مدل‌های مالی مشابه.
۳. تضمین متقابل خزانه‌داری: ضمانت‌نامه‌های داده شده در مقابل ضمانت‌های یک منبع مالی خارجی بابت تسهیلات مالی اخذ شده از بازارهای مالی توسط بنگاه‌ها و موسسات اقتصادی دولتی و همچنین ضمانت اعطا شده در مقابل ضمانت یک منبع مالی خارجی از پروژه‌های تامین مالی شده به شیوه «ساخت - اجرا - انتقال» و سایر مدل‌های مالی مشابه.
۴. ضمانت دولتی خزانه‌داری: تضمین‌های بازپرداخت وجوه مالی اخذ شده از هر منبع تامین مالی و کشورهای خارجی.

نام کشور	شمول سازمانی	شمول ابزاری	نحوه گزارشگری
ایران	دولت شهرداریها موسسات ایجاد شده توسط دولت و شهرداریها شرکتهای عمومی که تمام یا بخشی از آن متعلق به دولت و شهرداری‌ها می‌باشد. بانک مرکزی	اخذ وام صدور اوراق بهادار دولتی تضمین دولتی اوراق بدهی‌های عمومی منتشر شده توسط بانک مرکزی	تقویم بدهی عمومی بر حسب پول خارجی بر حسب پول مالی و بر اساس میانگین نرخ ارز در تاریخ روز تهیه گزارش‌های مالی. اصل و فرع بدهی‌های داخلی و خارجی به تفکیک میزان و بازپرداخت بدهی‌های عمومی طبقه‌بندی انواع تضمین‌های صادر شده بر حسب انواع آن.

همانطور که ملاحظه می‌گردد؛ تعریف جامع و پذیرفته شده از بدهی‌های عمومی وجود ندارد و در کشورهای گوناگون تعریف ارائه شده از بدهی‌های عمومی متفاوت می‌باشد.

پرسشهای پژوهش

۱. تعهدات و بدهی‌های چه بخشی از اقتصاد، به عنوان تعهدات و بدهی‌های بخش عمومی محسوب می‌شوند؟ (شمول سازمانی؟)
۲. کدام نوع از تعهدات و ابزارهای بدهی، جزء بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی محسوب می‌شوند؟ (شمول ابزاری؟)
۳. روش مناسب اندازه‌گیری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی کدام است؟
۴. چارچوب مناسب گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

جهت توصیف روش‌شناسی پژوهش لازم است لایه‌های پژوهش مشخص شود؛ لایه‌های پژوهش حاضر بدین شرح است: از لحاظ فلسفه پژوهش، تفسیری؛ از لحاظ جهت‌گیری‌های پژوهش، کاربردی؛ از لحاظ رویکردهای پژوهش، استقرایی؛ از لحاظ انتخاب روش پژوهش، کیفی؛ از لحاظ نوع پژوهش، اکتشافی؛ از لحاظ استراتژی، تحلیل تم؛ از لحاظ هدف، کشف و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، مصاحبه (دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۸؛ بر اساس مدل ساندرز و همکاران).

روش گردآوری داده‌ها

از میان روش‌های مختلف جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش کیفی (از قبیل؛ مصاحبه، گروه کانونی، تکنیک دلفی و سایر روش‌ها)، به دلیل عدم امکان هماهنگی با تعدادی از خبرگان جهت حضور همزمان در جلسه‌ای مشترک و عدم آگاهی پژوهشگر از میزان دانش و ذهنیت آنان نسبت به موضوعات بخش عمومی، روش مصاحبه انتخاب گردید.

در این پژوهش، نمونه‌گیری بر اساس روش هدفمند (نمونه‌گیری نظری) با روش ارجاع زنجیره‌ای (روش گلوله برفی) و با معرفی مصاحبه شونده‌گان قبلی به محقق انجام شده است. در نمونه‌گیری گلوله برفی، شرکت کنندگانی انتخاب می‌شوند که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌کنند (حریری، ۱۳۸۵). به منظور شناسایی افراد نمونه، ابتدا چند ویژگی در نظر گرفته شد و افرادی که با آنها مصاحبه شد باید حداقل یکی از این ویژگی‌ها را داشته باشند. این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. عضو هیأت علمی دانشگاه و داشتن تخصص در حوزه بخش عمومی و ۲. دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس حسابداری، مدیریت یا اقتصاد و داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه مدیریت مالی و اجرایی در حوزه بخش عمومی. در این بخش، ابتدا ۳ نفر خبره به قضاوت محقق انتخاب شده و فرآیند مصاحبه‌ها، با یکی از آنها آغاز گردید و در ادامه، با توجه به شناخت ایشان از دیگر فعالان این حوزه، خبرگان دیگر معرفی شدند. این کار تا رسیدن به نقطه کفایت داده‌ها و رسیدن به نقطه اشباع - یعنی زمانی که مصاحبه‌ی جدید، بینش جدیدی ایجاد نکند - ادامه یافت. در نهایت با ۲۰ نفر از خبرگان، مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها در زمان و مکان رسمی (دفتر کار) مورد تأیید خبره انجام گرفت. متوسط زمان انجام مصاحبه‌ها، با توجه به مشغله کاری افراد و فشردگی برنامه‌های از پیش تنظیم شده آنها، یک ساعت بوده است. در ابتدای هر مصاحبه، ضمن بیان هدف پژوهش تأکید شد که از مصاحبه‌ها تنها برای مقاصد پژوهشی استفاده خواهد شد و هویت افراد به هیچ وجه در گزارش‌های پژوهش و مقالات منتشر شده مشخص نخواهد شد. پس از کسب اجازه از مصاحبه شونده‌گان و موافقت آنها، مصاحبه‌ها ضبط و در همان روز ترانویسی و کدگذاری شد. ویژگی‌های جمعیت شناختی خبرگان به شرح نگاره زیر است:

تکانه ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی خبرگان

ردیف	ویژگی	طبقه‌بندی	تعداد	جمع
۱	جنسیت	زن	۴	۲۰
		مرد	۱۶	
۲	میزان تحصیلات	کارشناسی ارشد	۸	۲۰
		دانشجوی دکتری	۲	
		دکتری	۱۰	
۳	رشته تحصیلی	حسابداری	۱۰	۲۰
		مدیریت	۵	
		اقتصاد	۴	
		سایر	۱	
۴	وضعیت اشتغال	هیات علمی	۳	۲۰
		شاغل در بخش عمومی و مدرس دانشگاه	۷	
		شاغل در مدیریت مالی و اجرایی حوزه بخش عمومی (با سابقه کار بالای ۱۰ سال)	۱۰	

روایی و پایایی

موضوع اعتبار یا روایی را باید در تمامی مراحل مصاحبه مورد توجه قرار داد تا نتایج بدست آمده قابل اتکا باشد (کوال، ۱۹۹۶). در پژوهش حاضر در تمامی مراحل مصاحبه موضوع روایی یا اعتبار نیز مورد توجه قرار گرفته و راهکارهای لازم بکار گرفته شده است. به عنوان مثال، به منظور رعایت اعتبار یا روایی در مرحله انتخاب موضوع مصاحبه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش در خصوص گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی مطالعه و سؤالات قابل طرح در مصاحبه تعیین گردید.

در زمینه پایایی کدگذاری مصاحبه‌های پژوهش، شاخص‌هایی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: ضریب درصد توافقی، ضریب کاپای کوهن و روش بازآزمون (شاخص ثابت). در پژوهش حاضر برای محاسبه پایایی مصاحبه از روش بازآزمون استفاده شده است. در روش بازآزمون (شاخص ثابت) از بین مصاحبه‌های صورت گرفته، تعداد ۲ مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آنها دو بار در یک فاصله زمانی ۳۰ روزه توسط محقق کدگذاری شدند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی، با یکدیگر مقایسه و بر اساس میزان توافقات و عدم توافقات نسبت به محاسبه شاخص ثابت اقدام گردید. ضریب بازآزمون (شاخص ثابت) بدین ترتیب محاسبه می‌شود:

$$I = \frac{2 \times p_o}{p_T}$$

در این رابطه، p_0 برابر است با نسبت واحدهایی که در مورد آنها توافق وجود دارد و p_T نیز کل کدهایی است که در طول مصاحبه بدست آمده است. بر اساس محاسبات انجام شده، ضریب بازآزمون (شاخص ثابت)، ۹۰ درصد بدست آمد. به اعتقاد کوال (۱۹۹۶)، در صورتی که ضریب بازآزمون (شاخص ثابت) بالای ۶۰ درصد باشد، کفایت می‌کند.

تحلیل تم

روش اصلی تحلیل داده‌های این پژوهش، تحلیل تم است. تحلیل تم روشی انعطاف‌پذیر، نسبتاً آسان و سریع برای شناسایی، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌ها است. دلیل انتخاب تحلیل تم در پژوهش حاضر این بود که هدف پژوهش شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی، بر اساس یافته‌های کیفی بوده است. بنابراین، در این پژوهش از روش تحلیل تم استقرایی شش مرحله‌ای کلارک و براون استفاده شده است. مراحل انجام کار بدین شرح می‌باشد:

۱. آشنایی پژوهشگر با داده‌های جمع‌آوری شده؛
۲. ایجاد کدهای اولیه؛ در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اصلی از مرور مصاحبه‌ها استخراج و کدگذاری گردید. در این مرحله، ۴۹۴ کد اولیه از مصاحبه‌ها احصاء گردید.
۳. جستجوی تم‌ها؛ در این مرحله تم‌های بالقوه شناسایی گردید. به عبارت دیگر، در این مرحله، محقق تصمیم می‌گیرد که کدام کدها را در یک دسته یا تم قرار دهند تا ارتباط معنایی درستی با هم داشته باشند. همچنین کدهای ناقص، غیر مرتبط و تکراری حذف می‌شوند.
۴. بازبینی تم‌ها؛ پس از قرار دادن تم‌های مرتبط در یک تم فرعی بزرگ‌تر، در مجموع ۱۲ تم فرعی سطح ۱ و ۳۳ تم فرعی سطح ۲ شناسایی گردید.
۵. تعریف و نام‌گذاری تم‌ها؛ در این مرحله در نهایت پس از رفت و برگشت در میان تم‌های فرعی، ۵ تم اصلی شناسایی گردید.
۶. گزارش نویسی؛ در نهایت، با توجه به ادبیات موضوع و پرسش پژوهش، یک گزارش علمی - تحلیلی تولید می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

همانطور که گفته شد، برای یافتن تم‌ها و مولفه‌های گزارشگری بدهی‌های بخش عمومی در ایران، داده‌های کیفی حاصل از مرور مصاحبه‌ها کدگذاری و دسته‌بندی شدند. در جدول ۱، نتایج حاصل از تحلیل تم، همراه با دسته‌های مفهومی ارائه شده است.

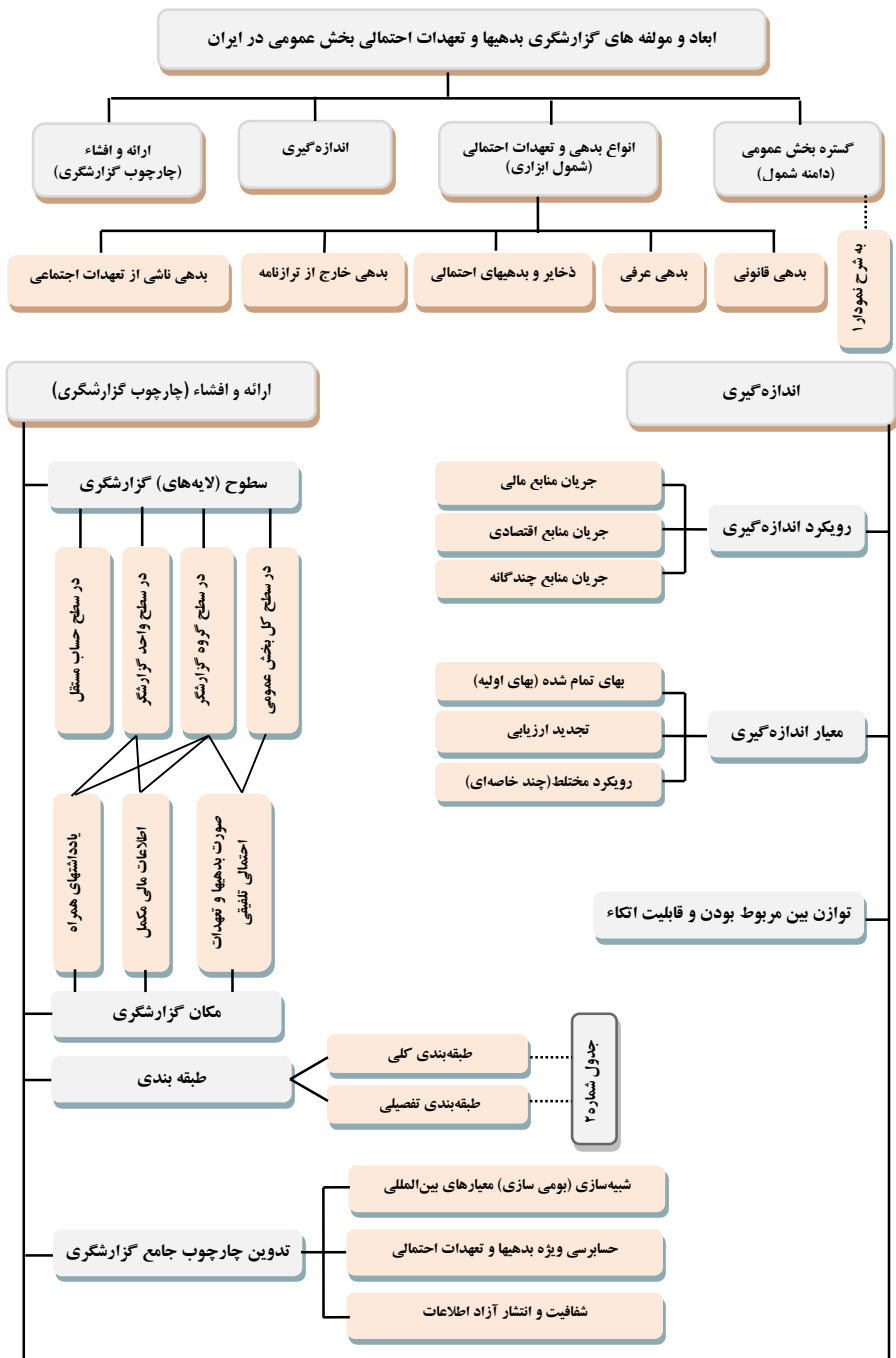
جدول ۱: نتایج حاصل از تحلیل تیم: مؤلفه‌های گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی

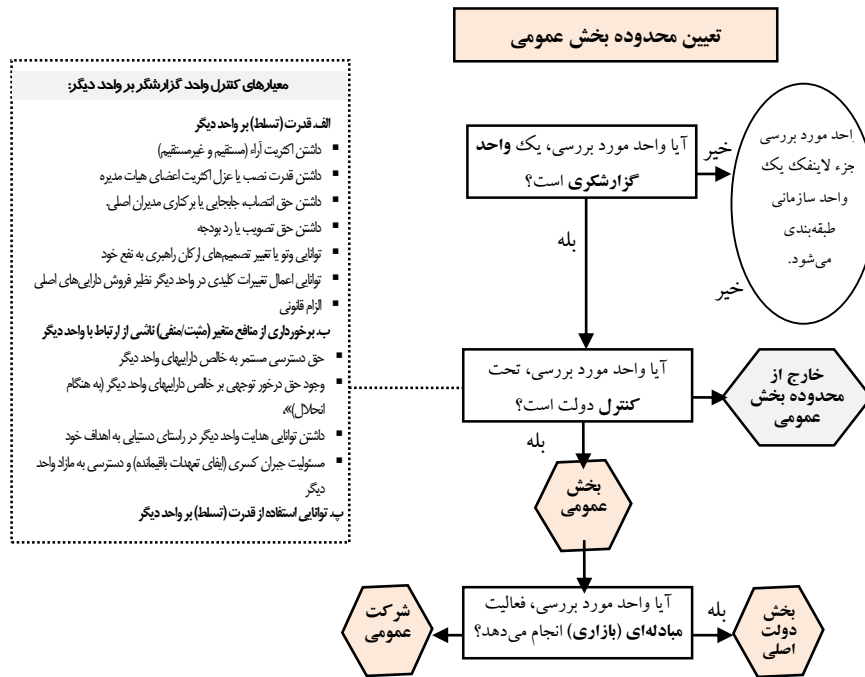
تم‌های اصلی	تم‌های فرعی سطح ۱	تم‌های فرعی سطح ۲	تم‌های جزئی (دسته‌های مفهومی)
اهمیت و ضرورت	بدهی‌های پنهان/بحران مالی		
	مسئولیت‌های سیاسی - اجتماعی حاکمیت		
	حقوق بین نسلی		
	روند رو به رشد بدهی‌های بخش عمومی		
ملاک‌های دسته‌بندی	معیارهای تعیین بخش عمومی	واحد گزارشگر	
		کنترل	قدرت (تسلط) بر واحد دیگر
			بر خورداری از منافع (مثبت/منفی) ناشی از ارتباط با واحد دیگر
			توانایی استفاده از قدرت (تسلط) بر واحد دیگر
	نوع فعالیت	مبادله‌ای	
		غیر مبادله‌ای	
	نوع بدهی	بدهی قانونی	
		بدهی عرفی	
		ذخایر و بدهی‌های احتمالی	
		بدهی ناشی از تعهدات اجتماعی	
بدهی خارج از ترازنامه			
اندازه‌ها و سطوح	اندازه‌ها	رویکرد اندازه‌گیری	جریان منابع مالی
		معیار اندازه‌گیری	جریان منابع اقتصادی
			جریان منابع چندگانه
	توازن بین مربوط بودن و قابلیت اتکاء	بهای اولیه (بهای تمام شده تاریخی)	
		تجدید ارزیابی	
		رویکرد مختلط (چند خاصه‌ای)	
سطوح (لایه‌های) گزارشگری	در سطح حساب مستقل		
	در سطح واحد گزارشگر		
	در سطح گروه گزارشگر		
	در سطح کل حاکمیت		

ادامه جدول ۱: نتایج حاصل از تحلیل تیم: مؤلفه‌های گزارشگری بدهی‌ها و تعهدات بخش عمومی

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی سطح ۱	تم‌های فرعی سطح ۲	تم‌های جزئی (دسته‌های مفهومی)	
طبقه‌بندی	طبقه‌بندی کلی	بدهی جاری / غیر جاری		
		بدهی ناشی از استقراض		
		بدهی ناشی از انتشار اوراق بهادار		
		بدهی ناشی از قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها		
		بدهی ناشی از تضمین‌های صادره		
		بدهی ناشی از تعهدات اجتماعی		
		بدهی ناشی از پروژه‌های مشارکت بخش عمومی با بخش خصوصی		
	طبقه‌بندی تفصیلی	بر اساس چارچوب «از چه کسی به چه کسی» - واحدهای نهادی		
		به تفکیک اصل و فرع بدهی‌های داخلی و خارجی		
		به تفکیک سررسید		
		بر حسب واحد پول		
		تغییرات وضعیت بدهی‌ها در طی دوره		
		گزارش در یادداشت‌های توضیحی		
		گزارش تکمیلی (صورت وضعیت بدهی‌ها و تعهدات عمومی)		
گزارشگری	مکان گزارشگری	صورت بدهی‌ها و تعهدات احتمالی عمومی تلفیقی		
		شبیه‌سازی (بومی‌سازی) معیارهای بین‌المللی		
		تدوین چارچوب جامع گزارشگری		
	تدوین چارچوب جامع گزارشگری	حسابرسی ویژه بدهی‌ها و تعهدات احتمالی بخش عمومی		
		شفافیت و انتشار آزاد اطلاعات		

همانطور که از جدول فوق ملاحظه می‌شود، دسته‌بندی کدها در نهایت به ۵ تم اصلی منجر شده است. این ۵ تم اصلی خود مجموعاً شامل ۱۲ تم فرعی سطح ۱ و ۳۳ تم فرعی سطح ۲ هستند که در ۴ مورد، تم‌های فرعی مربوطه، در بردارنده یک یا چند تم جزئی هستند. در نهایت پس از اتمام تحلیل تم، مدل کیفی حاصل از پژوهش را که بر اساس تم‌های مورد اشاره تدوین شده است به شرح ذیل ارائه می‌گردد.





نمودار ۱: درخت تصمیم تعیین محدوده بخش عمومی در ایران

جدول ۲: نحوه طبقه‌بندی بدهیها

<ul style="list-style-type: none"> ▪ بدهی جاری / غیر جاری ▪ بدهی ناشی از استقراض ▪ بدهی ناشی از انتشار اوراق بهادار ▪ بدهی ناشی از قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها ▪ بدهی ناشی از تضمین‌های صادره ▪ بدهی ناشی از تعهدات اجتماعی ▪ بدهی ناشی از پروژه‌های مشارکت بخش عمومی با بخش خصوصی 	طبقه‌بندی کلی
<ul style="list-style-type: none"> ▪ بر اساس چارچوب «از چه کسی به چه کسی» - واحدهای نهادی ▪ به تفکیک اصل و فرع بدهی‌های داخلی و خارجی ▪ به تفکیک سررسید ▪ بر حسب واحد پول ▪ تغییرات وضعیت بدهی‌ها در طی دوره 	طبقه‌بندی تفصیلی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، موسسات بخش عمومی بالاخص نهادهای عمومی غیر دولتی، شرکتها و موسسات دولتی و همچنین صندوق‌های بیمه و بازنشستگی بدهی‌های پنهانی

و گزارش نشده‌ای دارند که می‌تواند کل اقتصاد را با بحران مواجه سازند. بر خلاف بخش خصوصی، در مدیریت مالی بخش عمومی، حاکمیت بخاطر مسئولیت سیاسی-اجتماعی بایستی بدهی بخشهای دیگر از جمله بخش خصوصی را نیز رصد کند. هر چند اطلاعات مربوط به بدهی آنها در آمار بدهی دولت منظور نمی‌شود اما این اطلاعات برای تحلیل پایداری مالی دولت مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، در تحلیل ریسک، احتمال وقوع شوک را برای هر بخش (حتی بخش خصوصی) را بررسی کرده و اثرات مالی آن روی سیستم مالی دولت محاسبه شده تا قبل از ایجاد بحران مالی و تاثیر منفی بر اقتصاد کلان کشور، تدابیر لازم اتخاذ گردد. بنابراین با در نظر گرفتن شرایط فعلی کشور و وجود بدهیهای پنهان و گزارش نشده فراوان در بخش عمومی و مسئولیت‌های سیاسی-اجتماعی حاکمیت، ضرورت پرداختن به ابعاد مختلف گزارشگری بدهیها و تعهدات بخش عمومی و حرکت به سمت شفافیت مالی در بخش عمومی، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

در این پژوهش، برای شناسایی عوامل موثر بر گزارشگری بدهیهای بخش عمومی در ایران از روش کیفی و رویکرد مبتنی بر تحلیل تم استفاده گردید. بدین منظور، در قالب مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان حوزه بخش عمومی، عوامل موثر بر گزارشگری بدهیهای بخش عمومی در چهار حوزه؛ گستره بخش عمومی (دامنه شمول سازمانی)، نوع بدهی و تعهدات بخش عمومی (شمول ابزاری)، اندازه گیری بدهیها و چارچوب مناسب گزارشگری بدهیها و تعهدات بخش عمومی مورد پرسش قرار گرفت. با بکارگیری روش تحلیل تم، از مجموع ۴۹۴ کد باز؛ ۱۲ تم فرعی سطح یک، ۳۳ تم فرعی سطح دو و ۵ تم اصلی شامل؛ اهمیت و ضرورت، ملاکهای دسته‌بندی، اندازه‌ها و سطوح، طبقه‌بندی و گزارشگری به عنوان مؤلفه‌های گزارشگری بدهیهای بخش عمومی شناسایی شدند. در نهایت، مدل کیفی حاصل از پژوهش که بر اساس تم‌های مورد اشاره تدوین شده، ارائه گردید.

افزون بر این، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از منظر مسئولیت پاسخگویی، همه شهروندان به عنوان صاحبان حق (پاسخ خواه) حق دارند دسترسی آزاد به اطلاعات داشته باشند و از طرفی مسئولین و ارائه دهندگان خدمات عمومی به عنوان پاسخگو مکلفند اطلاعات غیر طبقه‌بندی شده را در دسترس عموم قرار دهند. با انتشار آزاد اطلاعات، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای ارتقای آگاهی‌های عمومی مردم به‌ویژه برای امور تحقیقاتی و پژوهشگری، تجزیه و تحلیل، نظارت بر عملکرد مؤسسات عمومی، مشارکت و مشورت‌دهی به تصمیم‌سازان و

تصمیم‌گیران در دسترس آنان قرار می‌گیرد. بنابراین، اطلاعاتی که متضمن حق برای مردم است بایستی از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد. بنابراین، تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات مالی و استانداردگذاران حسابداری بخش عمومی بایستی به این مولفه‌ها در پیاده‌سازی، گزارشگری مالی و اثر بخشی آن توجه کنند.

در پایان، از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به کم بودن زمان مصاحبه‌ها (بطور متوسط هر نفر یک ساعت) به دلیل مشغله کاری افراد و همچنین همراهی نکردن برخی از اساتید دانشگاه و خبرگان اجرایی خوشنام به دلیل مشغله کاری یا بی‌میلی در مشارکت در کارهای پژوهشی دانشگاهی اشاره کرد. همچنین از آنجا که این پژوهش در حوزه علوم انسانی بوده و با افراد در ارتباط است؛ امکان دارد که پاسخ‌دهندگان نظر واقعی خود را بیان نکرده باشند.

منابع

- اکرمی، سید رحمت الله؛ زارعی، بتول. (۱۳۹۶). مدیریت بدهیهای بخش عمومی، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه ۲۱۲.
- آندریاس برگمن. (۱۳۹۳). مدیریت مالی بخش عمومی، ترجمه دکتر بتول زارعی، انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه ۲۰۲.
- جان دلبیو، کرسول. (۱۳۹۲). طرح پژوهش، رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه دکتر علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، چاپ دوم.
- حاتمی زاده، زیور؛ لطیف، سیامک. (۱۳۹۶). چارچوب قانونی نظام مدیریت بدهی‌های دولت (مطالعات تطبیقی)، تهران: انتشارات پیک نور.
- دانایی فر، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۸)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، انتشارات صفار.
- زارعی، بتول. (۱۳۹۴). بدهی‌ها و تعهدهای عمومی. تهران: مجله حسابرسی، شماره ۸۳.
- صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۹۱). اصلاحات نظام بودجه‌بندی و حسابداری دولتی کشور نیوزیلند. مجموعه مقالات اولین همایش استانداردهای حسابداری بخش عمومی، تهران.
- صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۹۱). مفهوم کنترل در بخش عمومی - بررسی تطبیقی. مجموعه مقالات اولین همایش استانداردهای حسابداری بخش عمومی، تهران.
- صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۹۴). تعیین محدوده بخش عمومی: رویکردها. تهران: حسابرسی، شماره ۷۶.
- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران. (۱۳۹۱). اصل حسابداری و گزارشگری بدهی‌های بلند مدت، بیانیه شماره ۴، کمیته پژوهشی مالی و سرمایه‌گذاری.
- Akrami, Sayyid Rahmatullah; Zarei, B. (1396). *Public Sector Debt Management*, Tehran: Audit Organization Publications, Journal 212. (In Persian)
- Andreas Bergman. (1393). *Public Sector Financial Management*, translated by Dr. Batool Zarei, Auditing Organization Publications, 202. (In Persian)
- Berdson F. (2014). Control Criteria in Canadian Public Sector. *Working Paper*, Alberta University.
- Claudia H. Dziobek, Alberto F. Jimenez de Lucio, and James Chan. (2013). Definitions of Government in IMF – Supported Programs. *Technical Notes and Manuals, IMF, Statistics Department*.
- Danaeifar, Hassan; Alwani, S.M; Azar, Adel (1398), *Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*, Saffar Publications. (In Persian)
- Dippelsman R., C. Dziobek, and C.A. Gutiérrez Mangas. (2012). What Lies Beneath: The Statistical Definition of Public Sector Debt, an Overview of the Coverage of Public Sector Debt for 61 Countries. *IMF, staff Discusson Note*.
- Dziobek C., H. Alberto, F. Jiménez de Lucio, and J. Chan. (2013). Definitions of Government in IMF-Supported Programs. *Technical Notes and Manuals, IMF, Statistics Department*.

- Hana Polackova. (1989). Contingent Government Liabilities a hidden risk fiscal stability. *The World Bank*.
- Hatami Zadeh, zivar; Latif, S. (1396). *Legal Framework of Government Debt Management System (Comparative Studies)*, Tehran: Peyk Noor Publications. (In Persian)
- Hobbs D. (2009). Wider Measures of Public Sector Debt: A Broader Approach to the Public Sector Balance Sheet UK Office for National Statistics. *Published with the permission of the Office of Public Sector Information (OPSI)*.
- IMF and World Bank. (2009). Managing Public Debt: Formulating Strategies and Strengthening Institutional Capacity. *Prepared by the Staff of the IMF and World Bank*.
- IMF. (2013). Public Sector Debt Statistics: Guide for Compilers and Users (the Guide). Washington, DC: *International Monetary Fund*, Revised Second.
- INTOSAI. (2000). Guidance on the Reporting of Public Debt. *INTOSAI's Public Debt Committee*.
- John W. Cresswell. (1392). *Research design, qualitative, quantitative and combined approaches*, translated by Dr. Alireza Kiamanesh and Maryam Dana Toos, Allameh Tabatabaiee University Jihad Publications, second edition. (In Persian)
- Lienert I. (2009). Where Does the Public Sector End and the Private Sector Begin?. *IMF Working Paper, Fiscal Affairs Department*.
- Maitland-Smith F. (2009). Government Financial Liabilities beyond Public Sector Net Debt. *Economic & Labour Market Review*, Vol. 3, No. 7.
- Polackova H. (2009). Government Contingent Liabilities: A Hidden Risk to Fiscal Stability. *World Bank Policy Research Working Papers*, No. 1989, 1998
- PSAB.(2003). Twenty questions about government financial reporting: federal, provincial and territorial governments. *Public Sector Accounting Board (PSAB)*.
- Robert ippelsman, Claudia Dziobek, and Carlos A. Gutiérrez Mangas. (2012). What Lies Beneath: The Statistical Definition of Public Sector Debt. *IMF, Statistics Department*.
- Safarzadeh, Mohammad Hussain (1391). Reforms of New Zealand's Government Budgeting and Accounting System. *First Conference on Public Sector Accounting Standards*, Tehran. (In Persian)
- Safarzadeh, Mohammad Hussain (1391). The concept of control in the public sector - a comparative study. *First Conference on Public Sector Accounting Standards*, Tehran. (In Persian)
- Safarzadeh, Mohammad Hussain (1394). Determining the scope of the public sector: approaches. Tehran: *Audiort journal*, No. 76. (In Persian)
- Tehran City Studies and Planning Center. (1391). *Principle of Accounting and Reporting of Long-Term Debt*, Statement No. 4, Financial Research and Investment Committee. (In Persian)
- Zarei, Batool. (1394). Public debts and liabilities. Tehran: *Audiort journal*, No. 83. (In Persian)

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

Identifying the Components of Public Sector Debt Reporting in Iran¹

Sasan Mehrani², Mohammad Moradi³, Shahpour Esmaeili⁴

Received: 2021/09/25

Accepted: 2022/02/13

Research Paper

Abstract

Hidden debt is an issue of great concern. The findings of this study show that public sector institutions, especially public non-governmental organizations, government institutions and companies, as well as insurance and pension funds have hidden debts that can cause a crisis for the entire economy. Therefore, considering the current situation in the country and the existence of many hidden and unreported debts in the public sector and the socio-political responsibilities of the government, the need to address the various aspects of reporting debts and liabilities of the public sector and moving towards financial transparency in the public sector seems more necessary than before. This study uses a qualitative method and an approach based on theme analysis to identify the factors affecting public sector debt reporting in Iran. This qualitative study, using purposeful sampling method (snowball), gathers data from 20 experts with expertise and experience in the public sector in the form of semi-structured interviews about the factors affecting public sector debts reporting in four Areas. The areas are including scope of the public sector (Institutional Coverage), type of debts and liabilities of the public sector (instrument Coverage), valuation of debt instrument and appropriate reporting framework of debts and liabilities of the public. Then, the interviews are transcribed and coded by theme analysis method. This study identifies out of 494 open source codes; 12 Level 1 sub-themes, 33 Level 2 sub-themes and 5 main teams including significance and necessity, classification criteria, sizes and levels, classification and reporting, which are determined as components of public sector debt reporting.

Keyword: Public Sector, Control Criteria, Debts and Public Sector Amounts and Theme Analysis.

JEL Classification: M41

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.34384.2780

2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. (smehrani@ut.ac.ir).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran.

4. Ph.D. student, Department of Accounting, Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (sh.esmaeili2002@gmail.com).

A Model of Group Companies Degree and Accounting Information Quality Effects on Initial Public Offering Valuation¹

Mohammad Reza Hooshyar², Roya Darabi³, Mirfeyz Fallah⁴

Received: 2021/09/13

Accepted: 2021/01/28

Research Paper

Abstract

This study presents a model of group companies' degree and accounting information quality effects on initial public offering valuation in companies listed in Tehran Stock Exchange.

To test hypotheses, data is collected from 77 companies listed in Tehran Stock Exchange for an eight-year period from the beginning of 2011 to end of 2018 and then statistical tests are performed.

The valuation of shares in initial public offering is possible based on group companies' similarity and the quality of the accounting information. Stock valuation in initial public offerings based on profit and sales approaches differs in terms of similarity of group companies and the quality of the company's accounting information. Similarity of accounting information quality adjusts effects of group companies on initial public offering valuation. Stock valuation based on group companies and the quality of accounting information are associated with incorrect pricing (overvaluation and undervaluation) in initial public offerings.

Accounting information is a part of information an investor uses to predict future cash flows to achieve the estimated value of stocks.

Keyword: Group Companies, Accounting Information Quality, Valuation of Initial Public Offering of Stocks.

JEL Classification: D70, G40, G41

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.35948.2853

2. Department of Accounting, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. (Hooshyar.phd1398@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, South of Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), (r_darabi@azad.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Financial Management, Center of Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (M_fallah@azad.ac.ir).

Effects of Managers' Behavioral Bias on Decision Making and Financial Information Quality¹

Nazanin Bashirimanesh², Zahra Hajizadeh³, Saeed Ghobadi⁴

Received: 2021/10/27

Accepted: 2022/03/11

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is to investigate effects of managers' behavioral bias on decision-making and information quality. The research sample consists of 161 firms listed in Tehran Stock Exchange in the period from 2013 to 2019. To test the hypotheses, multivariate regression method and panel data model are used.

Results show that a manager overconfidence reduces the reliability of financial information and timely presentation of information. Managers' narcissism also reduces the reliability of financial statements and causes a delay in financial statements submission. Myopic managers, who expect a position and point in a short term, manipulate accounting profits and reduce the reliability of financial information; however, this behavioral feature does not affect the timely presentation of information. The findings also show that managers' overconfidence has a significant positive relationship with the level of cash holdings and excessive investment. Managers' narcissism also leads to an increase in the level of cash holdings, but does not have a significant effect on over-investment. Managers' myopia also has a significant negative effect on investment expenditures, but has no effect on the level of cash holdings.

Keyword: Managers' Behavioral Bias, Reliability, Timely, Cash Holding, Investment.

JEL Classification: M41, G32

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.36525.2885

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Economic & Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (bashirimanesh@gmail.com).

3. M.Sc. Student in Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (zahra.hajizadeh@gmail.com).

4. M.Sc. Student in Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (saeidghobadi44@gmail.com).
<https://jera.alzahra.ac.ir>

Capital Market Reaction to Auditors' Expertise¹

Hanieh Hekmat², Vahid Heydarzadeh Khalife Kandi³,
Shokoufeh Alizadeh⁴

Received: 2021/09/19

Accepted: 2022/02/22

Research Paper

Abstract

Capital market participants rely merely on audited financial information for their decision-making. Auditing is a helpful solution for agency problems among managers and shareholders. Regarding the trust gained by audit quality on financial information, it is expected that the capital market has a positive reaction toward hiring highly qualified auditors. This study is aimed to investigate the reaction of capital market to the expertise of auditors. The sample consists of 120 firms listed in Tehran Stock Exchange from 2016 to 2020. Findings resulted from regression models show that in firms with highly qualified auditors, the firm income have a more significant impact on stock prices. High expertise of auditors, which reduces information asymmetry and agency problems, may help govern and control a firm in the best way. The results show that the market reaction to selection of a more specialized auditor is positive. Iranian capital market believes that exploiting highly specialized auditors may result in increase of information relevance, decrease of abnormal returns, positive effects on a firm creditors' viewpoint toward lending, attracting investor confidence, and low assessment of financing risk.

Keyword: Auditors' Expertise, Capital Market Reaction, Auditors' Change, Debt Commitment.

JEL Classification: M42, G41

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.38053.2942

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (h.hekmat@alzahra.ac.ir).

3. M.Sc., Department of Auditing, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Vahidheydarzadeh1122@gmail.com).

4. M.Sc., Department Accounting, Faculty of Social Science and Economic, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (Alizadeh.ACC90@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Periodic Cognitive Biorhythmic Cycle and Auditors' Professional Judgment Quality¹

Mohammad Hossin Sangani², Mohammadreza Abdoli³, Hasan Valiyan⁴

Received: 2021/10/02

Accepted: 2022/03/03

Research Paper

Abstract

Concerning the scientific advances in recent decades, many interdisciplinary topics and areas, such as neuroscience, have moved beyond psychology to other sciences such as finance and auditing. One derivative of this science is the biorhythmic cycle of decision-makers in the financial and audit industries like auditors, an area receiving little attention from researchers. The Purpose of this research is investigating the relation between periodic cognitive biorhythmic cycle and auditors' professional judgment quality. This study investigates the periodic cognitive biorhythmic cycle of auditors in a discontinuous 6 months period and 4 periods of 15 days. As a sample, 60 external auditors in the form of 4 groups of 15 persons are selected and placed in 4 biorhythmic cycle: physical, emotional, intellectual and intuitive and evaluated through Multivariate Analysis of Variance (MANOVA), Repeated Measurement Analysis of Variance and Post Hoc tests. To evaluate the professional judgment of auditors and to measure the periodic biorhythmic cycle, a questionnaire and the biorhythm software (Biorhythm-365) in Android and IOS are used respectively. The results show that auditors in the positive emotional, intellectual and intuitive cycles have a higher quality of professional judgment than those in the negative/critical cycles.

Keyword: Periodic Cognitive Biorhythmic, Auditors' Professional Judgment Quality, Neurological.

JEL Classification: M41, M42

1. DOI: 10.22051/JERA.2022.36177.2866

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (mhsangani@yahoo.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Corresponding Author). (mrab830@yahoo.com).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (hasan.valiyan@yahoo.com).

A Pattern of Implementing Fair Value System in Iran: Focusing on Reporting and Monitoring¹

Gholamreza Karami², Salman Beik Boshrouyeh³

Received: 2021/09/21

Accepted: 2022/02/25

Research Paper

Abstract

According to Accounting Standard No. 42 being approved by Auditing Organization (in accordance with the 2018 version of International Standard No. 13) and executive from the beginning of 2021, and the previous notices of the Securities and Exchange Organization, paying attention to fair value reporting and its monitoring by auditors or other relevant institutions is much more required. Therefore, dealing with the necessary infrastructures as well as the challenges exposed by standard setters, managers, auditors and analysts is the most important. This study focusing on fair values reporting and monitoring infrastructures and challenges provides a model using grounded theory method and interviews with 17 experts in various fields involved in implementing a fair value system. The most important findings of this research is considering valuation assumptions, equipping the auditing profession with valuation services rendering and using the legal capacity existing in the Securities Market Law.

Keyword: Fair Value, Evaluation, Grounded Theory, Reporting and Monitoring.

JEL Classification: M41

1. DOI: 10.22051/JERA.2020.29578.2612

2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. (ghkarami@ut.ac.ir).

3. Ph.D., Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (beik.sa@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Needs Assessment of Accounting Standards for small and medium-sized Entities (SMEs) from the Perspective of Creditors and Financial Information Providers¹

Mohammad Reza behmanesh², Mohammad Reza Abbaszadeh³,
Behzad Kardan⁴

Received: 2021/10/07
Accepted: 2022/02/19

Research Paper

Abstract

Iranian Accounting Standard No. 1 states that presentation of financial statements is aimed for public sector, however, according to the International Financial Reporting Standards and Iranian auditing standards for small and medium-sized Entities (IFRS for SMEs), there are no public purposes. The purpose of this study is to investigate the need to develop accounting standards for SMEs from the perspective of creditors and financial information providers in the research population. The research data is collected through interviews and questionnaires and the needs assessment is done by measuring the gap between existing standards and formulating new standards. The sample includes 371 people in two groups of creditors (141 persons) and financial information providers (230 persons) in Mashhad metropolitan area. Based on the Mann-Whitney U-test that determines a significant difference between the two groups of creditors and financial information providers as maximum 5 percent, findings of the research indicate that there is a significant difference with 95 percent of confidence between the two groups of creditors and financial information providers in terms of the gap. The results indicate that there is a need for accounting standards development for SMEs from the perspective of both creditors and financial information providers, and the need of creditors is greater than that of financial information providers. Need assessment of accounting standards development for SMEs will enable accounting standards developers to better identify the needs of financial information users and to make specific adjustments, adapting standards to the needs of users, and preventing multiple workloads.

Keyword: Accounting Standards, Creditors, Financial Information Providers, Small and Medium-Sized Entities.

JEL Classification: M41-M42-M49

1. DOI: 10.22051/JERA.2020.30650.2653

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Member of Attar Institute of Higher Education, Mashhad, Iran. (behmanesh435@attar.ac.ir).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). (abbas33@um.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (kardan@um.ac.ir).

Meta-analysis of variables descriptive statistics in accounting journals¹

Ali Rahmani², Fatemeh Geramirad³, Mahnaz Mahmoudkhani⁴

Received: 2021/09/16

Accepted: 2022/01/25

Research Paper

Abstract

Data accuracy plays an important role in any research. One of the reasons a paper is rejected by international accounting journals is non-reliance of editors on domestic data due to lack of access to this data in international databases. Also, one of the ways that editors and reviewers can find out the accuracy of data is to refer to the descriptive statistics of variables previously published in accounting journals. Therefore, this study uses descriptive statistics of frequent variables in accounting journals approved by Ministry of science to provide an overview of variables in Iranian accounting journals and be used by accounting researchers, peer reviewers and editors as a scale of variable limits in papers. This study reviews 632 papers published in sixteen journals approved by the Ministry of Science in 2016, 2017, and 2018. The results show that the standard deviation and dispersion of some variables are high and some are low. Variables such as cash holdings, equity returns, and the ratio of intangible assets have the lowest dispersion, and variables such as earnings per share, book value per share, and the asset's logarithm have the highest dispersion among the variables.

Keyword: Descriptive Statistics, Meta-Analysis, Financial Ratios.

JEL Classification: M41

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.37370.2914

2. Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences & Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding author). (rahmani@alzahra.ac.ir).

3. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences & Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (f.geramirad@gmail.com).

4. Ph.D., Department of Accounting, Faculty of Social Sciences & Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (m.mahmoudkhani@alzahra.ac.ir).

Corporate Social Responsibility and Cash Value Creation by Emphasizing the Moderating Role of Business Strategy¹

Leila Asadi², Seyed Ali Vaez³, Alireza Jorjor Zadeh⁴, Ahmad kaabomeir⁵

Received: 2021/09/23

Accepted: 2022/02/09

Research Paper

Abstract

The purpose of this paper is to value the corporate social responsibility and its dimensions by a new method and their impact on companies's cash value creation, according to the moderating effect of business strategy. To do this, a combined index based on accounting variables and average decimal ranking method, is used to determine the value of corporate social responsibility and its dimensions. Cash value added measures the cash value creation of the companies. The theoretical business strategy framework of Miles and Snow (1978, 2003), which classifies business strategies into three categories; prospectors, analyzers, defenders, is used. The effect of strategy is investigated in two ways; Strategy and Strategy-Type. The sample consists of 104 firms in a period from 2011 to 2019. To test hypotheses, the multivariate linear regression model and panel data method are used. The results show a significant positive relation of the corporate social responsibility and its dimensions to cash value creation; Moreover, business strategy has a positive and significant effect on the relationship. Based on the results, the more aggressive a business strategy, the more effective on the relationship between corporate social responsibility and cash value creation. In this study, the relationship between corporate social responsibility and its dimensions on cash value creation is investigated. Since the inclusion of moderating variables in the relationship between corporate social responsibility and firm performance increase the reliability of the results, business strategy is considered as one of these factors.

Keyword: Business Strategy, Corporate Social Responsibility, Value Creation.

JEL Classification: G32, L1, M14

1. DOI: 10.22051/JERA.2020.28539.2565

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Leila_asadi_1978@yahoo.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author). (Sa.vaez@scu.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Economics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (arjorjor@iauahvaz.ac.ir).

5. Assistant Professor, Department of Accounting, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (ahmad-kaabomeir@iauahvaz.ac.ir).

Investor Sentiment and Management Earnings Forecast¹

Farzane Yosefiasl², Najme Hajian³, Mahbobeh Safari Khalkiasari⁴

Received: 2021/09/28

Accepted: 2022/02/20

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relation between investor's sentiment and bias in management earnings forecast. To do this, three hypotheses are formulated. The sample consists of 165 firms listed in Tehran Stock Exchange during 2010-2010. The research method is the multivariate regression model using the panel data method. The results of research hypotheses show that investor sentiment has a negative and significant relationship with bias in the management earnings forecasts; In addition, according to the research results, managers' annual earnings forecasts are not more optimistic when investors are optimistic, nevertheless, it is optimistic when investors are pessimistic. However, there is no significant difference between investor sentiment and managers' predictions in firms with higher uncertainty

Keyword: Emotional Tendencies of Investors, Bias in Predicting Managers' Profits, Uncertainty.

JEL Classification: M41, G02

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.27994.2523

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Finance, Khatam University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (yusefiasl@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Finance, Khatam University, Tehran, Iran. (hajiyan.najmeh@gmail.com).

4. M.Sc. Students, Department of Accounting, Faculty of Management and Finance, Khatam University, Tehran, Iran. (mahboube_ss@yahoo.com).

Table of Content

Investor Sentiment and Management Earnings Forecast	1
Farzane Yosefiasl, Najme Hajian, Mahbobeh Safari Khalkiasari	
Corporate Social Responsibility and Cash Value Creation by Emphasizing the Moderating Role of Business Strategy.....	27
Leila Asadi, Seyed Ali Vaez, Alireza Jorjor Zadeh, Ahmad kaabomeir	
Meta-Analysis of Variables Descriptive Statistics in Accounting Journals.....	69
Ali Rahmani, Fatemeh Geramirad, Mahnaz Mahmoudkhani	
Needs Assessment of Accounting Standards for small and medium-sized Entities (SMEs) from the Perspective of Creditors and Financial Information Providers	91
Mohammad reza behmanesh, Mohammad Reza Abbaszadeh, Behzad Kardan	
A Pattern of Implementing Fair Value System in Iran: Focusing on Reporting and Monitoring	123
Gholamreza Karami, Salman Beik Boshrouyeh	
Periodic Cognitive Biorhythmic Cycle and Auditors' Professional Judgment Quality	141
Mohammad Hossin Sangani, Mohammadreza Abdoli, Hasan Valiyan	
Capital Market Reaction to Auditors' Expertise	173
Hanieh Hekmat, Vahid Heydarzadeh Khalife Kandi, Shokoufeh Alizadeh	
Effects of Managers' Behavioral Bias on Decision Making and Financial Information Quality	195
Nazanin Bashirimanesh, Zahra Hajizadeh, Saeed Ghobadi	
A Model of Group Companies Degree and Accounting Information Quality Effects on Initial Public Offering Valuation	225
Mohammad Reza Hooshyar, Roya Darabi, Mirfeyz Fallah	
Identifying the Components of Public Sector Debt Reporting in Iran.....	247
Sasan Mehrani, Mohammad Moradi, Shahpour Esmaeili	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Associate Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)

Executive Manager: Pakkhesal, Azam

Scientific and Literally Editor: Bashirimanesh, Nazanin

English Editor: Ebrahimi, Elaheh

Lay out editor: Hasanzadeh Aliabadi, Marzieh

Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA

Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Professor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Homayoun Saeid, Associate Professor of Gavle University, Swed

Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

This journal is published in collaboration with the Iran Management Accounting Association.

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting
“Scientific Journal”

Spring 2022, Vol 12, Number 43